



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



نماز در ادیان

◀ بررسی عبادت و نیایش در ادیان ▶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز در ادیان

نویسنده:

ابوالقاسم جعفری

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	نماز در ادیان
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۲۵	مقدمه
۲۶	معنای لغوی نماز
۲۹	بخش اول نماز در ادیان الهی
۲۹	اشاره
۳۰	فصل اول: نماز انبیای الهی در قرآن و کتاب مقدس
۳۰	نماز آدم و نوح علیه السلام
۳۱	نماز حضرت ابراهیم
۳۲	نماز ابراهیم علیه السلام ، نماد مبارزه با پرستش شیطان
۳۵	نماز اسماعیل، اسحاق و یعقوب :
۳۷	نماز حضرت شعیب علیه السلام
۳۸	نماز حضرت موسی علیه السلام
۴۰	نماز حضرت داود علیه السلام
۴۲	نماز حضرت سلیمان علیه السلام
۴۴	نماز؛ مبارزه با سحر و جادو
۴۸	نماز حضرت زکریا علیه السلام
۵۰	نماز حضرت عیسی علیه السلام
۵۴	فصل دوم: یهودیت
۵۴	یهودیت
۵۶	تاریخ گسترش
۶۲	فرقه های یهودی

۶۵	سفاردی ها و اشکنازی ها
۶۷	حسیدیم
۶۷	انشعابات جدید
۷۰	گوساله پرستی در تاریخ بنی اسرائیل
۷۱	داوران یا جانشینان حضرت موسی علیه السلام
۷۳	هیکل سلیمان علیه السلام
۷۵	متون مقدس یهودیت
۷۷	تلمود
۸۰	احکام یهود
۸۱	نماز در یهودیت
۸۴	نماز فرادا و جماعت
۸۵	مقدمات نماز
۸۶	پوشش های مخصوص نماز
۹۰	نمازهای روزانه
۹۶	نماز عصر (مینخا یا مینحا)
۱۱۲	مهم ترین اجزای نماز
۱۲۱	اعیاد یهود
۱۲۱	روز شنبه
۱۲۳	عید اول ماه
۱۲۴	سال هفتم یا سال انفکاک
۱۲۴	سال یوبیل
۱۲۴	عید فصح (پسح)
۱۲۵	عید هفته ها
۱۲۵	عید اول سال
۱۲۶	ده روز توبه
۱۲۷	یوم کیپور

۱۳۲	عید سایه بان ها
۱۳۵	عید گشایش (حنوکا)
۱۳۷	عید قرعه ها (پوریم)
۱۴۱	فصل سوم: مسیحیت
۱۴۱	اشاره
۱۴۳	رسالت حضرت عیسی علیه السلام
۱۴۷	حواریون یا رسولان مسیح
۱۴۸	پولس
۱۴۹	بنیانگذاری کلیسا
۱۵۰	گسترش مسیحیت
۱۵۲	پاپ ها
۱۵۳	نارضایتی علیه پاپ
۱۵۴	کاتولیک
۱۵۵	ارتدکس
۱۵۶	پروتستان
۱۵۶	کتاب مقدس مسیحیان
۱۵۸	اناجیل
۱۵۸	اعمال رسولان
۱۵۹	نامه های رسولان
۱۵۹	مکاشفه
۱۵۹	شعائر و عبادات
۱۶۰	هفت آیین مقدس
۱۶۸	اعیاد مسیحیت
۱۷۰	اصل نماز در عصر عیسی علیه السلام
۱۷۴	نماز حواریون
۱۷۵	تاریخچه نماز مسیحی

۱۷۹	عبادت هفتگی
۱۸۰	اجرای عشای ربانی
۱۸۱	نمازهای روزانه مسیحیان
۱۸۳	نیاز متینز (نماز صبح)
۱۸۸	نماز لودز
۱۸۸	نماز پرایم
۱۸۸	نماز ترسه
۱۸۹	نماز بیکت
۱۹۰	نماز نون
۱۹۰	نماز وِسپِرز
۱۹۳	نماز کامپلین
۱۹۴	تحلیل محتوای نمازها
۱۹۶	آیین نیایش سریانی شرق
۱۹۷	نمونه ای از نماز ساده شده مسیحیان
۱۹۹	آداب نماز در مسیحیت
۲۰۱	فصل چهارم: آیین زردشت
۲۰۱	اشاره
۲۰۲	سرگذشت زردشت
۲۰۴	تعالیم زردشت
۲۰۵	امشاسپندان
۲۰۶	اوستا
۲۰۸	نماز در آیین زردشت
۲۱۳	جشن گاه
۲۱۴	آمادگی برای نماز
۲۱۵	نماز روزانه
۲۱۷	آغاز و انجام نماز

۲۱۸	طهارت آیینی
۲۱۹	سدره و کشتی
۲۱۹	دعای بستن کمر بند مقدس
۲۲۱	ترتیب نماز
۲۲۲	دعای آمدن منجی موعود در نماز
۲۲۳	پیمان دین (کلمه شهادت)
۲۲۴	نماز در آتشکده
۲۲۸	فصل پنجم: صابیان
۲۲۸	آیین صابئی
۲۳۰	نماز صابیان
۲۳۳	بخش دوم نماز در ادیان غیر الهی
۲۳۳	اشاره
۲۳۴	فصل ششم: آیین هندو
۲۳۴	اشاره
۲۳۵	کتاب های مقدس
۲۳۷	اوپانیشادها
۲۳۸	اعتقادات اصلی
۲۳۹	خدایان سه گانه
۲۳۹	قانون کرمه و تناسخ
۲۴۰	طبقات اجتماعی
۲۴۲	ثنویت هستی شناختی
۲۴۳	یوگا و عبادت
۲۴۵	عبادت در آیین هندو
۲۴۹	نماز در آیین هندو
۲۵۰	منتره های روزانه
۲۵۲	گیاتری منتره

۲۵۴	سahasرانااما
۲۵۶	لكشارچنا
۲۵۶	موضوع نماز در آیین هندو
۲۵۹	فصل هفتم: آیین بودا
۲۵۹	آیین بودا
۲۶۲	آیین بودای هینه یانه (تیره واده)
۲۶۷	آیین بودای مهاییانه
۲۷۰	آیین بودای وُجره یانه
۲۷۲	کتاب مقدس بودایی
۲۷۳	عبادت بودایی ها
۲۷۵	عبادات روزانه
۲۷۶	گونگیو
۲۷۷	پاک بوم
۲۷۸	جودو شینشو و جودوشو
۲۷۸	شینگون
۲۷۹	نیچیرن
۲۷۹	نیچیرن دایشونین
۲۸۱	نیچیرن شو
۲۸۱	آیین های به یاد داشتن مردگان
۲۸۲	دیانه بودایی
۲۸۶	نماز مونلام
۲۸۹	فصل هشتم: آیین جینه
۲۸۹	آیین جینه
۲۹۰	آموزه های اساسی
۲۹۲	فرقه های اصلی
۲۹۲	کتاب های مقدس

۲۹۳ نماز در آیین جینه
۲۹۷ فصل نهم: آیین سیک
۲۹۷ آیین سیک
۲۹۸ گوروهای ده گانه
۳۰۰ پنج کاف
۳۰۱ عبادت در گوردوارا
۳۰۳ معبد طلایی سیک ها
۳۰۴ نماز در آیین سیک
۳۰۷ فصل دهم: آیین کنفوسیوس
۳۰۷ آیین کنفوسیوس
۳۰۹ احیای آموزه ها
۳۱۰ آثار
۳۱۰ تعالیم
۳۱۲ اصول اخلاقی
۳۱۳ عبادت در آیین کنفوسیوس
۳۱۹ فصل یازدهم: آیین دائو
۳۱۹ آیین دائو
۳۲۰ عقاید اصلی
۳۲۳ مناسک و آیین ها
۳۲۷ دین رسمی
۳۲۸ عبادت در آیین دائو
۳۳۱ زیارتگاه های خانگی
۳۳۲ خدمات معبدی
۳۳۳ رعایت های دینی و زیارت ها
۳۳۴ سال نو چینی
۳۳۷ تثلیث دانویی

۳۳۹	فصل دوازدهم: آیین شینتو
۳۳۹	اشاره
۳۳۹	مفهوم کامی
۳۴۰	تاریخ گسترش
۳۴۲	کتاب های شینتو
۳۴۳	انشعابات اصلی
۳۴۴	عبادت معبدی
۳۴۵	عبادت فردی
۳۴۹	کتاب نامه فارسی
۳۵۱	کتاب نامه انگلیسی
۳۵۵	درباره مرکز

نماز در ادیان

مشخصات کتاب

سرشناسه: جعفری، ابوالقاسم، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: نماز در ادیان/ ابوالقاسم جعفری؛ کاری از مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز.

مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۴۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۰/۵ س.م.

شابک: دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۱۶-۴؛ ۷۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۱۴-۰:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه:ص. ۳۳۷-۳۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نماز -- مطالعات تطبیقی

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز. مرکز تخصصی نماز

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: BP۱۸۶/ج۷۵ ن ۸ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۶۴۷۹

ص: ۱

اشاره

شناسنامه کتاب

صفحه آرا: رضا فریدی

ص: ۲

اگر ادیان را به دو بخش ادیان الهی و ادیان غیرالهی تقسیم کنیم، ادیان الهی عبارتند از: یهودیت، مسیحیت، اسلام، زردشت و صابئین؛ و ادیان غیرالهی عبارتند از آیین های: هندو، بودا، سیک، دائو، کنفوسیوس و شینتو. آیین "سیک" در هند تلفیقی از آموزه های اسلام و هندوست و از آنجا که توحید را از اسلام گرفته است شباهت بسیاری به ادیان الهی دارد، ولی بنیانگذار آن، یعنی نانک، پیامبر نبود و ادعای نبوت نیز نداشت و به همین دلیل از نظر ما جزو ادیان الهی شمرده نمی شود.

ادیان الهی دارای عبادات و نمازهای روزانه مشابه هستند و این نمازها به توصیه بنیانگذاران آن ادیان بوده است، اما در ادیان غیر الهی، بخش مهمی از عبادات روزانه، تربیت نفس و انضباط درون است. در آیین هندو از خدایان تجلیل شده و سپس حاجت ها به درگاه آنان عرضه می شود، اما در بسیاری از معابد شینتویی و بودایی ژاپن، کسی که به زیارت معبد رفته است، آمرانه از خدای معبد نیازهای خود را می طلبد و عنصر

تحمید، تجلیل و ستایش از خدای معبد بسیار کم رنگ است. اگر خواسته زائر محقق شد دوباره به معبد باز می گردد و در روی کاغذ یا تکه چوبی مراتب تشکر خود را ابراز می دارد و اگر خواسته اش محقق نگردید، معبد دیگری را برای خود برمی گزیند. از این رو، غرض از دعا و نیایش در معابد ژاپنی نه بخشایش گناهان یا کسب سعادت روحی، که بهزیستی تن و کامیابی این جهانی است. (۱)

در تحقیق حاضر ناگزیریم، به تسامح هرگونه نیایش به درگاه خدا یا خدایان را که با نوعی آیین، به ویژه رکوع و یا سجده همراه باشد "نماز" بنامیم تا شامل ادیان غیرالهی نیز بشود.

معنای لغوی نماز

"نماز" واژه ای است که در زبان پهلوی، درست به همین صورت امروزی آن، به معنای "احترام"، "تعظیم" و "ستایش" وجود داشته است. (۲) اصل آن نیز در زبان اوستایی از ریشه "نمه"، به معنای میل و گرایش، کرنش، خم شدن، درود و ستایش است (۳) و نخستین فراز از بخش گاهانِ اوستا_ که تاریخ سرایش آن به

ص: ۱۴

۱- پاشایی، ع، جان ژاپنی، ص ۲۷.

۲- Mckenzi , Consice Pahlavi-english dictionary , namāz

۳- بهرامی، احسان، فرهنگ واژه های اوستا، ص ۸۳۰.

سه هزار سال پیش برمی گردد، با این عبارت شروع می شود: "اینک در آغاز با دست های برافراشته، تو را نماز می گزارم". (۱) هم چنین در زبان سنسکریت، واژه "نَمَس" به معنای "خم شدن"، "اطاعت کردن"، "ستایش کردن" و "تهنیت همراه با احترام زیاد نسبت به خدایان" است. (۲) وجود واژه "نماز"، هم در اوستا و هم در متون مقدس هندی، مانند رامایانه، گواه آن است که اولاً، این واژه متعلق به اقوام آریایی بوده و قدمت بسیاری دارد و ثانیاً، اصطلاح نماز خطاب به خداوند و به منظور تکریم و پرستش به کار می رفته است.

نماز در فارسی امروز، ترجمه واژه "صلات" در قرآن کریم است. اصل واژه "صلات" از زبان آرامی، به معنای "رکوع" و "خم شدن" وارد زبان عبری شده و در این زبان، به معنای صلوات آمده است؛ برای مثال، در کتاب دانیال (باب ۶، آیه ۱۱) آمده است:

دانیال... پنجره های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می زد و دعا می نمود و چنان که قبل از آن عادت داشت، نزد خدای خویش دعا می کرد و تسبیح می خواند.

ص: ۱۵

۱- دوستخواه، جلیل، اوستا، ج ۱، ص ۸.

۲- English-Sanskrit Dictionary , namas

به گواهی لغتنامه عبری (۱)، در اینجا آنچه به "دعا" ترجمه شده، واژه "صلوات" است و نشان می دهد آنچه دانیال نبی ۷ انجام می داد نمازهای سه گانه روز بوده است. پس از مدتی واژه "صلوات" از زبان عبری وارد زبان عربی شد. یهودیان واژه "صلوته" را به صورت های مختلف استفاده می کردند که یکی از آنها به معنای محل صلوات یا کنیسات. قرآن کریم نیز در آیه: **N** **وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعٍ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲) M** واژه "صلوات" را به معنای "کنیساتهای یهود" گرفته است که منظور، محل نماز و صلوات آنان بوده است.

ص: ۱۶

۱- [۱] Prideaux, Samuel. Gesenius' Hebrew to the Old Testament , P.۷۰۹.

۲- حج، آیه ۴۰.

بخش اول نماز در ادیان الهی

اشاره

ص: ۱۷

نماز آدم و نوح علیه السلام

درباره حضرت آدم و نوح علیه السلام در قرآن کریم کلمه "صلوات" نیامده است، اما طبق سخن قرآن کریم آنها افرادی مستجاب الدعوه و دارای دعا و نیایشی مخصوص به خود بودند^(۱). و اگر به حدیث مشهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجه شود که فرمود: "الدعاء مِئْخُ العباده"، و طبق آیه شریفه که درباره حضرت نوح علیه السلام می فرماید: {فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ}^(۲) می توان به حضرت نوح و با استدلالی مشابه برای حضرت آدم نیز نماز مخصوص به آن حضرات را نسبت داد.

ص: ۱۸

۱- اعراف، آیه ۲۳ و هود، آیه ۴۷.

۲- قمر، آیه ۱۰.

اسماعیل را فرمان دادیم: خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان، پاکیزه دارید. (۱)

این آیه در بیان نقش اصلی و تأسیسی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام در اقامه نماز کاملاً گویاست. به عقیده اهل کتاب، حضرت ابراهیم علیه السلام حدود دو هزار سال قبل از میلاد در شهر "اور" در بابل به دنیا آمده است. دو اتفاق بسیار مهم در تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام وجود دارد که در تورات کنونی اشاره ای به آنها نشده است. یکی از آن دو، موضوع بت شکنی و به آتش افکنده شدن ایشان به دست نمرود و دیگری، داستان بنای کعبه به همراه پسرش اسماعیل علیه السلام (۲) است. از آنجا که این فرزند در پیری به او عطا شد (۳)، بنای کعبه نیز باید در اواخر عمر شریف وی صورت گرفته باشد. شاید به همین دلیل باشد که خانه کعبه نزد اهل کتاب، مقدس شمرده نمی شود.

نماز ابراهیم علیه السلام، نماد مبارزه با پرستش شیطان

در دنیای باستان، پرستش صور گوناگونی داشت. برخی از مردم به جهت ترس از مردگان به نیاپرستی روی آورده بودند که

ص: ۲۰

۱- بقره، آیه ۱۲۵.

۲- بقره، آیه ۱۲۷.

۳- ابراهیم، آیه ۳۹.

نمونه آن را در ادیان چین و ژاپن می توان مشاهده کرد. حتی برخی معتقدند، بت ها در مواردی مجسمه نیاکان بوده اند. قربانی نیز یکی دیگر از صور پرستش در دنیای باستان بود. این آیین جهت فرونشاندن خشم خدایان انجام می شد و از قربانی انسان ها تا حیوانات و یا ریختن جرعه ای آب و شراب و نیز به آتش افکندن کودکان را شامل می شد. در بابل رسم بود که هر خانواده ای نخستین کودک خود را به کاهنان معابد می سپرد تا به درگاه خدایان قربانی کنند.

خداوند در معجزه ای، آتش را بر ابراهیم خلیل علیه السلام سرد کرد تا به مردم ثابت کند او مردی عادی نبوده و راستگوست و در دستوری معجزه آمیز او را مأمور ساخت تا فرزندش را به مذبح ببرد و برای خدا قربانی کند، اما در آخرین لحظه امر فرمود که قربانی کردن "فرزند"، خواسته ای الهی نیست و به جای آن حیوانی را قربانی کنند. این حکایت در دنیای زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به شدت شیوع یافت و از آنجا که مردم معجزه سرد شدن آتش برای ابراهیم علیه السلام را به چشم خود دیده بودند، به سخن خدای ابراهیم نیز گوش کرده و از اهدای کودکان خود به معابد سر باز زدند. به این ترتیب، رسم قربانی کردن انسان ها در آن زمان از بین رفت و فقط به صورت معدودی در برخی از نقاط دورافتاده جهان باقی ماند. در ادامه، خداوند به جای قربانی

فرزندان و پرستش خدایان دروغین معابد، به ابراهیم خلیل علیه السلام دستور داد تا خانه توحید را در مکه برای نماز بسازد و به مردم بیاموزد چگونه برای خدا نماز بگذارند.

برخی معتقدند، قربانی کودک به دست کاهنان معابد در بابل باستان، به جهت پرستش شیاطین بوده است. گرایش به عبادت جن و پناه بردن برخی از افراد نادان به آن‌ها، بارها در قرآن مجید نکوهش شده است (۱). برای مثال، خداوند متعال در سوره مبارکه "انعام" می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ﴾ (۲) علامه طباطبائی در تفسیر این آیه آورده است:

مشرکین سه طایفه از موجودات را می‌پرستند: ملائکه، جن و قدیسین از بشر را. و اجنه به پرستش بت پرستان راضی بوده‌اند. اجنه همان کسانی هستند که وثنی‌ها آنها را مبادی شرور و پیدایش فساد در عالم می‌دانستند، و آنها را می‌پرستیدند، برای اینکه از شرشان محفوظ بمانند، هم چنان که ملائکه را می‌پرستیدند، تا خیرات آنان را به سوی خود سرازیر کنند. (۳)

به این ترتیب، مشخص می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام نخستین

ص: ۲۲

۱- انعام، آیه ۱۰۰؛ سبأ، آیه ۴۱؛ جن، آیه ۶.

۲- انعام، آیه ۱۰۰.

۳- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۵۸۳.

کسی است که با شیطان(۱) پرستان زمان خویش مبارزه اساسی کرده و نماز را در مقابله با شرک به مردم آموخته است.

نماز اسماعیل، اسحاق و یعقوب :

حضرت ابراهیم علیه السلام پیوسته دعا می کرد که خداوند او و ذریه اش را از نمازگزاران قرار دهد(۲). این مهم فقط با امر تربیتی خانواده و فرزندان به اقامه نماز میسر می شد؛ چنان که خداوند می فرماید:

{وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا} (۳).

هم چنین در سوره "انبیا" به مهاجرت ابراهیم علیه السلام و مواهب الهی به او و ویژگی های اسحاق و یعقوب علیه السلام اشاره کرده و می فرماید:

{وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ} (۴)

از آیه شریفه چنین برمی آید که گویا درباره نحوه انجام عمل

ص: ۲۳

۱- «شیطان» به معنای جن کافر و متمرد است. خود ابلیس نیز از جنیان بود و کفر ورزید.

۲- ابراهیم، آیه ۴۰.

۳- مریم، آیات ۵۴ تا ۵۵.

۴- انبیاء، آیات ۷۲ _ ۷۳.

خیر و نیز نماز و زکات به حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب: اعطا فرموده و این بزرگواران به نوعی مؤسسان نمازهای کامل تر یکتاپرستان شده اند. متأسفانه، در تورات درباره برخی از انبیا و از جمله حضرت یعقوب علیه السلام داستان های عجیبی نقل شده است؛ از سویی، گزارشی از دعا و مناجات آنان با خدا را می آورد و از سوی دیگر، از کشتی گرفتن یعقوب با خدا و حتی غلبه او بر خدا صحبت می کند و حتی به دلیل اینکه در کشتی بر خدا پیروز می شود، خداوند نیز لقب "اسرائیل" را به او می دهد (۱). در تورات آمده است که خداوند بارها به حضرت ابراهیم علیه السلام وعده نسل فراوان داد، اما این اتفاق تا دوران پیری آن حضرت تحقق نیافت و در آن هنگام، هاجر، کنیزی که ساره به شوهر خود بخشیده بود، پسری را به دنیا آورد که "اسماعیل" نام گرفت. پس از چهارده سال، ساره به امر الهی فرزندی به دنیا آورد و او "اسحاق" نامیده شد. تورات داستان ذبح فرزند به دست حضرت ابراهیم علیه السلام را می آورد، ولی می گوید حضرت ابراهیم علیه السلام مأموریت یافت حضرت اسحاق علیه السلام را قربانی کند و حتی این موضوع را با اسحاق در میان گذاشت و به او گفت: "ای پسر من، خدا بزه

ص: ۲۴

۱- تکوین، باب ۳۲، آیه ۲۸.

قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت (۱)". اما قرآن مجید این واقعه را چنین توضیح می دهد:

{فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمِرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ} (۲)

به این ترتیب، طبق سخن قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام اصل ماجرا را با فرزند خود که طبق سنت اسلامی، اسماعیل علیه السلام است در میان گذاشت. یهودیان به دلیل اینکه معتقدند از نسل اسحاق هستند و ابراهیم، اسحاق را به مذبح برده است خود را قوم برگزیده و برتر از فرزندان اسماعیل علیه السلام می دانند.

نماز حضرت شعیب علیه السلام

تورات _ شعیب علیه السلام را کاهن شهر مدین و استاد موسی علیه السلام و عالم به شرع و قربانی گذار برای خداوند توصیف می کند (۳)، اما قرآن کریم جایگاه و منزلت شعیب را از این نیز بالاتر دانسته و او را عجین با نماز و نیایش توصیف می کند، به گونه ای که اهالی مدین مطمئن بودند که او از طریق برپایی نماز به الهامات الهی

ص: ۲۵

۱- تکوین، باب ۲۲، آیه ۸.

۲- صافات، آیه ۱۰۲.

۳- خروج، باب ۱۸، آیه ۱۰۲.

می رسد و امر و نهی هایی که به مردم دارد، در ارتباطی عمیق با نمازهای اوست:

{قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ} (۱)؛ گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!

نماز حضرت موسی علیه السلام

قرآن کریم نخستین دستور خداوند به حضرت موسی علیه السلام را عبادت و اقامه نماز بیان می کند: {إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} (۲). در روایات معصومان: نیز نکات جالبی درباره زندگی حضرت موسی علیه السلام آمده است که ثابت می کند ایشان پیش از رسالت نیز اهل نماز و مناجات بوده اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی، علت برگزیده شدن موسی علیه السلام را چنین توصیف کردند:

خداوند به حضرت موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد: ای موسی! من بندگانم را مورد بررسی کامل قرار دادم؛ در آن میان، هیچ کس را به اندازه تو در برابر خود متواضع و فروتن نیافتم. ای

ص: ۲۶

۱- هود، آیه ۸۷.

۲- طه، آیه ۴۲.

موسی! هرگاه نماز می گزاری، گونه ات را روی خاک می نهی. (۱)

قرآن کریم در آیه دیگری اشاره دارد که بر موسی علیه السلام و برادرش هارون وحی شد که نماز را برپا دارند (۲). در تورات نیز نماز و نیایش حضرت موسی در موارد متعددی ذکر شده است؛ برای مثال، هنگامی که پیروزمندانه از حضور فرعون برمی گشت (۳)؛ یا هنگامی که بلایی مانند آتش (۴) و نیش مار (۵) فرو نشانده می شد، ایشان به درگاه خداوند نماز برد. هم چنین تورات گواهی می دهد که دعاهای حضرت موسی علیه السلام به درگاه خداوند مستجاب می شد (۶).

یهودیان تاریخ زندگی علیه السلام حضرت موسی علیه السلام را میان ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ پیش از میلاد می دانند. در باب سوم سفر "خروج" می خوانیم که حضرت موسی علیه السلام در بیابان حوریب در دامنه کوه، صدای خدای متعال را از میان آتشی از بوته خار شنید که با او سخن می گوید.

طبق گزارش تورات، خداوند در این دیدار وعده داد تا

ص: ۲۷

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۲۳، باب التواضع.

۲- یونس، آیه ۸۷.

۳- خروج، باب ۱۰، آیه ۱۸.

۴- اعداد، باب ۱۱، آیه ۲.

۵- اعداد، باب ۲۱، آیه ۹.

۶- اعداد، باب ۱۴، آیه ۲۱.

بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات دهد و سرزمین کنعان و حدود آن را، که اماکن پربرکتی بودند، به ایشان عطا کند. هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی علیه السلام مأموریت یافت برای گفت و گو با خداوند به بالای طور سینا برود. وی در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمان های خداوند بر آنها نقش بسته بود. قرآن کریم از "الواح" به صیغه جمع نام می برد(۱). به گفته _تورات_(۲)، روی آن دو لوح، "ده فرمان" بسیار مهم و معروف منقوش بوده است به این شرح: ۱. برای خود خدایی جز من نگیرید؛ ۲. به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرامی بدارید؛ ۵. پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. مرتکب قتل نشوید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. دزدی نکنید؛ ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید.(۳)

نماز حضرت داود علیه السلام

حضرت داود علیه السلام در _تورات_، قهرمان نماز و مناجات با خداوند است، به طوری که _مزامیر_ داود بخش اصلی نمازهای یهودیان و

ص: ۲۸

۱- اعراف، آیه ۱۴۵.

۲- خروج، باب ۲۰ و تثنيه، باب ۵.

۳- [۳] - توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۸۳.

مسیحیان امروز را تشکیل می دهد. در _تورات_ در بخش مزامیر داود، ۱۵۰ مزمور (سرود) وجود دارد که از این میان فقط ۷۵ مزمور را به خود حضرت داود علیه السلام نسبت می دهند. این مزامیر را به سه بخش تقسیم کرده اند: تسیحات که به صورت گروهی انجام می شود؛ نمازهای استغاثه؛ شعائر و تعالیم. قرآن کریم نیز کثرت دعا و عبادت حضرت داود علیه السلام را تصدیق می کند و می فرماید:

{وَأذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَا بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ(۱)} ؛ ([ای پیامبر!] بر آنچه می گویند شکایا باش و بنده ما داود را یاد کن که صاحب قدرت بود، اما با این حال، همواره روی به سوی درگاه ما داشت. همانا ما کوه ها را رام کردیم تا شامگاهان و بامدادان، همراه او تسبیح گویند.

در _تورات_ نیز این ناله و انابه، دست کم روزی سه مرتبه از حضرت داود گزارش شده است که به معنای سه مرتبه نماز در روز است:

و اما من نزد خدا فریاد می کنم و خداوند مرا نجات خواهد داد. شامگاه و صبح و ظهر شکایت و ناله می کنم و او آواز مرا خواهد شنید.(۲)

ص: ۲۹

۱- ص، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲- مزامیر، مزمور ۵۵، آیات ۱۶ و ۱۷.

هم چنین از حضرت داود علیه السلام روزی هفت مرتبه نماز و نیایش گزارش شده است: "هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می خوانم، برای داوری های عدالت تو." (۱) این آیه از مزامیر بعداً مبنای نمازهای هفت گانه مسیحیان شد. هم چنین به نظر می رسد نخستین کسی که نماز جماعت بزرگ ترتیب داد و الگویی برای نمازهای جمعی بعد از خود شد، حضرت داود علیه السلام باشد. برای مثال، در مزمور ۹۵ (آیه ۶) حضرت داود به قوم و لشکریان خود دستور می دهد: "بیاید عبادت و سجده کنیم و به حضور آفریننده خود یهوه زانو بزنیم."

نماز حضرت سلیمان علیه السلام

قرآن کریم حضرت سلیمان علیه السلام را موهبتی الهی بر داود علیه السلام می شمارد: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (۲)؛ و سلیمان را به داود بخشیدیم. چه نیکو بنده ای! به راستی او توبه کار [و ستایشگر] بود. قرآن کریم در ادامه این آیه از حکایتی سخن می گوید که معرکه آرای بسیاری نزد مفسران شده است:

﴿إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ

ص: ۳۰

۱- مزامیر، مزمور ۱۱۹، آیه ۱۶۴.

۲- ص، آیه ۳۰.

تفسیر برگزیده علامه طباطبایی؛ این است که حضرت سلیمان علیه السلام از اسبانی که برای جهاد آماده می شدند، سان می دید و از شدت علاقه به تماشای آنها از نماز اول وقت باز ماند. سپس بلافاصله خود را ملامت کرد و به ملائکه دستور داد تا خورشید را برگردانند تا ایشان نماز را اول وقت بخواند. هم چنین یکی از دو تفسیر آیه: { فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ } این است که: سلیمان شروع کرد پاها و گردن خود را دست کشیدن و به اصحاب خود نیز دستور داد این کار را بکنند، و این در حقیقت وضوی ایشان بود. آن گاه او و اصحابش نماز خواندند. (۲)

آیه: { قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ } (۳) و مستجاب شدن دعای حضرت سلیمان نیز نخست نشان می دهد که ایشان مانند پدرش حضرت داود علیه السلام مستجاب الدعوه و لابد، اهل نماز و مناجات مدام بوده است، و دوم اینکه خداوند دعای آن حضرت را استجابت کرد و چنان مُلْك و قدرتی را به ایشان عطا فرمود که در تاریخ انبیا: نظیر نداشته است. درباره اینکه چرا حضرت سلیمان علیه السلام چنین تقاضای

ص: ۳۱

۱- ص، آیات ۳۱ - ۳۳.

۲- [۲] - المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۳- ص، آیه ۳۵.

عجیبی کرد، نظریات فراوانی گفته شده است. همان گونه که در تفاسیر نیز آمده است، درخواست مُلک و قدرتی که برای همیشه بی نظیر باشد، شائبه کبر و غرور را به ذهن متبادر می کند، اما به نظر می رسد ایشان از درخواست چنین ملکی نیز نیت و منظور الهی داشته است. به نظر می رسد، خواسته ایشان در رابطه با شیوع بی سابقه سحر و جادو در آن زمان بوده است. سلیمان نبی علیه السلام چنین ملکی را خواست تا بتواند در مقابل شیاطینی که کفر ورزیده و مردم را به گمراهی کشانده بودند، ایستادگی کند و برای همیشه سحر و جادویی را که از شیاطین فرا می گرفتند، با احیای خانه ای برای نماز (بیت المقدس) از بین ببرد.

نماز؛ مبارزه با سحر و جادو

میان حضرت ابراهیم علیه السلام تا حضرت سلیمان علیه السلام بیش از هزار سال فاصله بوده است. در طی این مدت، بار دیگر بنی اسرائیل به انحراف کشیده شدند، به طوری که در زمان حضرت سلیمان علیه السلام ارتباط با شیاطین و اجنه و سحر و جادو بار دیگر رونق گرفت. از این رو، حضرت سلیمان نیز مطابق با نیازهای آن زمان، معجزه ای بی نظیر از خدا طلب کرد تا با حکومت بر اجنه و مهار آن ها، مردم را از شروری که از این طریق به آنان می رسید رها کند. سپس سلیمان نبی به اقدامی اساسی در مبارزه با شرک

دست زد و آن احیای نماز با ساختن قبله ای برای یکتاپرستان بود که به "بیت همیقداش" یا "بیت المقدس" و یا "هیكل سلیمان" معروف است. این بنا قبله نماز گزاران شد و نشان داد که نماز تنها وسیله رهایی از شرک است که در آن زمان خود را در کسوت سحر و جادو نشان داده بود. قرآن مجید درباره انحرافات جامعه آن روز بابل چنین گزارش می دهد:

لَوْ أَتَّبِعُوا مَا تَتَّبَعُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِكَ سَلِيمًا وَمَا كَفَرُوا سَلِيمًا وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمَرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾؛ و آنچه را که شیاطین در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و سلیمان کفر نورزید، ولی آن شیطان ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی کردند، مگر آنکه [قبلاً به او] می گفتند: "ما [وسیله]

ص: ۳۳

۱- بقره، آیه ۱۰۲.

آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی. " پس آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره ای ندارد. و که چه بد بود آنچه به جان خریدند، اگر می دانستند!

در تورات آمده است: هنگامی که حضرت سلیمان "هیكل" را بنا کرد، پیش مذبح خداوند در حضور تمامی جماعت اسرائیل ایستاده، دست های خود را به سوی آسمان برافراشت و مناجاتی طولانی کرد و اهداف و منافی را که از بنای هیكل در نظر داشت، به تفصیل برشمرد و از خداوند مسئلت کرد؛ از جمله عرضه داشت:

ای یهوه!... تضرع بنده ات و قوم خود اسرائیل را که به سوی این مکان دعا می نمایند بشنو... و چون شنیدی عفو نما. اگر کسی به همسایه خود گناه ورزد و قسم بر او عرضه شود که بخورد و او آمده پیش مذبح تو در این خانه قسم خورد، آن گاه از آسمان بشنو و عمل نموده به جهت بندگانت حکم نما و شیران را ملزم ساخته راه ایشان را به سرایشان برسان و عادلان را عادل شمرده ایشان را بر حسب عدالت

ایشان جزا ده. و هنگامی که قوم تو اسرائیل به سبب گناهی که به تو ورزیده باشند به حضور دشمنان خود مغلوب شوند، اگر به سوی تو بازگشت نموده اسم تو را اعتراف نمایند و نزد تو در این خانه دعا و تضرع نمایند، آن گاه از آسمان بشنو و گناه قوم خود اسرائیل را بیامرز....(۱)

تورات_ می گوید مدتی بعد از این مناجات، خدا بر سلیمان ظاهر شد و چنین هشدار داد:

دعا و تضرع تو را که به حضور من کردی اجابت نمودم و این خانه ای را که بنا نمودی تا نام من در آن تا به ابد نهاده شود تقدیس نمودم و چشمان و دل من همیشه اوقات در آن خواهد بود. پس اگر تو با دل کامل و استقامت به طوری که پدرت داود رفتار نمود به حضور من سلوک نمایی و هر چه تو را امر فرمایم به جا آوری و فرایض و احکام مرا نگاه داری، آن گاه کرسی سلطنت تو را بر اسرائیل تا به ابد برقرار خواهم گردانید، چنان که به پدر تو داود وعده دادم و گفتم که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند مفقود نخواهد شد. اما اگر شما و پسران شما از متابعت من روگردانیده اوامر و فرایضی را که به پدران شما دادم نگاه ندارید و رفته خدایان دیگر را عبادت نموده آنها را

ص: ۳۵

۱- اول پادشاهان ، باب ۸، آیه ۲۲.

سجده کنید، آن گاه اسرائیل را از روی زمینی که به ایشان دادم منقطع خواهم ساخت و این خانه را که به جهت اسم خود تقدیس نمودم از حضور خویش دور خواهم انداخت و اسرائیل در میان جمیع قوم ها ضرب المثل و مضحکه خواهد شد. و این خانه عبرتی خواهد گردید به طوری که هر که نزد آن بگذرد متحیر شده صفیر خواهد زد و خواهند گفت: یَهُوه به این زمین و به این خانه چرا چنین عمل نموده است؟ و خواهند گفت: از این جهت که یَهُوه خدای خود را که پدران ایشان را از زمین مصر بیرون آورده بود ترک کردند و به خدایان دیگر متمسک شده آنها را سجده و عبادت نمودند (۱).

به گواهی تاریخ، پس از سلیمان نبی علیه السلام بنی اسرائیل بار دیگر با خداوند پیمان شکنی کردند. پس معبد سلیمان گرفتار مشرکان شده و ویران گردید و وعده خداوند تحقق پیدا کرد.

نماز حضرت زکریا علیه السلام

قرآن کریم درباره اجابت دعای زکریا علیه السلام و بشارت تولد یحیی علیه السلام می فرماید:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى

ص: ۳۶

مُصِدًّا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حُصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۱)؛ و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نماز بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به یحیی بشارت می دهد؛ (کسی) که کلمه خدا [مسیح] را تصدیق می کند و رهبر خواهد بود و از هوس های سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

در انجیل لوقا_ این داستان چنین آمده است:

در ایام هیروودیس، پادشاه یهودیه، کاهنی زکریا نام از فرقه ایبا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت. و هر دو در حضور خدا صالح و به جمیع احکام و فرایض یَهُوه بی عیب سالک بودند. و ایشان را فرزندی نبود، زیرا که ایصابات نازاد بود و هر دو دیرینه سال بودند. و واقع شد که چون به نوبت فرقه خود در حضور خدا کهانت می کرد. حسب عادت کهانت نوبت او شد که به قدس یَهُوه در آمده بخور بسوزانند. و در وقت بخور تمام جماعت قوم بیرون عبادت می کردند. ناگاه فرشته یَهُوه به طرف راست مذبح بخور ایستاده، بر وی ظاهر گشت. چون زکریا او را دید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی شد. فرشته بدو گفت: "ای زکریا! ترسان مباش، زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و

ص: ۳۷

زوجه ات ایصابات برای تو پسری خواهد زایید و او را یحیی خواهی نامید(۱)."

شایان ذکر است، "کهنات" در فرهنگ مسیحیت و یهودیت معادل "نبوت" است، زیرا مهم ترین کار انبیای بنی اسرائیل در کتاب مقدس، پیشگویی و "انباء" از حوادث آینده بوده و اگر "انباء" درست بود، مردم به آن نبی ایمان می آوردند.

از امام صادق علیه السلام درباره اهمیت نماز و اینکه حضرت زکریا علیه السلام در نماز حاجت خود را گرفتند، چنین نقل شده است:

إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْدِلُ الصَّلَاةَ فَمِنْ ثَمَّ نَادَتْ الْمَلَائِكَةَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ قَائِمٌ يَصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ(۲)؛ طاعت خداوند آن است که انسان در روی زمین خداوند را خدمت کند و چیزی از خدمت او معادل نماز نیست. به همین جهت، در حال عبادت به حضرت زکریا بشارت داده شده است.

نماز حضرت عیسی علیه السلام

قرآن کریم به سخنان عیسی علیه السلام از زبان خود آن حضرت، هنگامی که در گهواره بوده است چنین اشاره می کند:

ص: ۳۸

۱- لوقا، باب ۱، آیات ۱۴-۱۵.

۲- شیخ صدوق ره، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۶۲۳.

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ (۱)؛ و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

پس مشاهده می شود که محتوای نخستین سخن حضرت عیسی علیه السلام با خداوند - همانند حضرت موسی علیه السلام - حول محور توصیه به نماز و زکات است. رسالت عیسی علیه السلام طبق آنچه - انجیل - گزارش می کند، چیزی بیش از تکمیل و احیای دیانت یهود نبوده است؛ به ویژه هنگامی که بدانیم شرایط آن زمان فلسطین نیازمند شریعت جدیدی بود که نقایص شریعت یهود را از بین ببرد. این انحرافات در دین شریعت یهود باعث شده بود که عالمان یهود به مردم ستم کنند. به ویژه به نظر می رسد شریعت یهود از میان تهی شده بود و جنبه های روحی و معنوی آن زایل شده و جای خود را به احکامی خشک و سخت داده بود و نیاز بود تا شعائر یهودی، به ویژه نماز و دعا، تجدید شوند.

بنا بر گزارش تاریخ مسیحیت، حضرت عیسی علیه السلام همانند مادر گرامی شان از ابتدا اهل دعا و مناجات در هیکل سلیمان بود و به همراه دیگر یهودیان در شعائر آنان مشارکت می کرد و از آنجا که در مورد نماز ایشان در کنیسه های یهودی، نزاعی میان ایشان

ص: ۳۹

و بنی اسرائیل گزارش نشده است، پس ایشان تقریباً به سنت یهود نماز می خوانده است. در انجیل مرقس آمده است که حضرت عیسی علیه السلام: "بامدادان قبل از صبح برخاسته بیرون رفت و به ویرانه ای رسیده و در آنجا به دعا [نماز] (۱) مشغول شد." (۲)

ص: ۴۰

-
- ۱- در مسیحیت سه واژه: «دعا»، «نماز» و «ذکر» با واژه «prayer» گفته می شود و باید از روی قرینه ها حدس بزنیم که آیا منظور نماز است یا فقط دعاست، البته صرف دعا را «Supplication» می گویند.
 - ۲- باب ۳۵، آیه ۱.

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ادیان الهی چه نقشی در احیای نماز داشته است؟
۲. اهمیت "هیكل سلیمان" را در رابطه با نماز در یهودیت توضیح دهید.
۳. در فرهنگ یهود کدام یک از پیامبران، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری نمازهای روزانه داشته‌اند؟
منابعی برای مطالعه بیشتر:

۱. قرآن کریم (آیات مربوط به نماز انبیا): و تفاسیر مختلف.
۲. کتاب _تواریخ ایام ۲۱ و ۲_ در _تورات_.
۳. _مزامیر_ داود علیه السلام در _تورات_.
۴. _اناجیل_ چهارگانه و کتاب _اعمال رسولان_ در _عهد جدید_.

یهودیت

یهودیت، اصطلاحی است که به دین قومی به نام "یهود" اطلاق می شود که خود را پیرو تعدادی از انبیای الهی، به ویژه حضرت موسی علیه السلام می دانند و حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان پیامبرانی که ادامه دهندگان راه انبیای بنی اسرائیل بودند، قبول ندارند. در طول تاریخ یهودیت، این دین را دینی قومی انگاشته اند که خود را قوم برگزیده می دانند، اما یهودیان امروز مردمی از نژادها و رنگ های مختلف هستند که ثابت می کند این قوم بارها با اقوام دیگر ممزوج شده است.

تعریف "یهودی" این نیست که لزوماً به عقاید یهودی باور داشته باشد و به احکام یهودیت عمل کند، بلکه یهودی کسی است که متعلق به قوم یهود باشد. بنا بر همین مناسبت که یهودیان سکولاری نیز که به احکام_تورات_ عمل نمی کنند، خود

فرقه های گوناگون یهودی اختلافات عقیدتی بسیاری دارند؛ با وجود این، همه آنها در بعضی از عقاید اصلی مشترکند. این عقاید اصلی عبارتند از: باور به یک خدای واحد، ازلی، غیرمادی و متعال که بر افکار و اعمال مردم آگاه است و سرانجام درباره آنها داوری خواهد کرد. هم چنین، اعتقاد به _تورات_ کتاب مقدس عبری؛ اعتقاد به انبیای بنی اسرائیل، به ویژه حضرت موسی علیه السلام (حدود ۱۳۹۲ تا ۱۲۷۲ پیش از میلاد)؛ عقیده به ارض مقدس و مسیحا یا منجی ای که خواهد آمد. البته برخی از یهودیان، این عقاید اصلی را نیز انکار می کنند.

مسیحیان پیوسته در طول تاریخ، قوم یهود را عامل قتل حضرت عیسی علیه السلام می دانستند و از همین رو با آنان در نزاع بودند. بنابراین، بسیاری از یهودیان در تقیه به سر می بردند و دین خود را آشکار نمی ساختند، اما امروزه این قوم در مسیحیت نفوذ کرده و با آنان به صلح و دوستی رسیده اند، به طوری که در مفاهیمی مانند اشغال سرزمین فلسطین اتفاق نظر پیدا کرده اند.

تعداد یهودیان جهان را تا سال ۲۰۰۷، سیزده تا چهارده میلیون نفر تخمین زده اند که پنج میلیون نفر در آمریکا، و حدود

ص: ۴۳

همین تعداد در فلسطین اشغالی سکونت دارند. دو میلیون یهودی در اروپا، چهارصد هزار نفر در آمریکای لاتین و سیصد هزار نفر در کانادا زندگی می کنند. در ایران و برخی کشورهای عربی نیز یهودی وجود دارد که به زبان فارسی و عربی صحبت می کنند. تعدادی از یهودیان نیز به خاطر وجود معادن الماس به آفریقای جنوبی مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شده اند. یهودیت، تقریباً دوازدهمین دین جهان از نظر تعداد پیروان است.

تاریخ گسترش

یهودیان معتقدند دینشان در عصر برنز، حدود سه هزار تا چهار هزار سال پیش از میلاد پدید آمد. در زمانی که یهودیت پدید آمد، مردم ساکن نواحی خاورمیانه خدایان مختلفی را پرستش می کردند. تفاوت اصلی این دین با ادیان آن زمان، در پرستش خدای یکتا بود. تاریخ آغاز یهودیت در پنج کتاب یا اسفار خمسه به نام _تورات_ آمده است. نخستین نقطه عطف تاریخ یهودیت، بعثت حضرت ابراهیم علیه السلام (حدود ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰ پیش از میلاد) بود که خداوند او را به رهبری قوم بنی اسرائیل انتخاب کرد. بنی اسرائیل به معنای قوم برگزیده خداوند است. نقطه عطف دیگر تاریخ یهودیت، اسارت قوم بنی اسرائیل در مصر و فرار آنها تحت هدایت حضرت موسی علیه السلام است. حضرت موسی علیه السلام ده فرمان را از

خداوند دریافت و به قوم بنی اسرائیل ابلاغ کرد.

از نظر سیاسی، یهودیت هنگامی ساختار مشخصی پیدا کرد که به زعامت شائول (طالوت) (متوفای حدود ۱۰۰۰ تا ۱۰۲۰ پیش از میلاد)، داود علیه السلام (متوفای ۹۶۲ پیش از میلاد) و سلیمان علیه السلام (قرن دهم پیش از میلاد) حکومت تشکیل دادند. سلیمان علیه السلام معبدی بزرگ (معروف به نخستین معبد) را در اورشلیم در قرن دهم پیش از میلاد ساخت. در آنجا در یک اتاق به نام "بیت الاقداس"، تابوت عهد حضرت موسی علیه السلام نگهداری می شد. "تابوت عهد" مجموعه لوح هایی بود که ده فرمان بر آنها حک شده بود؛ از این رو یهودیان، معبد سلیمان و شهر اورشلیم را مقدس و متعلق به خود می دانند.

در ۵۸۶ پیش از میلاد، بخت النصر (نبوکد نزار) پادشاه بابل به یهودیان حمله کرد و نه تنها معبد سلیمان را نابود نمود، بلکه یهودیان را با خود به بابل به اسارت برد. به این دوره از تاریخ یهود دوره "اسارت بابلی" گفته می شود. در سال ۵۱۵ پیش از میلاد کوروش، پادشاه مقتدر ایران، بابل را بدون جنگ و خون ریزی فتح و یهودیان را آزاد کرد. او به همین مقدار قناعت نکرد، بلکه آنها را با دادن اموال و امکانات بسیار به ساخت دوباره معبد سلیمان تشویق کرد. معبد جدید به "معبد دوم" شهرت یافت.

ص: ۴۵

در سال ۱۷۵ پیش از میلاد، پادشاه سوریه به دومین ساختمان بازسازی شده معبد سلیمان حمله و آن را تخریب نمود و تعدادی از یهودیان را نیز نابود کرد. در ۱۶۴ قبل از میلاد یهودیان قیام کردند و معبد سلیمان را پس گرفتند و امروزه جشن "هنوکا" در میان یهودیان به یاد آن قیام برگزار می شود. در سال ۶۳ پیش از میلاد، اورشلیم و فلسطین به تسلط امپراطوری روم (حدود ۳۱ قبل از میلاد تا ۴۷۶ میلادی) درآمد و در پی آن، آنها به آزار یهودیان پرداختند.

تقریباً در اوایل قرن نخست میلادی، گروهی از یهودیان موسوم به "زیلوت ها" شورش را علیه حاکمان رومی ترتیب دادند و در سال ۶۶ میلادی قیامی را به نام "قیام بزرگ" علیه رومیان آغاز کردند. این قیام در سال هفتاد میلادی شکست خورد و رومیان وارد اورشلیم شده و معبد سلیمان را ویران کردند. قیام دیگری در سال ۱۳۲ میلادی اتفاق افتاد که بار دیگر به شکست انجامید و یهودیان از اورشلیم تبعید شدند.

با وجود همه این مشکلات، یهودیت به راه خود ادامه داد و در کشورهایمانند اسپانیا رشد کرد. اسپانیای دوره اسلامی بهترین دوره رشد الهیات یهودی بود، زیرا مسلمانان به دلیل قرابتی که میان عقاید خود و یهودیت می دیدند، آنان را "اهل کتاب" دانسته و در کنف حمایت خود حفظ کردند. تاریخ گواه آن است

که بزرگ‌ترین آثار علمی یهودیان، مانند آثار عقل‌گرایانه ابن‌میمون در دورانی نوشته شد که تحت حمایت حاکمان مسلمان در کشورهای اسلامی به سر می‌بردند. حاکمان مسیحی، یهودیان را باعث کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام و لذا دشمن مسیحیت می‌دانستند. در سال ۱۰۸۶ تلاش‌هایی صورت گرفت تا اسپانیایی‌ها مسلمان شوند. حاکمان اسلامی در آن زمان، خلفای اموی بودند. اموی‌ها در آن زمان بخش وسیعی از اسپانیا را در سیطره خود داشتند. در اواخر قرن یازدهم بسیاری از یهودیان اروپا، به ویژه آن‌هایی که در آلمان بودند، به دست مسیحیان صلیبی که در راه بازپس‌گیری فلسطین از مسلمانان بودند، کشته شدند. در سال ۱۲۹۰ یهودیان از کشور انگلستان بیرون رانده شدند. در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا نیز بیرون رانده شدند. قوم‌گرایی یهودیان باعث شد در دهه ۱۷۰۰ در اروپای مرکزی و روسیه مورد بی‌مهری و اذیت قرار بگیرند و اگرچه دوباره اجازه یافتند به انگلستان بازگردند، اما عموم مردم اروپا از آنها متنفر بودند.

در پایان قرن نوزدهم، بسیاری از محدودیت‌های زندگی یهودیان مرتفع شد؛ برای مثال، نمی‌توانستند دفتر کار عمومی داشته باشند و یا در دانشگاه‌ها حضور پیدا کنند، اما این تغییرات نیز به آزار یهودیان و نفرت مردم از آنها پایان نداد. از حدود نیمه

قرن نوزدهم گروهی از یهودیان، سودای داشتن وطنی برای خود را با اشغال سرزمین فلسطین در سر پروراندند. این جنبش بعداً "صهیونیسم" نام گرفت.

آغاز توطئه اشغال فلسطین در سال ۱۹۱۷ در "اعلامیه بالفور" تحقق یافت که در آن استعمار پیر، یعنی انگلیس، با تشکیل دولت یهود در فلسطین پس از جنگ جهانی اول موافقت کرد. انگلیس برای فریب عرب های فلسطین، توافق نامه ای شبیه به آن را با آنها نیز امضا کرد. در آن زمان بیشتر کشورهای خاورمیانه مستعمره انگلیس بودند.

در طی جنگ جهانی دوم، حدوداً از ۱۹۳۵ تا پایان جنگ، یعنی ۱۹۴۵، رژیم آلمان نازی به رهبری آدولف هیتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵م.) تعدادی از یهودیان را به دلایلی مبهم به قتل رساند. این کشتار را "هولوکاست" نامیدند و امروزه محققان اروپا و آمریکا مجاز نیستند آزادانه درباره علل وقوع هولوکاست و گستره آن تحقیق کنند، در حالی که هنوز سؤالات بی پاسخ بسیاری درباره علل این حادثه وجود دارد؛ برای مثال، خاندان راتچایلد که صنعت بانکداری اروپا، به ویژه فرانسه را در ابتدای قرن بیستم در دست داشتند، از سویی از سرمایه گذاران بزرگ جنگ های جهانی بودند و احتمالاً همان کسانی بودند که هیتلر را به کشتار یهودیان تشویق کردند و از سوی دیگر، به یهودیان

مناطق مختلف جهان کمک مالی نمودند تا به فلسطین مهاجرت کرده و در آن جا سکنا گزینند. راتچایلدها به قدری در سیاست پشت پرده دنیای آن روز (و امروز) جهان نفوذ داشتند که شخصی مانند جیمز بالفور، وزیر امور خارجه انگلستان، برای تشکیل دولت صهیونیسم ابتدا به طور رسمی از آنها اجازه گرفت.^(۱)

پس از جنگ جهانی دوم اعلامیه سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد، تشکیل دولت یهود را تصویب کرد. فلسطین که پیش تر مستعمره انگلیس بود و اعراب ساکن اصلی آن بودند، با چنین اعلامیه ای به اشغال یهودیان درآمد. بدین ترتیب، انگلیس و سازمان ملل متحد بر اساس افسانه واهی "سرزمین موعود"، مسبب نزاعی تاریخی و خونین میان دو قوم عرب و یهود در این منطقه شدند که تا به امروز ادامه دارد. اعراب و اسرائیل در سال های ۱۹۴۹، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ جنگ هایی داشتند که همیشه عرب ها در آن شکست می خوردند، تا اینکه قرارداد صلحی در ۱۹۷۹ میان مصر و اسرائیل منعقد شد. امروزه حزب الله لبنان به رهبری سید حسن نصرالله نسل جدیدی از اعراب مبارز را تربیت

ص: ۴۹

۱- [۱]. Claude Faure, Dictionari of Israeli- Palestinain Conflict , P.۷ and P.۴۰۷.

کرد که صهیونیست ها را به وحشت انداخت و برای نخستین بار شکست را بر اسرائیل تحمیل کرد و به نقطه عطفی در تاریخ جنگ های اعراب و اسرائیل تبدیل شد.

فرقه های یهودی

پس از قیام یهودیان در سال ۱۶۴ پیش از میلاد، نخستین انشعاب جدی در یهودیت اتفاق افتاد و فرقه هایی پدید آمدند: اسنی ها، صدوقیان و فریسیان. "اسنی ها" صوفی مسلک بودند و دیدگاه های عرفانی و دنیاگیز داشتند. "صدوقیان" که جزو طبقه اشراف و کاهنان جامعه یهود بودند، درباره احکام یهودی محافظه کار یا سستی فکر می کردند و در امور اجتماعی تفکری لیبرال داشته و با تغییرات موافق بودند. صدوقیان، سنت شفاهی _تورات_ را معتبر نمی دانستند. برای صدوقیان مرکز زندگی یهودی، معبد سلیمان بود و مناسک قربانی باید در آنجا انجام می شد. صدوقیان به جای نماز، برای انجام قربانی اهمیت ویژه ای قائل بودند. بسیاری از کاهنان هیکل سلیمان و حاخام های سنهدرین از این فرقه برخاستند و روابط آنان با حاکمان رومی نیز خوب بود. صدوقیان بر خود لازم می دیدند سنت های گذشته را حفظ کنند و از این رو با "تفسیر به رأی" فریسیان و آداب و عادات بدعت آمیز آنان مخالفت می ورزیدند.

آنان قائل به جسمانیت خدا بودند و می گفتند: قربانی و هدایایی که در راه خدا می دهیم، مانند چیزهایی است که به پادشاه یا حاکم بشری تقدیم می کنیم. صدوقیان جاودانگی نفس و قیامت را انکار کرده و می پنداشتند سزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می شود و درباره اراده انسانی به اختیار مطلق معتقد بودند.

"فریسیان" در مقابل صدوقیان قرار داشتند و معتقد بودند خداوند به موسی علیه السلام هم تورات شفاهی داده است و هم تورات مکتوب، و هر دوی این ها قابلیت تفسیر دارند. بنابراین، فریسیان سنت قدرتمند تعلیم و تحقیق درباره متون مقدس، یعنی میدراش را در یهودیت پدید آوردند. ظاهراً برخی از این تفسیرها، تفسیر به رأی بود که بعد موجب نفرین حضرت عیسی علیه السلام بر آنان شد.^(۱)

همان گونه که پیش تر گفته شد، جنبش دیگری در قرن اول میلادی از طرف زیلوت ها به وقوع پیوست. جنبش زیلوت ها بیش از آنکه دینی باشد، قوم گرا بود و می خواستند قوم و فرهنگ یهود بالاتر از همه اقوام و فرهنگ های دیگر باشد و به همین امید در سال هفتاد میلادی علیه امپراتوری روم قیام کردند. امپراتوری روم، فرقه های زیلوت و اسنی را از میان

ص: ۵۱

برداشت. صدوقیان نیز با نابودی معبد سلیمان به دست رومیان، نفوذ و اقتدار خود را از دست دادند.

گفتنی است، اسنی ها در برخی جریانات عرفانی بین النهرین تأثیر عمیقی گذاشتند. این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند و با خراب شدن اورشلیم، مانند صدوقیان و بعضی فرقه های دیگر از بین رفتند. اسنیان مالکیت فردی را قبول نداشتند و به ازدواج روی خوش نشان نمی دادند. در روز چندین بار غسل می کردند و برای این منظور، حوض های بزرگی ساخته بودند که در اکتشافات اخیر آنها را از زیر خاک بیرون آورده اند. هنگام طلوع فجر از خواب برمی خاستند و پس از عبادت تا ظهر به کار مشغول می شدند، سپس دست از کار می کشیدند و به طور دسته جمعی ناهار می خوردند و همین طور شام آنان دسته جمعی بود. روز شنبه به طور کلی از کار دست می کشیدند و به عبادت، تفکر و مطالعه _تورات_ می پرداختند. گفته می شود قبله آنان خورشید بود، نه معبد سلیمان و ظاهراً آن را از میتراپرستان گرفته بودند. (۱) سطح معلومات آنان در زمینه تفسیر و عرفان بالا بود و افرادشان نیز در حدود قرن اول میلادی چهار هزار نفر گزارش شده است که با در نظر گرفتن محدودیت های

ص: ۵۲

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۱۵.

عضوگیری در آن جامعه، عددی بزرگ است. به عقیده برخی دانشمندان، افکار این فرقه زیربنای مسیحیت فعلی گردید. حتی ممکن است اعضای این فرقه همگی مسیحی شده باشند. گفته می شود حضرت یحیی بن زکریا (تعمیددهنده) نیز از آنان بوده است. زندگی آن حضرت در بیابان به نقل اناجیل (و نیز احادیث اسلامی) می تواند شاهی بر این موضوع باشد. پس، عملاً تنها فرقه ای که باقی ماند فریسیان بودند. قرن ها پس از آن، هیچ انشعاب مهمی در میان یهودیت به وجود نیامد. فریسیان بعدها به "اشکنازی" و "سفارادی" تقسیم شدند.

سفارادی ها و اشکنازی ها

تفاوت هایی که میان دو فرقه اشکنازی و سفارادی وجود دارد، در اصل تفاوتی جغرافیایی است. یهودیان اشکنازی، یهودیان مقیم شرق اروپا، فرانسه و آلمان هستند. کلمه "اشکناز" کلمه ای عبری است که به سرزمین آلمان اطلاق می شده است. یهودیان سفارادی به یهودیان اسپانیا، پرتغال، شمال آفریقا و خاورمیانه گفته می شود. معمولاً سفارادیم ها به سفارادیم های اسپانیا و پرتغال و میزراخیم های شمال آفریقا و خاورمیانه تقسیم می شوند.

اکثر یهودیان مقیم آمریکا اشکنازی هستند، زیرا آنها از نسل

یهودیانی هستند که از اروپای شمالی و شرقی به آمریکا مهاجرت کردند. اما عجیب است که نخستین اجتماع یهودیان در آمریکا، که در سال ۱۶۸۴ در نیویورک سیتی تأسیس شد و تا به امروز نیز برقرار است، اجتماعی سفارادی بود. یهودیان مقیم فلسطین اشغالی ترکیبی از سفارادی ها و اشکنازی ها هستند. بیشتر یهودیان مهاجر به این کشور، که خودشان آن را اسرائیل می نامند، اشکنازی هستند. بیشتر اختلاف این دو فرقه در زبان و فرهنگ است و نه در باورهای دینی و اشغال سرزمین فلسطین. خودشان این اختلافات را که بیشتر آنها در برپایی آیین های دینی و نمازهای روزانه است، فرعی و جزئی می دانند. از نظر تاریخی، تمایز اصلی میان این دو فرقه این است که یهودی های سفارادی ترسی از آمیختن با فرهنگ های غیریهودی مجاور خود نداشته اند، اما اشکنازی ها مایلند جدای از دیگر اقوام مجاور زندگی کنند. پس اختلاف میان یهودیان اشکنازی شرق اروپا، فرانسه و آلمان و سفارادی های اسپانیا، شمال آفریقا و خاورمیانه در باورهای اصلی آیین یهود نیست. (۱) امروزه ۷۵ درصد یهودیان اشکنازی و بقیه سفارادی هستند.

ص: ۵۴

در دهه ۱۷۰۰ میلادی، فرقه دیگری در میان یهودیت پدید آمد. یهودیان به طور سنتی معتقدند تعلیم و تربیت بهترین راه خدانشناسی است. ربی ایسرائل بن ایلی آذر (۱۷۰۰-۱۷۶۰م.) جنبشی به نام "حسیدیم" را پدید آورد که دیدگاهی بسیار عرفانی و معنوی داشت و به جای تعلیم، بر تجربه های فردی تکیه داشت. این جنبش در آن زمان کاملاً رادیکال تصور می شد و کسانی که مخالف این دیدگاه بودند "میتناگدیم"، یعنی "مخالفتان" نامیده می شدند. امروزه تعدادی از فرقه حسیدیم وجود دارند و در اسرائیل زندگی می کنند. آنها را جزو محافظه کار می شمارند، نه رادیکال. شایان ذکر است، یهودیان حسیدیم با یهودیان ارتدکس (راست کیش) علیه جنبش های لیبرال جدید در عالم یهودیت، اتحاد برقرار کرده اند.

انشعابات جدید

در اورشلیم کنونی، سه گروه اصلی نمایندگی دارند: ارتدکس ها، یهودیان اصلاحات و یهودیان محافظه کار. گروه چهارمی به نام "ساختارشکنان" هم هست که جمعیت بسیار کوچکی دارد. یهودیان ارتدکس که عموماً پیروان سنت قدیم شمرده می شوند، ائتلافی از تعدادی گروه است که اعتقاد دارند خداوند تمام

تورات، یعنی تورات مکتوب و شفاهی را به موسی علیه السلام داد. آنها معتقدند ۶۱۳ میصوا، یا احکامی که در _تورات_ است، هنوز نافذ است و باید بدان ها عمل شود. تخمین زده می شود که حدود هفت درصد یهودیان آمریکا ارتدکس باشند. یهودیت ارتدکس تنها شکل شناخته شده یهودیت در فلسطین اشغالی است، زیرا بیشتر یهودیان اسرائیلی برخلاف یهودیان آمریکا، خودشان را به فرقه ای خاص از یهودیت منسوب نمی کنند و ترجیح می دهند ارتدکس شناخته شوند.

برعکس، یهودیان اصلاحات (اصلاح طلب)، قبول ندارند که خداوند _تورات_ را به حضرت موسی وحی کرده باشد. به عقیده آنان _تورات_ را نویسندگان مختلفی به نگارش در آورده اند و _تورات_ کنونی، ترکیبی از این متون گوناگون بوده است. یهودیان اصلاحات، از ۶۱۳ حکم میصوا تبعیت نمی کنند، اما برخی ارزش ها، اخلاقیات، عبادات و فرهنگ یهودی را رعایت می کنند. یهودیان، یهودیان اصلاحات را با ویژگی روشنفکری و پذیرش آسان تغییرات احکام دینی می شناسند. حدوداً ۴۲ درصد یهودیان آمریکا خودشان را یهودیان اصلاحات می نامند.^(۱)

یهودیت محافظه کار، تلاش می کند شکاف میان یهودیت

ص: ۵۶

اصلاحات و یهودیت ارتدکس را با ایجاد راهی میانه درمان کنند. برای مثال، یهودیان محافظه کار معتقدند خداوند _تورات_ را به موسی علیه السلام وحی کرد، اما نویسندگان بشری آن را ثبت و نقل کرده اند؛ پس _تورات_، وحی خالص نیست و حاوی عناصر بشری نیز هست. یهودیان محافظه کار معتقدند احکام یهودی باید مطابق با فرهنگ پیرامون خود تغییر کند. تفاوت های زیادی در اعمال یهودیان محافظه کار مشاهده می شود. برخی اعمال آن ها، آشکارا از یهودیان ارتدکس و برخی دیگر از یهودیان اصلاحات متمایز است. در ایالات متحده حدود ۳۸ درصد یهودیان خودشان را محافظه کار می دانند.

یهودیان سفارادی، فاقد جنبش هایی مانند ارتدکس، محافظه کار و یا اصلاحات هستند. در سنت سفارادی میزان مراعات هلاخا، یعنی احکام _تورات_ و _تلمود_، به خود اشخاص واگذار شده است. برخی از سفارادی ها در روز شنبه با ماشین به کنیسا می روند که برخلاف احکام هلاخایی است. سفارادی ها و میدراشی ها (قائلان به تفسیر _تلمود_)، خیلی اهل رعایت نیستند؛ و ربی های سفارادی و میدراشی مایل به اتخاذ مواضع ملایم و متفاوت تر در مورد هلاخا نسبت به هم کیشان اشکنازی خود هستند، در عین حال، این دو گروه همدیگر را قبول دارند یا ندارند؟

یهودیت ساختارشکن، جنبشی بسیار کوچک است که حدود

یک درصد یهودیان آمریکا را تشکیل می دهند. برخی ناظران معتقدند این فرقه، لیبرال ترین فرقه یهودیت است. این سخن از بعضی جهات درست است؛ برای مثال، ساختارشکنان به قوم برگزیده خداوند بودن یهودیان معتقد نیستند. از سوی دیگر، ساختارشکنان تأکید بیشتری بر رعایت اعمال دینی نسبت به یهودیان اصلاحات دارند. با وجود این، باید توجه کرد که امروزه، افراطی ترین گروه های صهیونیست مانند "گوش امونیم" و افراطی ترین گروه های ضدصهیونیست مانند "نظورای کارتا"، به یک اندازه در شوق ظهور مسیحا روزگار می گذرانند. هم اکنون صهیونیست های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایّار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت (=شوفار)، این گونه دعا می کنند:

اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.

کوساله پرستی در تاریخ بنی اسرائیل

مطابق با گزارش _تورات_، حضرت موسی علیه السلام در مراجعت از طور سینا تأخیر کرد. در این هنگام بنی اسرائیل که بت پرستی را در اقوام مجاور دیده و فریفته آن شده بودند، نزد حضرت هارون علیه السلام

ص: ۵۸

رفتند و از او درخواست کردند تا برای آنان نیز خدایانی بسازد و آن حضرت، از زیورهای آنان گوساله ای ساخت و آنان را به پرستش آن تشویق کرد! خداوند موضوع را به حضرت موسی علیه السلام اطلاع داد و خواست آنان را هلاک کند، اما بر اثر شفاعت وی از آن صرف نظر کرد. قرآن مجید ساحت مقدس حضرت هارون علیه السلام را از چنین کار ناروایی پاک دانسته (۱) و سازنده گوساله را فردی به نام سامری معرفی کرده است (۲).

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام کار زشت بنی اسرائیل را مشاهده کرد، الواح را بر زمین کوبید و خرد کرد. آن گاه به مؤاخذه برادرش پرداخت و گوساله را سوزاند و خرد کرد و آن را در آب ریخت و به بنی اسرائیل نشانید. سپس امر کرد شمشیرهای خود را بردارند و به مدت نصف روز یکدیگر را بکشند.

داوران یا جانشینان حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در صحرای سینا درگذشت. پس از ایشان یوشع بن نون علیه السلام به امر خدا به رهبری قوم رسید. وی از رود اردن، که

ص: ۵۹

۱- طه، آیه ۹۰.

۲- یهودیان می دانند که ساحت شخصیتی مانند هارون باید به دور از این باشد که بت بسازد، ولی از آنجا که این واقعه در تورات آمده است، آن را بدون چون و چرا می پذیرند.

از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است، گذشت و سرزمین کنعان و اطراف آن را فتح کرد. پس از حضرت یوشع علیه السلام تعدادی داور مردم را رهبری می کردند که پادشاه نبودند و صرفاً به حل اختلافات داخلی بنی اسرائیل می پرداختند. آخرین این داوران، حضرت سموئیل علیه السلام، دو پسر داشت که برای داوری مناسب نبودند. از سوی دیگر، بنی اسرائیل در آن دوره هنوز پادشاهی نداشتند که ایشان را در مقابل همسایگان مهاجم بسیج کند؛ از این رو، نزد پیامبر عصرشان سموئیل رفتند و از او خواستند پادشاهی را برای ایشان تعیین کند.

این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد، چون که گفتند: ما را پادشاهی بده تا بر ما حکومت نماید و سموئیل نزد خداوند دعا کرد و خداوند به سموئیل گفت: آواز قوم را در هر چه به تو گفتند، بشنو، زیرا که تو را ترک نکردند، بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی ننمایم. (۱)

سموئیل با اصرار آنان، جوانی به نام شاول (طالوت) را برای پادشاهی بر ایشان برگزید و او را با روغن مسح کرد. این مسح یا تدهین، پادشاه را حاکمی الهی می ساخت و اطاعت مسیح (ماشیح) شرعاً بر همه واجب می شد. شاول، نخستین پادشاه

ص: ۶۰

بنی اسرائیل، حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد. پس از انتصاب نخستین پادشاه، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهم ترین قهرمان این قوم "جلیات" بود که در قرآن مجید "جالوت" نامیده شده است. جالوت به دست حضرت داود علیه السلام، که در آن زمان یکی از سربازان جوان طالوت بود کشته شد. حضرت داود علیه السلام جانشین طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ ق.م). وی که هم اهل دعا و مناجات بود و هم اهل جنگ و کشورگشایی، نزد یهودیان از احترام ویژه ای برخوردار است. یکی از موفقیت های مهم آن حضرت فتح شهر اورشلیم بود که پایتخت وی شد و آن را "شهر داود" نامید. هیکل سلیمان در اورشلیم از زمان فرزند داود، یعنی سلیمان علیه السلام، قبله یهود شده است. (۱)

هیکل سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام به جای پدرش حضرت داود علیه السلام نشست و مهم ترین و باشکوه ترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. همان گونه که پیش تر گفته شد، وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم ساخت که به هیکل (۲) سلیمان معروف شد. مردان یهودی

ص: ۶۱

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۹۰.

۲- «هیکل» در زبان عبری به معنای «ساختمان بلند» است و در عربی به «معابد رفیع» اطلاق می شود.

موظف بودند سالی سه بار در سه عید معین برای انجام حج با پای پیاده به سوی آن معبد سفر کنند. این معبد به تدریج به دست مسیحیان افتاد و پس از ظهور اسلام، در عصر خلیفه دوم، از طریق صلح به مسلمانان سپرده شد. مسلمانان بخشی از ویرانه های هیکل سلیمان را به مسجدی به نام "مسجد عمر" تبدیل کردند. در کنار این مسجد، با اندکی فاصله، صخره ای وجود دارد که مسجدی روی آن بنا شده است. مسلمانان معتقدند، این همان صخره ای است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله از روی آن به معراج رفت. این مسجد که گنبدی آبی رنگ و کوچک تر دارد، مسجدالاقصی نام دارد و مورد احترام مسلمین است. (۱) سال هاست که صهیونیست ها به بهانه باستان شناسی در اطراف مسجدالاقصی و مسجد عمر حفاری می کنند و تصمیم دارند آنها را ویران کرده و به جای آنها هیکل سلیمان را بسازند. از هیکل سلیمان فقط دیوار غربی آن باقی مانده است که به مناسبت سوگواری یهود در کنار آن، "دیوار ندبه" نامیده می شود و مسلمانان آن را "حائط البراق"

ص: ۶۲

۱- عنوان «مسجد الاقصی» در آغاز سوره مکی «اسراء» به مکان آن مسجد اشاره می کند. هم چنین ر.ک: کهف ۲۱.

می خوانند. هیکل سلیمان در دو نوبت ویران شد. نخستین ویرانی این معبد و گرفتار شدن بنی اسرائیل به دست بابلیان در حدود قرن ششم قبل از میلاد به دلیل خودخواهی بنی اسرائیل بوده است. در آن زمان، ارمیای نبی از جانب خدای متعال پیام آورده بود که بنی اسرائیل در صورتی که خود را تسلیم دشمن نکنند، خود و شهرهایشان سالم خواهند ماند. آنان این پیام رهایی بخش الهی را به چیزی نگرفتند و آن پیامبر را زدند و زندانی کردند و او تا سقوط شهر قدس، در زندان بود. (۱) ویرانی دوم در سال ۷۰ میلادی توسط تیتوس، شاهزاده رومی صورت گرفت.

متون مقدس یهودیت

تنخ یا عهد عتیق

یهودیان کتاب آسمانی خود را "تنخ" می نامند. "عهد عتیق" نامی است که مسیحیان در مقابل "عهد جدید" خود به کتاب یهودیان داده اند. مسیحیان به هر دو عهد عقیده دارند، اما عهد جدید را ناسخ برخی احکام عهد قدیم می دانند. اکثر عهد عتیق به زبان عبری است. تنخ ۳۹ کتاب دارد که ترجمه های مسیحی آن به نام "عهد عتیق" از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شوند: ۱.

ص: ۶۳

بخش تاریخی؛ ۲. حکمت، مناجات و شعر؛ ۳. پیشگویی های انبیا.

بخش تاریخی

بخش تاریخی _ عهد عتیق _ مشتمل بر هفده کتاب است که پنج کتاب اول آن "تورات" نامیده می شود و نام دیگر آن "پنتاتوک" (۱) یعنی "پنج کتاب" یا "اسفار خمسه" است. کتاب های بخش تاریخی _ عهد عتیق _ از این قرار است: ۱. سفر _ پیدایش _ (آفرینش جهان، داستان های حضرت آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و یوسف:); ۲. سفر _ خروج _ (تولد و بعثت حضرت موسی علیه السلام، خروج بنی اسرائیل از مصر به سینا و احکام); ۳. سفر _ لاویان _ (احکام کاهنان، یعنی روحانیون یهودی که از نسل حضرت هارون علیه السلام و از خاندان لاوی هستند); ۴. سفر _ اعداد _ (آمار بنی اسرائیل در عصر حضرت موسی علیه السلام، شریعت و تاریخ ایشان); ۵. سفر _ تثیبه _ (تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده است و تاریخ بنی اسرائیل تا رحلت حضرت موسی). کتاب های بعدی عبارتند از: ۶. صحیفه یوشع; ۷. سفر _ داوران _; ۸. کتاب روت; ۹. اول سموئیل; ۱۰. دوم سموئیل; ۱۱. اول پادشاهان _ (پادشاهی داود و پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام و جانشینان او); ۱۲. دوم پادشاهان; ۱۳. اول تواریخ; ۱۴. دوم تواریخ; ۱۵. عزرا; ۱۶.

ص: ۶۴

نحمیا (نوسازی اورشلیم و بازگشت یهودیان از زبان نحمیا ساقی اردشیر اول، پادشاه هخامنشی)؛ ۱۷. استر (رفع خطر نابودی از یهود با وساطت استر، همسر یهودی خشایارشا). (۱)

بخش حکمت و مناجات

این بخش مشتمل بر پنج کتاب است: ۱. ایوب؛ ۲. مزامیر یعنی زبور داود (مجموعه ۱۵۰ قطعه مناجات)؛ ۳. امثال سلیمان نبی؛ ۴. کتاب جامعه (۲)؛ ۵. غزل غزل های سلیمان (اشعار عاشقانه).

پیش گویی های انبیا

این بخش مشتمل بر هفده کتاب است: ۱. اشعیا؛ ۲. ارمیا؛ ۳. مراثی ارمیا؛ ۴. حزقیال؛ ۵. دانیال؛ ۶. هوشع؛ ۷. یوئیل؛ ۸. عاموس؛ ۹. عوبدیا؛ ۱۰. یونس؛ ۱۱. میکاه؛ ۱۲. ناحوم؛ ۱۳. حبقوق (۳)؛ ۱۴. صفینا؛ ۱۵. حجی؛ ۱۶. زکریا؛ ۱۷. ملاکی.

تلمود

کلمه "تلمود" به معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری "لمد" (= یاد داد) می آید و با واژه رباعی "تلمیذ" و مشتقات آن در زبان

ص: ۶۵

۱- آرامگاه استر و پسرعمویش مردخای که در رفع این خطر مؤثر بوده، در همدان است.

۲- «جامعه» در این کتاب، اسم مستعار حضرت سلیمان علیه السلام است.

۳- «حبقوق» در کتب اسلامی به «حیقوق» تصحیف شده است.

عربی ارتباط دارد. تلمود به کتابی بسیار بزرگ اطلاق می شود که احادیث و احکام یهود را در بر دارد و در واقع، تفسیر و تأویل _تورات_ است و گاهی آن را "تورات شفاهی" می نامند.

زمانی که یهودیان به بابل تبعید شدند، گروهی به نام "سوفریم" (یعنی کاتبان) میان آنان پدید آمد. "کاتبان" کسانی بودند که به کتابت _تورات_ و مضامین مذهبی اهتمام داشتند. مهم ترین سوفر، عزرا (عزیر) بود که در قرن پنجم قبل از میلاد می زیست. عزرا تصمیم گرفت شریعت موسی علیه السلام را توسعه دهد و از عبارات کتاب _عهد عتیق_ نیازهای جامعه یهود را بر آورد. اقدام وی سرآغاز سنت شفاهی یهود شد.

پس از عزرا، روشی در تفسیر و تأویل متون مذهبی رایج شد که "میدراش" نامیده می شود و اختراع آن را به وی نسبت می دهند. واژه "میدراش" به معنای "جست و جو" است، زیرا دانشمندان از خلال میدراش به جست و جوی معانی نهفته _تورات_ می پرداختند و می خواستند همه مسائل روزانه زندگی را از کتاب آسمانی خود استخراج کنند. پس از تأسیس مجمع کبیر (سنهدرین) برای رسیدگی به امور مذهبی، کم کم این فکر رواج یافت که تفسیر _تورات_ پس از حضرت موسی علیه السلام نسل به نسل به دست اعضای آن مجمع رسیده است.

به عقیده بسیاری از دانشمندان، "یهودا هئاسی" کسی است

که سنت شفاهی را در کتابی که بعداً _تلمود_ نامیده شد، ثبت کرد. وی در سال ۱۳۵ میلادی متولد شد و بیش از پنجاه سال "ناسی" یعنی رهبر دینی قوم یهود بود. (۱) یهودا هُنّاسی آن سنت ها را "میشنا" نامید. شرح _میشنا_ "گمارا" نامیده می شود که به معنای تکمیل و تفسیر است؛ نویسندگان _گمارا_ می گفتند مطالب آنان باقی مانده سخنان دانشمندان گذشته است که کتاب _میشنا_ را تکمیل می کند.

تلمود شش بخش دارد که هر بخش "سَدِر" نامیده می شود که عبارتند از ۱. زراعیم (احکام محصولات)؛ ۲. موعِد (احکام اعیاد)؛ ۳. ناشیم (احکام زنان و ازواج)؛ ۴. نزیقین (احکام اموال و دیات)؛ ۵. قداشیم (مقدسات یهود)؛ ۶. طهاروت (احکام طهارات، پاک و ناپاک).

در _تلمود_ به دو عنصر اساسی برخورد می کنیم: یکی "هلاخا" یعنی احکام دینی و دیگری "اگادا" یعنی داستان ها و شواهدی از پیشوایان یهود. _تلمود_ منبع قوانین فقه یهود بوده است. مسیحیان به علت بدگویی این کتاب از حضرت عیسی علیه السلام همواره با آن مخالف بوده اند. در سال ۱۲۳۹ میلادی، یک یهودی که مسیحی شده بود، پاپ را به سوزاندن آن کتاب تشویق کرد و

ص: ۶۷

تلمود سوزی را بنیاد نهاد. پس از آن تاریخ، ارابه های پر از نسخه های تلمود به میدان های شهر برده می شد و به کام آتش می رفت و یا برای استفاده از چرم آن به سازندگان کفش سپرده می شد. (۱)

احکام یهود

یهودیان فقه گسترده ای دارند که عبادات آنان را مشخص می کند. روزه های یهود در ماه های سال توزیع شده است. مهم ترین روزه آنان در "یوم کیپور" است که از غروب روز قبل، به مدت یک شبانه روز روزه می گیرند و از خوردن، آشامیدن، شست و شو (به استثنای انگشتان)، آرایش، عطر زدن، هر گونه رابطه زناشویی و پوشیدن کفش چرمی پرهیز می کنند و در کنیسه ها به عبادت و استغفار مشغول می شوند. چهار روزه واجب دیگر نیز دارند که یکی از آنها در روز نهم ماه آب، به یاد نخستین خرابی اورشلیم، مانند روزه یوم کیپور اجرا می شود؛ سه روزه واجب دیگر و روزه های مستحبی مانند روزه دوشنبه و پنجشنبه، با امتناع از خوردن و نوشیدن از طلوع تا غروب آفتاب صورت می گیرد. تا سال هفتاد میلادی که معبد اورشلیم برپا بود، مردان یهودی موظف بودند سالی سه بار در اعیاد: "فصح"،

ص: ۶۸

"هفته ها" و "سوکوَت" با پای پیاده به آنجا بروند. البته پس از آن هم سفر زیارتی به اورشلیم وجود داشته است و در عرف یهودیان ایران، به این زائران یهودی لقب "حاجی" می داده اند. "ختنه" در یهودیت فریضه ای مؤکد و عهد خدا با حضرت ابراهیم علیه السلام (۱) است که در روز هشتم تولد طی مراسمی، به دست روحانیون یهودی، انجام می گیرد. هم چنین یکی از مهم ترین بخش احکام یهود مربوط به نمازهای روزانه است.

نماز در یهودیت

وجوب نماز

طبق گفته تلمود (۲) نماز از دستورات تورات است: "یهوه خدای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود خدمت نمایید. (۳)" در تفسیر این آیه از تورات گفته اند: چه خدمتی است که با قلب انجام می شود؟ مصداق خدمت با قلب، عبادت و نماز است. بنابراین، به نمازها "آدونا شبا-لو" (۴) می گویند؛ یعنی خدمتی که با قلب انجام می شود.

ص: ۶۹

۱- پیدایش، باب ۱۷، آیات ۹-۱۴.

۲- Tractate Taanit ۲a .

۳- تثنیه، باب ۱۳، آیه ۱۱.

۴- Avodah sheba-Lev

ابن میمون گفته است که _تورات_ عبادت را دستور داده، ولی به اوقات و تعداد نمازها اشاره نکرده است. _تلمود_ (۱) دو دلیل آورده است که چرا نمازهای اصلی سه عدد هستند:

۱. هر نمازی در برابر یکی از اعمال قربانی در کنار معبد سلیمان وضع شد: پیشکش صبح، بعد از ظهر و سوزاندن آن در غروب.

۲. طبق سخن ربی خوزه ب. هانینا، (۲) هر یک از پدران تاریخ یهود یک نماز تأسیس کردند: ابراهیم نماز صبح را، اسحاق نماز عصر را و یعقوب نماز مغرب را.

این سخن را نقل قول هایی که حاکی از نماز این بزرگان در این اوقات است تقویت می کند. به هر حال، حتی طبق این نظر نیز زمان های دقیق این نمازها و حتی مفهوم نماز "موصاف" هنوز مبتنی بر ترتیب و زمان قربانی هاست. حضرت داوود در مزامیر می گوید: "شامگاهان، صبح و عصر نیایش و ندبه می کنم و او صدای مرا خواهد شنید. (۳)" هم چنین در کتاب دانیال است که: "... پنجره های اتاق او به طرف اورشلیم باز می شد. او روزی سه مرتبه بر روی زانوهای خود زانو می زد و نماز می گزارد

ص: ۷۰

۱- Tractate Berachoth ۲۶b

۲- Jose b. Hanina

۳- مزامیر، مزمور ۱۸، آیه ۵۵.

و به شکرگزاری خدایش به خاطر آنچه در حق او کرده بود، می پرداخت. (۱)"

در یهودیت ارتدکس، هلاخا (احکام یهودی) مردان یهودی را ملزم می سازد تا روزی سه مرتبه و در روز شنبه و روزهای مقدس یهودی چهار مرتبه نماز بخوانند و در یوم کیپور باید پنج مرتبه نماز خوانده شود. زنان در میان یهودیان ارتدکس ملزمند دست کم روزانه یک بار نماز بخوانند، بدون اینکه نمازشان ملزم به وقت خاصی باشد، اما شرکت در نمازهای دسته جمعی روزانه برایشان اختیاری شده است. یهودیان محافظه کار نظام هلاخایی، نمازهای دسته جمعی روزانه را اجباری می دانند. از سال ۲۰۰۲ زنان از گروه محافظه کار یهودی خود را ملزم کردند مانند مردان در نمازهای سه گانه دسته جمعی شرکت کنند، اما زنان جماعت های سنتی و غیر آن ترجیح دادند به شرکت در نمازها ملزم نباشند. جماعات اصلاحات و نوسامان گرای یهودی، هلاخا و احکام یهودی را دست و پاگیر دانسته و از این رو، اوقات نماز را موضوعی شخصی می دانند؛ به عبارت دیگر، آن را به تصمیم شخصی و زندگی معنوی افراد مرتبط می دانند و نه یک نیاز دینی و واجب فقهی. طبق هلاخا، نماز گزار می تواند همه

ص: ۷۱

۱- دانیال ، باب ۱۱، آیه ۶.

نمازهای فرادا و تقریباً همه نمازهای جمعی را به هر زبانی که آن را می فهمد، برگزار کند، برای مثال؛ _میشنا_ می گوید لازم نیست که "شَمْع" به زبان عبری خوانده شود. گفتنی است، فهرستی از نمازهایی که باید به زبان عبری خوانده شود در کتاب _میشنا_ آمده است.

نماز فرادا و جماعت

در یهودیت نماز فرادا مورد قبول است، اما نماز جماعت یا "قوروم"^(۱) که با حداقل ده نفر بالغ برگزار می شود مورد تأکید و توصیه است و برای برگزاری برخی نمازها حضور این تعداد بالغ ضرورت دارد. حضور ده نفر بالغ را "مینام"^(۲) می گویند. منظور از "بالغ" در نماز یهودی افراد بالای سیزده سال است. در آیین یهود این ده نفر بالغ در اصل باید "مرد" می بودند و زنان حق شرکت در نماز جماعت را نداشتند و مینام شمرده نمی شدند، زیرا نماز جماعت برای زنان واجب نبود. امروزه جماعات محافظه کار یهودی حتی حاخام زن و پیش نماز زن نیز دارند. تعداد اندکی از جماعاتی که خود را محافظه کار می شمارند در مقابل این تغییرات مقاومت می کنند و هنوز زنان را جزو مینام

ص: ۷۲

۱- Quorum .

۲- Minyan .

به شمار نمی آورند. جماعات اصلاح گرا و نوسامان گرا که مینام را حکم لازم نماز جماعت می شمارند، زن و مرد را با هم محسوب می کنند تا ده نفر تکمیل شود. در شریعت یهود، حاخام ها زنان را تقریباً از تمام "میصوا"^(۱)هایی که وقت معینی داشتند معاف کرده بودند، زیرا وظیفه اصلی آنها در وحله اول به دنیا آوردن کودک و نگه داری از آن بود و دختران یهودی از خردسالی مجبور بودند وارد این چرخه ناتمام حمل، زایمان و پرستاری از کودک شوند.

مقدمات نماز

نطیلا (وضو)

در یهودیت به وضو "نطیلا" گفته می شود، با این تفاوت که نطیلا- در یهودیت فقط برای نماز نیست و طهارتی است که با خواندن تعدادی دعای برکت (براخا) همراه است و پیش از خوردن غذا نیز نطیلا انجام می شود. نطیلا نماز به این ترتیب است: اول با ظرف مخصوص نطیلا- روی دست راست آب می ریزند که نباید مقدار آب از یکصد سانتی متر مکعب کمتر باشد. سپس روی دست چپ آب می ریزند و این عمل را سه بار

ص: ۷۳

تکرار می کنند. سپس دست ها را بالا می گیرند تا آب از انگشتان بچکد و بلافاصله دست را خشک می کنند. آب وضو (نظیلا) را نباید از دست کسی گرفت که خودش وضو (نظیلا) نداشته باشد. اگر دست ها را در درون ظرف آبی فرو برده و تکان دهد، عمل نظیلا برای نماز انجام گرفته و مورد قبول است. اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که آب وجود نداشته باشد، باید دست های خود را بر شن یا ماسه و یا خاک نرم بمالد، ولی باید به جای براخای نظیلا، براخای مخصوص تیمم را بخواند. (۱)

پوشش های مخصوص نماز

شال نماز یهودی

مردان یهودی نوعی شال نماز به نام "صیصیت" یا "طالیت" (۲) را به هنگام ادای نماز بر سر می کشند. طبق سنت، در طی دعاهای ایلیای (۳) نبی که در ابتدای نماز صبح خوانده می شود تا آن بخش از نماز که قسمتی از تورات را می خوانند، هم چنین هنگام خواندن اعتراف نامه ای به نام "کُل نیدره" (۴) در یوم کیپور باید

ص: ۷۴

۱- زرگری، موسی، روش زندگی (احکام یهود)، ص ۸.

۲- Tallit.

۳- Aliyah.

۴- Kol Nidre.

شال را بر سر کشیده باشند. در طول نمازهای عصر و مغرب فقط حَزَّان (۱) (پیش نماز) ملزم به پوشیدن طالیت است. در کنیساهای ارتدکس معمولاً فقط مردان هلاخایی طالیت می پوشند و در کنیساهای محافظه کاران، هم مردان و هم زنانی که هلاخایی هستند، ملزم به پوشیدن طالیت می باشند. در بیشتر کنیساهای ارتدکس اشکنازی، این شال را فقط مردانی که متأهل هستند در نماز می پوشند. (۲) مطابق فقه یهود، باید سعی کنند پارچه طالیت از پشم برّه بافته شده باشد و به هیچ وجه نباید از الیاف کنف (گونی) باشد. باید حتماً چهار گوشه باشد و چهار گوشه آن باید زاویه قائمه باشد. نخ هایی که در چهار گوشه طالیت (صیصیت) کار گذاشته می شود باید نخ تاییده باشد. البته طالیت دو نوع است: یکی طالیت کوچک که زیر لباس ها پوشیده می شود و دیگری طالیت بزرگ که به صورت شال نماز پوشیده می شود. بعد از پوشیدن طالیت در صبح، بلافاصله باید برای نماز به پوشیدن "تفیلین" اقدام کرد.

تفیلین

تفیلین دو نوار بلند چرمی است که در نماز صبح باید یکی را بر

ص: ۷۵

۱- Hazzan.

۲- Becher, Mordechai, Gateway to Judaism , P. ۳۲۸.

دست چپ و دیگری را بر پیشانی بست. آن نواری که به پیشانی بسته می شود، جعبه ای کوچک دارد که در آن بخش هایی از تورات نوشته و قرار داده شده است. تفیلین نباید غصبی باشد و احکام آن چنین است که ابتدا تفیلین دست راست را باید بست. نباید بین بستن تفیلین دست و گذاشتن تفیلین سر، وقفه ای ایجاد شود. تفیلین دست را تا به انگشتان باید ادامه دهد و پیش از اینکه نوار تفیلین را دور انگشتان و کف دست می پیچد باید تفیلین سر را ببندد. بستن تفیلین دست بهتر است در حال نشسته باشد، ولی تفیلین سر را حتماً باید در حال ایستاده بست. یهودیان سفارادی در برخی ایام، از جمله شنبه (شبات) و عیدها از بستن تفیلین معاف هستند. شخصی که چپ دست است، باید تفیلین را بر دست راستش ببندد. در کنیساهاى ارتدکس فقط مردان باید تفیلین ببندند، اما در کنیساهاى محافظه کار برخی از زنان نیز می بندند باید هنگام پوشیدن طالیت و بستن تفیلین، دعاهاى برکت مخصوص آنها خوانده شود.^(۱)

اَییره یا پوشش سر

"اَییره" ^(۲) یعنی پوشش سر. در بیشتر کنیساها پوشش سر برای

ص: ۷۶

۱- [۱] - زرگری، موسی، روش زندگی (احکام یهود)، ص ۸.

۲- Attire.

مردان علامت احترام است؛ و از این رو، یهودیان کلاه مخصوصی به نام "کیپا"^(۱) دارند. کسی که وارد کنیسا می شود، چه یهودی باشد و چه غیریهودی، باید کلاه بر سر بگذارد. برخی از کنیساهای محافظه کار تشویق می کنند که زنان نیز هنگام ورود به کنیسا سرشان را بپوشانند، اما چون زنان بسیار کم پیش می آید که با سر برهنه به کنیسا بیایند، این توصیه به ندرت اتفاق می افتد. بسیاری از کنیساهای اصلاح گرا و ترقی خواه، مردم را به پوشش سر ملزم نمی کنند، اما خود نمازگزاران، چه زن و چه مرد، سر خود را می پوشانند. برخی از زنان و مردان ارتدکس و محافظه کار نه تنها به هنگام برگزاری آیین نیایش، بلکه در تمام روز پوشش سر دارند.^(۲)

عفاف (زنیوت)

"زنیوت"^(۳) به معنای میانه روی و حیاست و در مورد زنان و مردان (هر دو) به کار می رود. هنگامی که زنان در کنیساهای ارتدکس حاضر می شوند، طبق سنت (سنت شرعی) باید آستین

ص: ۷۷

۱- Kippa .

۲- Pies, Ronald, Becoming a Mensch: Timeless Talmudic Ethics for Everyone , P . ۳۷-۲ .

۳- Tzeniut .

خود را بپوشانند، به طوری که آرنجشان دیده نشود و نیز باید دامن بلندی تا زیر زانو بپوشند؛ یقه هایشان باید پوشیده باشد، به طوری که گردن بندشان دیده نشود و اگر شوهردار باشند باید موهای خود را با کلاه گیس، روسری، کلاه و یا چیزی مرکب از آنها بپوشانند. برای مردان نیز شلوار کوتاه یا پیراهن آستین کوتاه نامناسب شمرده می شود. شاید در برخی کنیساهای اصلاح گرا و محافظه کار، رعایت قوانین مربوط به پوشش سخت گرفته نشود، اما هنوز مورد احترام است و طبق سنت در همه کنیساها رعایت می شود.

نمازهای روزانه

نماز در زبان عبری "تفیلا"^(۱) نام دارد. مهم ترین عمل عبادی روزانه برای یهودیان سنتی، ادای درست نمازهای سه گانه است^(۲) که عبارتند از:

۱. نماز صبح یا شَحریت^(۳) (به معنای "سحر"). وقت آن از طلوع فجر تا ظهر است. در فرهنگ یهود آمده: ابراهیم علیه السلام نخستین کسی بود که نماز سحر را اقامه کرد. اهمیت نماز

ص: ۷۸

۱- Tefilah.

۲- ترمین، یهودیت: باورها و آداب دینی آن ها، ص ۲۵۵.

۳- Shacharit.

صبح در میان یهود به اندازه ای است که تا قبل از ادای آن چیزی نمی خوردند.

۲. نماز عصر یا مینحا(۱) (به معنای "آزرد نذری"). اهمیت این نماز در آن است که دعای ایلای پیغمبر در این نماز اجابت شد. وقت این نماز از هنگام گذشتن ظهر تا حدود بیست دقیقه پیش از غروب آفتاب است. کتاب های یهودی می گویند: حضرت اسحاق واضح این نماز بوده است.

۳. نماز شام یا عرویت و یا معاریو(۲) (به معنای "شامگاه"). وقت آن از هنگام غروب تا رسیدن ظلمات شب است. این نماز نیز به حضرت یعقوب منسوب است. در معبد سلیمان، در این سه وقت قربانی اهدا می شد. پس از خرابی معبد و اسارت یهودیان در بابل، به تدریج به جای قربانی، سه وعده نماز مقرر شد. در تورات آمده است: دانیال نبی علیه السلام سه بار در روز بر همین سنت نماز می خوانده است.(۳)

نماز صبح (شحریت یا سحریت)

"شحریت" که از ریشه "شحر" یا "سحر"، به معنای "سحر" و

ص: ۷۹

۱- Minchah.

۲- Arvit / Maariv.

۳- دانیال، باب ۶، آیه ۱۰.

صبح است و با کلمه "سحر" عربی هم ریشه است، نمازی است که در صبح خوانده می شود. ترتیب نماز صبح چنین است که ابتدا نطیلا گرفته می شود و برخی دعاها در آن خوانده می شود که واجب است. دعاها برکت را در زبان عبری "براخا" می گویند که همان واژه "برکت" عربی است. اما خود نماز صبح دارای سه قسمت است. قسمت اول، براخاهای حمد است که به این ترتیب خوانده می شوند:

۱. مزمور ۳۰ (از کتاب مزامیز داود که در تورات است)؛

۲. باروخ شعامر (براخایی هفت جمله ای که چنین آغاز می شود: خداوند سخن گفت و جهان پدید آمد...)

۳. سرودهای شکرگزاری (شامل براخای هدو که فصل ۱۶ کتاب تواریخ ایام اول است و مزمور ۱۰۰)؛

۴. یهیی خوود (شامل آیات منتخبی از مزامیر، سفر خروج، امثال سلیمان و تواریخ ایام)؛

۵. عَشْرِي (این براخا شامل کل مزمور ۱۴۵ و آیاتی از مزامیر ۸۴، ۱۴۴ و ۱۱۵ است)؛

۶. مزمورخوانی (قرائت همه مزامیر ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۰)؛

۷. باروخ آدونای لعام (شامل چهار آیه است: ۵۳ از مزمور ۸۹، ۲۱ از مزمور ۱۳۵، ۱۸ و ۱۹ از مزمور ۷۲). بعد از خواندن این بخش، دو بار "آمین" گفته می شود؛

۸. ویووار داود (آیات ۱۰ تا ۱۳ از تواریخ ایام اول)؛

ص: ۸۰

۹. اتا هو آدونای لودحا (شامل آیات ۶ تا ۱۱ از باب ۹ کتاب _نحمیا_)؛

۱۰. از یاشیر (این براخا به "سرود دریا" نیز شهرت دارد. شعری است منسوب به حضرت موسی علیه السلام که در باب ۱۵ از سفر _خروج_ آمده است و ابتدای آن چنین است: یهوه را سرود می خوانم که با جلال و مظفر شده است. اسب و سوارش را به دریا انداخت...)

۱۱. بیشتاباخ (آخرین براخای حمد که با این عبارت شروع می شود: ای پادشاه ما! باشد که نامت برای همیشه ستوده شود...).

پس از براخاهای حمد، قسمت دوم و اصلی نماز آغاز می شود که به ترتیب چنین است:

۱. برِخو (حزان یا پیش نماز صدا می زند: متبارک باد خداوند، آن یکتای مقدس! و جماعت پاسخ می دهند: متبارک باد!)

۲. یوصر (براخایی که به خاطر برآمدن صبح و نور، خدا را سپاس می گوید)؛

۳. آهوا ربّا (براخایی در شکرگزاری از یهوه به خاطر ارسال _تورات_ و استدعا جهت فهم درست آن)؛

۴. شَمَع (آیات ۴ تا ۹ باب ۶ و آیات ۱۳ تا ۲۱ باب ۱۱ سفر _تثنیه_، و آیات ۳۷ تا ۴۱ باب ۱۵ سفر اعداد)؛

۵. عِمَت و یاصیو (براخایی دارای چهار بند که بر حقانیت

رهاشدن اسرائیل در زمان های گذشته، برای مثال از بند فرعونیان، تأکید و خداوند را به دلیل آن شکر می کند)؛

۶. عمیدا (اصلی ترین بخش نماز که در حالت ایستاده و به صورت آهسته قرائت می شود و در برخی قسمت های آن زانو می زنند. خود عمیدا شامل نوزده براخاست که با براخای آووت شروع می شود و با براخای سیم شالوم (سلام فرستادن) به اتمام می رسد)؛

۷. قدوشا (یک براخای کوتاه با سه جمله که ابتدای آن این است: مقدس است، مقدس است، مقدس است خداوند، صاحب خانه ها، که همه هستی از جلال او پُر است).

قسمت سوم و پایانی نماز صبح به ترتیب دارای این قسمت هاست:

۱. تخانون (براخایی که شامل آیه ۱۴ باب ۲۴_ سموئیل نبی_ و آیات ۲ تا ۱۱ مزمور ۶ است. ابتدای تناخوم را نشسته می خوانند و آخر آن می ایستند)؛

۲. قرائت_ تورات_، (قرائت_ تورات_ در این بخش از نماز، فقط مخصوص روزهای شبات، دوشنبه، پنجشنبه و روزهای عید است. کل اسفار خمسه_ تورات_ را به ۵۴ بخش تقسیم کرده اند تا هر هفته یک بخش آن در دو نماز صبح و عصر خوانده شود و به این ترتیب، در یک سال کل اسفار خمسه قرائت گردد)؛

۳. عَشْرِي (یا هَلَل که توضیح داده شد و در اینجا تکرار شده است)؛

۴. مزمور ۲۰؛

۵. عیوالصیون (دعای کوتاهی برای صهیون که با این عبارت شروع می شود: رهاننده ای به صهیون خواهد آمد...). بدون خواندن این دعا کسی از کنیسا بیرون نمی رود؛

۶. العینو (برآخایی با ۲۱ جمله که با این عبارت شروع می شود: بر ماست تا خداوندگار همه را ستایش کنیم.... انتهای این دعا آیه ۳۹ باب ۴ سفر_تثیبه_ است)؛

۷. شیر شل یوم (مزموری که به این روز تعلق دارد. توضیح آنکه به هر روز هفته یک مزمور اختصاص دارد که در آن روز باید خوانده شود، به این ترتیب: یکشنبه: مزمور ۲۴، دوشنبه: مزمور ۴۸؛ سه شنبه: مزمور ۸۲؛ چهارشنبه: مزمور ۹۴؛ پنجشنبه: مزمور ۸۱؛ جمعه: مزمور ۹۳ و شنبه: مزمور ۹۲)؛

۸. قدیش (به معنای مقدس، سرودی در ستایش خداوند است که انواعی مانند: قدیش کامل، قدیش نیمه، قدیش ربی و قدیش ندبه کنندگان دارد. قدیش کامل حدود سی جمله است که در قدیش نیمه، چند جمله از آن حذف می شود و در قدیش های دیگر، چند عبارت به آن اضافه می شود. ابتدای این براخا چنین است: نام خداوند بلندمرتبه باد و مقدس باد! و در انتها می گوید: سلام بر ما و بر اسرائیل. آمین!) در روزهای

ص: ۸۳

معمولی نماز صبح با این قدیش تمام می شود؟

۹. عین کلوهینو (براخایی که محتوای آن این است که چیزی همانند خدا نیست، و همین عبارت یعنی "عین کلوهینو" که در ابتدای این براخا آمده به این معناست که چیزی "عین" و مثل و مانند خدای ما نیست. در پایان نیز می گوید: تو رحمت خودت را بر صهیون نشان خواهی داد، چراکه زمان مناسب آن خواهد رسید). این براخا را در شبات و روزهای عید می خوانند و با این براخا نماز تمام می شود.

نماز عصر (مینخا یا مینحا)

وقت خواندن "مینخا" یا "مینحا"، به معنای "آرد" (از آردی که همراه با هر قربانی به معبد سلیمان پیشکش می شد گرفته شده است)، حدود نیم ساعت بعد از وقت ظهر شرعی است. اگر در اول وقت شرعی ادا شود، به آن "مینحا گلودا" یعنی مینحای بزرگ می گویند. مطلوب آن است که شخص نمازها را تا پیش از غروب آفتاب انجام داده باشد، اما زمان این نماز تا ابتدای شب توسع دارد. نماز عصر به ترتیب دارای بخش های ذیل است:

۱. عَشْرِي؛

۲. قرائت تورات (فقط در روزهای شبات و روزهای روزه)؛

۳. عمیدا؛

۴. قدوشا؛

ص: ۸۴

۵. تخانون؛

۶. العینو؛

۷. قدیش کامل؛

توضیح موارد مذکور در بخش نماز صبح گذشت. سفارادی ها و یهودیان ایتالیا، نماز مینخا را با مزامیر ۸۴ و کوربانوت (۱) آغاز می کنند. اشکنازی های غربی فقط کوربانوت را می خوانند. در بیشتر فرقه های جدید، پس از قدیشا، العینورا می خوانند. اشکنازی ها این نماز را با قدیش ندبه کنندگان ختم می کنند. پیش نمازها در این نماز نیز باید طالیت بپوشند. آن ها حتی در روزهای معمولی و در همه روزهای روزه نیز باید طالیت بپوشند.

نماز مغرب (عرویت یا معاریو)

بسیاری از جوامع مذهبی یهودی، در روزهای غیرتعطیل، نمازهای عصر و غروب را پشت سر هم می خوانند تا مردم مجبور نباشند دو بار در کنیسا جمع شوند. ویلنا گائون (۲) یهودیان را از پشت سر هم خواندن این دو نماز نهی می کرد؛ از این رو، پیروان او همگی منتظر می مانند تا شب داخل شود و سپس معاریو را بخوانند (زیرا "معاریو" به معنای داخل شدن شب

ص: ۸۵

۱- اعداد ، باب ۲۸ ، آیه ۱-۸.

۲- Vilna Gaon .

است، نه غروب آفتاب).

نماز مغرب شامل این موارد است:

۱. بَرخو (فراخوان رسمی برای نماز است و آن را معادل اذان دانسته اند)؛

۲. معاریو عراویم (براخایی که خداوند را به خاطر آمدن ظلمت شب، گردش روز و شب و فصل ها سپاس می گوید)؛

۳. اهوات عولام (این دعا را سفارادی ها در شکرگزاری به خاطر اعطای تورات از سوی خداوند می خوانند و به معنای "محبت ابدی" است)؛

۴. شَمَع؛

۵. عِمَت وعموناه (این براخا، برخلاف براخای عِمَت ویاصیو در نماز صبح که بر رهایی یهودیان در زمان های گذشته خدا را شکر می کرد، خواستار رهایی آینده یهود، یعنی قوم برگزیده خداست و تأکید دارد که یهودیان بی نظیرند و رسالتی الهی بر دوش آنان است)؛(۱)

۶. هشکی وینعو (براخایی که در شبات و برخی اعیاد خوانده می شود و محتوای آن طلب آرامش و سپاس به خاطر آمدن روز

ص: ۸۶

شبات است، زیرا هر روز شبات برکتی از سوی خداوند به قوم یهود است)؛

۷. باروخ آدونای لعولام (هجده آیه منتخب از تورات است که بیشترشان دعاست. در شبات و ایام عید خوانده نمی شود و ابتدای آن چنین است: باشد که چشمان ما ببیند...)

۸. قدیش نیمه؛

۹. عمیدا؛

۱۰. قدیش کامل؛

۱۱. العینو؛

۱۲. قدیش ندبه کنندگان؛

این نماز با برخو آغاز می شود، که فراخوان رسمی برای نماز است. اشکنازی های بیرون از اسرائیل (به جز پیروان ویلنا گائون) دعای "باروخ آدونای لعولام" را می افزایند. سفارادی ها پس از این دعا، مزموور ۱۲۱ را می خوانند و پس از آن قدیش ندبه کنندگان را می خوانند و پیش از اینکه با العینو نماز را تمام کنند، برخو را تکرار می کنند.

نماز روز شبات

نماز در روز شنبه، به لحاظ ساختار شبیه نمازهای ایام هفته است، با این تفاوت که بیشتر بخش های نماز را طول می دهند؛ البته به استثنای عمیدا، یعنی اصل نمازهای روزانه، که آن را

ص: ۸۷

مختصر می خوانند. سه براخای اول و یک براخای آخر نمازها نیز به طور معمول خوانده می شود، اما یک دعا به نام "تکریم روز"، که در وصف روز شبات است، جای گزین سیزده براخای میانی روزانه می شود. این دعای میانی در هر نمازی متفاوت است و قاعده خاصی ندارد.

شب پیش از شنبه

آداب مربوط به روز شبات از غروب روز جمعه آغاز می شود؛ یعنی با مینحای روز پنجشنبه، که در برخی از جماعات مذهبی یهودی، پس از مینحای پنجشنبه، غزل غزل های سلیمان را می خوانند. سپس در بیشتر جماعات یهودی "کبالات شبات (۱)" را می خوانند. کبالات شبات، مقدمه ای است برای تشریفات روز شبات که کابالیست های قرن شانزدهم آن را از تورات انتخاب کرده اند. کبالات شبات به زبان عبری یعنی "استقبال شنبه". کبالات شبات (به جز در میان یهودیان ایتالیایی و پرتغالی زبان)، از شش مزمور یعنی مزمورهای ۹۵ تا ۹۹ و ۲۹ تشکیل شده که نماد شش روز هفته است. سپس شعر "لخا دودی (۲)" خوانده می شود. شعر لخا دودی را "رَبِّي شلومو هالوی آلقابتز" در نیمه قرن شانزدهم سروده

ص: ۸۸

۱- Kabbalat Shabbat .

۲- Lekha Dodi .

است که مبتنی بر کلماتی از عالم تلمودی، "هَنینا" است که می گوید: "بیایید بیرون برویم و ملکهٔ شبّات را ببینیم." (۱)

کبالات شبّات با مزمو ۹۲ (که سرود مخصوص روز شنبه و علامت پذیرش شبّات و واجبات آن از سوی یهودیان است) و مزمو ۹۳ به پایان می رسد. برخی از یهودیان، در این قسمت بخشی را برای قرائت اضافه می کنند. این نماز با قدیش ربی به پایان می رسد. سپس نماز مغرب (معاریو) برگزار می شود. برخی جماعات، بخش قرائت را به بعد از نماز مغرب موکول می کنند. طبق برخی رسوم، در اینجا بخشی از کتاب زوهر را می خوانند. بخش "شَمع" نماز شب جمعه، در برخی جزئیات از آنچه در روزهای هفته خوانده می شود متفاوت است. بسیاری از یهودیان در این قسمت آیات ۱۶ و ۱۷ باب ۳۱ سفر خروج را می خوانند. سپس دعای میانی عمیدا که از آفرینش سخن می گوید خوانده می شود و به دنبال آن خلاصه ای از هفت نیایش می آید که حَزّان (پیش نماز) آن را می خواند. در این بخش، در کنیساهای اشکنازی قدیش می خوانند. سپس العینو خوانده می شود. اغلب سفارادی ها و بسیاری از کنیساهای اشکنازی، با خواندن "یگدال (۲)" به این مراسم پایان می دهند. یگدال، افزوده

ص: ۸۹

۱- Talmud Shabbat ۱۱۹a

۲- Yigdal

شعری است که سیزدهمین اصل از اصول ایمان یهودی را توضیح می دهد و ابن میمون آن را وضع کرده است. دیگر کنیسه‌های اشکنازی، به جای آن با دعای "آدونای لعولام" ختم می کنند.

نماز صبح شبات

نماز صبح شبات، مثل دیگر نمازهای صبح آغاز می شود. از میان مزامیر، مزمور ۱۰۰ یعنی مزمور له تودا(۱) (مزموری برای شکرگزاری پیشکش) حذف می شود، زیرا "تودا" یا شکرگزاری پیشکش، در روز شبات در معبد سلیمان عرضه نمی شد. جای آن را در سنت اشکنازی، مزامیر: ۱۹، ۳۴، ۹۰، ۹۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۳۳، ۹۲ و ۹۳ می گیرند. یهودیان سفارادی نظم دیگری را نگه داشته اند و تعدادی مزمور دیگر و دو شعر دینی نیز افزوده اند.

سپس دعایی به نام "نیشمات" (۲) خوانده می شود. دعاهای پیش از شمعرا طول می دهند و سرودهای ایل آدون را به آن می افزایند که اغلب به صورت دسته جمعی خوانده می شوند.

دعای میانی شخریت عمیدا با "یسماخ موشه" آغاز می گردد. قطعه یسماخ موشه، درباره اینکه حضرت موسی علیه السلام _تورات_ را

ص: ۹۰

۱- Mizmor Le Todah .

۲- به معنای «نفس» است و محتوای آن بی همتایی خداست و اینکه روح مانند نفس موجودات است.

دریافت کرده است سخن می گوید (که طبق سنت، در بامداد شَبَّات اتفاق افتاد). سپس حَزَّان، قدیش را به تفصیل و با تکرار بعضی عبارات می خواند. پس از اینکه تکرار انجام شد، طومار_تورات_ با مراسمی طولانی تر از مراسم هفته، از صندوقچه مخصوص آن بیرون آورده می شود و بخش هفتگی آن و سپس، بخشی دیگر از_تورات_ به نام "هفتارا"^(۱) را می خوانند. پس از قرائت تورات، سه دعای دیگر را به صورت دسته جمعی می خوانند. در پایان، دعاهایی با مضمون آرزوی برقراری صلح و آرزوی تشکیل حکومت در اسرائیل خوانده می شود.

بعد از این ادعیه، عَشَّری را تکرار می کنند و طومارهای_تورات_ را با حرکت دسته جمعی در کنیسا به صندوق مخصوصش برمی گردانند. در پایان مراسم، برخی از جماعات به کودکان اجازه می دهند تا جلو بیایند و طومارهای_تورات_ را ببوسند. در برخی جماعات ارتدکس نیز ربی (یا عضو باسوادی از میان جماعت) به ایراد سخنرانی با موضوع اهمیت_تورات_ می پردازد.

نماز موَصَّاف (مضاف)

یهودیان در روزهایی مانند شَبَّات، نمازهایی اضافه بر نمازهای روزانه دارند که به آن "موَصَّاف" می گویند. به این ترتیب، در

ص: ۹۱

روزهای شبات به جای سه نماز، چهار نماز خوانده می شود. نماز مضاف با قرائت آهسته عمیدا آغاز می شود. دعا‌های میانی شامل قرائت "تیکندا شبات" (۱) است که در تکریم و تقدیس روز شبات است. سپس بخشی از سفر_اعداد_خوانده می شود که درباره قربانی هایی است که پیوسته در معبد سلیمان انجام می شد. سپس این دعاها می آیند:

۱. یسمیخو(۲): "آن ها به زودی در پادشاهی تو خشنود خواهند شد"؛

۲. الوهینو(۳): "ای خدای ما و خدای نیاکان ما، باشد که از آرامش ما خشنود باشی!" (که در طی عمیдахای شبات خوانده می شود).

در این نماز، قدیش کامل _ که مفصل است _ خوانده می شود. پس از این که قرائت عمیدا به قدیش کامل رسید، به دنبالش براخای عین کلوهینو را می خوانند. در یهودیت ارتدکس بعد از این قسمت، بخشی از _تلمود_ خوانده می شود و بخور پیشکش می کنند و مزامیر روزانه ای را که در معبد اورشلیم خوانده می شد، قرائت می کنند. محافظه کاران معمولاً این متون را نمی خوانند. نماز مضاف با خواندن قدیش ربی، العینو و قدیش ندبه به پایان می رسد. برخی کنیساها در این بخش، ابتدا "سرودهای افتخار"،

ص: ۹۲

۱- Tikanta Shabbat .

۲- Yismechu .

۳- Eloheynu .

سپس قدیش ندبه و مزامیر روز و نیز "آدون عولام" یا "یگدال" را می خوانند.

نماز عصر در شبات

مینخای شبات با "عِشْرِی" شروع و با دعای "عیوالصیون" ادامه می یابد. سپس، بخش نخست از بخش های هفتگی طومار _تورات_ خوانده می شود. در ادامه، عمیدا به همان صورتی که برای شبات توضیح دادیم، قرائت می گردد.

نماز مغرب در شبات

در غروب روز شبات، بلافاصله معاریو را می خوانند و با این دعاها به پایان می رسد: "ویهی نوعام"، "وه-یتیم لِحا" و "هودالا".

مواقع و عبادات ویژه

آیین های روزهای آوه- یعنی روش هشاننا (اول ماه) و یوم کیپور - با لحنی پرابهت که شایسته این روزها باشد برگزار می گردد. نماز مضاف در "روش هشاننا" نه دعا دارد؛ سه تایی میانی شامل آیاتی از _تورات_ در تصدیق حکومت یهود، یادآوری دوران حکومت یهود و نواختن شوفار (نوعی شیپور) است که در طول نماز صد مرتبه نواخته می شود.

"یوم کیپور" تنها روز سال است که در آن پنج بار نماز خوانده

می شود. در این روز، پیش از نماز مغرب، "کول نیدره" خوانده می شود. کول نیدره، که نوعی اعتقادنامه است، بیان آغازین نماز مغرب است. در طول روز، نماز شخريت، نماز مضاف (که در شبات و همه روزهای جشن خوانده می شود) و به دنبال آن نماز مینخا را می خوانند. در این روز، همین که خورشید شروع به غروب کردن می کند، نماز نعیلا خوانده می شود. این نماز سالی فقط یک بار و درست در همین روز و در همین ساعت خوانده می شود.

نمازهای پَسَح، شاووعوت و سوکوت

نمازهای سه جشن "پَسَح"، "شاووعوت" (جشن هفته ها یا عید پنجاهه) و "سوکوت" (جشن خیمه ها) مثل هم هستند، مگر اینکه مواردی رابه هر یک از این جشن ها، به تناسب آن جشن، اضافه می کنند. مقدمات و مؤخرات هر یک از نمازهای این جشن ها مثل شبات است. براخاهای عمیدا در این جشن ها فقط حاوی هشت براخاست. به دنبال آن هیلل (خواندن دسته جمعی مزامیر ۱۱۳ تا ۱۱۸) انجام می گیرد. نماز مضاف در این ایام با یادآوری پیشکش های معبد سلیمان در جشن های آن ایام است. هم چنین کاهنان دعایی به نام "دعای روی منبر" را در طی عمیدا می خوانند (این دعا هر روز در اسرائیل و در میان بیشتر جماعات سفارادی قرائت می گردد، اما تنها در پَسَح، شاووت، سوکوت، روش هسانا و یوم کیپور است که در جماعات

اشکنازی ساکن بیرون اسرائیل خوانده می شود). حزان، ادعیه کاهنانه روزهای هفته و شبات را پس از براخاهای شکرگزاری می خواند. قابل ذکر است که یهودیان اصلاح گرای امریکایی، نماز مضاف را به کلی حذف کرده اند.

نماز قضا

اگر کسی به غیر عمد نمازش قضا شود، باید در نماز بعدی، دعای عمیدا را دو بار بخواند. در این زمینه احکامی به نام "Tefillat tashlumin" وجود دارد که این گونه احکام را توضیح می دهد.

آداب نماز

برخی از یهودیان در طول نماز، بدنشان را به سرعت به عقب و جلو حرکت می دهند. این عمل که "شوکلین" نام دارد، واجب شرعی نیست و حتی اسحاق لوریای کابالا-یست گفته است: چنین عملی جایز نیست؛ در مقابل، نویسنده ای آلمانی در قرون وسطا به نام "رَبی یاکوب مولین" این عمل را به عبارتی از "تلمود" مرتبط می سازد که می گوید: "عالم بزرگ دوره میشنایی به نام "رَبی عقیوا"، چنان با قدرت بدن خود را در حال نماز به جلو و عقب حرکت می داد که به گوشه دیگر اتاق می افتاده

ص: ۹۵

از آداب دیگر نماز این است که برخی عادت دارند پیش از نماز، در حین نماز و یا بعد از نماز صدقه بدهند، به این امید که نمازشان مسموع خدا واقع شود.

طبق احکام یهودیان ارتدکس و حتی یهودیان لیبرال، زنان و مردان در هنگام نماز ملزم به نشستن در بخش های تفکیک شده ای به نام "مختصا(۲)" هستند که آنان را از یکدیگر جدا می کند. یهودیان محافظه کار اجازه می دهند که زنان و مردان به صورت مختلط بنشینند. این امر در آمریکا به صورت همگانی درآمده، اما در باقی کشورها چنین نیست. گفتنی است، اکثر یهودیان نوارتدکس با پیش نماز شدن زنان مخالفند.

هم چنین از آداب واجب نماز آن است که یهودیان در خلال مراسم عبادی از صحبت کردن خودداری کنند، اما مردم زیاد به ظاهر این فرمان پای بند نیستند و در نتیجه، فضایی کاملاً غیررسمی بر مراسم حکم فرما می شود. از آنجا که عبادات راست کیش ها به زبان عبری است و از روی سیدور(۳) (یعنی کتاب نماز) خوانده می شود، نحوه همراهی افراد عادی با مراسم به

ص: ۹۶

۱- ۱۱۹, Talmud tractate Berachot.

۲- Mechitza

۳- Siddur.

مسئله ای مشکل آفرین تبدیل شده است.

نماز و زنان یهودی

در فقه یهودی زنان از سه بار نماز جماعت معاف شده اند. طبق نظر _تلمود_، که مهم ترین منبع فقهی یهودیان است، این نمازهای روزانه بر مردان واجب است. رهبران یهودیان ارتدکس عموماً این سخن _تلمود_ را چنین تفسیر کرده اند که معاف شدن زنان به دلیل سطح بالایی معنویت آنان است و از این رو، نیازی ندارند تا حتماً در وقت خاصی با خدا ارتباط برقرار کنند؛ در واقع، آنان همیشه در حال ارتباط با خدا هستند. برخی ارتدکس ها نیز زنان را فقط از انجام نماز مغرب معاف کرده اند. رهبران یهودیان ارتدکس متذکر شده اند که اگرچه زنان از خواندن نماز در اوقات ثابت معاف شده اند، از خواندن خود نماز معاف نیستند.^(۱)

"رَبِّي عويدا يوسف"^(۲) می گفت: روزانه فقط يك مرتبه نماز از زنان خواسته شده است که می توانند هر کدام را و به هر شکلی که خودشان انتخاب کنند، بخوانند، اما در نمازشان باید براخاهای حمد^(۳)، نیاز^(۴) و شکرگزاری^(۵) باشد.^(۶) البته چنین نیست

ص: ۹۷

۱- Brachot ۲۶a

۲- Ovadia Yosef

۳- Brakhot

۴- Bakashot

۵- Hodot

۶- Yabiah Omer , vol. ۶, p . ۱۷

که همه رهبران ارتدکس موافق معافیت زنان از نمازهای روزانه باشند. میشنا برورا، که کتاب فقهی مهمی درباره احکام یهودیان اشکنازی است، معتقد است، اعضای "مجلس اعلا"، زنان را همانند مردان ملزم به خواندن هر روزه نمازهای صبح و عصر کرده بودند. (۱)

یهودیان اصلاح گرا (اصلاحات) و بازسامان گرا، پیش نماز شدن زنان را مجاز می دانند، زیرا خود را مقید به فقه یا هلاخا نمی دانند. یهودیان فمینیست سه نوع استدلال کلی برای توسعه نقش زنان ارائه کرده اند:

۱. به دلیل اینکه در معبد سلیمان، زنان مانند مردان ملزم به قربانی کردن بودند، پس زنان امروز نیز ملزمند نمازهای ویژه را به جا آورند و از این رو، می توانند پیش نماز باشند (و در صورت نیاز می توانند جزو مینیام به شمار آیند).

۲. از آنجا که بخش هایی از نماز را خود _تورات_ واجب نکرده است، بلکه در دوره تلمودی افزوده شده و سپس واجب شده

ص: ۹۸

است، پس انجام آن برای هر کسی که داوطلب باشد، چه مرد و چه زن، مساوی است؛ از این رو، زنان نیز می توانند دست کم در بخش هایی از نماز مانند کبالات شبات پیش نماز باشند.

۳. در مواردی، تلمود زنان را نه به خاطر شایستگی، بلکه به خاطر "وقار" از پیش نمازی منع کرده است. پس اگر نهی تلمود، نهی ارشادی باشد و نه نهی مولوی، پس ما امروزه می توانیم این نهی را نادیده بگیریم و اجازه دهیم تا زنان نیز بتوانند برخی کارهای مخصوص مردان، مانند حمل تورات را انجام دهند و یا حتی پیش نماز شوند.

یهودیان نوارتدکس معمولاً زیر بار این استدلال ها نمی روند. آنها می گویند که طبق سنت "کول عیशा(۱)" چنین عملی صحیح نیست. کول عیशा، حکمی فقهی است که مردان را از شنیدن آواز زنان نامحرم نهی می کند. طبق این حکم مرد فقط می تواند به آواز زن خویش گوش دهد.

ص: ۹۹

براخا

در یهودیت، "براخا"^(۱) دعای برکتی است که معمولاً در زمانی خاص و در طی مراسم یا فعالیت ویژه ای خوانده می شود. عملکرد براخا، تصدیق خداوند به عنوان منبع برکت است. براخاها معمولاً با چنین کلماتی شروع می شوند: براخا اِتا، آدونای الوهینو، ملک ها-اولام، (بوروخ اتوه)، آدوینوی الوهینو و ملیک هو اویلوم؛ یعنی: مبارکی تو، ارباب خدای ما، پادشاه جهان و...

سه نوع براخای اصلی وجود دارد:

۱. برکاتی که در تجارب خشودکننده خوانده می شوند، که شامل برکت بر غذا و عطر است.

۲. برکاتی که به هنگام ادای امر واجب خوانده می شوند.

۳. برکاتی که به هنگام تحمید و سپاس گذاری خوانده می شوند.

کسی که دعای برکت را می شنود با گفتن آمین (آمین) پاسخ می گوید، اما کسی که در حال خواندن نماز است، چون حرف زدن برایش حرام است، آمین نیز نمی گوید. کسی که دعای برکت را می خواند، خودش در جواب خودش آمین نمی گوید، اگرچه نمازهایی مانند قدیش در خود متن دعا، کلمه "آمین" وجود دارد؛ لذا آمین را می خواند.

ص: ۱۰۰

۱- در عبری «براخوت»، به معنای «نعمت» و «برکت» است.

طبق هلاخا بعد از شنیدن براخا باید "آمین" گفت. (۱) در واقع ممنوع است که بعد از براخا خودسرانه از گفتن آمین سر باز زده شود. (۲) منبع و دلیل این وجوب، آیه ای از سفر تثیبه است: "وقتی من نام هَشَم (یکی از نام های خداوند) را می خوانم، خدایت را به بزرگی یاد کن (۳)".

این فرمان اشاره دارد به آن نام خدا که فقط در زمان های خاصی تلفظ می شود و محدود به معبد مقدس در اورشلیم است. کسی که این نام خاص خداوند را بشنود، موظف است تا با براخای: "مبارک باد نام پادشاهی پر جلالش برای همیشه" پاسخ گوید. (۴) با نابودی معبد در سال هفتاد میلادی، ذکر نام مخصوص خدا (یعنی یهوه) ممنوع شد (۵) و به جای آن کلمه "آدونای" را می گفتند. اگرچه آدونای نیز جزو هفت نام مقدس خداست و نباید بدون منظور ذکر شود، اما در نمازها و برکات می تواند ذکر شود. پاسخ "آمین" در شنیدن آدونای واجب نیست.

ص: ۱۰۱

۱- Orach Chaim ۱۲۴:۶

۲- Chayei Adam ۶:۱

۳- تثیبه ، باب ۳، آیه ۳۲.

۴- Deuteronomy ۳۲:۳

۵- Chayei Adam ۵:۲۷

در _تلمود_ آمده است: کلمه "آمین" مخفف "ال-ملک نع یمان"، یعنی "خداوند، سلطان امین است (۱)" می باشد. پس کلمه "آمین" در اصل ریشه شناختی خود، به ایمونا یا ایمان اشاره دارد و ثابت می کند که شخص عقاید اساسی ایمان را پذیرفته است. (۲) اصلی در فقه یهودی می گوید: در برخی از دعاها، مانند قدوش، کسی که بعد از دعا "آمین" می گوید، ثواب کسی را دارد که خود دعا را می خواند.

عمیدا یا شمونه عسره (ثمانیه عسره)

نماز یهودیان از دعایی اصلی به نام "هجده" و چند دعای فرعی که در ابتدا و انتهای آن خوانده می شود، تشکیل شده است. قسمت اصلی، یعنی هجده، در عبری "شمونه عسره" (۳) است که از نظر ریشه لغت، صورت عبری "ثمانیه عسره" در زبان عربی است. این دعا، در ابتدا هجده دعای "براخا" (۴) بود که بعد دعایی بدان افزوده و در مجموع، نوزده "براخا" شد. این دعای اضافی، دعای مخصوصی بر ضد بدعت گذاران (یعنی یهودیان مسیحی

ص: ۱۰۲

۱- Tractate Shabbat ۱۱۹b and Tractate Sanhedrin ۱۱۱a

۲- Magen Avraham ۲۱۵:۳, citing the Midrash

۳- Shemoneh Esreh

۴- براخا به عربی همان «برکت» است.

شده) است که در حدود اواخر قرن اول میلادی، به هجده دعای قدیمی افزوده شده است. علت آن نیز این بود که یهودیان می‌دیدند مسیحیانِ یهودی شده به کنیسه‌های آنان می‌روند و در کنار آنان نماز می‌خوانند. آنها این دعا را افزودند تا مسیحیان نتوانند در کنیسه‌های آنان نماز بخوانند؛ از این رو، مسیحیان به تدریج به فکر جدا شدن از جماعت یهودیان و تشکیل کلیسا و تأسیس نمازی مخصوص به خود شدند.

نماز "هجده" نه تنها در سه نوبتِ نماز روزانه، بلکه در هر یک از مناسبت‌ها، مانند اعیاد یهودی نیز تکرار می‌شود، و سه بخش اصلی دارد:

۱. سه براخا به ستایش یهوده، خدای یهودیت اختصاص دارد که از جمله اوصافش آن است که خدای پدران (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) است و تأمین‌کننده غذا و سلامتی، صادق در امر رستخیز مردگان و مقدس است.

۲. سیزده براخا نیز به دعا برای علم، توبه، مغفرت، نجات، شفا، برکت زمین، گردآوردن آوارگان تبعیدی، داشتن داورانی عادل، نابودی بدعت‌گذاران، پاداش عادلان، بازسازی اورشلیم، آمدن مسیحای داوودی و درخواست پذیرش نماز، اختصاص یافته است.

ص: ۱۰۳

۳. سه براخای آخر نیز درباره دعا برای بازگشت به صهیون و دوباره برقرار کردن عبادات معبد، سپاس از خوبی و خیر خدا و معجزات او، و طلب صلح، رحمت و حیات برای اسرائیل است.

بدین ترتیب، این نماز دارای نوزده براخاست که باید در حالت ایستاده و رو به اورشلیم خوانده شود. از این روست که نام دیگر این نماز، "عمیدا"^(۱) (یعنی "ایستاده به حالت عمود") است. این نماز نام دیگری نیز دارد؛ از آنجا که این نماز را آهسته می خوانند، در میان یهودیان ایران به "لَحش" معروف است. اگرچه ترکیب این نماز در میان فرقه های گوناگون یهودی تفاوت هایی دارد، اما ساختار اصلی آنها یکی است.

شَمَع یا شَمَع اسرائیل

در کتب فقهی یهود آمده است: بر هر یهودی واجب است در روز دو دفعه صبح و شام، سه پاره (باب) از تورات را که با کلمات "شَمَع اسرائیل" (یعنی: بشنو ای اسرائیل)^(۲) شروع می شود، بخواند. در نمازهای صبح و شام پیش از عمیدا به خواندن شَمَع و براخاهای آن می پردازند. شَمَع در یهودیت جایگاه بسیار مهمی دارد و از آنجا که در یهودیت اعتقادنامه رسمی وجود ندارد،

ص: ۱۰۴

۱- Amidah

۲- تثنیه ، باب ۶، آیه ۹۴-۹۶.

همچون کلمه شهادت عمل می کند.

قرائت شمع جزو قسمت های مهم نماز یهودیان است. در اهمیت این دعا همین بس که نخستین چیزی است که فرد یهودی به فرزندان کوچکش می آموزد. به محضر تلقین داده می شود و آخرین کلامی است که از دهان شخص یهودی خارج می گردد. در تفیلین و مزوزای یهودیان نوشته و گذاشته می شود و به هنگام خطرات تکرار می شود. مستحب است قبل از خواب خوانده شود و در نماز موصاف و نعلا قرائت می گردد. (۱)

قدیش

"قدیش" دعایی است که از ستایش خدا، تقدیس نام پروردگار (قیدوش هشم) و اقرار به عدالت خالق یکتا (صیدوق هدین) ترکیب یافته است. اقسام مختلف قدیش وجود دارد: قدیشی که پیش نماز آن را چند مرتبه در ضمن نماز می خواند که خود به دو نوع است: قدیش نیمه و قدیش کامل که توضیح آن گذشت. قدیش دیگر "ربانان" نام دارد که سوگواران آن را قرائت می کنند. نیز "قدیش بزرگ" است که پس از تدفین و قرائت تلمود یا فصلی از میشنا خوانده می شود که به منزله "نماز میت"

ص: ۱۰۵

به هنگام تکرار عمیدا، بخش ویژه ای که به قدوشا (۲) یعنی "قدس"، معروف است به دعای برکتی که در آن از قدوسیت خدا ستایش می شود، افزوده می گردد. این بخش متشکل از آیاتی است برگرفته از: اشعیا (۶:۳)، حزقیال، (۳:۱۲) و تهیلیم (۳:۱۴۶:۱۰)، که جماعت و پیش نماز با صدای بلند آن را می خوانند.

"نعیلا" به معنای "اختتام"، نماز ویژه ای است که در شامگاه یوم کیپور به عنوان اختتام تلاوت می شود و به معنی "درهای آسمان که امروز برای پذیرفتن دعاهای اسرائیل باز بود بسته می شود"، است. پس از نماز نعیدا، شوفار (شیپور) نواخته می شود و افراد برای تبریک به یکدیگر می گویند: "سال آینده در اورشلیم!" (۴)

۱- همان، ص ۱۹۵.

۲- Kedushah.

۳- مزامیر.

۴- واژه های فرهنگ یهود، ص ۲۳۸.

در هلاخا یا احکام یهود آمده است که هر یهودی مذکر بالغی می تواند رهبری نمازها، قرائت تورات و اجرای دیگر آیین های کنیسا را بر عهده گیرد و فقط اعطای برکات کاهنی^(۱) است که لازم است به دست کاهن صورت گیرد. اعطای این برکت ها در عیدهای بزرگ انجام می شود. در کنیساهای مترقیان کسی که اعطای برکت می کند، حاخام است نه کاهن. با آنکه رهبری عبادات با تصدی غیرروحانیان ممکن است، اما اغلب کنیساهای بزرگ از پیش نمازهای تمام وقتی که آموزش های ویژه ای دیده اند بهره می برند. این افراد "حَزَّان"^(۲) نامیده می شوند. ایفای مسئولیت پیش نمازی حَزَّان به دوران گائون ها برمی گردد. پیش نمازهای جدید و سبک موسیقایی ای که امروزه استفاده می کنند، در قرن نوزدهم و هم زمان با رهایی یهودیان اروپایی پیدا شده اند. البته اینک سنت موسیقایی حسیدیزم و نیز آهنگ های یهودی شرقی و تصنیف های جدید اسرائیلی بر نفوذی که سبک های اروپای مرکزی بر موسیقی نماز داشته اند پیشی گرفته اند.

ص: ۱۰۷

-
- ۱- دعاهایی برای برکت دادن به مردم از طریق کاهنان، که سرانجام جزو نماز کنیسا نیز قرار گرفت. ر.ک: اعداد، باب ۶، آیات ۲۲ - ۲۷ (م).
- ۲- Chazan.

پیش نماز نمونه باید به دور از گناه، بدون آوازه بد، متواضع و مقبول جماعت باشد، و نیز باید از صدایی خوش برخوردار باشد، اما هلاخا تصریح دارد که دینداری و دانش حزان، مهم تر از کیفیت صدای او هستند. با این حال، انتظاراتی که افراد جماعت از نوع اجرای مراسم پیش نمازی دارند لازم می آورد که علاوه بر ملاحظات مربوط به تدین، که نقش بنیادی و بسیار مهمی دارد، سبک اجرا و مهارت پیش نماز هم مطرح باشد. (۱)

در یهودیت به کسی که از کنیسا مواظبت می کند "شَمَّاس" می گویند. شماس، متولی یا خادم کنیسا است و در زمان های قدیم مردم را به هنگام نماز فرا می خوانده است. هم چنین شخصی با عنوان "حزان شتنی"، (۲) یا دستیار پیش نماز است که غالباً خواندن پاره های هفتگی _تورات_ در کنیسا را بر عهده دارد و در روزهای غیر تعطیل هفته پیش نماز است. از جمله مأموران دیگر کنیسا "مَلَمِد" (۳) است که در مدرسه دینی یا "حدر" (۴) که چسبیده به کنیسا ساخته می شود درس می دهد، و هم چنین "سوفر" یا "کاتب" که طومارهای _تورات_ و پوست نوشته های

ص: ۱۰۸

۱- ترمن، الن، یهودیت، ص ۳۱۹.

۲- Sheni : دوم.

۳- Melamed.

۴- Cheder : اتاق.

تفیلین را می نویسد و گواهی های طلاق را صادر می کند.

اعیاد یهود

تقویم عبرانی، شمسی - قمری است؛ با سال های شمسی و ماه های قمری که به طور یک در میان ۳۰ و ۲۹ روز دارد. یهودیان برای ثابت نگه داشتن ماه های قمری در فصول سال، هر سه سال یک بار، پس از ماه "آدار" یک ماه به نام "آدار ثانی" بر سال می افزایند و آن سال سیزده ماهه را "عَبور" می نامند. سال آنان از ماه "تشری" در پاییز آغاز می شود و با افزودن عدد ۴۳۸۱ بر نیمه اول و ۴۳۸۲ بر نیمه دوم سال هجری شمسی، تاریخ عبرانی به دست می آید که مبدأ آن خلقت عالم فرض می شود. (۱) یهودیان عیدهایی دارند که در قرائت نمازهایشان اثرگذار است. برخی از این اعیاد بدین شرح است:

روز شنبه

در این روز افراد خانواده دسته جمعی غذا می خورند و طی آن، بزرگ خانواده جام شرابی بر دست می گیرد و با خواندن دعا، آن را تبرک می کند و افراد خانواده از آن شراب می نوشند. تعطیلی

ص: ۱۰۹

۱- برای مثال، سال ۱۳۸۳ تا ۲۵ شهریور با نیمه دوم سال ۵۷۶۴ عبرانی و از ۲۶ شهریور با نیمه اول سال ۵۷۶۵ عبرانی برابر بوده است .

شنبه یکی از "ده فرمان" است (۱). به گفته تورات، در زمان حضرت موسی علیه السلام، شخصی را به سبب جمع کردن هیزم در روز شنبه دستگیر کرده و نزد آن حضرت آوردند. وی دستور داد او را به امر خدا سنگسار کنند (۲).

یهودیان کار کردن در روز شنبه را حرام و گناه کبیره می دانند و در آن روز به عبادت، استراحت و دید و بازدید مشغول می شوند. یهودیان، شبات را موهبتی ویژه از سوی خدا مخصوص قوم یهود تلقی می کنند؛ شبات، رازی میان خدا و بنی اسرائیل است. با وجود این، در کتاب مقدس شواهد و دلایل کمی برای تکریم شبات وجود دارد.

مطابق یکی از دیدگاه های تلمودی، اگر یهودیان فقط به مدت دو هفته پشت سر هم قوانین شبات را آن گونه که شایسته بود رعایت می کردند، موجب ظهور نجات مسیحایی می شدند. در طول ۲۴ ساعت شبات، هیچ کار دنیایی و غیرمقدس نمی توان انجام داد. هلاخا به تفصیل، ۳۹ کار ممنوع در روز شبات را برمی شمارد. حاخام ها حتی از وسایل الکتریکی نیز در این روز استفاده نمی کنند. احکام نماز در روز شبات، پیش تر گفته شد.

ص: ۱۱۰

۱- خروج، باب ۲۰، آیات ۸-۱۱.

۲- اعداد، باب ۱۵، آیات ۳۲-۳۵.

به عبری به آن "روش خودش" می گویند که به معنای آغاز ماه است. در دوران کتاب مقدس، عید اول ماه را موقعیتی برای قربانی ها و جشن های مخصوص می دانستند، اما در دوره های بعدی یهودیت، تبدیل به عید نسبتاً کم اهمیت تری شد که مشخصه آن تنها چند نماز یا دعای اضافی، مانند دعای معروف به "تسبیح مختصر"^(۱) (تهیلیم ۱۱۳-۱۱۸) و یک نماز موصاف است. رسم بر آن است که فرا رسیدن هلال نو در کنیسا و در شبان پیش از آغاز ماه جدید اعلان می گردد. در دعاهایی که برای تقدیس ماه خوانده می شوند اسرائیل با ماه مقایسه می شود که مدام خویشتن را نو می گرداند و خواست خالق خود را با خوشی به انجام می رساند. اینک نور ماه کمتر از خورشید است، اما در دوران آینده شکوه پیشین خویش را باز خواهد یافت و همچون خورشید خواهد درخشید. در نتیجه، آن گونه که در دعا آمده است، اسرائیل منزلت نازل خود در جمع ملل را فرو خواهد گذاشت و در عصر مسیحایی، شکوه پیشین خود را به دست خواهد آورد.^(۲)

ص: ۱۱۱

۱- Half-Hallel.

۲- ترمن، الن، یهودیت، ص ۲۶۴.

طبق تورات_ هر هفت سال یک بار باید وام ها را بخشید و کارهایی انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی انجام داد.(۱) نام عبری این سال "شمیطا" به معنای "رها شدن" است.

سال یوبیل

این عید هر پنجاه سال یک بار می آید که اعمال اخلاقی بسیاری باید در آن انجام شود.(۲)

عید فصح (پسح)

در لغت به معنای "چشم پوشی کردن" است که به مناسبت چشم پوشی خداوند از قتل نخست زادگان بنی اسرائیل در حین نزول این بلا بر فرعونیان چنین نامی به آن داده شده است، ولی بزرگداشت آن به مناسبت نجات بنی اسرائیل از ستم مصریان است. این عید در فلسطین هفت روز و در سایر مناطق هشت روز طول می کشد و آغاز آن چهاردهم ماه نisan در فصل بهار است. مراسم این عید در تورات_(۳) مذکور است. عید فصح،

ص: ۱۱۲

۱- تثییه ، باب ۱۵.

۲- لاویان ، باب ۲۵.

۳- خروج ، باب ۱۲.

مهم ترین عید یهودیت است و در آن تنها استفاده از نان فطیر مجاز است. در شب اول (و دوم آن در غیر سرزمین اسرائیل)، سفره شب عید فصح پهن و مراسمی مانند خوردن سبزی تلخ به یاد تلخی دوران اقامت در مصر اجرا می شود. از قرن دوازدهم میلادی تا کنون گاهی یهودیان متهم شده اند که کودک یا بزرگسالی غیریهودی را کشته و از خون وی در نان فطیر عید فصح استفاده کرده اند.^(۱)

عید هفته ها

این عید پنجاه روز پس از عید فصح، به مناسبت گذشتن هفت هفته و آماده شدن محصول بر گزار می شود. نام عبری آن "شاووعوت" یعنی "هفته ها" است.

عید اول سال

این عید که به عبری "روش هسانا" (رأس السنه) نامیده می شود، در اوایل مهر (اعتدال خریفی) قرار دارد. در صبح آن روز پس از نماز، و البته به استثنای شبات و روز قبل از خود روش هسانا، اندکی در شوفار، که نوعی شاخ قوچ است، می دمند. از هفته آخر "الول"، که جشن سال نو در آن واقع می

ص: ۱۱۳

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۱۳.

شود، خواندن دعا‌های مخصوصی در سحر، که برای آمرزشند و به "سلیحوت" (۱) مشهور، آغاز می‌شود. این روز را "روز داوری" و مقدرات سال آینده را وابسته به آن می‌دانند. کسانی که در این روز یکدیگر را می‌بینند برای هم چنین آرزو می‌کنند: "امیدوارم سال خوبی به نام شما نوشته و تقدیر شود!"؛ زیرا عقیده دارند که داوری مربوط به هر کسی در کتابی آسمانی نگاشته می‌شود.

روش هشانا همانند دیگر اعیادی که در کتاب مقدس یاد شده‌اند، مثل: عید خروج، جشن پنجاهه و عید خیمه‌ها، از جشن‌هایی است که در آن هیچ کار دنیایی و غیرمقدس نمی‌توان انجام داد. این اعیاد با شب‌ات و روز فدیة این تفاوت را دارند که می‌توان در آنها پخت و پز کرد و انجام کارهای مربوطه به تهیه غذا مجاز است. در روش هشانا، کنیساها که در باقی ایام سال جز اندکی از مؤمنان کسی را به خود نمی‌بینند، پذیرای جمعیت قابل ملاحظه‌ای هستند.

ده روز توبه

ده روز نخست ماه تیشری به نام "ده روز توبه" مشهورند. روز پس از روش «هشانا» مخصوص آیین "صوم گِدَلْیا (۲)" است، ولی

ص: ۱۱۴

۱- Selichot.

۲- Tzom Gedaliah.

این ایام روزه ارتباط متقنی با توبه ندارد، بلکه یادآور خاطره قتل گدلیا، حاکم یهودیه است که به دست بابلیان پس از سقوط اورشلیم در ۵۸۶ پیش از میلاد نصب شده بود. مطابق روایات یهودی، مرگ او منجر به از میان رفتن نهایی هستی یهودیان مملکت جنوبی یهودیه شد. از جمله مشخصه های این ده روز، نمازها و دعاهای اضافی آن هاست: درخواست از خدا برای بخشیدن گناهان سال گذشته، فراموش نکردن یهودیان در طول زندگی، تأکید بر پادشاهی خدا، و دعوت به توبه، که به "تَشُوا(۱)" معروف و به معنای برگشتن به سوی خداست. بعضی جوامع یهودی، سلیحوتِ توبه ای مخصوصی را در سحر نیز می خوانند. در حالی که در میان یهودیان زاهد و متقی رسم است که از آثار موساری، که آدمی را به عبادتی باطنی تر و مقدس تر رهنمون می شود، بهره می برند، عموم مردم تلاش می کنند تا در خلال این دوره به گونه ای دقیق تر مسائل مربوط به پاکیزگی دینی را در زندگی خود مراعات کنند.

یوم کیپور

به معنای روز کفاره یا فدیة است. این عید بسیار مهم، دهمین روز از ماه تشری است و آن را "عاسور" یعنی "عاشورا"

ص: ۱۱۵

می نامند. یهودیان از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، به منظور کفاره گناهان، روزه می گیرند. قداست این روز از شبات بیشتر است و کار در آن حرام است (۱). در یوم کیپور، یهودیان بنیادگرا لباس ژنده می پوشند. در نوشته های هلاخایی، یوم کیپور مهم ترین زمان در طول سال یهودی شمرده می شود و معیار اصلی متدین بودن فرد یهودی است. بسیاری از یهودیان که در سایر مراسم های دینی مشارکت نمی کنند، تلاش خاصی دارند تا در یوم کیپور در کنیسا حضور یابند و یا دست کم آن را روزه بگیرند.

در کشور جدید اسرائیل که در آن زندگی یهودیان تحت سیطره راست کیشی یهود است، گروه های یهودی سکولار فرصت یوم کیپور را غنیمت شمرده، به گردش های بزرگ دسته جمعی می روند. این کار نه تنها به آنان اجازه می دهد تا از جو دینی سنگین شهرها بگریزند، بلکه خود بزرگ ترین نوع نارضایتی و مخالفتی است که می توان در ساختار دینی از خود بروز داد. در یوم کیپور صرف نظر از روزه، که مانند تمام روزه های موجود در یهودیت مستلزم امساک کامل از خوردن و آشامیدن است، باید از شست و شو و روغن زدن به خود، پوشیدن

ص: ۱۱۶

کفش چرمی و داشتن روابط جنسی نیز خودداری کرد. همانند شبات، در یوم کیپور نیز انجام هر گونه کار دنیایی ممنوع است.

عبادت در یوم کیپور

مراسم عبادت در کنیسا در پایان روز شروع می شود. ابتدا یک یا دو عدد از طومارهای _تورات_ را از درون گنجه بیرون آورده، آنها را روی مکان مخصوص آن در وسط کنیسا قرار می دهند. افراد مذکر جماعتِ کنیسا، طالیت را _ که معمولاً فقط در ساعات روز پوشیده می شود _ به تن می کنند و غالباً ردای پهن سفیدی را روی لباس خود می اندازند. در نماز آغازین، پیش نماز از اهالی آسمان و نیز از جماعت کنیسا اجازه می خواهد تا به همراه آن گناهکارانی که ممکن است به دلیلی در بقیه طول سال از حضور در کنیسا محروم شوند، دعا کند. پس از آن دعای "کل نیدره" در جمع یهودیان اشکنازی سه دفعه با زمزمه و لحنی ملایم خوانده می شود. کل نیدره در اصل دعای الغای قَسَم ها ست و برای آن است که فرد یهودی را از قسم های دینی ای که انجام داده، آزاد کند. عبادت شامگاهی که پس از این مراسم صورت می گیرد شامل: اعتراف دسته جمعی به گناهان و خواندن سرودهایی است که در آنها بر کمبودهای آدمی و در مقابل بر لطف سرشار الهی تأکید می گردد.

در خلال روز بعد در کنیسا، عبادت هایی طولانی و تقریباً

بدون وقفه تا موقع فرا رسیدن شب، که وقت نواختن شوفار برای اعلام پایان روزه است، انجام می گیرد. جوامع مختلف یهودی هر کدام برای خود لحن سنتی خاص دارند که به طور بسیار جدی بر آن محافظت می کنند. اعضای مسن تر جماعت که این الحان برای آنان یادآور خاطرات حسرت آوری از روزگار جوانی آن هاست که با والدین خود در کنیسا شرکت می کردند، اغلب با شور و شوقی فراوان با آن سرودخوانی ها همراه می شوند.

از زمره قسمت های اصلی آیین یوم کیپور دعاهایی است که به یاد ازدست رفتگان خوانده می شوند. البته این دعاها در پایان عید خیمه ها، در عید پسح و در عید پنجاهه نیز خوانده می شوند. به همراه دعا برای مردگان شمعی را پیش از شروع روزه، به یاد پدر و مادرهای ازدست رفته روشن می کنند که برای ساعت ها روشن باقی می ماند.

نیز از جمله مراسم یادشده، بازخوانی گزارشی طولانی از مراسمی است که انجام آنها در دوران معبد بر عهده کاهن اعظم بوده است. در خلال این بازخوانی، جماعت کنیسا در لحظات مشخصی به تقلید از اعمال معبد به خاک می افتند. سوگواری پراحساسی نیز برای ده تن از حکیمان که در جریان تعقیب و آزار دوران هادریان در قرن دوم — آن چنان که سنت یهودی

می گوید _ به نحو فجیعی به شهادت رسیدند، برگزار می شود. علاوه بر این ها قطعه ای از کتاب _یونا_ در بین عبادت عصر خوانده می شود تا پیام آور این معنا باشد که آمرزش برای آنان که توبه می کنند و از راه های بد خود برمی گردند، در دسترس است.

یوم کیپور در هیئت کامل خود این گونه جلوه می کند: با جدّیت و خشیت زیاد، روزه داری، لباس های سفید، آهنگ های سنگین، به خاک افتادن های پیش نماز و جماعت، و نمازها که خود جلوه ای خاص دارند، و جملگی باعث به وجود آمدن فضایی می شوند که هم آسمانی است و هم به پالایش و تخلیه روحی کمک می رساند.

یوم کیپور یا روز فدیّه، نقطه اوج فرآیند توبه و درخواست آمرزش خداست، اما از آنجا که اعتقاد بر آن است که خدا فقط در صورتی می تواند گناہانی را که آدمی به زیان دیگران انجام داده است، ببخشد که فرد زیان دیده، زیان رساننده خود را ببخشد، گناہکار باید پیش از یوم کیپور بخشش هم نوع خود را به دست آورد. رسم است که یهودیان نزد کسانی که به آنان بدی کرده اند، می روند و تلاش می کنند آنها را راضی کنند، اما اگر آنان پس از سه بار تلاش مصالحه جویانه آشتی را نپذیرفتند، گناہکار دیگر ملزم به کوشش بیشتر برای جلب رضایت ایشان نیست.

یکی از اعمالی که گرچه در قانون نامه ها ذکر شده است، اما

به ندرت در میان یهودیان معاصر یافت می شود، تازیانه زدن با شلاق چرمی است که پس از نماز عصر به هنگامی که مطابق دستور کتاب نماز، اقرار عمومی به گناه صورت می گیرد انجام می شود. این عمل موجب قبول توبه دانسته شده است و با آن که معمولاً بیشتر جنبه نمادین دارد تا تحمل رنجی واقعی، اما هنوز برخی از افراد پارسامنش برای خود آن را به اجرا می گذارند.

روزه، که یکی از ویژگی های اصلی یوم کیپور است، درست پیش از غروب خورشید آغاز می شود و آخرین لقمه های غذا را باید به گونه ای صرف کرد که کمی زمان تا شروع باقی باشد، تا بدین ترتیب به لحظات غیرمقدس مقداری تقدس داده شود.

عید سایه بان ها

یهودیان از روز بیست و دوم ماه تشری به یاد اقامت بنی اسرائیل در خیمه های صحرای سینا در عصر حضرت موسی علیه السلام، به مدت یک هفته زیر سایه بان زندگی می کنند. نام این عید به زبان عبری "سوکوت" به معنای "سایه بان ها" است. پنج روز پس از یوم کیپور، جشن سایه بان ها آغاز می شود. "سوکا" چیزی شبیه سایه بان و سقف آن از شاخه است و در فضای باز برپا می گردد. یهودیان سنتی هفت روز بعد را در این سوکا سر می کنند. در روزگار باستان عید سوکوت یکی از سه عید زیارت اورشلیم بود.

دو عید دیگر، پسخ و پنجاهه هستند. سوکوت در کتاب مقدس با رویداد خروج از مصر پیوند خورده است:

تو باید هفت روز را در سایه بان‌ها بمانی... تا نسل‌های آینده تو بدانند که من فرزندان اسرائیل را آن‌گاه که آنان را از سرزمین مصر بیرون آوردم، در سایه بان‌ها جای دادم.^(۱)

شاخه نخل، شاخه‌های گیاه مورزد و درخت بید که به هم بسته شده‌اند و نیز نوعی ترنج را در دست نگاه می‌دارند تا در خلال خوانده شدن مزمورهای هَلِّل^(۲) (شماره‌های ۱۱۳-۱۱۸) در کنیسا تکان دهند. زمان بندی این جشن عجیب است، زیرا با آنکه یادبود "خروج" در بهار انجام می‌گیرد، این عید را در پاییز قرار داده‌اند؛ از این رو، حاخام‌ها در توضیح این مسئله معتقدند این نکته، حاوی پیامی دینی است.

از ویژگی‌های بارز سرشت کشاورزی این جشن، مراسم آب افشانی است. از نظر نوشته‌های تلمودی، شرکت در شادی و سرور آب افشانی، رقصیدن، موسیقی و آوازخوانی‌ها، بزرگ‌ترین شادی است. _تلمود_ می‌گوید: "آنکه شادمانی مجلس آب افشانی را ندیده است، هرگز شاهد شادی نبوده است."^(۳) به شرکت کنندگان

ص: ۱۲۱

۱- خروج ، باب ۲۴.

۲- Hallel.

۳- ترمن، باورها و آیین‌های یهودی ، ص ۲۷۷.

این مراسم، که حکیمان شاخص فریسی نیز در میانشان وجود داشتند، گفته می‌شد که به مرتبه ای برتر از روح القدس خواهند رسید. تا این اندازه شور و شوق دینی موجود در این مراسم زیاد بود. یهودیان راست کیش امروزه نیز این جشن و سرور آب افشانی را برپا می‌کنند و خواندن و رقصیدن آنها تا نیمه های شب ادامه می‌یابد. بدین ترتیب تلاش می‌کنند تا به همان شادی و لذتی که در مراسم باستانی بوده است، دست یابند.

در نحوه اجرای امروزین این مراسم و در دعاهای باران مخصوص، که در روز هشتم سوکوت آغاز به خواندن آنها می‌کنند، آب و دیگر امور مربوط به کشاورزی جلوه اساسی تری به خود گرفته اند. به طور کلی، سوکوت را شادترین جشن سال یهودی می‌دانند و در _نمازنامه_ از آن به "وقت خوشی ما" یاد شده است.

معمولاً در نهمین روز سوکوت دو نفر از اعضای جماعت برگزیده می‌شوند تا یکی با خواندن بخشی از _اسفار خمسه_ دوره را به آخر برسانند و دیگری با خواندن اولین فصل *سِفَر* _تکوین_ آن را آغاز کند. آن گاه عبادت کنندگانی که به کنیسا آمده اند در حالی که می‌رقصند و تمامی طومارهای تورا را با حرکت دسته جمعی شادمانانه ای حمل می‌کنند، و به همراه آنان کودکانی که آواز می‌خوانند و پرچم هایشان را می‌چرخانند، حال و هوای کنیسا را

به کلی دگرگون می کنند. معمولاً آن دو نفر یادشده مهمانی نمادینی ترتیب می دهند که در آن مقدار زیادی مشروبات الکلی مصرف می شود تا در نتیجه، بر شور و نشاط مجلس بیفزایند. نمود این رویدادها در این گونه مواقع برای افراد بیرونی و ناآشنا با کنیسه‌های راست کیش، عجیب و در واقع دیوانه وار است. ساموئل پیپس (۱) که در ۱۴ اکتبر ۱۶۶۳ در لندن در مراسم سیمحت تورا حضور یافته بود، در خاطراتش می گوید:

خداوندا، چه بگویم، دیدن شلوغی، خنده، مسخرگی و بی توجهی، و بلکه به هم ریختگی در سرتاسر مراسم عبادی، که بیشتر از حیوانات سر می زند تا از مردمانی که خداشناس حقیقی اند، آدمی را وامی دارد که سوگند بخورد دیگر هرگز آنان را نبیند. در واقع نیز دیگر من چیز چندانی از این قبیل ندیدم، و نمی توانستم تصورش را هم بکنم که در تمام دنیا دینی وجود داشته باشد که چنین اعمال بی معنایی از آن سر بزند. (۲)

عید گشایش (حنوکا)

تقریباً دو ماه پس از پایان عید سوکوت، جشن هشت روزه

ص: ۱۲۳

۱- Samuel Pepys ; در یاسالار انگلیسی (۱۶۳۳ _ ۱۷۰۳ م).

۲- همان، ص ۲۷۸.

"חנוכה" آغاز می گردد. این جشن یادآور پیروزی مکابیان بر حاکمان سلوکی فلسطین در حدود سال ۱۶۵ پیش از میلاد است. دعای ویژه ای به نام "עַל הַנִּסִּים (۱)" وجود دارد که ویژه روز حنوکاست و در آخر کتاب نماز آورده می شود. این دعا، مضامین اصلی حنوکا را پیروزی، بازگشایی و تقدیس دوباره معبد و ضرورت شکرگزاری خدا معرفی می کند.

جنبه آیینی برجسته حنوکا روشن کردن شمع است: یک شمع در روز اول، دو شمع در دومین روز و همین طور هشت شمع در آخرین شب و به دنبال آن خواندن سرود "مَاعוֹז טוֹר" (۲). این امر باعث به وجود آمدن اثر هنری و دینی کاملی به نام "منورا" (۳) شده است که شمعدانی هشت شاخه است. در اسرائیل منورا به "חנוکیا" (۴) معروف است. باید شمع های حنوکا را جلوی در یا کنار پنجره روشن کرد تا عابران بتوانند آنها را ببینند.

חנוכה، عید به معنای واقعی آن نیست، زیرا نه منعی از کارهای دنیایی و غیرمقدس در کار است و نه قدوش یا تقدیسی که عید را با آن آغاز کنند.

ص: ۱۲۴

۱- Al Ha-Nissim .

۲- Maoz Tzur .

۳- menorah .

۴- chanukiyah .

ماه آدار (مطابق با بهمن/اسفند) که در چهاردهم آن جشن "پوریم" قرار می گیرد، پرشور و شادترین ماه سال یهودی است، آن چنان که _تلمود_ می گوید: "وقتی که آدار فرا می رسد باید بسیار شادمانی کرد". روز پوریم به مناسبت رفع خطر قتل عام یهودیان به توطئه هامان، وزیر خشایارشا، عید شده است. شرح مفصل این ماجرا در "کتاب استر" در _عهد عتیق_ آمده است. وجه تسمیه این روز به "عید قرعه ها" این است که هامان برای تعیین روز اعلام تصمیم خود به پادشاه، قرعه کشیده بود.

عید مزبور در اواخر زمستان واقع می شود. روز پیش از پوریم روزه ای می گیرند معروف به "تعنیت استر"؛ یعنی روزه استر، که در همه جا در روز سیزدهم آدار و به یادبود روزه ای انجام می گیرد که پیش از زمان ملاقات استر با پادشاه(۱) از سوی خود استر و دیگر یهودیان به مدت سه روز به جا آورده شده بود(۲). این روزه خاص در _تلمود_ ذکر نشده است و پیش از دوران گائون ها نشانی از آن در دست نیست. پوریم، عید اصیل یا یوم طوو نیست و اگرچه معمولاً از کار کردن در این روز نهی می شود، اما

ص: ۱۲۵

۱- خشایارشای اول هخامنشی . (م)

۲- استر ، باب ۴، آیه ۱۵.

کار کردن مجاز است.

امور عمده این روز عبارتند از خواندن "مِگیلا(۱)" (اصطلاحی که از نام طومار دست نوشته کتاب _استر_ گرفته شده است) یک بار در شامگاه و یک بار نیز در طول روز؛ اضافه کردن دعایی خاص پوریم در نماز؛ خیرات کردن به محتاجان و فرستادن هدایای خوراکی برای یکی از دوستان یا همسایگان؛ و غذای عید که باید آن را در عصر صرف کرد.

به یهودیان توصیه شده است که آن قدر مشروبات الکلی مصرف کنند که دیگر برایشان تمایزی میان "درود بر مردخای" (قهرمان داستان پوریم) و "مرگ بر هامان" (نقش منفی آن داستان) باقی نماند. در مکتوبات هلاخایی و قبلائی به تفصیل شرح داده شده است که مصرف نوشابه های الکلی به نشانه آزادی یهودیان در داستان پوریم است، آن چنان که در جشن های نوشانوش مختلفی که پادشاه پارس نیز در آنها شرکت داشته، حکایت از همین قرار بوده است. یهودیان، نقاب و لباس مبدل می پوشند و مردان و زنان، با آنکه در حالت عادی ممنوع است، جامه های یکدیگر را بر تن می کنند. بچه ها با لباس های مبدل به اجرای نقش هایی معمولاً متناسب با محتوای داستان اِستِر

ص: ۱۲۶

می پردازند. این کار به "نمایش پوریم (۱)" معروف شده است. دانش آموزان برای معلمان خویش هجویه می نویسند و از تعالیم یهودی تفسیرهای خنک و خنده داری ارائه می دهند. هر گاه در خواندن مگیلا از هامان یاد می شود، جمعیت حاضر به سر و صدا و پایکوبی پرداخته، برای تحقیر نام هامان تا آنجا که می توانند شلوغ می کنند.

ص: ۱۲۷

۱- Purim Spiel.

۱. از کدام پیامبر بنی اسرائیل نمازهای سه گانه در روز نقل شده است؟
۲. آیا در یهودیت مقدمات نماز وجود دارد؟ آنها را توضیح دهید.
۳. نمازهای سه گانه در دین یهود را نام برده و وقت هر یک را بنویسید.
۴. سروده های کدام یک از پیامبران بنی اسرائیل، جزء اصلی نمازهای یهودیان است؟
۵. "شَمَع" یا "شَمَع اسرائیل" چیست؟
۶. "عمیدا" را توضیح دهید.
۷. در روز شبات و اعیاد، نماز یهودیان چه تغییراتی می کند؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. نیایش روزانه یهود، انجمن کلیمیان تهران.
۲. روش زندگی، یاشار، هارا، ترجمه: موسی زرگری، بنی تورا ۱۳۶۴.
۳. باورها و آیین های یهودی، الن ترمن، ترجمه: رضا فرزین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۴. تورات، به ویژه مزامیر داود علیه السلام و تواریخ ایام ۱ و ۲.
۵. یهودیت: بررسی تاریخی، ایزیدور اپستاین، ترجمه: بهزاد سالکی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.

اشاره

حضرت عیسی مسیح علیه السلام در شهر بیت لحم در فلسطین به دنیا آمد. این شهر در هشت کیلومتری اورشلیم واقع است. داستان تولد عیسی در آغاز دو _انجیل متی_ و _لوقا_ آمده است. مرقس و یوحنا داستان تولد را نیاورده و از بیت لحم حرفی نمی زنند و فقط به ناصره اشاره می کنند. ولادت حضرت عیسی علیه السلام به روایت _انجیل متی_ چنین است:

اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند. و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود، نخواست او را عبرت نماید؛ پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر می کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داوود! از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را

ص: ۱۲۹

"عیسی" خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کنید. "و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد که اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زایید و نام او را "عمانوئیل" خواهند خواند که تفسیرش این است: "خدا با ما." پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنان که فرشته خداوند به او امر کرده بود، به عمل آورد و زن خویش را گرفت. و تا پسر نخستین خود را زایید، او را شناخت. و او را عیسی نام نهاد. (۱)

در قرآن مجید تولد عیسی علیه السلام نقل شده است، ولی حاکی از آن است که مردم حضرت مریم ۳ را نکوهش و او را متهم کردند؛ از این رو، به هدایت فرشته الهی روزه سکوت گرفت و رفع تهمت را به خود نوزاد واگذار کرد. نوزاد نیز به قدرت خدای متعال به سخن درآمد. (۲)

در مسیحیت گزارشی از تهمت زدن مردم به آن حضرت وجود ندارد. طبق اناجیل، حضرت عیسی علیه السلام در دوازده سالگی با مادرش و یوسف نجار از ناصره برای زیارت به اورشلیم رفت و از آن دو جدا شده، با عالمان معبد سلیمان به مباحثه پرداخت و بر آنان

ص: ۱۳۰

۱- متی، باب ۱، آیات ۱۸-۲۵.

۲- مریم، آیات ۲۶-۳۳.

چیره شد. هم چنین ایشان در حدود سی سالگی به دست حضرت یحیی علیه السلام تعمید یافت. (۱)

مسیحیان از همان ابتدا تلاش کردند تا نشان دهند تولد حضرت عیسی علیه السلام در کتاب های دینی یهودیان پیش گویی شده بود. نام عیسی بن مریم علیه السلام در _تورات_ نیامده است، پس مسیحیان مجبور به تأویل برخی از آیات _تورات_ شدند.

سال ولادت حضرت عیسی علیه السلام تقریباً مقارن با آغاز تاریخ میلادی است، ولی محاسبات تاریخی نشان می دهد که اگر ایشان در زمان پادشاهانی متولد شده باشد که نامشان به همین مناسبت در _اناجیل_ آمده است، این تولد می بایست چهار تا هشت سال پیش تر از مبدأ تاریخ میلادی اتفاق افتاده باشد.

رسالت حضرت عیسی علیه السلام

به گفته _اناجیل_، حضرت عیسی علیه السلام پس از شنیدن خبر دستگیری حضرت یحیی علیه السلام به دست هیروودیس، حاکم رومی، شهر خود ناصره در ایالت جلیل را ترک کرد و به شهر کفرناحوم در کنار دریاچه جلیل رفت.

و عیسی در تمام جلیل می گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه می نمود و هر مرض و هر

ص: ۱۳۱

درد قوم را شفا می داد و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند و ایشان را شفا بخشید و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اردن در عقب او روانه شدند(۱).

بسیاری از کسانی که به آن حضرت ایمان می آوردند، یقین داشتند که وی به زودی پادشاه بنی اسرائیل خواهد شد. رهبران یهود هنگامی با حضرت عیسی علیه السلام به مخالفت برخاستند که مشاهده کردند او نه تنها آرزوی آنان برای قیام مسیح فاتح را برآورده نمی کند، بلکه با بدعت های عالمان یهود نیز مخالفت می کند؛ از این رو، به فکر توطئه علیه آن حضرت افتادند. به گفته _اناجیل_، یکی از دوازده شاگرد برگزیده عیسی علیه السلام به نام "یهودای اسخریوطی" در مقابل پولی که از رؤسای کاهنان یهود گرفته بود، به وی خیانت کرد. از آنجا که خود یهودیان حق نداشتند کسی را اعدام کنند، عیسی علیه السلام را به مقامات رومی اورشلیم سپردند. فرمانروای رومی حاضر نبود عیسای ناصری را مجازات کند، ولی یهودیان بر اعدام او بسیار پافشاری کردند و گفتند که اگر اعدام نشود، شورش خواهند کرد. _اناجیل_ می گویند:

ص: ۱۳۲

عیسی علیه السلام مصلوب شد، روی صلیب درگذشت و او را دفن کردند. پس از سه روز، از میان مردگان برخاست. وی مدت چهل روز گاه و بیگاه برای شاگردان خود ظاهر می شد و سپس به آسمان رفت. گروهی از یاران وی گفتند: درست است که او درگذشت و به خاک سپرده شد، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته و به آسمان رفت و دوباره برای پادشاهی روی زمین برخواهد گشت. هم چنین گفتند: حضرت عیسی علیه السلام برای این کشته شد که فدای گناهان مردم شود و مدعی شدند که انبیای _عهد عتیق_ درد و رنج و تصلیب او را پیش گویی کرده بودند.

طبق اعتقادات مسیحی، پنجاه روز پس از حادثه صلیب، عید گلریزان (پنجاهه) فرا رسید. در آن روز، روح القدس در رسولان حلول کرد و پس از ایشان جماعتی را پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی علیه السلام را بر دوش گرفتند. به گفته نویسندگان _اناجیل همنوا_، این _انجیل_ ها چند دهه پیش از _انجیل یوحنا_ نوشته شده اند. _انجیل یوحنا_ قریب سال ۱۰۰ نوشته شده است؛ یعنی ۳۰ سال بعد از مرگ پولس، زمانی که افکار وی مسلط بوده است.

با مقایسه محتویات سه _انجیل_ همنوا از سویی و _انجیل یوحنا_ از سوی دیگر معلوم می شود که _اناجیل_ همنوا درباره حضرت عیسی علیه السلام چندان غلو نمی کنند، اما در _انجیل یوحنا_ که دیرتر نیز

نوشته شد، مطالب غلوآمیزی مانند الوهیت عیسی علیه السلام آمده است، مثلاً می گوید: علت مخالفت یهودیان با عیسی آن بود که وی خود را خدا می خواند(۱).

حضرت عیسی علیه السلام در موعظه روی کوه، رسالت خود را چنین شرح داد:

گمان مبرید که آمده ام تا _تورات_ یا صحف انبیا را باطل سازم؛ نیامده ام تا باطل بنمایم، بلکه تا تمام کنم، زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه ای یا نقطه ای از _تورات_ هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچک ترین [یعنی جزئی ترین حکم تورات] را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد... شنیده اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی، لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت مکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان... (۲).

ص: ۱۳۴

۱- یوحنا، باب ۱۰، آیات ۳۱-۳۸.

۲- متی، باب ۵، آیات ۱۷-۴۸.

حضرت عیسی علیه السلام در ضمن تبلیغ دین الهی، یارانی را نیز برای خود انتخاب می کرد. _انجیل متی_ می گوید:

و چون عیسی به کناره دریای جلیل می خرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به "پطرس" و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می اندازند، زیرا صیاد بودند. بدیشان گفت: "از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم." در ساعت، دام ها را گذارده، از عقب او روانه شدند.^(۱)

حضرت عیسی علیه السلام دوازده تن از شاگردان خود را برگزید و آنان را "رسول" نامید^(۲). قرآن مجید رسولان حضرت عیسی علیه السلام را "حواری" می نامد. آن حضرت این دوازده تن را برگزید تا در روز معاد که پیروزمندانه بر کرسی جلال می نشیند، آنان نیز بر دوازده کرسی بنشینند و بر دوازده سبط بنی اسرائیل داوری کنند^(۳).

بزرگ ترین رسولان "شمعون" است که حضرت عیسی علیه السلام وی را پطرس یعنی "صخره" نامید و او را سنگ زیربنای کلیسا، یعنی امت مسیحی قرار داد:

و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره،

ص: ۱۳۵

۱- متی، باب ۴، آیات ۱۸-۲۰.

۲- لوقا، باب ۶، آیه ۱۳.

۳- متی، باب ۱۹، آیه ۲۸.

کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم و آنچه در زمین ببندی، در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی، در آسمان گشاده شود(۱).

پطرس پس از رفتن حضرت عیسی علیه السلام، برای تبلیغ مسیحیت به شهر رم پایتخت ایتالیا عزیمت کرد و در همان شهر به دست نرون شهید شد. آرامگاه این نخستین اسقف شهر رم در تپه واتیکان رُم، موجب رونق و اهمیت آن مکان شده و به همین دلیل، واتیکان از زمان های قدیم مرکز مسیحیت کاتولیک بوده است.

پولس

با آنکه حضرت عیسی علیه السلام پطرس را به جانشینی خود برگزیده بود، رسول دیگری به نام "پولس" عملاً موقعیت بهتری پیدا کرد و معمار مسیحیت کنونی شد. نام این شخص در آغاز "شاؤل" بود که از نام های عبری است. او پس از قبول مسیحیت، نام خود را به "پولس" تغییر داد. پولس، یهودی متعصبی بود که پس از حضرت عیسی علیه السلام به آزار مسیحیان مشغول بود، تا اینکه مدعی شد هنگامی که برای دستگیری برخی مسیحیان از شهر قدس

ص: ۱۳۶

به دمشق می رفته است، در راه، عیسی علیه السلام به صورت نور بر او ظاهر شده و به او دستور داده است که مسیحی شود و به دین عیسی علیه السلام خدمت کند!^(۱) به این ترتیب، پولس مدعی رسالت از جانب حضرت عیسی علیه السلام شد و مسیحیت را در میان اقوام مختلف گسترش داد. تفکرات عجیب پولس از همان ابتدا با دیگر رسولان در تضاد بود. او حتی با پطرس، که جانشین واقعی حضرت عیسی بود، مخالفت می کرد: "اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبه رو مخالفت نمودم، زیرا که مستوجب ملامت بود."^(۲) هم چنین، پولس بقیه رسولان را "برادران کذب" می نامد.

بنیانگذاری کلیسا

جامعه اولیه مسیحیان، به روایت خود _انجیل_ چنین بود:

[تازه مسیحیان] در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت. همه ایمان داران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس

ص: ۱۳۷

۱- اعمال رسولان، باب ۹، آیات ۱-۳۱.

۲- رساله به غلاطیان، باب ۲، آیه ۱۱.

به قدر احتیاجش تقسیم می کردند. هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک به خوشی و ساده دلی می خوردند و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گشتند. (۱)

در اورشلیم گروهی از مسیحیان یهودی الاصل، به رهبری "یعقوب رسول" پایه گذاری شد و به زودی گسترش یافت. رسولانی مانند پولس و برنابا اصرار داشتند تا بشارت عیسی علیه السلام را به اقوام غیر یهودی برسانند. بنابراین، کلیسای اولیه با این چالش روبه رو شد که: آیا بت پرستان تازه مسیحی، پیش از آنکه به مسیحیت پذیرفته شوند، باید به دین شریعت یهودی تغییر کیش دهند یا خیر؟ به اعتقاد پولس، مسیحیان به پیروی از شرع یهود ملزم نیستند. به این ترتیب، تعداد بت پرستانی که به دین مسیحیت درآمدند، به مراتب بیش از تعداد یهودیان مسیحی شده گردید و طبیعی است که آنها بخشی از فرهنگ و پیشینه بت پرستی خود را نیز به مسیحیت انتقال داده باشند.

گسترش مسیحیت

مسیحیت در نیمه اول قرن چهارم میلادی، دین رسمی امپراتوری روم شد. بدین ترتیب، مسیحیت که دینی ماهیتاً

ص: ۱۳۸

تبلیغی بود با اعزام هیئت های تبلیغی وسیعی به مرور در بخش وسیعی از دنیای آن روز گسترش پیدا کرد. هم چنین کلیسا قوت گرفت و به دستگاه مفصلی از نظام روحانیت و ثروت تبدیل شد. "اسقفان"، هر کدام رهبر یکی از کلیساهای محلی بودند و "کشیشان" به معاونت آنان می پرداختند. مقام "شمّاسان" پایین تر بود؛ لذا به امور مربوط به بینوایان و خدمات کلیسا می پرداختند. خادمان کلیسا منحصر در این سه گروه نبود و در طول تاریخ مسیحیت، افرادی با عناوین گوناگون مانند: مبشران، شبانان، معلمان و رسولان ملهم از روح القدس، از مواهب مادی و معنوی کلیسا برخوردار می شدند. مراکزی که به مرور زمان از اهمیت و قدرت خاصی برخوردار شدند، عبارتند از: رُم، اورشلیم، اسکندریه و انطاکیه. امور مذهبی این چهار شهر به عهده افرادی به نام "پاتریک" یا "پاتریارک" (جاثلیق) واگذار شده بود.

در قرن چهارم، هنگامی که قسطنطین (متوفای ۳۳۷م.) پایتخت جدید خود قسطنطنیه (استانبول) را بنا کرد، این شهر نیز به مرکز مهمی در مسیحیت تبدیل شد. نکته مهم این است که کلیساهای بزرگ حق داشتند شکل و ساختار مراسم عبادی خود را به دلخواه و صلاحدید خود طراحی کنند؛ از این رو، هنگامی که جدایی بین کلیساهای شرق و غرب کامل شد، هر یک از آنها مراسم عبادی، فلسفه، الهیات و سنت خاص خود را

شکل دادند. هم چنین کلیسای قبطی در مصر، کلیسای سریانی در سوریه و کلیسای نسطوری در عراق و ایران هنوز به سنت های قدیمی خود پای بندند.

در قرن های یازدهم تا سیزدهم، دولت های اروپایی جنگ های صلیبی را به راه انداختند و بر اثر آن، دشمنی و نفرت بین مسلمانان و مسیحیان به اوج خود رسید. کشتارهایی که مسیحیان در هجوم به قدس (۱۰۹۹ م.) و قسطنطنیه (۱۲۰۴ م.) مرتکب شدند، از ننگین ترین صفحات تاریخ مسیحیت است.^(۱)

پاپ ها

درست است که جنگ های صلیبی، بسیاری از مسیحیان را به بدبختی و بینوایی کشاند، اما در این میان بر قدرت پاپ، رهبر کلیسای روم افزود و او را قادر ساخت تا ادعای جانشینی انحصاری حضرت عیسی علیه السلام را داشته باشد. عنوان "پدر" که پاپ ها برای خود انتخاب کردند تا ریاست خود را بر تمام مسیحیان نشان دهند، برخلاف توصیه صریح حضرت عیسی علیه السلام بود.

از ابتدای تاریخ کلیسا تاکنون بیش از ۲۶۰ پاپ، رهبری مسیحیت کاتولیک را بر عهده داشته اند. جالب توجه است که مسیحیان، پاپ ها را جانشینان واقعی حضرت عیسی علیه السلام، و مؤید

ص: ۱۴۰

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۴۹.

به روح القدس و دارای مقام عصمت می دانند، در حالی که تعدادی از پاپ ها به قدری از نظر اخلاقی منحرف و گمراه بودند که لقب "ناپاپ" به آنها داده شد. کلیسا در همین زمینه کتاب هایی نوشته و تلاش کرده است تا از نظر کلامی به حل این مسئله بپردازد. (۱)

منصب پاپی، مادام العمری است. هنگامی که پاپ از دنیا می رود، اسقفان برجسته، که "کاردینال" نامیده می شوند، برای انتخاب پاپ بعدی در واتیکان گرد هم می آیند و به مشورت و رأی گیری مشغول می شوند.

نارضایتی علیه پاپ

به مرور زمان در عالم مسیحیت، نارضایتی علیه پاپ ها شدت گرفت. یکی از مهم ترین آن ها، قیام "مارتین لوتر" در سال ۱۵۱۷ میلادی بود. او در اقدامات خود از کمک فرمانروایان آلمانی نیز برخوردار بود و به برکت او بود که کشور آلمان از حاکمیت پاپ رهایی یافت. سرانجام در سال ۱۸۰۶ بود که رهبران فرانسه و ایتالیا از طریق فشار نظامی و به ظاهر، با مراجعه به آرای عمومی، بسیاری از زمین ها، املاک و قصرهای پاپ را مصادره کرده و رسماً به فرمانروایی سیاسی او خاتمه دادند.

ص: ۱۴۱

در سال ۳۹۵ میلادی امپراتوری روم، به شرقی و غربی تقسیم شده بود. مرکز مسیحیت در روم غربی کلیسای روم و در روم شرقی قسطنطنیه بود. در سال ۱۴۵۳ میلادی سلطان محمد فاتح، شاه عثمانی، قسطنطنیه را به تسخیر خود درآورد و رقیب کلیسای روم را از بین برد. در سال ۱۰۵۴ میلادی نیز کلیسای ارتدکس اعلام استقلال کرد و خود را از کلیسای روم و رهبری پاپ جدا کرد. کلیسای انگلستان نیز سرانجام در سال ۱۵۳۵ به کمک هنری هشتم و برخی اسقفان آن کشور از کلیسای کاتولیک جدا شد و مرکزیت کلیسای "انگلیکن" اعلام شد. در مسیحیت، هر فرقه را "کلیسا" می نامند.

امروزه در مسیحیت سه فرقه بزرگ و تعدادی فرقه کوچک وجود دارد. تفاوت بعضی از فرقه ها مانند کاتولیک و ارتدکس از نظر اعتقادی با یکدیگر بسیار کم است، ولی برخی از فرقه ها مانند کاتولیک و پروتستان، نه تنها از نظر اعتقادی، بلکه از نظر شعائر و عبادات نیز با هم تفاوت بسیاری دارند. به هر یک از سه فرقه اصلی به اجمال اشاره می شود.

کاتولیک

از میان پنج کانون بزرگ مسیحیت در دوران اولیه، یعنی اورشلیم، اسکندریه، انطاکیه، قسطنطنیه و روم، روم به دلیل

ص: ۱۴۲

نسبتی که به پطرس داشت، از همه مهم تر بود. از نظر تاریخی نیز پولس برای مدتی رهبری آن را به عهده داشته است؛ از این رو، اسقف اعظم کلیسای روم را "پاپ" نامیدند و عملاً نیز در منازعات دینی از رأی کلیسای روم پیروی می کردند. واژه "کاتولیک" به معنای "جامع" است.

ارتدکس

"ارتدکس" در لغت به معنای "راست کیش" است. ارتدکس ها می گویند پاپ تنها رهبر مسیحیان جهان نیست، بلکه او نیز همانند اسقفان کلیساهای دیگر است. ارتدکس ها که حدود هزار سال پیش خود را از کلیسای روم مستقل کردند از نظر عقیدتی با فرقه کاتولیک اختلاف زیادی ندارند. امروزه کلیسای ارتدکس شامل پاتریک نشین های جدید روسیه، صربستان، رومانی، بلغارستان و گرجستان است. هم چنین کلیساهای قبرس، یونان، جمهوری چک، جمهوری اسلواکی، لهستان و آلبانی ارتدکس هستند. ارامنه ایران از نظر عقیدتی ارتدکس به شمار می روند، ولی در مورد دو طبیعت الهی و انسانی حضرت مسیح علیه السلام و در شیوه عبادت که به زبان ارمنی است، با آنان تفاوت دارند. ارتدکس ها معتقدند روح القدس تنها از خدای پدر صادر شده است، در حالی که کاتولیک ها و پروتستان ها صدور او را هم از

ص: ۱۴۳

خدای پدر و هم از خدای پسر می دانند.

پروتستان

"پروتست" به معنای "اعتراض" است و "پروتستنت" به معنای "معترض". حدود پانصد سال پیش مارتین لوتر بر بدعت هایی که کلیسای روم در مسیحیت پدید آورده بود، اعتراض کرد. از آن زمان به بعد، فرقه های پروتستانی بی شماری در مسیحیت پدید آمده اند. پروتستان ها به رهبری متمرکز عقیده ندارند و برای روحانیت مسیحی ارزش چندانی قائل نیستند. پروتستان ها بسیاری از اعتقادات کاتولیک و دیگر فرقه ها را نقد می کنند و بر مراجعه مستقیم به کتاب مقدس تأکید دارند؛ با وجود این، بسیاری از اعتقادات غیرعقلانی مسیحیت مانند تثلیث و فدا شدن عیسی مسیح برای گناه بشر را می پذیرند.^(۱)

کتاب مقدس مسیحیان

مسیحیان به تمام _تورات_ اعتقاد دارند، زیرا مسیحیت را ادامه دین یهود می دانند. آنها در سخنان انبیای بنی اسرائیل پیش گویی ظهور حضرت عیسی علیه السلام را می یابند و از این رو، به _تورات_ "عهد عتیق" و به _اناجیل_ خود "عهد جدید" می گویند. مسیحیان اعتقاد

ص: ۱۴۴

۱- همان، ص ۱۹۲.

دارند که خدای متعال با بشر دو پیمان دارد. عهد و پیمان عتیق خدا با بشر به وسیله پیامبران پیش از حضرت عیسی علیه السلام انجام شد که در آن نجات از طریق "شریعت" کسب می شد، اما با ظهور خدای متجسد، یعنی عیسی علیه السلام، عهد و پیمان جدیدی اتفاق افتاد. در این عهد جدید، نجات از طریق "محبت" حاصل می شود و نیازی به شریعت نیست. این "خدای پسر" به شکل انسان مجسم شد تا گناهان بشر را بر خود گیرد و با تحمل رنج صلیب، کفاره گناهان او شود. پس دیگر نیازی به رعایت شرعیات نیست و فقط کافی است بگوییم به عیسی علیه السلام ایمان داشته و او را دوست داریم. این مطلب در انجیل - یوحنا - چنین بیان شده است:

زیرا خداوند جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد، زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد. (۱)

عهد جدید در ابتدا به زبان یونانی نوشته شد. چهار - انجیل - در آغاز عهد جدید وجود دارد. کلمه "انجیل" در زبان یونانی به معنای "مژده" است که منظور از آن مژده به فرا رسیدن ملکوت خداوند و یا مژده به عهد تازه است. همه مسیحیان عهد جدید را

ص: ۱۴۵

می پذیرند و به آیات آن اعتقاد دارند و همواره قرائت می کنند. _عهد جدید_ دارای ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار قسمت تقسیم می شود: ۱. اناجیل، ۲. اعمال رسولان؛ ۳. نامه های رسولان و ۴. مکاشفه.

اناجیل

گروه فراوانی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام به نوشتن سیره و سخنان آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی به وجود آوردند که بعداً "انجیل" خوانده شد. اندک اندک چهار انجیل از این انجیل ها رسمیت یافت و اناجیل دیگر متروک شد. _انجیل برنابا_ که مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و بشارت های فراوانی به ظهور حضرت رسول خاتم ۹ در آن یافت می شود، مورد قبول مسیحیان نیست و آن را جعلی می دانند. _اناجیل_ چهارگانه در ابتدای _عهد جدید_ عبارتند از: ۱. انجیل متی، ۲. انجیل مرقس، ۳. انجیل لوقا و ۴. انجیل یوحنا.

اعمال رسولان

در نخستین قرن میلادی، کتاب های بسیاری درباره سیره رسولان عیسی مسیح علیه السلام نوشته شد، اما تنها یکی از آنها رسمیت یافت؛ از این رو، این بخش تنها مشتمل بر یک کتاب به همین نام است. کتاب _اعمال رسولان_ نوشته لوقا، نویسنده سومین

ص: ۱۴۶

—انجیل— است.

نامه های رسولان

برخی از رسولان در پاسخ به افراد یا جوامع مختلف تازه مسیحی، نامه هایی نوشته اند. آن نامه ها اندک اندک اهمیت پیدا کرد و به —عهد جدید— راه یافت. سیزده نامه فقط از پولس است که در آنها رهنمودها، ادعاها و مشاجرات خود را نوشته است. او حتی یک بار نیز عیسی علیه السلام را ندیده بود.

مکاشفه

قبل از آمدن حضرت مسیح علیه السلام، مکاشفه نامه های متعددی میان یهودیان رواج داشت که —کتاب دانیال— در —عهد عتیق— نمونه ای از آن هاست. مسیحیان نیز کتاب های مکاشفه ای تازه ای نوشتند. کتاب —مکاشفه یوحنا— آخرین کتاب —عهد جدید— است که پیشرفت مسیحیت را در آینده نوید می دهد. یوحنا که در زمان حضرت عیسی علیه السلام کم سن و سال بود، رؤیاهای سن پیری خود را در این کتاب شرح داده است.

شعائر و عبادات

مسیحیان نمازهای روزانه ای با شرایطی ویژه دارند که به آن خواهیم پرداخت، اما به نظر می رسد که مهم ترین شکل عبادت

ص: ۱۴۷

مسیحیان، آیین های هفت گانه آنان باشد نه نمازهای روزانه. به سخن دیگر، به اعتقاد مسیحیان هنگامی که فرد مسیحی در این آیین های هفت گانه شرکت می کند، مانند آن است که با عیسای زنده و حی و حاضر روبه رو شده و از فیض او بهره مند شده است. در واقع، آنان معتقدند عیسی علیه السلام هنوز زنده و در میان جامعه مسیحیان است و این شعائر، رابط میان مسیح و پیروان اوست.

هفت آیین مقدس

مسیحیان در واقع دو آیین اصلی دارند که عبارتند از: "تعمید"، و "عشای ربانی". مسیحیان کاتولیک و ارتدکس پنج آیین دیگر نیز بر این ها افزودند و در مجموع آیین های آنان به هفت عدد رسید. فرقه های پروتستان در تعداد آیین ها اختلاف دارند، ولی اکثریت قاطع آنان دو آیین تعمید و عشای ربانی را قبول دارند. برخی کلیساهای پروتستان نیز هیچ یک از آیین ها را نمی پذیرند.

۱. تعمید

طبق گزارش _اناجیل_، حضرت عیسی علیه السلام به دست یحیای تعمیددهنده، تعمید داده شد و این علامت آن بود که او همان مسیحایی است که در کتب انبیای بنی اسرائیل، آمدنش پیش گویی شده بود. تعمید در واقع اصلی ترین آیین مسیحیت و

ص: ۱۴۸

نشان ورود به جامعه مسیحیت است. تعمید وسیله ای است که از طریق آن، همه آثار زندگی و مرگ عیسی به شخص مؤمن اعطا می شود. تعمید باعث می شود که نفس از گناه اولیه پاک شده، فرزند خدا شود و وارث بهشت گردد. در برخی از کلیساها رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمید می دهند. در بعضی کلیساهای دیگر شخص چند لحظه تمام بدن خود را به زیر آب می برد. دعای هنگام تعمید که توسط کشیش خوانده می شود چنین است: "تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می دهم." (۱)

۲. تأیید

آیین "تأیید" در واقع تکمیل کننده آیین تعمید است. به گفته کلیسای کاتولیک، تأیید آیینی است که نفس روح القدس را در آن دریافت می کند تا او را به مسیحی کامل و سربازی برای مسیح تبدیل کند. معمولاً اسقف، مجری این آیین است. او دست خود را بر سر شخص داوطلب گذاشته، با روغن مقدس بر پیشانی او علامت صلیب رسم می کند و می گوید: "روح القدس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت دهی." هم چنین اسقف ضربه ای بر گونه شخص داوطلب می نوازد و این ضربه نماد درد

ص: ۱۴۹

۱- برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۳۴.

و رنجی است که مسیح در طول زندگی اش متحمل شد. (۱)

۳. ازدواج

مسیحیان ازدواج را امری دنیوی نمی دانند و معتقدند ازدواج، نشانه محبت خدا به بشر است. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش بدانند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند.

روحانیون کاتولیک و ارتدکس (به پیروی از حضرت مسیح علیه السلام به منظور فراغت برای خدمت به دین) نباید ازدواج کنند و میان آیین ازدواج و آیین دست گذاری یکی را برمی گزینند. در کلیساهای ارتدکس، فردی که ازدواج کرده باشد، می تواند کشیش شود، ولی ارتقای وی به درجه اسقفی ممکن نیست. پروتستان ها با ازدواج روحانیون مخالف نیستند، زیرا مارتین لوتر، بنیانگذار پروتستان نیز که خود یک کشیش بود، ازدواج کرد و فرزندان زیادی داشت. پروتستان ها رهبانیت ندارند، اما فرقه های کاتولیک و ارتدکس راهب و راهبه دارند. این افراد برای مقاومت در برابر میل جنسی، به تمرین هایی مانند روزه و دعا روی

ص: ۱۵۰

می آورند و در قدیم گاهی راهبان خود را اخته می کرده اند. گفتنی است، تجرد روحانیون کاتولیک یکی از مشکلات آن کلیساست و این مسئله رسوایی هایی را نیز به بار آورده است.^(۱)

۴. دست گذاری

با آیین دست گذاری، انسان حیات خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه، وقف خدمت به همه بشریت می کند. درجات اصلی روحانیت در ذیل بیان شده است:

۱. اسقف: وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می شود و به نیابت از او تعلیم می دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می گیرد و خدمت می کند.

۲. کشیش: وی معاون اسقف است و به او در سه وظیفه یادشده، در محدوده یک گروه، کمک می کند.

۳. شماس: وی کلام خدا را تبلیغ می کند و به مساعدت بینوایان، سال خوردگان، بیماران و افراد در حال احتضار می پردازد. لقب شماس به معنای "خادم" است.

سایر القاب کلیسایی، مانند: پاپ، پاتریک، سراسقف، کاردینال، ارشمندیت، موسیو و... نشان دهنده وظایف معینی است و ربطی به آیین های هفت گانه ندارد. لباس های روحانی فرقه های

ص: ۱۵۱

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۸۴.

مختلف مسیحی با یکدیگر تفاوت دارد و پوشیدن لباس روحانی برای اجرای مراسم واجب است. هم چنین روحانیون ارتدکس ریش خود را نمی تراشند. (۱)

۵. اعتراف

آیین اعتراف (یا آیین توبه و آشتی)، آیینی است که در آن گناہانی که شخص توبه کننده بعد از تعمید مرتکب شده است، آمرزیده می شود. آیین توبه در طول تاریخ مسیحیت، شکل های گوناگونی داشته است. در قرون نخست تاریخ کلیسا، توبه به صورت علنی انجام می گرفت. در قرون بعدی، اعتراف فردی به گناه مرسوم شد. آیین توبه یا اعتراف به این ترتیب انجام می شود که شخص توبه کننده، وارد اتاق مخصوصی می شود و می نشیند. سمتی از اتاق پنجره ای قرار دارد که کشیشی در سوی دیگر آن نشسته است. توبه کننده می گوید: "ای پدر! مرا برکت ده، زیرا گناهکارم." کشیش می گوید: "خداوند در قلب تو و بر لب های تو باشد، به طوری که تو به شایستگی به گناہات اعتراف کنی." سپس شخص توبه کننده شروع به شمردن گناہانش می کند و توضیح می دهد که این اواخر به چه گناہان کبیره ای دست زده است. سپس، کشیش او را نصیحت می کند.

ص: ۱۵۲

توبه کننده ندامت خود را اعلام می کند و کشیش به نام پدر، پسر و روح القدس او را از گناهانش تبرئه می نماید. (۱)

۶. تدهین محتضر

در _انجیل_ آمده است:

هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان جماعت را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد. نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. (۲)

بنابراین، کشیشان به هنگام مرگ محتضر بر سر او حاضر شده و او را با روغن تدهین کرده و برایش دعا می خوانند. مسیحیان اعتقاد دارند که خدای پدر، مسیح را برای عیادت بیماران، شفا دادن به ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان دادن می فرستد. آیین تدهین بیماران، نشان دهنده وجود خدا و محبت اوست و به یاد می آورد که خدا انسان هایی را که به

ص: ۱۵۳

۱- برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲- رساله یعقوب، آیات ۱۴-۱۵.

وسيله بيماري مورد امتحان قرار گرفته اند، فراموش نمي كند.

۷. عشاى ربانى

"عشاى ربانى" (۱) يكي از مهم ترين آيين هاى مقدس است كه جاى نماز و عبادت را در مسيحيت گرفته است؛ به سخن ديگر، امروزه نماز و عبادت فرد مسيحي اين است كه هفته اى يك مرتبه به كليسا رفته و در آنجا در مراسم عشاى ربانى شركت مي كند. جاىگاه عشاى ربانى در مسيحيت فراتر از يك آيين هفتگى است. اين آيين، بازسازى شام آخر عيسى عليه السلام با شاگردان خويش در آخرين شب زندگى اوست. در _اناجيل_ كنونى آمده است كه عيسى هنگام شام آخر، نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها بخورند و بنوشند: "پياله را بگيريد و بنوشيد؛ اين است خون من در عهد جديد كه در راه شما و بسيارى به جهت آمرزش گناهان ريخته مى شود." مسيحيان هنگامى كه در اين مراسم شركت مى كنند، باور دارند كه مسيح با جسم خود نزد آنان حاضر مى شود. گفتنى است، كاتوليك ها نان و شراب عشاى ربانى را "قربانى" مى نامند، ولى پروتستان ها چنين عقیده اى را نمى پذيرند.

هر يك از كليساهائى مسيحي در شعائر و آيين هاى برگزارى

ص: ۱۵۴

عشای ربانی ابتکاراتی پدید آورده است، ولی در مجموع، دو عنصر اساسی در همه مراسم ثابت است:

۱. خواندن دو یا سه مقطع از کتاب مقدس (نوعی نماز)؛

۲. خوردن قربانی مقدس (عشای ربانی).

هنگام تبرک نان و شراب، پیشوای مراسم سخنان عیسی علیه السلام در شام آخر را تلاوت می کند. در کلیساهای کاتولیک و ارتدکس جز اسقف یا جانشین او یعنی کشیش، کسی نمی تواند پیشوای مراسم باشد و علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی، هم خوانی و دعای توسل و شکر، همراه با موعظه درباره آموزه های _انجیل_ و سرانجام مصافحه انجام می شود.

بسیاری از پروتستان ها عشای ربانی را بسیار مهم می شمارند، به طوری که می گویند برای اجرای درست و کامل آن، باید کاملاً از نظر روحی آماده بود و به همین دلیل، آن را تنها سالی چهار بار یا ماهی یک بار برپا می کنند. ارتدکس ها مراسم عشای ربانی را در روزهای یکشنبه و اعیاد برگزار می کنند، ولی کاتولیک ها می گویند عشای ربانی قلب عبادات روزانه است و به همین دلیل، آن مراسم را هر روز برپا کرده و معادل نماز روزانه می شمارند.

عشای ربانی و انتظار مسیح

کلیسا بر اساس دعاهای قدیمی، سرّ عشای ربانی را چنین ابراز

ص: ۱۵۵

می دارد که: این آیین، برای زندگی آینده به ما تضمین می دهد. آیین عشای ربانی نوعی انتظار کشیدنِ عظمت آسمانی است. هر زمانی که کلیسا آیین عشای ربانی را برگزار می کند، این وعده را یادآوری کرده و نگاه خود را "به آن که خواهد آمد" می دوزد. کلیسا در دعای خود آمدن او را می خواهد: بیا ای خداوند عیسی! "امید که فیض تو سر رسد و این جهان، آخر شود". آیین عشای ربانی را گرامی می داریم "در حالی که منتظر آرزویی مبارک و آمدن منجی خود عیسی مسیح هستیم". "می خواهیم که در عظمت تو شریک شویم، آن گاه که قطره اشکی ریخته می شود. ای خدا ما در آن روز می خواهیم تو را آن طور که هستی، ببینیم. می خواهیم شبیه تو شویم و برای همیشه تو را از طریق مسیح خداوند ما ستایش نماییم." (۱)

اعیاد مسیحیت

از آنجا که بیشترین صور عبادی، از جمله نمازهای همگانی، در اعیاد مسیحی به اوج خود می رسد، به اختصار به برخی از مهم ترین اعیاد آنها اشاره می شود:

کریسمس: به معنای "جشن مسیح" به مناسبت تولد آن حضرت در ۲۵ دسامبر (برابر با ۴ دی). هفت روز پس از آن، جشن اول

ص: ۱۵۶

سال میلادی (معروف به جشن شب ژانویه) در اول ژانویه (برابر با ۱۱ دی) برگزار می شود. در این مراسم سرودهای مذهبی خوانده می شود.

عید پاک: مهم ترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی حضرت عیسی مسیح علیه السلام بر مرگ و برخاستن وی از مردگان در سومین روز تصلیب، برگزار می شود. واژه فرانسوی "پاک" (۱) همان کلمه عبری "پسح" (فصح) است که از طریق یونانی و لاتینی به فرانسوی وارد شده و به مرور زمان به این شکل درآمده است. به گفته اناجیل، تصلیب و رستاخیز حضرت عیسی علیه السلام مقارن با ایام عید فصح یهودیان بوده است. عید پاک، نخستین یکشنبه پس از نخستین بدر شدن ماه پس از اعتدال ربیعی است و بنابراین، وقوع آن از دوم فروردین تا پنجم اردیبهشت (۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل) امکان دارد. شایان ذکر است، عید فصح یهود (یادبود نجات بنی اسرائیل) که در طی یک هفته از ۱۶ تا ۲۱ (و در خارج فلسطین تا ۲۲) نisan عبری برگزار می شود، در برخی از سال ها با عید پاک مسیحیان مصادف می شود. (۲)

ص: ۱۵۷

۱- Pâques.

۲- همان، ص ۱۸۸.

برخی از مراسم مسیحیان در عید پاک عبارت است از: شب زنده داری، تلاوت کتب مقدسه، مناجات و دعا (نماز)، برگزاری مراسم عشای ربانی، جست و جوی نمایشی جسد عیسی علیه السلام و اعلام رستاخیز وی، جشن و چراغانی، اهدای تخم مرغ رنگی و مانند آن. مراسم عید پاک به مراتب از جشن های کریسمس و اول ژانویه، دینی تر بوده و جنبه عبادی آن پررنگ تر است.

اصل نماز در عصر عیسی علیه السلام

در _انجیل متی_ از قول حضرت عیسی علیه السلام آمده است:

و چون عبادت کنی، مانند ریاکاران مباش! زیرا خوش دارند در کنایس و گوشه های کوچه ها بایستند و "نماز" گزارند تا مردم ایشان را ببینند. هر آینه به شما می گویم اجر خود را تحصیل نموده اند. [یعنی در آخرت اجری نخواهند داشت.] لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود را که در نهان است عبادت نما؛ و پدر نهان در تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد. و چون عبادت کنید، مانند امت ها تکرار باطل مکنید، زیرا ایشان [یهود] گمان می برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می شوند. پس مثل ایشان مباشید، زیرا که پدر شما حاجات شما را می داند پیش از آنکه از او سؤال کنید. پس شما این طور دعا کنید: "ای پدر ما که

در آسمانی! نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروزه به ما بده و قرض های ما را ببخش، چنان که ما قرض داران خود را می بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا ملکوت قوت و جلال تا ابدالآباد از آن توست. آمین. ^(۱)

در این فراز از انجیل متی، دو نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه در زمان ایشان یهودیان نماز می خواندند و نماز، شکلی از نیایش کاملاً شناخته شده و رایج بوده است. دوم اینکه حضرت عیسی علیه السلام اصل ضرورت نماز را تأیید می کند، اما به نماز ریاکارانه یهودیان خرده می گیرد و خود، به تعلیم دعا برای نمازی جدید می پردازد. دعایی که حضرت عیسی علیه السلام در این فراز از انجیل به پیروان خود می آموزد، به "نیایش خداوند" معروف است و مهم ترین دعایی است که در نمازهای فردی و گروهی مسیحیان از ابتدای مسیحیت تا به حال خوانده می شود.

پیش تر ذکر شد که واژه "prayer" در زبان انگلیسی مشترک لفظی میان "ذکر"، "دعا" و "نماز" است؛ از این رو، در بسیاری از موارد در متون مسیحی، وقتی سخن از "prayer"

ص: ۱۵۹

است، آن را به "دعا" ترجمه می کنند، در حالی که قرائن جمله نشان می دهد که سخن از نوعی نماز است. این فراز از انجیل نیز دقیقاً از همان موارد است.

از گزارش های انجیل روشن می شود که خود حضرت عیسی علیه السلام مانند یهودیان نماز می خواند و در عبادت و نیایش "شنبه"، که در نزد یهود مقدس است، با آنها مشارکت می کرد. اما چون بعداً مسیحیان مدعی شدند که حضرت عیسی علیه السلام در روز "یکشنبه" از میان مردگان برخاست، پس روز یکشنبه را مقدس و روز عبادت دانستند.

آیات بسیاری در انجیل وجود دارد که ثابت می کند مخاطب اصلی عیسی علیه السلام، یهودیان بودند و اصلی ترین مکان تعالیم او کنیسه ها بود. او با نشان دادن معجزات فراوان می خواست تا حجت را بر عالمان یهود تمام کند. مرقس در همین زمینه نقل می کند:

و باز عیسی به کنیسه درآمد... و چون دست مردی را که دستش خشک شده بود در روز شنبه شفا داد، فریسیان از این عمل او ناراحت شدند. [\(۱\)](#)

این مسئله نشان می دهد فریسیان او را همانند خودشان، متعلق به شریعت یهود می دانستند، و گرنه به ایشان به جهت کار

ص: ۱۶۰

کردن در روز سبت (شنبه) ایراد نمی گرفتند.

هم چنین در فراز دیگری از انجیل مرقس آمده است:

و چون [عیسی و شاگردانش] وارد کفرناحوم شدند، بی تأمل در روز سبت به کنیسه درآمده، به تعلیم دادن شروع کرد. (۱)

این فراز نیز تأییدی بر تعمد عیسی علیه السلام بر تعلیم در کنیسه ها و در میان یهودیان است.

در اناجیل گوناگون از زبان عیسی علیه السلام، آداب نماز و دعا به صور مختلف نقل شده است که نشان اهتمام آن حضرت و شاگردان ایشان به دعا و نماز است، برای نمونه، در انجیل لوقا آمده است:

و هنگامی که او [عیسی علیه السلام] در موضعی دعا می کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا! دعا کردن را به ما تعلیم نما، هم چنان که یحیی شاگردان خود را پیاموخت. عیسی علیه السلام بدیشان گفت: هر گاه دعا کنید، بگویید: ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید... (۲)

هم چنین در انجیل مرقس از زبان حضرت عیسی علیه السلام آمده است:

وقتی که به دعا بایستید، هر گاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا اینکه پدر شما نیز که در آسمان است

ص: ۱۶۱

۱- مرقس، باب ۱، آیه ۲۱.

۲- لوقا، باب ۱۱، آیه ۱.

نماز حواریون

در کتاب های _عهد جدید_ موارد متعددی وجود دارد که ثابت می کند شاگردان عیسی علیه السلام نیز بعد از آن حضرت بر دعاها و نمازها مواظبت می کردند؛ برای مثال، در کتاب _اعمال رسولان_ آمده است: "و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا با هم به هیکل رفتند." (۲) و در جای دیگری از آن کتاب آمده است: "پطرس زانو زد و دعا کرد." (۳) هم چنین در فراز دیگری می گوید: "قریب به ساعت ششم، پطرس به بام خانه برآمد تا دعا کند." (۴)

این سه گزارش ثابت می کند که عیسی علیه السلام و حواریون آن حضرت بر اساس ساعات و اوقات شرعی دین یهود نماز می خوانده اند. در آن زمان، روز به دوازده ساعت تقسیم می شد و نصف آن شش بود که میان روز بود. پس "ساعت ششم" که در این فراز به نماز در آن ساعت اشاره شده است، نماز ظهر بوده است. میان ساعت یک تا شش را "ساعت سوم" و نصف

ص: ۱۶۲

۱- مرقس، باب ۱۱، آیه ۲۵.

۲- اعمال رسولان، باب ۳، آیه ۱.

۳- همان، باب ۹، آیه ۴.

۴- همان، باب ۱۰، آیه ۹.

دومش را "ساعت هفتم" می گفتند که هر کدام جزو ساعات شرعی بوده است.

تاریخچه نماز مسیحی

جدایی از یهودیان

پیش تر اشاره شد که در ابتدای تاریخ مسیحیت، یهودیانی که مسیحی شده بودند، به طور طبیعی و بدون هیچ تردید خاصی به کنیسه‌های یهودیان می رفتند و در بین آنها و همراه آنها نماز می خواندند. تا اینکه عالمان یهود چنین چیزی را برنرفتند و به بخش اصلی نماز روزانه خودشان یعنی "هجده"، براخای دیگری افزودند که محتوای آن لعن و نفرین بر بدعت گذاران بود که منظورشان همان مسیحیان بودند. پس، عالمان مسیحی بر اساس برخی از سخنان و اشارات حضرت عیسی علیه السلام که در انجیل_آمده بود، به فکر ساختن نمازهایی مخصوص به خود افتادند. در این زمینه از آیاتی مانند آیه اول باب ۱۸ در انجیل لوقا_سود جستند که در آن حضرت عیسی علیه السلام توصیه می کرد که پیروانش پیوسته دعا کنند. هم چنین از آنجا که عدد "هفت" در انجیل_عدد کاملی به شمار می آمد، آنها مصداق عملی "دعای پیوسته" را به "هفت بار نماز در روز" تفسیر کردند.

ص: ۱۶۳

در مسیحیت می گویند انسان سه دشمن اصلی دارد: شیطان، جسم و دنیا. سه سلاح نیز برای این سه دشمن وجود دارد: نماز علیه شیطان، روزه علیه جسم و راستی علیه دنیا. هم چنین به دلیل اینکه مسیحیان محتوای تورات را در مورد نیایش می پذیرند، بسیاری از نیایش های آنان برگرفته از مزامیر داود علیه السلام و برخی دعاهاى عهد عتیق است. برای مثال، دلیل وجوب دعا یا نماز در مسیحیت، هم از دستورات تورات گرفته شده است و هم از دستورات انجیل؛ برای مثال در عهد قدیم آمده است: "از خدایت بترس و او را عبادت کن." (۱) یا در فراز دیگری از سفر تثیه می گوید: "پس یهوه خدای خود را دوست بدار و ودیعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگه دار." (۲)

مسیحیان، حضرت مریم را از نسل داود علیه السلام می دانند. پس اگر در مزامیر داود آمده است: "تسبیح بخوانید خدا را، نام خدا را به تسبیح بخوانید" (۳)، این سخن برای مسیحیان نیز الزام آور می شود. به همان گونه، عهد جدید از زبان حضرت عیسی علیه السلام سفارش می کند: "بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش

ص: ۱۶۴

۱- تثیه، باب ۶، آیه ۱۱.

۲- همان، باب ۱۱، آیه ۱.

۳- مزامیر، مزمور ۴۷، آیه ۶.

نیفتید. "(۱) یا اینکه در _انجیل لوقا_ می گوید: "همیشه باید دعا کرد و کاهلی نورزید. "(۲) هم چنین در جای دیگری از _عهد جدید_ آمده است: "با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید. "(۳) و در جای دیگری این سفارش معروف عیسی علیه السلام را می آورد که: "در مصیبت صابر باشید و در دعا [=نماز] مواظبت کنید. "(۴) از قرینه هایی که در این آیات وجود دارد، می توان تشخیص داد که منظور از "دعا" در آن ها، نماز است که با آداب خاصی همراه است. Your ratings have expired

.Please reevaluate this page and submit new ratings

.An error has occurred. Please try again later

.Thanks! Your ratings have been saved

?Do you want to create an account

An account will help you track your edits, get involved in discussions, and be a part of
.the community

Create an account or Log in Maybe later

.Thanks! Your ratings have been saved

?Did you know that you can edit this page

Edit this page Maybe later

در برخی مدارک و اسناد باستانی مربوط به قرن هشتم آمده است که مسیحیان نماز خود را رو به مشرق می خوانده اند:

مسیحیان... روی خود را به سوی شرق برمی گردانند (قبله آنان رو به مشرق است)، در راه های زندگانی و شکوه به پیش می تازند. محاسن می گذارند تا نشان دهند که مرد عملند و اما فرق سر را می تراشند تا به خود یادآوری کنند که عاری از هر

ص: ۱۶۵

۱- متی ، باب ۲۶ ، آیه ۴۱.

۲- لوقا ، باب ۱۸ ، آیه ۱.

۳- افسس ، باب ۶ ، آیه ۱۸.

۴- رومیان ، باب ۱۲ ، آیه ۱۲.

گونه گرایش به خودخواهی اند. ^(۱)

بر این اساس، مسیحیان نیز بر اساس الگوی یهودیان به ابداع نمازهایی روزانه مخصوص خودشان اقدام کردند. این نمازهای روزانه، نام‌های بسیار گوناگونی در فرقه‌های مختلف مسیحی دارد. مسیحیان می‌گویند که این رسم تقدیس ساعات حتی در صدر مسیحیت نیز وجود داشته است. با وجود این، راهبان صومعه‌ها در ایجاد و شکل‌گیری قطعی آنها سهم عمده‌ای داشته‌اند؛ به ویژه آنان در آیین نیایش مشترک کلیساهای گوناگون، برپایی یک آیین شبانه و سه آیین برای سه وقت اصلی روز را وارد کردند؛ یعنی ساعت‌های سوم ^(۲) (ساعت ۹)، ششم (ظهر) و نهم (ساعت ۱۵). اما این نمازهای سه‌گانه باید دلیل و توجیه مسیحی داشته باشند که به مرور زمان برای آنها ترتیب داده شد؛ بدین قرار که فرا رسیدن روح القدس در ساعت سوم ^(۳)، نیایش و الهام پطرس مقدس در ساعت ششم ^(۴)، و نیایش پطرس و یوحنا در ساعت نهم ^(۵)، ^(۶)

ص: ۱۶۶

۱- کانون یوحنا رسول، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، ص ۱۲۲.

۲- Tierce.

۳- اعمال رسولان، باب ۲، آیه ۱۵.

۴- همان، باب ۱۰، آیه ۹.

۵- همان، باب ۳، آیه ۱.

۶- کانون یوحنا، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، ص ۱۴۱.

سنت رسالتی آن را به لحظات اساسی رنج مسیح پیوند می دهد: تصلیب به سومین ساعت، ظلمات حاکم بر جهان به ششمین ساعت و مرگ عیسی به نهمین ساعت. اثر این تعبیر در اغلب آیین های شرقی هم دیده می شود.

البته دو وقت از نمازها مهم تر از سایر اوقات است؛ یکی بامداد و دیگری شامگاه (غروب). از دید مسیحیان نیایش، حمد و ثنا (ستایش) به هنگام دمیدن خورشید در واقع بزرگداشت رستاخیز شکوهمند مسیح است، در حالی که نیایش شامگاهی به هنگام غروب، یادآور پایین کشیدن صلیب و خاک سپاری برای آرامش هفته خداوند است که هر مسیحی در آن مرگ شریک است. برای همین است که در آیین کلدانی هر روز در این لحظه، سرودهای طویل با ترجیع بندهایی را به افتخار شهدا می خوانند.

عبادت هفتگی

در سال ۱۵۵ میلادی، قدیس ژوستین به امپراتور مشرک آنتونیوس پیوس (۱۳۸_۱۶۱) نامه ای نوشت و آنچه مسیحیان انجام می دادند، شرح داد:

در روزی که ما آن را روز خورشید می نامیم، همه ساکنان شهر یا روستا در مکان واحدی گرد هم می آیند. زندگی نامه های رسولان و نوشته های انبیا را تا آنجا که وقت اجازه دهد،

ص: ۱۶۷

می خوانند. وقتی که خواننده [متون] خواندن را به پایان برد، شخصی که عهده دار اداره جمعیت است، ایشان را تذکر می دهد و آنها را وامی دارد که از این رفتار زیبا پیروی کنند. سپس ما با همدیگر به پا می خیزیم و برای خود و دیگران، هر جا که باشند، دعا می کنیم... تا اینکه زندگی و اعمال ما نیکو شود و به دستورات پای بند باشیم و بدین ترتیب، به سعادت جاودانه برسیم. وقتی دعا تمام شد، یکدیگر را می بوسیم. آن گاه مجری، نان و جامی از آب و شراب می آورد و به کسی که ریاست برادران را به عهده دارد، می دهد. او آن را می گیرد و پدر عالم را به نام پسر و روح القدس تحسین و تعظیم می کند و برای این عطایای ارزشمندی که به ما داده است، شکرگزاری می کند. وقتی که او دعاها و شکرگزاری را به پایان برد، همه حضار با گفتن "آمین" ابراز احساسات می کنند. بعد از شکرگزاری توسط مجری و پاسخ پرشور مردم، کسانی که ما آنها را شماس می نامیم، به حضار نان و شراب و آب عشای ربانی می دهند و برای کسانی که غایبند، نکه می دارند. (۱)

اجرای عشای ربانی

آیین عبادی "عشای ربانی" طبق ساختاری اساسی که در همه

ص: ۱۶۸

سده ها تا زمان ما حفظ شده است، اجرا می شود. این آیین از دو بخش مهم که با هم وحدت اساسی دارند، تشکیل می شود:

۱. آیین عبادی کلمه (گردهم آبی): _با خواندن [متون]، موعظه و شفاعت های عمومی.

۲. آیین عبادی عشای ربانی: _با تقدیم نان و شراب، شکرگزاری و اتحاد.

آیین عبادی کلمه و آیین عبادی عشای ربانی با هم "عمل عبادی واحدی" را شکل می دهند؛ سفره عشای ربانی که برای ما مسیحیان پهن می شود، _سفره کلمه خدا _و _جسم خداوند _است.

نمازهای روزانه مسیحیان

مسیحیان هشت نماز روزانه دارند که عبارتند از:

۱. مَتینز (Matins): این نماز را در طول شب، پس از بیداری از خواب می توان خواند و می توان آن را نماز پیش از صبح دانست. این نماز در فرقه های مختلف مسیحی، نام های دیگری مانند: "Vigils" و "Nucturns" دارد.

۲. لوڈز (Lauds): یا نماز فجر که حدود ساعت ۳ صبح خوانده می شود.

۳. پرایم (Prime): نماز اول صبح که حدود ساعت ۶ بامداد (ساعت اول) خوانده می شود.

۴. ترسه (Terce): نماز ساعت سوم که حدود ۹ صبح خوانده می شود.

۵. سِکت (Sext): نماز ظهر که حدود ۱۲ ظهر خوانده می شود.

۶. نون (None): نماز بعدازظهر که حدود ۳ بعدازظهر خوانده می شود.

۷. وِسپِرِز (Vespers): نماز مغرب که حدود ۶ بعدازظهر هنگامی که هوا به تاریکی می گراید، خوانده می شود.

۸. کامپلین (Compline): نماز شامگاه که پیش از خواب حدود ۹ شب خوانده می شود.

این نظام در نمازهای روزانه مسیحی را به بندیکت مقدس (قرن ششم) نسبت می دهند، اما ایشان نیز مطالب خود درباره نمازهای روزانه را از اعمال رهبانی آبای بیابان که در مصر زندگی می کردند، گرفته است. (۱)

در توضیح باید گفت که پس از شورای دوم واتیکان، پاپ پل ششم در ۱۹۶۴ میلادی نسخه جدیدی از نمازهای روزانه مسیحی را منتشر کرد که به آن "نیایش ساعات (۲)" گفته می شد که در آن ساختار نمازها، توزیع _مزامیر_ در نماز و خود نمازها جرح و تعدیل شده بودند. سومین نماز به طور کامل حذف شده بود و در مجموع، از مقدار محتوای نمازها کاسته شده بود. در نسخه

ص: ۱۷۰

۱- ۶۰-۶۲. Rockford, The Life of St Benedict, by St. Gregory the Great, IL, PP

۲- Liturgy of hours

پاپ پل ششم، دو نوع نماز معرفی شد: اصلی و فرعی. نمازهای: متینز، لودز، وسپرز و کامپلین نمازهای اصلی شمرده شدند و نمازهای: ترسه، سکت و نون نمازهای فرعی. راهبان می بایست نمازهای اصلی را انجام دهند، اما از نمازهای فرعی فقط انجام یک نماز واجب است و می توانند آن یک نماز را به دلخواه خود انتخاب کنند. البته می توانند همه را به جا آورند، اما فقط ادای یکی از آنها واجب است. به این ترتیب، با اصلاح پاپ پل ششم، عملاً نمازهای هشت گانه به پنج نماز تقلیل پیدا کرد.

نیاز متینز (نماز صبح)

این نماز یکی از دو نماز اصلی در کلیساهای انگلیکن است که در نسخه های متعددی در کتاب عمومی نماز آورده شده است. این نماز را در سنت انگلیکن می توان بدون حضور کشیش و به صورت انفرادی نیز اجرا کرد.

طبق نمازنامه کلیسای انگلیکن، اعمالی که در نماز متینز باید انجام شود، به ترتیب ذیل است:

بخش اول نماز:

۱. ورسیکل آغازین؛

ورسیکل آغازین کلیساهای انگلیکن در نمازهای صبح و مغرب، این دعای کشیش به همراه پاسخ نمازگزاران به آن

ص: ۱۷۱

است:

"کشیش می خواند: خداوندا، لب های ما را بگشا!

جماعت پاسخ می دهند: و دهان های ما حمد تو را خواهد خواند.

کشیش: خدایا، در حفظ ما تعجیل فرما!

جماعت: خداوندا، در کمک به ما بشتاب!

کشیش: شکوه و جلال از آن پدر، پسر و روح القدس باد!"

۲. دعای شکرگزاری؛

۳. یک سرود مذهبی مناسب (به انتخاب کشیش، که از کتاب _سرودها_ انتخاب می شود)؛

۴. کنتیکل (۱) آغازین؛

"کنتیکل" در فرهنگ مسیحی سرود یا مزمور دینی است، اما در اصطلاح، هفت سرود برگزیده از _تورات_ و سه دعای برگزیده از _عهد جدید_ است که کلیسای کاتولیک رومی، از کتابچه راهنمای دعای خود انتخاب کرده است. کنتیکل های مربوط به روزهای هفته عبارتند از:

- در یکشنبه ها و جشن ها، "کنتیکل سه کودک" (_دانیال_ ۳: ۵۷).

- در دوشنبه ها، "کنتیکل اشعیای نبی" (باب ۱۲).

ص: ۱۷۲

- در سه شنبه ها، "کنتیکل حزقیا" (اشعیا ۳۸: ۱۰ - ۲۰).

- در چهارشنبه ها، "کنتیکل حنا" (سموئیل، اول ۲: ۱ - ۱۰).

- در پنجشنبه ها، "کنتیکل موسی" (خروج ۱۵: ۱ - ۱۹).

- در جمعه ها، "کنتیکل حبقوق" (حبقوق ۳: ۱ - ۱۳).

- در شنبه ها، "کنتیکل موسی" (تثیه ۳۲: ۱ - ۴۳).

این سرودها جای چهارمین مزموور را در نماز پیش از صبح (لودز) گرفته است. از عهد جدید نیز دعاهایی انتخاب شده اند که در کنتیکل نمازهای روزانه استفاده می شوند که عبارتند از:

- در نماز اول، پیش از نماز لودز: سرود زکریا (لوقا ۱: ۶۸ - ۷۹) خوانده می شود.

- در نماز هفتم، مغرب (وسپرز): سرود مریم باکره (لوقا ۱: ۴۶ - ۵۵) خوانده می شود.

- در نماز هشتم، شامگاه (کامپلین): سرود شمعون (لوقا ۲: ۲۹ - ۳۲) خوانده می شود.

گاهی به این سه سرود، "سرودهای اوانجیلی" نیز می گویند، زیرا از انجیل لوقا گرفته شده اند. کنتیکل هایی که از انجیل گرفته شده، هر روز خوانده می شوند؛ برخلاف کنتیکل هایی که از تورات گرفته شده اند، زیرا همان گونه که ذکر شد، آنها هفته ای یک بار خوانده می شوند. این سه کنتیکل انجیلی را در بین مزامیر داود نمی توان خواند، زیرا میان قرائت مزامیر وقفه حاصل

می شود، اما کنتیکل های هفت گانه ای را که از _تورات_ گرفته اند، می توان در بین _مزامیر_ خواند.

۵. پس از کنتیکل آغازین، دعایی به نام "دعای آغازین" خوانده می شود.

بخش دوم نماز:

۱. در بخش دوم نماز "متینز"، برخی از _مزامیر_ به صورت آنتیفون خوانده می شوند؛

"آنتیفون" به آن دعاهایی گفته می شود که در مراسم های مسیحی، کشیش آن ها را می خواند و جماعت نماز گزار یا گروه سرودخوانان کلیسا با پاسخ هایی که در کتاب های نماز مشخص شده، به آن پاسخ می دهند.

۲. کنتیکلی از _عهد قدیم_ قرائت می شود؛

۳. مزمور ۱۱۷ در روزهای یکشنبه، مزمور ۱۴۶ در روزهای دوشنبه، نصف مزمور ۱۴۷ در روزهای سه شنبه، نصف دیگر آن در روزهای چهارشنبه، مزمور ۱۴۸ در روزهای پنجشنبه، مزمور ۱۴۹ در روزهای جمعه و مزمور ۱۵۰ در روزهای شنبه قرائت می گردد؛

۴. قرائت از روی کتاب مقدس؛

۵. یک دعای برگردان (که همراه با جواب جماعت است) به اختیار کشیش؛

۶. یک کنتیکل از _انجیل_.

ص: ۱۷۴

بخش سوم نماز:

۱. شکرگزاری؛

۲. کالکت، یا دعای مخصوص آن روز هفته؛

"کالکت (۱)" دعای کوتاهی است که در ایام خاصی خوانده می شود و در آن کشیش می گوید: "خداوند با تو باد!" نمازگزاران پاسخ می دهند: "و با روح تو". کشیش می گوید: "خدای ازلی و قادر مطلق در پرتو اعتراف به ایمان واقعی، به خدمتکاران تو فیض را عطا فرمود تا جلال تثلیث ابدی را تصدیق کنند و در پرتو قدرت سلطنت تو، احدیت را عبادت کنند و با ثبات قدم در همین ایمان تضمین کرد که به واسطه خداوند، ما برای همیشه بر همه مشکلات فایق آییم (۲)".

۳. نیایش خداوند.

بخش چهارم نماز:

۱. سرود برکت؛

۲. دعای پایانی.

ص: ۱۷۵

۱- The Collect.

۲- برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۵۳.

نماز لودز

در نخستین ساعات صبح برگزار می شود. در کلیسای شرقی نماز متینز را به این نماز متصل می کنند. محتوای این نماز، مزمور ۱۵۰ است. البته محتوای آن طبق دستورات بندیکتی، مزمور ۱۴۸ تا مزمور ۱۵۰ و یک ورسیکل است.

نماز پرایم

این نماز در واقع بخشی از نماز لودز بوده و در قرن چهارم در دستورالعملی از سوی کلیسا از آن جدا شده است. این نماز شامل سه مزمور ثابت، یعنی مزامیر ۱، ۵۷ و ۸۹ است، اما در برخی مناسبت ها مانند "روز لنت"، تغییراتی در آن داده می شود.

نماز ترسه

"ترسه" یعنی ساعت سوم، یکی از اوقات ثابت نماز در آیین ستایش الهی است که همه فرقه های مسیحی آن را قبول دارند. عمده این نماز، خواندن مزامیر است و تقریباً در ساعت ۹ صبح برگزار می شود. در فرهنگ مسیحیت آمده است که حضرت عیسی علیه السلام در این ساعت محکوم به مرگ شد. در کتاب اعمال رسولان (۲: ۱۵) ذکر شده است که حواریون، نماز را در این ساعت اقامه می کرد. در مرانامه بندیکتی، این نماز شامل مزامیر: ۱۱۹، ۱۲۰ و ۱۲۱ همراه با مختصری از یک فصل، آیه، شکرگزاری (خدا

ص: ۱۷۶

را شکر کن، به خاطر خوبی اش) و "سرود رحمت(۱)" است.

سرود رحمت چنین است که کشیش می خواند: "خدایا به ما رحم کن!" جواب نماز گزاران: خدایا به ما رحم کن!

کشیش: ای مسیح، به ما رحم کن!

جواب نماز گزاران: ای مسیح به ما رحم کن!

کشیش: خداوندا به ما رحم کن!

جواب نماز گزاران: خداوندا به ما رحم کن!(۲)

در روزهای یکشنبه و دوشنبه به جای مزامیری که گفته شد، هشت آیه از مزمو ۱۱۸ خوانده می شود.

نماز سکت

در لغت به معنای "شش" است و منظور از آن، نماز ششمین ساعت است. این نماز در ظهر خوانده می شود و عمدتاً محتوای آن، مزامیر است. در کتاب اعمال رسولان (۹: ۱۰) آمده که پطرس به بالای خانه ای می رود تا این نماز را بخواند. می گویند در این ساعت بود که ابراهیم علیه السلام از فرشتگان سه گانه (تنها نماد مؤید تثلیث در مسیحیت)، پذیرایی کرد. در این ساعت بود که آدم و حوا سیب ممنوعه را خوردند. این نماز علی رغم قدمتی که

ص: ۱۷۷

۱- Kyrie.

۲- برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۵۱.

دارد، هرگز اهمیت نمازهایی مانند "متینز" را پیدا نکرد. این نماز نباید خیلی طول بکشد. آنچه باید در این نماز خواند، بسیار اختلافی است و هر فرقه ای سخنی دارد. کاتولیک های یونانی و ارتدکس های شرقی در این نماز مزمورهای ۵۳، ۵۴ و ۹۰ را می خوانند.

نماز نون

در لغت به معنای "ظهر" است، اما به ساعت نهم از تقسیم بندی یونانی روزها اشاره دارد که حدود ۳ بعدازظهر ساعات کنونی است.

۱. این نماز با این عبارت شروع می شود: "خدایا، برای نجات من بشتاب! خداوندا، به کمک من تعجیل فرما!"^(۱)

۲. مزامیر ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷؛ البته به غیر از یکشنبه ها و دوشنبه ها که مزمور ۱۱۸ به جای آن خوانده می شود.

۳. سپس "ورسیکل"، "سرود رحمت" و دعای "نیایش خداوند" خوانده می شود.

نماز وِسپِرِز

۱. این نماز مغرب است که با این دعا شروع می شود: "خدایا به

ص: ۱۷۸

۱- مزامیر، مزمور ۷۰، آیه ۱.

یاری ام بیا! خدایا به کمکم بشتاب! باشکوه و جلال است پدر، پسر و روح القدس. هم چنان که در آغاز چنان بود، اکنون و تا باد چنین خواهد بود تا ابد بی هیچ پایانی. آمین. هلولیا.

۲. چند سرود مذهبی از کتاب _سرودهای کلیسایی_ خوانده می شود.

۳. دو مزمور از _مزامیر_ داود به همراه یک "دوکسولوژی" و "سرود تجلیل" و یک کنتیکل از _عهد جدید_ و یک "آنتیفون" خوانده می شود.

"دوکسولوژی" سرودی کوتاه در ستایش خداوند است که در مراسم های مختلف مسیحی خوانده می شود و معمولاً به آخر کنتیکل ها، _مزامیر_ و سرودهای مذهبی (hymn) افزوده می گردد. دوکسولوژی را مسیحیان به تقلید از قدیش یهودیان ساخته اند که در کنیساها به هنگام نماز می خوانند. معمولاً قدیش یهودیان نشان از پایان هر یک از رکعات نماز است.

"سرود تجلیل"^(۱) سرودی مذهبی است که کشیش هنگام نماز آن را می خواند و محتوای آن چنین است:

عالی ترین تجلیل مخصوص خدا باد! ما تو را حمد می کنیم و سپاس می گوئیم. ما تو را می پرستیم و تجلیل می نمایم و به خاطر جلال باشکوهت سپاس می گوئیم. ای خداوند، ای خدا،

ص: ۱۷۹

پادشاه آسمانی، خدای پدر قادر مطلق، ای خداوند، ای تنها پسر به دنیا آمده، عیسی مسیح. ای خداوند خدا، بره قربانی، پسر پدر. تو آن کسی هستی که گناهان عالم را می آمرزی، بر ما ترحم فرما! تو آن کسی هستی که گناهان عالم را می آمرزی، دعای ما را بشنو! تو که در سمت راست پدر نشسته ای، بر ما ترحم فرما! قداست مخصوص توست. فقط تو خداوند هستی. ای عیسی مسیح، فقط تو عالی ترین هستی. با روح القدس در جلال خدای پدر. آمین.

۴. سپس، قسمتی از کتاب مقدس قرائت می شود و پس از آن، جماعت نماز گزار پاسخ می دهند: "شکوه و جلال بر پدر، پسر و روح القدس".

۵. سپس شرکت کنندگان، مانیفیکا یا کنتیکل مریم مقدس را از انجیل لوقا (۱) می خوانند که ابتدای آن چنین است: "پس مریم گفت: جان من خداوند را تمجید می کند، و روح من به رهاننده من خدا، به وجد آمد، زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکند..."، که با پاسخ جماعت همراه است.

۶. سپس دعاهایی با عنوان "پروسس" خوانده می شود و به دنبال آن نیایش خداوند و سپس دعای پایانی است که چنین

ص: ۱۸۰

است:

جماعت: همان گونه که در آغاز بود، اکنون چنین است، و همیشه خواهد بود، در جهان بدون هیچ پایانی. آمین.

کشیش: خداوندا، ستایش از آن توست.

جماعت: نام خداوند ستوده باد!

در نماز مغرب، اگر کلیسایی دارای گروه کر است، معمولاً دعاها و نیایش را از روی کتاب **_Common Worship_** یعنی "پرستش همگانی" می خوانند و نماز را اجرا می کنند. برخلاف عشای ربانی که حتماً باید کشیش آن را اداره کند، این نماز به رهبری کشیش نیاز ندارد. ساختار این نماز شبیه نماز متینز است.

نماز کامپلین

این نماز شامگاه است که پیش از خواب (حدوداً نه شب) خوانده می شود. اعمالی که در نماز کامپلین باید انجام شود، بدین ترتیب است:

۱. دعای دعوت؛

۲. دعای طلب مغفرت؛

۳. سرودی مذهبی از سرودهای سنتی مسیحی (hymn)؛

۴. قرائت بخشی از **_مزامیر_** به همراهی آنتیفون (یعنی جواب جماعت)؛

ص: ۱۸۱

۵. قرائت بخشی از کتاب مقدس؛

۶. دعای برگردان؛

۷. کنتیکل شمعون؛

۸. دعای پایانی؛

۹. دعای برکت؛

آنتیفون پایانی برای مریم مقدس باکره (سرود مریم باکره)، بخش اصلی این نماز است.

این نماز بخش هایی دارد که گروه کُر آن ها را می خواند و در طول لنت (ایام روزه مسیحی)، دعای "افرائیم مقدس" در حالت سجده خوانده می شود. در کلیسای انگلیکن این نماز را با نماز و سپرز به هم می چسبانند. نوع انگلیکنی اش چنین است:

۱. جملات آغازین، دعای دعوت؛

۲. اعتراف به گناهان؛

۳. برخی مزامیر و درس هایی از کتاب مقدس (به صورت موعظه)؛

۴. کنتیکل شمعون؛

۵. دعای پایانی.

تحلیل محتوای نمازها

همه نمازها با گزیده ای از _مزامیر_ داود آغاز می شود؛ یعنی مزمور ۶۹، آیه ۲ (در همه نمازها به جز نماز فجر(لودز) و نماز پیش از

ص: ۱۸۲

خواب (پرایم) این گونه عمل می شود). ابتدای مزمور این است: "خدایا به نجات من بشتاب! خداوندا به اعانت من تعجیل فرما! ...". سپس به دنبال آن "داکسولوجی" (۱) خوانده می شود. البته اگر نماز با دعوت (۲) و قرائت _انجیل_ آغاز شود، قرائت مزمور حذف می شود. دعوت، معرفی نخستین ساعت است که در آن روز جاری گفته می شود، چه آیین قرائت ها باشد، چه نماز صبح. آغاز آن با سرود مذهبی از کتاب _سرودهای کلیسایی_ است. پس از سرود، _مزامیر_ خوانده می شود. پس از خواندن _مزامیر_، کتاب مقدس قرائت می شود. قرائت کتاب مقدس یا اگر کوتاه باشد، "فصل" (۳) و اگر طولانی باشد "درس" می گویند. پس از قرائت، قطعه خوانی (۴) است. پایان نماز با سخنرانی به اتمام می رسد. اجزای دیگر نماز، به مناسبت ها و نوع خاص نماز بستگی دارد. در هر نوبت از آیین نماز، _مزامیر_ و کنتیکل خوانده می شود که این کنتیکل تشکیل شده از آنتیفون یا سرود برگردان، که هر یک با داکسولوژی ویژه کلیسای کاتولیک به پایان می رسد.

دلیل اینکه مسیحیان (در اصل) هفت نماز برای خود تعریف

ص: ۱۸۳

۱- Doxology

۲- Invitatory

۳- Capitula

۴- Versicle

کردند این بود که از حضرت داود علیه السلام نقل است که به خداوند عرضه می دارد: "هر روز تو را هفت مرتبه ستایش می کنم، به خاطر داوری های عادلانه ات." (۱) و نیز عیسی علیه السلام فرمود: "بی وقفه دعا کنید." (۲) به عقیده مسیحیان، مضمون این دو فقره از تورات و انجیل یک چیز است و آن اینکه، باید هر روز هفت مرتبه به درگاه خداوند نماز برد، زیرا عدد هفت عدد کامل است؛ پس اگر روزانه هفت مرتبه نماز خوانده شود، مصداق دعای "بی وقفه" تلقی خواهد شد.

آیین نیایش سریانی شرق

در قرن هفتم پاتریارک ایشوعیاب سوم، آیین نیایش کلیسای سریانی شرق را تثبیت کرد. سال کلیسایی که بر محور عید رستاخیز و در درجه دوم، عید میلاد و تعمید مسیح برنامه ریزی شده است، به هفت دوره (شبعه - سبوع) تقسیم می شود که هر دوره اصلی، معمولاً شامل هفت یکشنبه است و یک دوره چهارهفته ای قبل از آن و یک دوره چهارهفته ای بعد از آن قرار دارند. این دوره ها عبارتند از: ۱. بشارت به مریم (سوبرا)، ۲. ظهور و تعمید مسیح (دنخا)، ۳. روزه (صوما)، ۴. رستاخیز

ص: ۱۸۴

۱- مزامیر، مزمور ۱۱۹، آیه ۱۶۴.

۲- تسالوکیان، باب ۵، آیه ۱۷.

قیامت)، ۵. رسولان (شلیخه)، ۶. تابستان (قیطا)، ۷. الیاس (ایلیا)، ۸. موسی (موشه) و ۹. تقدیس کلیسا (قودش عیتا).

نماز روزانه کامل نیز شامل: نماز صبح (صاپرا)، دعای بعدازظهر (رامشا)، دعای عصر (سوباغا)، دعای بیداری (شهر) و دعای شب (لیا) می باشد. البته باید توجه داشت که در عمل، فقط دو دعای او، یعنی نماز صبح و نماز بعدازظهر در کلیساها خوانده می شوند.

از عید صعود مسیح به آسمان (سولاقا)، نمازها در حیات کلیسا (بیت صلوته) برگزار می شوند و از اولین یکشنبه تقدیس کلیسا (قودش عیتا)، دوباره نمازها در داخل کلیسا خوانده می شوند. در داخل کلیسا دعاها در محلی به نام "بمه" برگزار می گردد. هم چنین سه آیین مقدس برای نماز قربانی مقدس به کار برده می شوند:

۱. آیین حضرت آدای و ماری، رسولان مشرق، در روزهای عادی؛

۲. آیین حضرت تئودور مویسوستیا در یکشنبه ها و اعیاد مژده به حضرت مریم ۳ و ۳. یکشنبه نخل (اوشعنا). (۱)

نمونه ای از نماز ساده شده مسیحیان

گاهی دیده می شود که برخی از فرقه های مسیحی، نمازهای روزانه

ص: ۱۸۵

۱- کانون یوحنا رسول، تاریخ کلیسای شرق، ص ۴۶.

را ساده تر کردند. نمونه زیر یکی از این نمازهای ساده شده است:

۱. نماز ساعت اول (۶ بامداد)، (Orthros)، (Lauds)، (Matins)، که در آن دعایی به نام "زره پاتریک مقدس" به همراه مزمور پنجم از مزامیر داود علیه السلام خوانده می شود.
۲. نماز ساعت سوم (۹ صبح)، (Trece)، که در آن دعای "دعای خداوند" خوانده می شود.
۳. نماز ساعت ششم (۱۲ ظهر)، (Sext)، که در آن مزمور ۲۳ خوانده می شود.
۴. نماز ساعت نهم (۳ بعد از ظهر)، (None)، که در آن مزمور ۱۷ خوانده می شود.
۵. نماز مغرب (۶ بعد از ظهر)، (Vespers)، (Eveningsong)، که در آن مزمور ۱۵۰ خوانده می شود.
۶. نماز شامگاه (پیش از خواب)، (Compline)، که در آن "دعای ابزار صلح" و مزمور ۴ خوانده می شود.
۷. نماز نیمه شب که در آن آیه ۶۲ از مزمور ۱۱۹ و همه مزمور ۱۳۴ خوانده می شود. (۱)

ص: ۱۸۶

پولس رسول می گوید:

آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟! آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مردی موی دراز دارد، او را عار می باشد و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است؟! (۱)

زنان مسیحی نیز تا چند دهه پیش موی خود را می پوشانده اند و همه تابلوها و مجسمه های حضرت مریم ۳ و قدیسه های مسیحیت با حجاب تهیه شده است. راهبه های مسیحی نیز موی خود را می پوشانند و رنگ مقنعه ایشان (مانند کلاه راهبان) معمولاً نظام رهبانی آنان را نشان می دهد. روحانیون کاتولیک و ارتدکس و روحانیون برخی از فرقه های پروتستان، استفاده از لباس ویژه روحانیت را برای اجرای آیین های مسیحیت واجب می دانند.

درباره پاکیزگی و نظافت پیش از نماز نیز، به نظر می رسد که حکم خاصی مانند وضو یا غسل در مسیحیت وجود ندارد و فقط به نظافت ظاهری کلیسا و زیبایی محل نیایش اکتفا می کنند.

ص: ۱۸۷

۱. نخستین یهودیان مسیحی شده چگونه نماز می خواندند؟

۲. آیا حضرت عیسی علیه السلام برای پیروان خود نماز ویژه ای را وضع کرد؟

۳. نمازهای هشت گانه مسیحیان را نام برده و وقت آنها را ذکر کنید.

۴. اصلی ترین محتوای نمازهای مسیحیان چیست؟

۵. "کتیکل" به چه معناست؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، کانون یوحنا رسول، تهران، ۱۳۸۸.

۲. عیسی: اسطوره یا تاریخ، آرچیبالد رابرتسون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.

۳. تاریخ کلیسای کاتولیک، هانس کونگ، ترجمه: حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.

۴. سیری در ادیان زنده جهان، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، آیت عشق، ۱۳۸۳.

۵. مسیحیت و ادیان جهان، آرنولد توینبی، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.

اشاره

اسناد تاریخی بسیاری وجود دارد که ثابت می کند هنگامی که ایران در صدر اسلام به دست مسلمانان فتح شد، ساکنان آن، که "مجوس" نامیده می شدند، اهل کتاب شمرده می شدند و از آنان جزیه گرفته می شد؛ به عبارت دیگر، آنان در شمار مشرکان نبوده و آتش پرست شمرده نمی شدند.

قرآن کریم، "مجوس" را در کنار اهل کتاب ذکر کرده است. واژه "مجوس" در آیه ۱۷ سوره "حج" پس از ذکر چند دین توحیدی و پیش از اشاره به مشرکان آمده است. منظور از "مجوس"، طبقه مغان یا روحانیان زردشتی است که آموزه های زردشت را تبلیغ می کردند. به این ترتیب، طبق نظر اسلام، زردشتیان امروز که بازماندگان همان مجوس هستند، اهل کتاب بوده و در اصل، دینی آسمانی داشته اند. واژه "گبر" که درباره مجوس به کار می رود و در زبان سریانی به معنای "کافر" است، از جانب دیگران به آنان اطلاق شده است.

آیین زردشت یکی از مذاهب دین مزدایرستی است و چنین نیست که همه مزدایرستان، زردشتی بوده باشند. جالب توجه است که نام "اهورامزدا" در کتیبه های مختلف عصر هخامنشی (متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد) آمده است و قطعاً برخی از آنها مانند داریوش، مزدایرست بوده اند، اما زردشتی بودن آنها قطعی نیست، زیرا نامی از زردشت در آن کتیبه ها و هیچ سند دیگر مربوط به عصر هخامنشی دیده نمی شود. فقط در مورد ساسانیان است که اسناد نشان می دهند هم مزدایرست بوده اند و هم زردشتی.

امروزه بیش از یک میلیون نفر زردشتی در دنیا زندگی می کنند که اکثر آنها مقیم ناحیه گجرات و شهر بمبئی هندوستان بوده و به نام "پارسیان" شهرت دارند. در ایران حدود پانزده هزار زردشتی زندگی می کنند که اکثر آنها مقیم شهر تهران هستند.

سرگذشت زردشت

نام "زردشت" نخستین بار در اوستا_ به صورت "زَرَثُشْتَرَه(۱)" آمده است که به "دارنده شتران زرد" ترجمه می شود. پدرش پوروشَسَب (دارنده اسبان پیر) و مادرش دُغْدو (دوشنده گاو) نام

ص: ۱۹۰

داشت و از خاندان شیپیمان (سپیدنژاد) بودند. زردشت میان سه هزار تا سه هزار و دویست سال پیش در ناحیه خوارزم به دنیا آمده و زندگی کرده است و زبانش به لهجه خوارزم باستانی شباهت دارد. ده سال در زادگاه خود تبلیغ کرد و چون موفق نشد، به دیار بلخ رفت و با نشان دادن معجزاتی موفق شد گشتاسب، پادشاه بلخ و همسرش آتوسا را به دین خود درآورد. گشتاسب در گسترش آیین زردشت، نقشی اساسی ایفا کرد و در این راه مجبور شد با شاهان مجاور خود نبرد کند.

در شاهنامه آمده است که ایران در عصر گشتاسب، خراجگزار تورانیان بود و زردشت به پادشاه دستور داد که از باج دادن به بیگانگان خودداری کند و او هم پذیرفت و همین اقدام گشتاسب بود که موجب خشم تورانیان شد و آنها نیز به ایران لشکرکشی کردند و خود زردشت نیز در همین جنگ ها در بلخ کشته شد. (۱) اما در نهایت گشتاسب بر مهاجمان پیروز شده و به ترویج آیین زردشت ادامه داد و فرزندش اسفندیار را برای گسترش این آیین به هر سو اعزام کرد. جالب توجه است که همین اسفندیار، دشمن رستم، قهرمان اصلی شاهنامه است که پهلوان "ایران" است؛ به عبارت دیگر، قهرمان داستان فردوسی به نوعی در

ص: ۱۹۱

مقابل مبلغان آیین زردشت قرار دارد و روی خوش به کیش زردشت نشان نمی دهد.

تعالیم زردشت

"گاهان" یا "گاهاها" تنها بخشی از اوستا است که سروده خود زردشت است. زردشت در گاهان با اهورامزدا مناجات می کند و می گوید تا توان دارد به مردم راه راستی یا "اشه" را خواهد آموخت. "اشه" به معانی مختلفی از جمله: راستی، حق، عدالت و مانند آن آمده است. سه اصل "گفتار نیک"، "پندار نیک" و "کردار نیک"، به طور مستقیم از تعلیمات زردشت نیست، بلکه تفسیر عالمان بعدی از همان اصل "اشه" است.

زردشت "اهورامزدا" را خدای بزرگ معرفی کرد و دیوها (دئوه ها یا خدایان هندو-ایرانی) را خدایان باطل نامید و مردم را از پرستش آنها منع کرد. در فرهنگ هندو-ایرانی دو واژه به معنای "خدا" به کار می رود؛ یکی "دئوه" (معادل دیو فارسی) و دیگری "اهورا" یا "اسورا" که اهورامزدا یکی از این اهوراها بوده و خدای دانش (مزدا) است. زردشت، اهورامزدا را خدای بزرگ نامید و همه دئوه ها را خدایان تبهکار خواند و آنها را نفی کرد. او گفت: این خدایان، به پیروان خویش می آموزند تا به دیگران آسیب برسانند. هندوها در کشور هندوستان تا به امروز

ص: ۱۹۲

دئوه هایی مانند "ایندرا" و "خدای جنگ" را که زردشت مخالف پرستش آنها بود، می پرستند.

امشاسپندان

در آیین زردشت خداوند، قادر مطلق نیست. در ابتدای آفرینش، اهورامزدا جفتی به نام "انگره مینو" یا اهریمن دارد که به آفریدن موجودات شرور می پردازد. اهورامزدا و اهریمن تا پایان این دوره دنیا با یکدیگر در نبرد خواهند بود و سرانجام در آخرالزمان با شکست خوردن پیروان اهریمن، اهورامزدا سرور و خدای مطلق خواهد شد.

هم چنین، اهورامزدا برای آفرینش موجودات نیک نیز به دستیار نیاز دارد؛ از این رو، او شش "امشاسپند"، یعنی "نامیرای فزونی بخش" آفرید تا او را در امر آفرینش یاری کنند. امشاسپندان به منزله فرشتگان مقرب در ادیان ابراهیمی هستند. "سپننه مینو" نیز به منزله نخستین تجلی اهورامزدا و از این رو، عین اهورامزداست. پس، سپننه مینو و شش امشاسپندی که اهورامزدا آفرید، "هفت گانه مقدس" آیین زردشت را می سازند. آن شش امشاسپند عبارتند از:

۱. وهومن (بهمن)، ۲. اشه وهیشته (اردیبهشت)، ۳. خشتره وئیریه (شهریور)، ۴. سپننه ارمئیتی (اسفندارمذ)، ۵. هئورتات

زردشتیان به جاودانگی روح عقیده دارند و می گویند که روان انسان متوفی، پس از اینکه جسم را ترک کرد تا روز رستاخیز در عالم برزخ می ماند و بهشت یا دوزخ موقت دارد. در پایان عالم که قیامت (فراشکرت) اتفاق می افتد، معاد جسمانی و رستاخیز اتفاق می افتد. انسان ها پس از اینکه به عقوبت اعمال زشت خود رسیدند، در همین دنیا جاودانه به حیات خویش ادامه خواهند داد. (۱)

اوستا

کتاب آسمانی زردشتیان _اوستا_ نام دارد که به معنای "کلام معتبر" است. این کتاب که به خط و زبان اوستایی نوشته شده است، با زبان سنسکریت هم ریشه است. به عقیده بسیاری از محققان، خط اوستایی در دوره ساسانیان (۲۲۶-۶۴۱ م.) پدید آمد و اوستا که قبلاً در سینه ها بود، به آن خط نوشته شد. می گویند _اوستا_ی اصلی در زمان ساسانیان ۲۱ نسک (بخش) و هزار باب داشته است، اما امروزه بخش اندکی از آن به دست ما رسیده است. پنج بخش _اوستا_ی امروزی عبارتند از:

ص: ۱۹۴

۱. یَسینه ها؛ به معنای "پرستش" است. هفده سرود از این یسنه ها "گاتها" یا "گاهان" نامیده می شود که به گفته محققان غربی تنها قسمتی از اوستا است که می تواند سروده خود زردشت باشد؛ از این رو، این بخش بیشترین اهمیت را در اوستا برای زردشتیان دارد. سایر بخش های اوستا افزوده های علمای بعدی و به ویژه مغان (مجوس) است.

۲. یَسْت ها؛ به معنای "پرستش" و "قربانی کردن" است. سرودهایی در ستایش مظاهر طبیعت و نیز دعاهایی حرز گونه است.

۳. ویسپَرَد؛ به معنای "دستورالعمل ردان (دین آگاهان)" است. این بخشش، مجموعه ای از سرودهای دینی است.

۴. خُرده اوستا یا اوستای کوچک؛ آن بخشی از سرودهای اوستاست که در جشن ها و مراسم مذهبی خوانده می شود. آنچه در نمازها باید خوانده شود، در این قسمت آمده است.

۵. وِنْدیداد؛ به معنای "قانون ضد دیو" است. مجموعه ای از احکام اولیه و اساسی دین زردشت، به همراه فلسفه برخی از آن هاست.

زردشتیان، علاوه بر اوستا، متونی به زبان پهلوی دارند که مهم ترین آنها دینکرد و بندهش است.

پروفسور بویس معتقد است که ایرانیان پیش از زردشت با نمازهای سه گاه یا سه وقت اصلی، یعنی بامداد، نیم روز و شامگاه آشنا بودند و بدان ها اهمیت می دادند. آنان این سه گاه را به دو بخش تقسیم می کردند: یکی صبحگاه یا "هاونی" که ایزد "مهر" بر آن نظارت داشت و دیگری، بعدازظهر یا "اوزیره" که ایزدی به نام "اپام نیات" حامی و مسئول آن بود. گاه شب، یعنی سومین قسمت نیز به نام "ایوسروثره" بر آنها افزوده شد که این وقت، از آن "فروشی ها" یا همان روان های مردگان بود. به عقیده این محقق، زردشت در سه هزار سال پیش، دو نوبت نماز بر سه نوبت اصلی نماز افزود و در مجموع، پنج نوبت نماز را بر پیروان خود واجب کرد. یکی از این نوبت های جدید، نماز "رپیتوه" نام داشت که از هنگام نیم روز، یعنی ظهر شرعی آغاز می شد و تا وقت عصر (اوزیره) فرصت داشت و دیگری نماز نیمه شب بود که وقت آن از نیمه شب تا صبح بود و این نماز با ایزد سروش، سرور نماز و نیایش ارتباط داشت.^(۱) در مجموع، زردشتیان سه گونه ستایش و نیایش برگزار می کنند که نمازهای روزانه یکی از آن هاست.

ص: ۱۹۶

برای آنکه نیایش های همه گانی خود را برگزار کنیم، در جاهایی مانند "آدریان" و "شاهورهرام ایزد" و "درمهر" گرد هم می آییم. ما به نیایش گاه های همه گانی خود "جشن گاه" می گوئیم. ما سدره و کشتی بر تن به جشن گاه وارد می شویم. در جشن گاه ایستاده رو به سوی روشنایی به "دادار اورمزد" نماز می بریم. گذشته از نیایش های همه گانی یا جشن ها، هر یک از ما روزی پنج بار نماز روزانه می خوانیم. (۱) ما زرتشتیان به جاودانگی روان اعتقاد و باور داریم. اعتقاد داشتن به جاودانه گی روان، از پایه های دین زرتشتی است... پس از مرگ، روان مردمان بدکار، اسیر "گنامینو" یا "اهریمن" می شود. جای روان بدکاران "سرای بدی" است. در دین، "سرای بدی" را "دوزخ" می نامند. کسانی که در زندگی اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک داشته باشند، پس از مرگ به "بهترین جا" یا "بهشت" خواهند رفت. نام "بهشت" در "گات"ها "خانه سرود" است. "خانه سرود" جای آرامش و رامش و خرسندی روان زن و مرد پارسا است. (۲)

۱- مرادیان، بهمن، سدره پوشی، فصل ۳، ص ۲.

۲- همان، ص ۸.

دومین نوع نیایش و ستایش زردشتیان، گردهم آیی های ماهانه آنان است که می توان هر یک را نوعی نماز ماهانه به شمار آورد. این توضیح لازم است که اساس جشن های ماهانه زردشتیان به این صورت است که هر یک از سی روز ماه در تقویم زردشتی، نام ویژه ای دارد. نام ماه های زرتشتی نیز همان است که امروزه در ایران نام بردار است. در فرهنگ زرتشتی هرگاه نام روز با نام ماه یکسان باشد، در آن روز آیین نیایش و ستایش اورمزد برگزار می شود. برای مثال، در روز نوزدهم ماه فروردین جشن "فروردین گان" برگزار می شود. جشن "تیرگان" در روز سیزدهم تیرماه و جشن "مهرگان" در روز شانزدهم ماه مهر برگزار می شود. این روزهای جشن و مراسم مربوط به آن چنینند:

— در دی گان، جشن های گاهان سرایی برگزار می شود.

— در بهمن گان، نیایش همگانی برای سپاس از دادار اورمزد برگزار می شود، چون جهان استومند را آفرید و برای گیتی پدری کرد.

— در اسفندگان، نیایش همگانی برای سپاس از دادار اورمزد برگزار می شود، چون جهان مینوی را آفرید و برای جهان مادری کرد.

— در آبان گان، آبان ایزد که یار و همکار اسفندارمذ امشاسپند است، ستایش می شود.

— در فروردین گان، نیایش برای بزرگداشت روانِ جان باختگان راه آزادی و سربلندی ایران زمین و نیز جان باختگان در راه حقیقت و عدالت برگزار می شود.

— در اردیبهشت گان، دادار اورمزد را سپاس می گوئیم، چون که آتش را آفرید و ما [زردشتیان]، توانستیم با کمک آتش، فرهنگ مادی یا تمدن پی ریزی کنیم.

— آذر ایزد که یاور و همکار اردیبهشت امشاسپند است، در آذرگان ستایش می شود.

— در خوردادگان و آمدادگان، دادار اورمزد ستایش می شود، چون آب و گیاه را آفرید.

— در تیرگان، یادِ آرش، پهلوان اسطوره ای زرتشتی گرامی داشته می شود.

— شهریورگان، جشنِ بزرگداشت فرمان روایانِ دادگر است.

— در مهرگان، مهر ایزد را می ستایند که یار و همکار شهریور امشاسپند است. در مهرگان یادواره جشن شهریورگان برگزار می شود.

۳. گاهان بارها

سومین نوع نیایش و ستایش ها، "گاهان بارها" هستند که به این شرح می باشند:

ص: ۱۹۹

— "مِدیوزَرَم" به معنای "میانِ بهار" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می شود، چون آسمان را آفرید.

— "مِدیوشَم" به معنای "میان تابستان" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می شود، چون آب را آفرید.

— "پدیشَ هَه" به معنای "گردآوری غله" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می شود، چون زمین را آفرید.

— "ایاسِریم" به معنای "بازگشت به خانه" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می شود، چون گیاه را آفرید.

— "مِدیاریم" به معنای "میان سال" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می شود، چون جانوران سودمند مانند گاو و گوسفند را آفرید.

— "هَمَس په مَدیم" به معنای "حرکت همه سپاه" است. این گاهان بار جشنِ بزرگداشتِ فروهر در گذشتگان است. در این گاهان بار، دادار اورمزد را سپاس می گویند، چون مردمان را آفرید.

در این شش جشن، موبدان زرتشتی به مدت پنج روز هر روز یک سرود از پنج سرود گاهانی را به صورت گروهی می خوانند. (۱) در نظر زرتشتیان، این نیایش های همگانی ارزش و

ص: ۲۰۰

ارجی برابر نماز روزانه دارند. (۱) مری بویس می نویسد: "تا پیش از قرن بیستم، جشن های گاهنبار به کلی مردانه بودند. (۲)"

جشن گاه

مکانی که در آن آیین های دینی برگزار می شود "نیایش گاه" یا "جشن گاه" نام دارد. به جایی که گردهم آیی های دینی در آن برگزار می شود نیز "نیایش گاه" می گویند. امروزه نیایش گاه های زرتشتیان چهار گونه هستند: ۱. پیرها، ۲. سفره های مقدس، ۳. نیایش گاه های ویژه ایزدان و ۴. آتشکده ها.

زردشتیان می گویند از این چهار گونه نیایش گاه، تنها آتشکده ها اصل و بنیاد زرتشتی دارند. پیرها و سفره های مقدس و نیایش گاه های ویژه ایزدان، همگی بازمانده فرهنگ های کهن غیرزرتشتی هستند. سه گونه نیایش گاه با بُن غیرزرتشتی که امروزه در فرهنگ زرتشتیان، هنوز زنده و پابرجا هستند، جاهای دل نشینی اند که زرتشتیان، در آن آیین های خود را برگزار می کنند. آشو (۳) زرتشت گفته است: "از آیین های کهن، آن هایی را که زیبا و خوش آیند زمانه هستند، برگزار کنید. ..."

زرتشتیان

ص: ۲۰۱

۱- همان، فصل ۵، ص ۲۱.

۲- بویس، مری، زردشتیان، باورها و عقاید، ص ۲۴۳.

۳- «آشو» لقبی زردشتی به معنای «درستکار» است.

آگاهند که پیرها و سفره های مقدس و نیایش گاه های ویژه ایزدان، بازمانده فرهنگ ایران باستان هستند،^(۱) اما این نیایش گاه ها را چون گنجی می انگارند که باید از آن نگه داری کنند تا سودش را ببرند.^(۲)

آمادگی برای نماز

در کتاب های روایی زردشتیان توصیه شده است که پیش از نماز باید تن و جامه نماز و جای نماز را از آلودگی ها پاک کرد.^(۳) معمولاً زردشتیان پیش از نماز، به غیر از تمام قرص صورت، دست ها را تا آرنج و پاها را تا قوزک پا سه بار شست و شو می دهند. در این هنگام دعای "سروش باج" را می خوانند. اگر آب نبود، سه بار دست را بر خاک تمیز می زنند و سپس به صورت و پشت دست می کشند. در زبان پهلوی وضو و تیمم را "پادیاب" و نیز "دستنماز" (دستماز) می گویند. سپس لباس سفید ساده ای به نام "سدره" می پوشند و پس از آن، به بستن کمر بند مقدس، یعنی "کُشتی" (کُستی)، اقدام می کنند.

در

ص: ۲۰۲

۱- پیرها مانند «پیر سبز»، سفره های مقدس مانند «سفره وهمن امشاسپند» و جشن گاه ویژه ایزدان مانند «شاهورَهرام».

۲- مرادیان، بهمن، سدره پوشی، فصل ۵، ص ۲۳.

۳- همان، ص ۱۸.

هنگام بستن همین کمر بند است که اذکار اصلی نماز را می خوانند.

نماز باید رو به روشنایی باشد. روشنایی "قبله" نماز زردشتیان است و نه معبود زردشتیان.^(۱) این روشنایی می تواند روشنایی خورشید، آتش و یا چراغی روشن باشد. نماز را در ساعات قبل از ظهر رو به خاور که خورشید از آنجا طلوع می کند و در بعد از نیم روز به سوی باختر می خوانند و در دل شب برابر چراغ یا آتش افروخته به نماز می ایستند. هنگامی که فرد زرتشتی نماز می خواند، کشتی را از دور کمرش باز کرده، آن را با دو دست تا می کند و بالا می برد و به پیشانی و چشم های خود می مالد و ممکن است حرکت های دیگری هم مانند زدن ضربه به شکل شلاقی برای دفع اهریمن انجام دهد.

نماز روزانه

در کتاب درسی زردشتیان درباره نمازهای روزانه چنین آمده است:

ما زرتشتیان به نشانه سپاس گزاری از آفرینش های اهورامزدا، روزی پنج بار به درگاه او نماز می بریم. به زمانی که در آن ساعت باید نماز بخوانیم "گاه" نماز می گوئیم. گاه های نماز در دین زرتشتی، هر یک نامی ویژه دارند:

ص: ۲۰۳

۱- منوچهر پور، منوچهر، بدانیم و سربلند باشیم، ص ۴۸.

۱. گاهِ هاوَن: از برآمدن آفتاب تا نیم روز. واژه "هاون" همان کلمه "هاون" امروزی است و از ریشه اوستایی به معنی "فشردن" آمده است، چون بامدادان و هنگام برآمدن آفتاب، موبدان گیاه هوم را می کوبیدند و با آدابی ویژه از آن شربتی مقدس فراهم می کردند که با نوشیدن آن، به حالت خلسه رفته و "منتره" یا کلام مقدس، در ستایش خدا یا خدایان بر زبان جاری می ساختند.

۲. گاهِ رَپیتون: از نیم روز تا سه ساعت از نیم روز گذشته. از روز اورمزد و آبان ماه یعنی آغاز زمستان بزرگ (بیست و پنجم مهرماه تقویم رسمی) تا پایان سال "گلدِرپیتون" وجود ندارد و خواندن این نماز جایز نیست. گاهِ هاون در این روزها از برآمدن آفتاب تا سه ساعت پس از نیم روز می باشد؛ یعنی با کوتاه شدن طول روز، گاهِ هاون جای گزین گاهِ رپیتون می شود. در یکم فروردین، گاهِ رپیتون به جای خود باز می گردد.

۳. گاهِ اُزیرن: سه ساعت از نیم روز گذشته تا رفتن آفتاب. "اوز" به معنی "آن سوی" و "ایرن" به معنی "روز" است و اُزیرن به معنی "پسین یا آن سوی روز" است.

۴. گاهِ ائیوسِروثرم: از آغاز تاریکی شب تا پیش از سپیده دم. در کتاب _بندش_ در توضیح این گاه چنین آمده است: "هنگامی که ستاره موجود در آسمان آشکار شد تا نیمه شب."

۵. گاهِ اُشهین: از سپیده دم تا برآمدن آفتاب. (۱)

واژه "اوشهین" از واژه "اوشاه" به معنای "سپیده دم" گرفته شده است. گاهِ اُشهین به نام روز قبل خوانده می شود.

گروهی از دین دستوران می گویند: در گذشته های دور، بهدینان در هر گاه نماز، یکی از پنج سرود گاهان را می سرودند، اما امروزه در هر گاه نماز "اوستای بایسته" خوانده می شود. نام نیایش های اوستای بایسته چنین است: اشم وُهو، یتا اهو، سروش باج، اوستای گُشتی، اوستای تن درستی، پیمانِ دین، ستایش خدا، صد و یک نام خداوند و برَساد.

آغاز و انجام نماز

جملات آغازین نماز زردشتی چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خشنود گردانم، اهورامزدا! باور دارم دین مزدپرستی را که آورده زرتشت است. پیرو آموزش های اهورایی هستم که از دیو (دروغ) و دوگانه پرستی به دور است....

پس از این زمزمه ها، نماز ویژه هر گاه خوانده می شود که دوبخشی است. در بخش نخست فرشته مربوط به آن گاه، و در

ص: ۲۰۵

بخش دوم همتای دنیایی او ستایش می شود. (۱)

در پایان نماز نیز به هنگام خواندن "برساد" لازم است تا نام روز، ماه و گاه به جای آوردن نماز را بگویند. بنابراین، نماز گزار باید نام روز و ماه را دانسته تا در پایان نماز، برساد را به نام گاه مورد نظر بخواند. (۲)

طهارت آیینی

به جشن گاه باید تن پاک وارد شد. "پاک بودن" به چه معناست؟ دین می گوید: هر بهدین باید از "هدر" و "نسا" پرهیز کند. به ناخن و خون و چرک و مانند این ها در دین "هدر" گفته می شود. به تن مرده در دین "نسا" گفته می شود. هر کس با نسا یا هدر آلوده شده باشد، باید به آیین شست و شوی کند. "برشونوم" گونه ای شست و شوی آیینی است که برشونوم شونده چهل روز پس از برگزاری برشونوم، باید جدا از دیگران زندگی کرده، در خورد و خوراک خویش پرهیزهای دینی را رعایت کند. آیین های برشونوم هنوز هم برگزار می شود و یکی از روش های کهن آیینی برای پاکیزگی است. (۳) هم چنین شخص زرتشتی در

ص: ۲۰۶

۱- منوچهر پور، منوچهر، بدانیم و سربلند باشیم، ص ۱۲.

۲- خورشیدیان، اردشیر، پاسخ به پرسش های دینی زرتشتیان، ص

۳- مرادیان، بهمن، سدره پوشی، فصل ۵، ص ۲۹.

هنگام نماز باید سرش را با کلاه یا روسری بپوشاند.

سدره و کشتی

"سدره" پیراهن سفیدی است از جنس پنبه، گشاد با آستین کوتاه و بدون یقه که کیسه کوچکی جلو یقه آن دوخته شده است. سدره باید زیر پیراهن و چسبیده به تن پوشیده شود. (۱)

"کشتی"، کمر بند سفید و پشمین است که نخستین بار موبد آن را به کمر هر زرتشتی می بندد. در کتاب های زردشتیان آمده است:

ما زرتشتیان کشتی را به نشانه صلح خواهی به کمر خود می بندیم. کشتی از هفتاد و دو نخ بافته شده است، که نشانه هفتاد و دو بخش یسناست. (۲)

دعای بستن کمر بند مقدس

بستن کمر بند مقدس، نخستین قسمت نماز است. این عمل با خواندن اوستای ویژه ای به نام "اوستای کشتی" همراه است. مقدمه اوستای کشتی به فارسی زرتشتی است. در آغاز اوستای کشتی نماز گزار زردشتی خواهان کام یابی دین زرتشتی می شود.

ص: ۲۰۷

۱- همان، فصل ۳، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۲۵.

سپس قطعه کوتاهی از "اورمزد یشت" را می خوانند و با خدای خود پیمان می بندد که تا توان دارد برای هم آهنگی با اشه کوشش کند و برای خشنودی اهورامزدا به کار و سازندگی و داد و دهش پردازد، تا جهان نو نگاه داشته شود. سپس به سرودن دو دعای "اشم وُهو" و "یثا اهو" می پردازد. در دین، اشم و هو و یثا اهو را با هم "فرامون یشت" می نامند. زردشتیان در نماز روزانه بارها فرامون یشت را تکرار می کنند. گزارش فرامون یشت چنین است: "اشه، سر و سامان جهان و آیین آفرینش است. از روی اشه است که ما به هستی خداوند پی می بریم." پس از نو کردن کشتی، سرود مَزَدَیسنو آهمی را می خوانند که بخش اصلی پیمان دین زرتشتی است. در پایان اوستای کشتی، قطعه "همازور" را می سرایند. (۱)

بخشی از اعتقادنامه زردشتی یا "فَرَوَرانه" که در نمازها خوانده می شود، با این عبارات شروع می شود:

"می ستایم دین نیک مَزَدیسنی را که با جنگ و خون ریزی دشمن است و جنگ افزار را از ما دور می کند و مردمان را به یکدیگر پیوند می دهد و پاک است. (۲) هم چنین یکی دیگر از

ص: ۲۰۸

۱- همان، فصل ۵، ص ۷۵.

۲- همان، فصل ۲، ص ۵۲.

سرودها (یا دعاها)یی که هر زرتشتی در نماز روزانه می خواند، دعای "تن درستی" نام دارد. در این سرود از اهورامزدا چنین خواسته می شود: "در پناه یزدان باشیم، تا دیرزمان به شادی زیست نماییم." (۱)

ترتیب نماز

پس از سرودنِ اشم و هو و یثا اهو، اوستا_ خواندن را باید با دعای "سروش باج" آغاز کنیم. پیش از آغاز اوستای کشتی، کشتی را از کمر خود باز می کنیم. میان کشتی را روی انگشتِ بزرگِ دستِ چپ قرار می دهیم و دو گره کشتی را در دو سوی انگشتِ بزرگِ دستِ راست جای می دهیم. موقع خواندن اوستای کشتی، به "شکست اهریمن باد" که رسیدیم، سه بار کشتی را با دستِ راست به سوی دستِ چپ تکان می دهیم. هنگامی که به "هیتیاورشتام" رسیدیم، بستنِ کشتی به دور کمر را آغاز می کنیم. کشتی سه بار به دور کمر می گردد. چهار گره باید به کشتی بنیم؛ دو گره در پیش و دو گره در پشتِ سر. نخستین گره کشتی، زمانِ گفتنِ "شیوه تنه نام" از نخستین "یثا اهو" با دستِ راست زده می شود. سومین گره باید در پشتِ سر زده شود. این گره هنگام خواندن "اشم و هو" در "اوستاستی" و با دستِ

ص: ۲۰۹

راست زده می شود. چهارمین گره در "اوشتاآهمائی" و با دستِ چپ زده می شود... سه بار چرخش کشتی به دور کمر نمادِ هومت (پندار نیک)، هومت (گفتار نیک) و هورِشت (کردار نیک) است که باید ما را در همه زندگانی در بر بگیرند. چهار گره کشتی نشانه چهار گهران است، زیرا پاک نگه داشتن آب و آتش و باد و خاک از دستورهایی دین زرتشتی است. در نخستین گره ما [زرتشتیان]، گواهی می دهیم که آفریدگار همه چیز و همه کس اهورامزداست. در دومین گره، ما [زرتشتیان]، گواهی می دهیم که دین زرتشتی را اهورامزدا برای ما فرستاده است....

در سومین گره گواهی می دهیم که "اشوزرتشت" پیغمبر خداست. در چهارمین گره گواهی می دهیم که در جنگ با بدی به کار بستنِ اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک، خویش کاری هر زرتشتی است. (۱)

دعای آمدن منجی موعود در نماز

در دین زردشتی آمده است:

زمانی که جهان را بدی آشفته سازد، نه آموزگاری باشد و نه راهبری و نه سروری برای بی سروران، و همه از یزدان و فرمان های او بی خبر باشند و جهان بر کام دیو فریب کار و دیو آز

ص: ۲۱۰

باشد، سرانجام دادار اورمزد فیروزگر، بر مردمان بخشایش آرد و کسی را فرستد که گره گشای همه بندهای جهان گردد.

پیروان دین زرتشت هم چنین می گویند: ما در نماز روزانه به فروهر فرستاده یزدان، که جهان را تازه به تازه می گرداند، درود می فرستیم. ما، زرتشتیان، همه جان باختگان راه آزادی و سربلندی ایران و جان باختگان برای دفاع از حقیقت و دفاع از عدالت را همراه و همکار کیخسرو پادشاه [=همکار سوشیانت] می دانیم و در نماز روزانه به فروهر آنان درود می فرستیم. (۱)

پیمان دین (کلمه شهادت)

هر زرتشتی در انجمن "وَه مازدیسنان" و به راهنمایی موبد، این سخنان را که به "پیمان دین" یا "کلمه شهادت" معروف است، بر زبان می آورد و آن گاه به گروه "بسته کشتیان" و نیکان و وَهانِ هفت کشور زمین می پیوندد:

بر زبان می آورم و استوارم به دین مزدیسنی که آورده زرتشت است، جدا از دروغ پرستی است. دین اهورایی است. من مزداپرست هستم، با ستایش ها و باورها، برمی گریم که مزداپرست زرتشتی باشم. اندیشه نیک را می ستایم. گفتار نیک را می ستایم. کردار نیک را می ستایم. دین بهی

ص: ۲۱۱

مزدپرستی را می ستایم، که یوغ بردگی را برمی اندازد و جنگ افزار را فرو می نهد. که آزادگی بخش و راستین است، که از دین هایی که هستند و خواهند بود، با ارزش ترین و بهترین و زیباترین است، که خدایی است و زرتشتی. خدای دانا را سزاوار همه خوبی ها می دانم. این است ستایش دین مزدپرستی. راست ترین دانش خداداده دین پاک و نیک مزدیسنی است. همه گونه ستایش و نیایش و پرستش سزاوار اورمزد رایومند خُره مند است. همه گونه ستایش و نیایش و پرستش بر همه امشاسپندان باد، که خود نیز بخشی از هستی یکتا و بی کرانه اورمزد هستند. شاه شاهان شاهورهرام ایزد، که نابودکننده دروغ و درفش دار نبرد با بدی است؛ ما را یاری دهد. (۱)

نماز در آتشکده

در گذشته آتشکده ها مجتمعی دینی، فرهنگی، آموزشی و نظامی بوده و همواره نیایشگاهی نیز داشته است. در این نیایش گاه یا جشن گاه، زرتشتیان برای نیایش همگانی گرد هم می آمده اند. امروزه در سه گونه از نیایش گاه ها آتش همیشه روشن نگاه داری می شود: نخست، آتش "وَرَهْرَام" که ارج بسیاری دارد؛ دوم،

ص: ۲۱۲

آتش "آذران" یا "آذریان" که در همه شهرهای زرتشتی نشین وجود دارد و در آنها جشن های گروهی زرتشتی برپا می شود؛ سوم، آتش "دادگاه" یا "درمهر" که معمولاً در ده ها برپاست. در ایران باستان برترین آتشکده ها عبارت بودند از: آتشکده آذرفرنبغ (از آن موبدان)، آتشکده آذرگشسب (از آن نظامیان) و آتشکده آذر بُرزین مهر (از آن کشاورزان و افزارمندان). (۱)

در آتشکده کانون ویژه ای برای افروختن آتش وجود دارد که جز آتربان یا موبد نگهبان آتش، کسی دیگر حق ورود به آن مکان را ندارد. آتربانان که به طرف آتش می روند، باید "پنام" یعنی دهان بند ببندند تا دم آنان آتش مقدس را نیالاید. در سمت راست آتش گاه اتاقی وسیع و چهارگوش قرار دارد که به قسمت های متعدد و مساوی تقسیم شده است و هر یک را برای کار خاصی در نظر گرفته اند. این اتاق را "یزشن گاه" یعنی مکان تشریفات عبادت می گویند. پیش از ورود به یزشن گاه، دست و روی خود را با آب شسته و قسمتی از اوستا را تلاوت می کنند. سپس کفش ها را از پا بیرون آورده و به اتاق اصلی داخل می شوند و در برابر آتش دان مقدس نماز برده و هدیه و نیازی با مقداری چوب صندل به موبد تقدیم می دارند و در برابر،

ص: ۲۱۳

چمچه ای از خاکستر مقدس از دست او می ستانند. آن خاکستر را به نیت کسب فیض و برکت به صورت و چشم خود می مالند. سپس به سوی آتش به تعظیم خم شده و نماز و دعا می خوانند و در همه حال آن آتش را رمز و نشانه ملکوت الهی می دانند، نه عین ذات ربوبی. آن گاه آهسته رو به قهقرا رفته، به کفش کن می رسند و به خانه خود باز می گردند. گفتنی است، مهم ترین زیارت آتشکده در روز نوروز است.

۱. بخش های مختلف _اوستا_ را معرفی کنید.

۲. "سدره" و "کشتی" را توضیح دهید.

۳. نماز زردشتیان را به طور خلاصه توصیف کنید.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _طلوع و غروب زرتشتی گری_، آر. سی. زرن، ترجمه: تیمور قادری، فکر روز، ۱۳۷۵.

۲. _قانون مدنی زرتشتیان_، رستم شهزادی، مؤسسه فرهنگی- انتشاراتی فروهر، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۳. _زردشت و تعالیم او_، هاشم رضی، فروهر، ۱۳۶۰.

۴. _زردشتیان، باورها و آداب دینی آن ها_، مری بویس، ترجمه: عسکر بهرامی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.

آیین صابئی

آیین "صابئی" از آیین های ایران باستان و آیینی توحیدی است. پیروان این آیین، که خود را پیرو حضرت یحیی بن زکریا می دانند، دو دسته اند: "حزّانیان" و "مندائیان". امروزه، قریب به ۷۲ هزار نفر از آنان در عراق در کنار دجله و فرات و نزدیک به ۲۵ هزار نفرشان در کنار رود کارون در خوزستان ایران زندگی می کنند. برخی از آن ها نیز به استرالیا مهاجرت کرده و در کنار رودخانه های پرآب آن جا ساکن شده اند. اینان برای انجام مراسم دینی شان عبادتگاهی به نام "مندی" یا "مشکنه" دارند که همیشه در کنار آب جاری قرار دارد و از نی و گل ساخته می شود و کسی غیر از "گنجوران"، روحانیون آن ها، حق ورود به آنجا را ندارد. افزون بر این، چندین کتاب مقدس دارند که مهم ترین آن ها _گنزاربا_ یا _گنج عظیم_ است. گفتنی است، صابیان عصر ما خود را پیرو حضرت یحیی علیه السلام می دانند، ولی رهبانیت ندارند.

صابیان اعتقاد دارند که پس از قیام حضرت یحیی علیه السلام، مورد خشم یهودیان اورشلیم قرار گرفته اند و به اجبار از آن شهر مهاجرت کرده و در شهر "حزّان" (۱) مقیم شده اند. پس از مدتی، گروهی از آنان به مناطقی در جنوب عراق و خوزستان ایران کوچ کرده اند. صابیان روزی سه بار در صبح، ظهر و عصر نماز می خوانند و سالی ۳۶ روز امساک می کنند. آنان خدای متعال را "حیی" یعنی "حیات" می نامند و او را خالق نور می شمارند. خالق ظلمت "روحا" نامیده می شود. این دو خالق با یکدیگر نزاع می کنند و پیروزی نهایی از آن نور است.

روحانی صابیان یعنی "گنجور" موظف است صابیان را هر روز یکشنبه "تعمید" بدهد. هنگام تعمید، هر یک از تعمیددهنده و تعمیدشونده باید پنج تکه لباس بر تن داشته باشند. تعمیددهنده عصا و لوازم دیگری همراه دارد و پیش از تعمید شاخه ای از درخت یاس را برمی دارد و مراسمی انجام می دهد و دعاهایی می خواند. برای مناسبت های مختلف و برای کفاره شدن گناهان نیز تعمید مقرر شده است. صابیان به فتوای مقام معظم رهبری از اهل کتاب به شمار می روند. (۲)

ص: ۲۱۷

۱- «حزّان» در جنوب ترکیه و در مرز سوریه است.

۲- فروزنده، صابئین ایران زمین، ص ۸.

نماز صابیان "بِراخه" نامیده می شود. صابیان روزی سه نوبت نماز اصلی و دو وعده نماز فرعی دارند که عبارتند از:

۱. هنگام طلوع خورشید؛

۲. قبل از زوال خورشید از وسط آسمان؛

۳. هنگام غروب آفتاب؛

۴. یک ساعت پس از غروب آفتاب؛

۵. هنگام خواب.

آنان نمازشان را در هر مکانی که مقدور باشد، به طرف ستاره جَدی در شمال، به جای می آورند و برای اقامه نماز مقدماتی مانند وضو (رُشامه) و غسل جنابت لازم است. نماز صابیان دارای قیام و قعود و رکوع است و سجده ندارد. هم چنین دارای هفت قرائت است که نخستین آن، قرائت آیه ای است که محتوای آن توحید خداوند است. شایان ذکر است که صابیان دو نماز دیگر نیز دارند که در شب خوانده می شود و برای این دو نماز، وضو (رُشامه) واجب نیست. (۱)

ص: ۲۱۸

۱. نماز صابیان به چه صورت است؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. آشنایی با ادیان بزرگ جهان، حسین توفیقی، سمت، ۱۳۸۴.

۲. صابئین ایران زمین، مسعود فروزنده و دیگران، کلید، ۱۳۸۱.

ص: ۲۱۹

بخش دوم نماز در ادیان غیر الهی

اشاره

ص: ۲۲۱

حدود ۳۵۰۰ سال پیش، بخشی از اقوام آریایی از راه خوارزم به هند و ایران مهاجرت کردند. این قوم که بعداً "هندو ایرانی" نامیده شدند، در هند آیین "ودایی" و در ایران آیین "زردشت" را پایه ریزی کردند. منظور از آیین ودایی دینی است که از متون مقدس وداها - که امروزه نیز مهم ترین متون دینی هند است، برمی آید. بعداً "آیین هندو" از دل آیین ودایی به وجود آمد. آیین هندو دین و مجموعه واحدی از آموزه ها نیست، بلکه مجموعه ای از مذاهب، آداب و رسوم و آموزه های مرتاضان و متفکران در طول تاریخ چند هزار ساله هند است که بسیاری از آنها ناشناخته اند و به همین دلیل است که کسی نمی تواند برای آیین هندو مبدأ و بنیانگذار خاصی را مشخص کند. این آیین گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان، نقش بزرگی داشته است.

متون مقدس آیین هندو به دو بخش تقسیم می شوند: متون وحیانی و متون غیروحیانی. متون وحیانی شامل: ودای چهارگانه، براهمنه ها، متون جنگلی و اوپانیشادهاست. متون غیروحیانی شامل: متون حماسی، متون تنتری، منوسمرتی، پورانه ها و سوتره هاست.

ودای چهارگانه چنینند:

۱. ریگ ودا (۱) یعنی دانش ستایش خدایان؛

۲. یجورودا (۲) یعنی دانش انجام قربانی؛

۳. سام ودا (۳) یعنی دانش درست کردن شراب سوما؛

۴. آتھرو ودا (۴) یعنی ودای آتھروان (نام نویسنده این ودا).

عبارت های ودای چهارگانه وحیانی شمرده می شوند "منتره (۵)" (کلام مقدس) می خوانند. منتره ها سرودهایی در ستایش خدایان گوناگون اقوام هندو ایرانی هستند. منتره ها اشعار و جملاتی بودند که برهمنان و رشی ها (حکیمان هند باستان) در حالت

ص: ۲۲۳

۱- Rig-veda .

۲- Yajur-veda .

۳- Sāma-veda .

۴- Atharva-veda .

۵- Mantaras .

خلسه و مانند آن در ستایش ایزدان بر زبان جاری کرده و شاگردان آن‌ها را به عنوان کلام مقدس حفظ می‌کردند؛ شبیه آنچه از مولوی نقل می‌کنند که به حالت سماع می‌رفته و هنگامی که از خود بی‌خود می‌شده، اشعاری را می‌سروده است. در زمان‌های بعد برهمنان (یعنی روحانیون) شرح و تفسیرهایی بر ودا‌ها نوشتند به نام براهمنه‌ها که مناسبت‌های آن اورداد را تعیین می‌کند. پژوهش‌گران به همین مناسبت سال‌های ۸۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد را "دوره برهمنی" می‌نامند. بعدها تفاسیری عرفانی در دو مرحله بر ودا‌ها و براهمنه‌ها نوشته شد که اولی متون جنگلی و دومی اوپانیشادها بودند.

از میان متون غیروحنانی، کتاب‌های مهابهاراته و رامایانه با محتوای تاریخ اسطوره‌ای هند باستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. کتاب بسیار معروف و جذاب بهگود گیتا (۱) یعنی "سرود خدای مجید"، در اصل بخشی از مهابهاراته است. علت اهمیت بهگود گیتا در این است که در قالب داستانی شیرین، گفت‌وگوی شاهزاده‌ای به نام "ارجونه" و ارباب رانش به نام "کریشنا" را آورده که بعداً مشخص می‌شود کریشنا تجلی "ویشنو" خدای بزرگ هندوان است. کریشنا در ضمن راهنمایی‌های خود، سه

ص: ۲۲۴

راه رسیدن به حقیقت (خدا) را به ارجونه می آموزد: راه معرفت، راه ریاضت (یا عمل) و راه اخلاص (یا محبت). سپس کریشنا تأکید می کند که راه اخلاص یا محبت نزدیک ترین راه به خداست. در این راه نیاز نیست خیلی به شریعت پای بند بود و فقط کافی است با خواندن اشعار عرفانی به راز و نیاز عاشقانه با معبود پرداخت.

اوپانیشادها

هر اندازه که _ودا_ها بر انجام قربانی و شعائر ظاهری تأکید داشتند، _اوپانیشاد_ها بر مهار نفس و قربانی کردن هواها و مانند آن تأکید ورزیده و مطالب _ودا_ها را تأویل می کردند و از این رو، در صدد اصلاح دین ودایی بودند. اهمیت _اوپانیشاد_ها از آن جهت نیز مهم است که نوعی توحید محض در آنها مطرح است. این کتاب را برای نخستین بار "داراشکوه" فرزند شاه جهان، پادشاه مسلمان هندوستان، به انگیزه نشان دادن نقاط مشترک عرفان اسلامی و هندویی در ۱۰۶۷ هجری قمری به زبان فارسی ترجمه کرد و آن را "سیر اکبر" نامید. نخستین آشنایی غربیان با _اوپانیشاد_ نیز از طریق همین ترجمه بود. _اوپانیشاد_ها می گویند راه نجات در این است که از طریق معرفت شهودی به این حقیقت بررسی که "آتمن" یا روح تو با "برهمن" یعنی خدا

یکی است. هم چنین نظریه "تناسخ" نیز نخستین بار در _اوپانیشاد_ها مطرح می شود.

اعتقادات اصلی

اصول دین هندو عبارت از اعتقاد به متون وحیانی و رعایت نظام طبقاتی است. امروزه اعتقاد به خدایان سه گانه، تناسخ، قانون کرمه و برخی مفاهیم دیگر، از اصول آیین هندو به شمار می روند. البته اصول نانوشته دیگری نیز وجود دارند که هندوان آنها را رعایت می کنند؛ برای مثال، "گاو" را مقدس ترین حیوان می دانند و مجسمه آن را در منازل، معابد و میادین شهرها نصب می کنند. بعضی از دانشمندان معتقدند، علت تقدس گاو در میان هندوان و سگ و آتش در میان زردشتیان ایران باستان این بود که وجود این سه عامل جهت نجات زندگی شخص هندو ایرانی باستان در عصری که از آن به "زمستان بزرگ" یاد می شود، ضرورت داشت و مساوی با ادامه زندگی او بود. پس به مرور زمان حالت تقدس به خود گرفتند. احترام به گاو و سایر حیوانات نیز گسترش یافته و به اصلی به نام "اهیمسا" یا اصل "عدم آزار جانوران" معروف شده است. البته در مناطقی از هندوستان که همه مردم غیرهندو هستند، گاو ذبح می شود و در مناطقی که اقلیتی از هندوان زندگی می کنند، سعی می شود که ذبح و عرضه گوشت گاو علنی نباشد.

ص: ۲۲۶

هندوها از میان هزاران خدای خود، سه خدا را اصلی می دانند که آن را "تثلیث هندویی" می گویند:

۱. برهما، خدای آفریننده؛

۲. ویشنو، خدای محافظ؛

۳. شیوه، خدای نابودگر.

شیوه پرستان، آلت شیوه را که نماد زاینده‌گی و برکت است، می پرستند و آن نرینه را "لینگا" (۱) می نامند. مجسمه های لینگا و معابد آن فراوان است. آلت پرستان به مجسمه های یادشده تبرک می جویند و شرم و حیایی که انسان ها در این مورد از زمان های دور داشته اند، نزد آنان نیست. به نقل ویل دورانت، گاندی از اینکه مسیونرهای غربی از زشتی عورت پرستی با هندوان سخن گفته اند، گله مند بوده است. (۲)

قانون کرمه و تناسخ

"کرمه" به معنای "کردار" است و قانون کرمه می گویند: هر عملی نتیجه خاص خود را دارد و آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره های بازگشت مجدد خود به این جهان خواهد دید. کسانی

ص: ۲۲۷

۱- Linga.

۲- تاریخ تمدن، ص ۵۹۱.

که کار نیک انجام داده اند در مرحله بعد، زندگی مرفه و خوشی را در طبقه اجتماعی بالاتری خواهند داشت و آنان که کار بد می کنند در زندگی بعدی، با بدبختی دست به گریبان خواهند شد و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند. "تناسخ" در زبان سنسکریت "سَمساره" به معنای "سیر و سفر" یا "سرگردانی و آوارگی و گیجی" است. طبق دو اصل "سَمساره" و "کرمه"، همین آثار کرمه ای سبب می شود تا انسان پس از سپری کردن دوره ای در فضایی بهشت گون یا جهنمی، به بازگشت مکرر به این دنیا مجبور گردد، و نیز سبب می شود تا در هر زندگی، متناسب با نوع و میزان کرمه ای که در روح دارد، زندگی متفاوت داشته باشد. بنابراین، هر زندگی در عین حال که خود ثمره زندگانی های پیشین است، تعیین کننده نوع و کیفیت زندگانی های بعدی نیز خواهد بود. هندوان معتقدند، تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر از رنج و بلا، رسیدن به "موکشه" یعنی "رهایی" است که از سه طریق معرفت، ریاضت و بهکتی به دست می آید.

طبقات اجتماعی

اساس آیین هندو رعایت نظام طبقات اجتماعی است. هر کس در این آیین در طبقه ای به دنیا می آید که سرنوشت محتوم

اوست. وظیفه دینی او این است که تا پایان عمر به وظایف آن طبقه پای بند باشد تا در زندگی بعدی اش (بر اساس باور به تناسخ)، در طبقه بالاتری به دنیا بیاید و این تنها راه نجات است. مدت ۲۵۰۰ سال است که مردم هند از این نظام شدید طبقاتی رنج می برند. این نظام طبقاتی را پژوهش گران غربی کاشت(۱) می نامند که واژه ای پرتغالی و به معنای "نژاد" است. در این نظام چهار کاشت اصلی وجود دارد:

۱. برهمنان: طبقه روحانیون؛

۲. کشتیه ها(۲): طبقه شاهان، شاهزادگان و جنگاوران؛

۳. ویشیه ها(۳): طبقه بازرگانان؛

۴. شودره ها(۴): طبقه کارگران.

معاشرت افراد طبقه ای با طبقات دیگر شرعاً و عرفاً ممنوع بود؛ به خصوص طبقه اخیر که هر گونه تماس، حتی نگاه کردن افراد طبقه بالا به این گروه، گناه کبیره شمرده می شد.

فروتر از این چهار طبقه، بومیان غیرآریایی هندوستان بودند که "دالیت" یا "نجس ها" نامیده می شدند. افراد این طبقه به

ص: ۲۲۹

۱- Cast.

۲- Kshatria.

۳- Vaiśya .

۴- Śūdra .

هیچ وجه حق نداشتند در محله های آن طبقات چهارگانه تردد کنند و هر گاه از باب ضرورت برای حمل زیاله و مانند آن به اماکن آنها می رفتند، موظف بودند با صدای بلند حضور خود را اعلام کنند که مبادا نگاه افراد طبقات بالا به این گروه بیفتد. شگفت آنکه افراد طبقات پایین جامعه هند، این نظام را حقیقی می پندارند و در کل عمر خود، ظلم طبقات بالاتر را تحمل می کنند، به امید آنکه در زندگی بعدی در خانواده ای ثروتمند از طبقات بالاتر به دنیا بیایند!

ثنویت هستی شناختی

برخی از حکیمان هندو می گویند: همه خدایان بی شمار آن دین، مظاهر خدای واحد بزرگند و تمام موجودات، بخش هایی از کالبد عظیم الوهیت به شمار می روند. از دیدگاه آنان، این جهان و همه اجزای آن در حقیقت خیالی بیش نیست. این خیال را "مایا" یعنی "فریب و وهم" می نامند. البته همه عارفان هند چنین عقیده ای ندارند. "شانکاره" این دنیا و همه اجزای آن را خیال می دانست و مکتب او "غیر ثنوی" نام گرفت؛ یعنی میان دنیا و حقیقت هیچ دویی نیست و دنیایی در کار نیست و هر چه هست فقط حقیقتی است که در پس این جلوه وهمی دنیا قرار دارد. عارف بزرگ دیگری پس از شانکاره به نام "رامانوجا"، این

عقیده او را تعدیل کرد و برای این جهان نیز حصه ای از حقیقت قائل شد و گفت که فقط هنگام مکاشفه است که حقیقت دنیا که وهم است، بر عارف منکشف می شود. عقیده او را "ثنویت مشروط" نامیدند. عارف دیگری به نام "مدهوه" این عقیده را کاملاً رد کرد و برای هر دو عالم؛ حقیقت یکسانی قائل شدغ پس نظریه او را "ثنویت مطلق" نامیدند. به عقیده آنان تمام این صورت های وهمی، سرانجام نابود می شوند و تنها "برهما" که ثابت و پایدار است، باقی می ماند.

یوگا و عبادت

"یوگا" یکی از شش مکتب فلسفی هند است. یوگا می گوید برای دست یابی به حقیقت یا اتحاد با خدا، باید روان و کالبد را به اختیار و فرمان خود درآورده و در نتیجه نیروی موجود در بدن را برانگیزی. از این رو، یوگا دو ساحت دارد: تن و روان. یوگای تن یا "هاتهایوگا"، حرکات نرمشی و ورزشی ویژه ای را به شما می آموزد که می توانید تن خود را مهار کنید. امروزه در همه کشورهای جهان کلاس های یوگا وجود دارد که همین نرمش ها را به مردم می آموزند. بخش دوم یوگا، که در مهار روان است، خود دو قسم است: "راجا یوگا" (یوگای روان) و "کندالینی یوگا". کاندالینی یوگا می گوید که کانونی از انرژی در آخرین

مه‌ره ستون فقرات انسان وجود دارد که با نشستن به حالت مدی تیشن و تمرکز بر مراکز خاصی به نام "چاکراها" می توان آن انرژی را به فعلیت درآورد. هنگامی که آن انرژی از ستون مه‌ره ها گذشت و به ناحیه سر رسید، باعث می شود تا چشم سوم انسان باز شود. با باز شدن چشم سوم، حقیقت جهان را خواهی شناخت و همین معرفت است که تو را به موکشه و رهایی از چرخه تناسخ می رساند.

یوگا کار سال ها با تمرین نشستن آرام و پیوسته به شکل چهارزانو و تأمل در موضوعاتی که در دانش یوگا مطرح است به نتایجی می رسد. یوگا برای بسیاری از هندوها حکم نماز روزانه را دارد. یوگا و مدی تیشن در نشستن آرام و تأمل بر موضوعاتی مانند تنفس، با یکدیگر اشتراک دارند. پس یوگا را نیز مانند مدی تیشن می توان "نماز صامت" نامید. راجا یوگا نیز همانند کندالینی یوگا از طریق پرورش برخی وجوه تفکر قصد ورود به عالم معنا را دارد و معمولاً بر تنظیم تنفس تاکید می ورزد.

بنیانگذار رسمی و مشخص مکتب یوگا، شخصی به نام "پتنجلی" (قرن دوم قبل از میلاد) است. بر اساس نظریه نجات یوگا، معرفت متمایزکننده، یعنی معرفت به تمایز خود حقیقی از غیر خود، تنها با خاموشی اندیشه و فرونشستن جنبش افکار، محقق خواهد شد. یوگا برخلاف مکتب سانکھی، نقش خدا را در

نظام جهان شناختی خود ضروری می‌انگارد. یوگا می‌کوشد تا ذهن یوگاکار را از وضعیتی ناآرام و مغلّ درک حقیقت، به وضعیتی مناسب برای درک حقیقتِ نجات بخش متحول کرده و در آن وضعیت تثبیت کند.

بدیهی است که هر گونه ریاضت بدنی و فکری، آثار وضعی مربوط به خود را دارد که ارتباطی به مؤمن بودن و یا مشرک بودن فرد مرتاض ندارد. تفاوت کسی که ریاضت‌های شرعی (عبادات مستحبه و مانند آن) را متحمل می‌شود و به درجاتی از معنویت می‌رسد، با کسی که ریاضت‌های غیرشرعی و گناه‌مزوج با گناه دارد، در این است که شخص مؤمن به دنبال کسب توحید برای زندگی جاودانه آخرت است، اما مرتاض هندی، بیش از این که به مقامات معنوی و توحید بیندیشد، به مهار انرژی‌های درونی جهت انجام کارهای محیرالعقول علاقه دارد.

عبادت در آیین هندو

عبادت هندویی (پوجا) بر سه نوع است: عبادت معبدی، عبادت خانگی و عبادت دسته‌جمعی.

۱. عبادت معبدی

در معابد هندوان معمولاً بتِ یکی از خدایان یا اوتاره (یعنی

ص: ۲۳۳

تجسد)های آنان قرار دارد. گاهی نیز لینگام شیوه یا مجسمه گاو یا حیوان دیگری قرار دارد. گاهی نیز فقط تکه سنگی در وسط معبد وجود دارد که افسانه ای محلی آن را مقدس ساخته است. معبد ممکن است معبد همسر خدایان باشد. ویشنو و اوتاره های او و بیشتر از همه رامنا و کریشنا معبد دارند. راهبان معبد که "پوجاری" نامیده می شوند، در خدمت خدای معبد به سر می برند و با خدای معبد مانند پادشاه گران قدر رفتار می کنند. آنان در ساعات معینی از روز برنامه عبادی و شرف یابی انجام می دهند که شروع آن پیش از سحرگاهان است؛ خدا را بیدار می کنند، شست و شو می دهند، به صورت نمادین به آن غذا می دهند، روغن مالی اش می کنند، تزئینش می نمایند و سپس به زائران بارعام داده می شود. سرانجام نیز برای خواب شبانگاه به بستر برده می شود. این برنامه با مراسم گوناگونی مانند: آرنی (به جنبش درآوردن قندیل ها)، به صدا درآوردن زنگ ها، اجرای موسیقی، سرودخوانی، نیایش ها، اهدای گل، میوه، غلات و غذا به تندیس، سوزاندن بخور و دیگر گونه های عبادات و توسلات همراه است. در روزهای برپایی جشنواره مربوط به هر خدا، اغلب مراسم و برنامه های گروهی تماشایی اجرا می شود که مردم از دور و نزدیک جمع می شوند. رفتن به معبد برای هیچ هندویی الزامی نیست، ولی آنها به طور سنتی، رفتن به معبد را ترک نمی کنند و

عبادت آنها در معبد به صورت فردی است. هندوان بدان امید به معبد می روند که درشنه ای (دیدار یا کشفی) از طرف خدا بر آنان ارزانی شود، یا برای این که به درگاه خدای خود هدیه ای را پیشکش کنند و از او درخواستی نمایند و یا نذر و نیازی کرده و عهدی ببندند. (۱)

۲. عبادت خانگی

عبادت خانگی در بیشتر خانه ها اجرا می شود، ولی به ندرت طول و تفصیل برنامه روزمره در معابد را دارد. در بیشتر خانه ها فضایی را به عبادت اختصاص داده و طهارت آیینی اش را نگاه می دارند. در آنجا "ایشته دئوه" یعنی خدای منتخب اهل خانه، در قالب بت و به همراه برخی نمادهای مربوط به آن وجود دارد. معمولاً بانوی خانه است که به خدا رسیدگی و آیین های گوناگون را اجرا می کند. این آیین ها می تواند شامل: آرتی، پیشکش گزاری، نیایش و توسل باشد. گاهی تصاویر هندسی ویژه ای به نام "یتره" و "مندله" را همچون نمادهایی برای عبادت به کار می برند. این تصاویر را به وسیله پودرهای رنگی در سطح زمین رسم می کنند و اعتقاد دارند که نوعی خوش آمدگویی به خدایان

ص: ۲۳۵

است. (۱) عبادت خانگی برای هندوان حکم نماز روزانه را دارد، زیرا هر روز باید به خدا رسیدگی و احترام کرده و او را با خواندن اوراد مقدس ستایش کنند.

۳. عبادت دسته جمعی

در عبادت دسته جمعی سرودهای مذهبی خوانده می شود. کسانی که به قصد عبادت به روش ترنم سرودهای مذهبی گرد هم می آیند، معمولاً به گروه خاصی ملحق می شوند. موسیقی شدید و فضای پرحرارت و آوازهای شورانگیز سبب می شود که برخی از شرکت کنندگان به حالت خلسه بروند. در این گردهم آیی ها گاهی نیز مراسم آرتی و توزیع "پرساده" یعنی غذای متبرک صورت می گیرد. گروه هایی که به این طریق گرد هم می آیند تا با سرودخوانی به عبادت پردازند، در سرتاسر هند و در بیشتر سطوح اجتماعی یافت می شوند.

نوع دیگر از عبادت جمعی، "نقالی" است که در آن بخشی از متون مقدس آیین هندو خوانده می شود. چنین مراسم نقالی برای بانی اش فضیلتی بزرگ در بر دارد. اجرای آن را بر عهده برهمن می گذارند و جمعی را نیز برای حضور در مراسم دعوت می کنند. معمولاً هر متنی در قالب خاصی به دقت بیان می کند

ص: ۲۳۶

که چه برکاتی را عاید کسانی که گوش به آن می سپارند و آنان که بانی این مراسم می شوند، می گرداند.

عمل دینی دیگری که فضیلت بسیاری در آیین هندو دارد "زیارت" است. در سرتاسر هند روزانه سفرهای زیارتی در هر سطح و در هر منطقه ای صورت می گیرد. برای بسیاری از زیارت گاه ها خواص مخصوصی در طول زمان تعریف کرده اند؛ مثلاً برخی از زیارت گاه های منطقه ای هستند که به داد نابینایان و بی فرزندان یا کسانی که عارضه پوستی دارند، می رسند. شهرهای "بنارس" و "کیا" به ویژه برای طلب رستگاری بخشایش گناه و هدیه دادن به نیاکان مورد توجه هستند. اهداف زیارت عبارتند از: بخشایش گناهان، عبادت یا شهود خداوند، خشنودی نیاکان، رضایت خدایان خشمگین، رهایی از بیماری یا بدبختی و تقدیر شوم، تأمین خوشبختی و برکت. (۱)

نماز در آیین هندو

به غیر از شست و شو دادن بت های خانگی با آب و شیر و روشن کردن چراغ و سوزاندن بخور برای آنان، هندوها نماز یا عبادات روزانه ای نیز دارند که یکی از بخش های اساسی آیین آنان است. زمزمه کردن "منتره" ها، به ویژه از روی متون ودایی، رایج ترین

ص: ۲۳۷

شکل عبادت در میان هندوان است. یوگا و مدی تیشن نیز شکلی از عبادت روزانه تلقی می شود. هندوها ذکر "اوم" را تکرار می کنند که به منزله اسم اعظم الهی است. متون ودایی مخزن نمازهای هندوان، یعنی منتره ها و سرودهای معنوی است. جنبش های بهکتی بر تکرار نمازها تأکید دارند.

گفتنی است، برهمن شکل غیرشخصی خداست و سه خدای برتر هندوها از برهمن ساطع شده اند و اکثر عبادات و نمازهای هندوها بر تثلیث هندویی و اوتاره های ویشنو متمرکزند.

منتره های روزانه

هنگامی که هندو در معبد است و یا در عبادتگاه خانگی خود نماز می خواند، در واقع در حالی که در برابر بت ها سجده کرده و دست ها را در برابر سینه به هم جفت می کند، منتره های مختلف را می خواند و تکرار می کند. پس محتوای نماز هندوان چیزی به غیر از منتره ها نیست.

"شانتی منتره" ها یا منتره های آرامش، دعاهایی برای آرامش (شانتی) درون هستند که از متون ودایی گرفته شده اند. عموماً این ها را در آغاز و پایان مناسک و عبادات دینی و سخنرانی های مذهبی می خوانند. شانتی منتره ها در ابتدای برخی از عناوین _اوپانیشاد_ به عنوان "دعا" آمده اند. عقیده بر آن است که این ها

ذهن قرائت کننده و محیط اطراف او را آرام می کنند. هم چنین گفته می شود قرائت این ها هر گونه مانع را در ابتدای انجام وظیفه از پیش رو برمی دارد.

شانته منتره ها همیشه با سه بار تکرار عبارت "شانته" یعنی "آرامش" به پایان می رسد. علت سه بار تکرار این عبارت این است که می خواهند موانع را در سه بُعد از پیش رو بردارند: در بعد مادی (۱)، ملکوتی (۲) و انفسی (۳). طبق متون مقدس هندوی منبع موانع و مشکلات بشر، در این سه قلمرو هستند. قلمرو ماده می تواند منبعی برای موانع یا مشکلاتی باشند که از دنیای خارج می آیند؛ مانند آنچه از جانوران وحشی، مردم، حوادث طبیعی و مانند آن پدید می آیند. قلمرو ملکوتی می تواند منبع مشکلات و موانعی باشد که از جهان فوق حسی خارج حادث می شوند؛ مانند ارواح، اشباح، خدایان، نیمه خدایان (فرشتگان) و مانند آن ها. قلمرو انفسی منبع مشکلات و موانعی است که از کالبد و جان خود شخص بیرون می تراوند؛ مانند درد، بیماری ها، کسالت، حواس پرتی و مانند آن. این ها را تاپا- تریا (۴) یا سه طبقه مشکلات

ص: ۲۳۹

۱- Adhi-Bhautika .

۲- Adhi-Daivika .

۳- Adhyaatmika .

۴- Tapa-Traya .

می نامند. هندوها معتقدند، هنگامی که منتره های شانتی را می خوانند، به عبارت دیگر نمازی که می خوانند، باعث می شود همه موانع از این سه قلمرو پاک گردند. یک نمونه از شانتی منتره چنین است:

اوم، پورنامادا، پورنامیدام پورنات پورناموداچیات/ پورناسیا پورنامادایا پورنامیواوشیشیاته/ اوم، شانتی، شانتی، شانتی؛ (یعنی: اوم! آن (خداوند "برهمن") بی کران است، و این (هستی)، بی کران است. این بی کران از آن بی کران پیدا شده است. (سپس) با گرفتن بی کرانی هستی بی کران، فقط خداست که تنها بی کران باقی می ماند. اوم! آرام، آرام، آرام.

نمونه دیگری از شانتی منتره از تای تیریه _اوپانیشاد_:

اوم! باشد که میترا مرا خوشبخت کند. باشد که ورونه مرا خوشبخت کند. باشد که اریامن مرا خوشبخت کند. باشد که ایندرا و بریهاسپتی مرا خوشبخت کنند. باشد که ویشنو، دارنده گام های بلند، مرا خوشبخت کند. درود بر برهمن (= خدا). درود بر تو ای وایو. تو به راستی، برهمن بی درنگی. من تو را به تنهایی برهمن بی واسطه خواهم خواند. من تو را درستکاری خواهم خواند. من تو را حقیقت خواهم خواند. باشد که (برهمن/خداوند) مرا حفظ کند. باشد که (خداوند/برهمن) خواننده این نماز را حفظ کند. باشد که "او" مرا حفظ کند. باشد

که قرائت کننده این نماز را حفظ کند. اوم! آرامش، آرامش، آرامش.

گیاتری منتره

به غیر از شانتی منتره ها، منتره های دیگری نیز وجود دارند که از اهمیت بسیاری برخوردارند. یکی از مهم ترین آنها "گیاتری منتره (۱)" است که هندوان هر روز آن را به عنوان نماز روزانه می خوانند. پیش تر زنان حق نداشتند این منتره را بخوانند. هنگامی که این دعا را می خوانند، بر معنای آن تمرکز می کنند و صدای آن را جذب درون خویش می سازند تا از معنای روحانی آن سرشار شوند؛ به همین خاطر در هر نیایشی خوانده می شود. گیاتری منتره نخستین بار در ریگ ودا آمده است؛ (۲) از این رو قدمت و اهمیت بسیاری دارد. ترجمه این دعا چنین است:

اوم، بر حقیقت مطلق و مستوای آن، بر آن نیکوترین نور معنوی، تفکر می کنیم، که برطرف کننده موانع است. باشد که ما را به الهام و اشراق رساند! (۳)

ص: ۲۴۱

۱- Gayatri mantra

۲- ۱۰, ۶۲, iii.

۳- Vivekananda, Swami , The Complete Works of Swami Vivekananda , Advaita - Ashram. P. ۲۱۱

نمونه دیگری از منتره های رایج نیز چنین است:

خدایا! ما را از ناراستی به سوی راستی، از ظلمت به سوی نور، از مرگ به جاودانگی هدایت فرما. همه را خوشبخت کن! همه را از مریضی دور کن! بگذار همه حقیقت را ببینند و هیچ کس رنج نبیند.

این دعا، واژه "ساویتر" را برای خدا به کار برده که به معنای "خورشید" است. در سنت برهمنی مخاطب این دعا خدایی است که بخشنده زندگی است، اما سمبل آن ساویتر یا خورشید است؛ از این رو، این دعا هر روز هنگام طلوع و غروب خورشید و به سوی خورشید خوانده می شود و جزو نمازهای روزانه است. برهمنان می گویند: خواندن این دعا بر خرد و نورانیت باطن می افزاید. (۱)(۲)

سahasranama

سahasranama (۳) به معنای "هزار نام"، نام متونی است که دربردارنده هزار نام از خداوند و ستایش آن هزار نام است. قرائت

ص: ۲۴۲

۱- Radhakrishnan, Sarvepalli, Religion and Society , P ۱۳۵

۲- Panikkar, Raimundo, The Vedic Experience: Mantramañjarī. Motilal Banarsidass - ۲
Publ , P ۴۲

۳- Sahasranama

و مطالعه این ها اغلب بخشی از پرستش روزانه هندوان را هم در معبد و هم در خانه تشکیل می دهد. معروف ترین _سahasranamaها_ عبارتند از: _سahasranamای_ _ویشنو_ که در _مهابهاراته_ آمده است؛ هم چنین _شیوه_ _سahasranama که خود هشت نوع مختلف دارد؛ و نیز "لالیتا سahasranama" که بخشی از _براهمنه پورانه ها_ست؛ و سرانجام گنشه "سahasranama".^(۱)

تقریباً همه هندوها _سahasranamaهای_ _ویشنو و شیوه را می خوانند، اما _للیته سahasranama_ را بیشتر در جنوب هند می خوانند. از میان "نه بیان بهکتی"، یعنی نه گونه مدح و ستایش عاشقانه خداوند، که عبادت نیز شمرده می شود، چهار گونه آن استفاده از _سahasranamaها_ است که عبارتند از:

(الف) شراوانتا: گوش کردن به قرائت نام ها و ستایش های الهی.

(ب) ناما- سنکرتانا: قرائت نام خدا، چه به همراه موسیقی و چه بدون آن.

(ج) اسماراناك: ذکر افعال الهی و یاد دادن افعال الهی.

(د) ارچانا: پرستش خدا با مراسم خاص و تکرار نام خدا.

ص: ۲۴۳

Swami Vimalananda. Sri Vishnu Sahasranama Stotram. With Namavali, - ۱
Introduction, English. Rendering and Index. Fourth Edition. Sri Ramakrishna
.Tapovanam: ۱۹۸.P.۵

یکی دیگر از عبادات هندوان که بسیار شبیه نماز است "لکشارچنا"^(۱) نام دارد. لکشارچنا یعنی "تکرار نام خداوند به تعداد یک صد هزار مرتبه". برای رسیدن به این هدف، گروهی از متدینان (مرتاضان) با یکدیگر می نشینند و به صورت دسته جمعی نام خدای مورد نظر خود را تکرار می کنند. گاهی این مراسم چند روز طول می کشد. گاهی صد بار لکشارچنا تکرار می شود؛ یعنی نام خدا را ده میلیون بار تکرار می کنند. این گونه مراسمات به مکان مناسب، مانند معبد و بانی خاصی نیاز دارد که در طول مدت اجرای آن میزبانی را بر عهده بگیرد. هندوان گاهی برای شمردن اذکار، از تسبیح های هزارتایی استفاده می کنند که در میان دراویش نیز کاربرد دارد.

موضوع نماز در آیین هندو

در کتاب _بهگود گیتا_ آمده است که "یوگا" راه محبت و دلدادگی است. در اینجا "یوگا" به معنای لغوی آن یعنی "عمل" به کار رفته است. کریشنا (تجسد ویشنو) درباره بهکتی یوگا می گوید:

ای ارجونه! ... کسی که به خاطر من خواسته ای را ترک کند، مرا بزرگ انگاشته و مرا پرستیده است. اندیشه چنین کسانی به من

ص: ۲۴۴

متصل خواهد شد. منم که به زودی آنها را از دریای مرگ و تناسخ نجات خواهم داد. فقط به من بیندیش و تمرکز کن! پس اگر چنین کنی، پس از مرگ در من ساکن خواهی شد. (۱)

این عبارات _بهگودگیتا_ هندوان را مجاز می کند تا هر چه به ذهنشان می آید که مورد پسند کریشنا باشد، انجام دهند. سرانجام نیز همین دلدادگی و پرستش عاشقانه به انحراف کشیده شد و به بت پرستی انجامید. عالمان هندویی این عبارت کریشنا را چنین تفسیر می کنند که عبادت روزانه و اندیشیدن به خداوند در هر روزی (معادل نماز روزانه)، چه در معبد باشد و چه در خانه، اهمیتی اساسی در رسیدن به موکشه دارد، زیرا "سکونت" در خدا، که کریشنا به آن اشاره کرده است، کلید رسیدن به روشن شدگی است.

در نماز باید بر خدایان سه گانه یا تجلیات آنها متمرکز شد. برخی دیگر از خدایان معروف هندوان، کریشنا، رامنا، کالی (دورگا و شکتی نیز نامیده می شود) و گنشه (خدایی با سر فیل) هستند. گاهی نیز به "هانومان" ارادت می ورزند که شاه میمون هاست و به رامنا کمک کرد تا زنش سیئا را که موجودات شرور دزدیده بودند، پیدا کند. هانومان، خدایی با سر میمون است.

ص: ۲۴۵

۱. کتاب های مقدس آیین هندو کدامند؟

۲. خدایان سه گانه هندوان را نام ببرید.

۳. انواع عبادت در آیین هندو را توضیح دهید.

۴. یوگا چیست و آیا می تواند نماز صامت نامیده شود؟

۵. منتره را توضیح دهید.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.

۲. _هندوئیسم_، ک.م. سن، ترجمه: ع. پاشایی، فکر روز، ۱۳۷۵.

۳. _ادیان زنده شرق_، ویراسته: جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

۴. _بهاگواد گیتا_ _همانگونه که هست_، پرابهوپادا، آ.ج. بهاکتی و دانتا سوامی، مترجمان: فرهاد سیاهپوش، بزرگمهر گل بیدی و الهه فرمانی، دانش جاودان، ۱۳۸۳.

آیین بودا

آیین بودا، حدود ۲۵۰۰ سال پیش، بر اساس تعالیم شاهزاده ای متعلق به هند شمالی (نیپال امروزی) به نام "سیدارته گُتمه" (۱) شکل گرفت. سیدارته، در جوانی در جست و جوی حقیقت زندگی، قصر پدر را ترک گفت و به گروهی مرتاض پیوست. چند سال گذشت و گُتمه که از ریاضت با مرتاضان طرفی نبسته بود، خود به مراقبه (۲) نشست و سرانجام راهی به رهایی از چرخه تناسخ یافت. راه او متعادل تر از ریاضت شدید بود؛ لذا راه خود را "شریف" نامید. سیدارته هم زمان با کشف این راه، به بیداری درون، روشن شدگی (۳) و نیروانده (۴) رسید، و از این رو، ملقب به

ص: ۲۴۷

۱- Siddhartha Gautama.

۲- (meditation) jhāna.

۳- (enlightenment) bodhi.

۴- Nibbāna.

"بودا(۱)" شد. بودا به معنای کسی است که به "بیداری" درونی رسیده است.

در زمان بودا دغدغه اصلی فلسفه هندو، گرفتاری موجودات در چرخه هستی یا سنساره (=تناسخ) بود که به معنای زاد و مرگ های مکرر موجودات در درون این چرخه بی پایان است. پس بودا این گرفتاری را "رنج" نامید و در پی یافتن راهی به رهایی از رنج تلاش کرد. او پاسخ را در چهار حقیقت که هسته اصلی تعالیم او را تشکیل می دهد، توضیح داد و وصول به مرحله ای عرفانی به نام "نیروانه" را پایان سنساره دانست. طبق نظر بودا زندگی پاینده نیست، بی ذات است و رنج، ویژگی جدایی ناپذیر آن است. ادراک این سه ویژگی عالم هستی، آغاز راه بودایی است. ویژگی رنج آمیز هستی، مشروط به آز و نادانی است و تنها با خروج از سنساره می توان از آن دو رهایی یافت.(۲)

حقیقت رنج، حقیقت ریشه رنج، حقیقت پایان پذیری رنج و حقیقت راهی که به توقف رنج می انجامد، چهار حقیقت شریف آیین بودا را تشکیل می دهند. حقیقت راهی که به توقف رنج منتهی می شود، خود راهی است که هشت قسمت دارد که

ص: ۲۴۸

۱- Buddha.

۲- Schumacher, ۱۹۹۴, P.۵۳.

عبارت است از: بینش درست، توجه درست، گفتار درست، رفتار درست، معاش درست، تلاش درست، یکسان دلی درست و تمرکز درست، که هر یک از این اصطلاحات باید مطابق با آنچه در آیین بودا تعریف شده، توضیح داده شوند.^(۱)

آیین بودا در هند متولد شد و با وجود اینکه گرمه^(۲) (= قانون طبیعی نتیجه کردارها) و تناسخ را از فضای اعتقادی آن جذب کرد و پذیرفت، اما حجیت_ودا_ها، وجود آتمن یا روح، حجیت شعایر قربانی و نظام طبقات اجتماعی را نپذیرفت و به همین دلیل، نوعی بدعت قلمداد گردید. این آیین که از حدود قرن دوم و سوم میلادی در حال گسترش به بیرون مرزهای هند بود، از قرن هشتم در خود هند رو به افول گذاشت، ولی در بیرون از مرزهای هند، به ویژه در شرق دور رشد کرد.

امروزه، آیین بودا دو مکتب اصلی به نام های "هینه یانه"^(۳) و "مهایانه"^(۴) دارد که هر یک از آنها نیز به فرقه های مختلفی تقسیم شده اند. مکتب هینه یانه که نماینده اصلی آن آیین بودای

ص: ۲۴۹

۱- Anderson, ۲۰۰۴, p. ۲۹۶

۲- karma.

۳- Hinayāna.

۴- Mahāyāna.

"تیره واده" (۱) است، در سری لانکا، تایلند، برمه، لائوس و کامبوج جریان دارد. آیین بودای مهاییانه، خود دو نوع کلی دارد؛ یعنی مهاییانه شرق آسیا که در چین، ژاپن، ویتنام و کره جریان دارد و نوعی آیین بودای خاص فهم به نام "وجره یانه" (۲) در تبت، مغولستان، نپال و بخشی از نواحی چین و کشورهای آسیای مرکزی. آیین بودای تبتی در اصل از آیین بودای مهاییانه منشعب شده و اندیشه بوداسفی را پذیرفته، اما با عقاید بومی تبت درآمیخته و ماهیت ویژه ای پیدا کرده است. آیین بودا به هر سرزمینی که وارد شده است، با ادیان بومی، فرهنگ و آیین های محلی آن سرزمین درآمیخته و با برخی از آنها مانند احترام به ارواح نیاکان و یا عقیده به خدایان (دئو ها) به سازگاری رسیده است. امروزه حدود ششصد میلیون نفر بودایی وجود دارد، اما تعداد کسانی که به مدی تیشن بودایی و یا فلسفه بودا علاقه مندند، بسیار بیشترند.

آیین بودای هینه یانه (تیره واده)

به لحاظ تاریخی، آیین بودای هینه یانه به زمان زندگی گتسه نزدیک تر از مکاتب دیگر است. هینه یانه از آن جهت اهمیت دارد

ص: ۲۵۰

۱- Theravāda.

۲- Vajrayāna.

که میراث دار ادبیاتی غنی از سنت شفاهی آیین بوداست. آموزه های این مکتب، ریشه در مفاهیم بنیادین آیین "بودای اولیه" (۱) دارد و از آرمان ارهتی دفاع می کند. "ارهت" (۲) کسی است که از آموزه های بودا پیروی کرده و خود به نیروانه رسیده است و تنها فرقی که با گتمه، بودای تاریخی دارد، در تقدم و تأخر تاریخی و زمانی است. (۳)

در هینه یانه، نیروانه و رهایی از سنساره، هدف نهایی رهروان است. "نیروانه" در اصل به معنای "خاموشی آتش آز و نادانی" است و رهرو با نیل به نیروانه، این دو آتش را خاموش کرده و از چرخه زاد و مرگ رهایی پیدا می کند. "هینه یانه" در اصل عنوانی تحقیرآمیز به معنای "چرخ کوچک" است (در مقابل مهاییانه که به معنای "چرخ بزرگ" است)، که از سوی نمایندگان مکتب مهاییانه به پیروان این مکتب داده شده است تا فردگرایی و محدودیت آن را محکوم کند. هینه یانی ها خود را "نیره وادن" می خوانند؛ یعنی پیرو "مکتب پیران". مکتب هینه یانه از هنگام درگذشت بودا تا آخر قرن نخست پیش از میلاد در اوج بود. پیروان این مکتب مدعی اند که مکتبشان

ص: ۲۵۱

۱- Early Buddhism

۲- Arhat

۳- Schumacher, ۱۹۹۴, p.۵۰

تعالیم ناب و اصیلی را که بودا تعلیم داد، در بردارد. سنگ بنای آموزه های هینه یانه، محتوای سوته (= سخنان بودا، به سنسکریت: سوتره)ی _ کانون پالی_ است. _ کانون پالی_ سخنانی از بودا را به چند صورت بلند، متوسط و مختصر ذکر کرده و دستوراتی برای نظام دیرنشینی از بودا نقل می کند. بخش سوم کانون پالی "ابی دمه" (۱) نام دارد که در آن رهروان بعد از بودا آموزه های سوته ها را به صورت تحلیلی و نظام مند درآورده اند.

نخستین دغدغه هینه یانه، آموزش راه رهایی است. در این راه، میزان عمل، کیفیت و کمیت تمرین (به ویژه عمل مراقبه) است که اصالت دارد و گمانه زنی های فلسفی، نه تنها اهمیتی ندارد، بلکه عاملی بازدارنده در رسیدن به رهایی شمرده می شود. هدف از آموزه های هینه یانه به دست دادن روش هایی است بر پایه تحلیلی خاص از سرشت هستی و موقعیت انسان در آن، که به رهایی شخص از رنج می انجامد. اشتراک همه مکاتب هینه یانه در این نکته بوده است که باید نگاهی واقع گرایانه به عالم هستی داشته باشیم. رنجی که باید از آن خلاص شویم، امری ذهنی نیست، بلکه واقعیتی خارجی و عینی است؛ از این رو، هر کسی باید خود تلاش کند از رنج رهایی یابد. چنین نیست که

ص: ۲۵۲

دیگری بتواند بار رهایی انسان را به دوش بکشد. به همین دلیل است که عقیده به کمک و یاری موجوداتی به نام "بوداسف" (۱) برای رهایی انسان هایی که تلاش کامل نکرده اند، در هینه یانه پذیرفته نیست. منظور از رهایی در هینه یانه، رهایی از چرخه رنج سرشت تناسخ است. این رهایی، مقارن با حصول به نیروانه است. نیروانه ای شدن، عملی شخصی و فردی است و به میزان تلاش خود انسان بستگی دارد. ترک دنیا و غلبه بر امیال و تعلقات دنیایی است که انسان را به رهایی می رساند؛ از این رو، انسان بدون گذراندن دوره بی خانمانی و دیرنشینی، نمی تواند به نیروانه دست یابد.

ارहत، همانند خود بودای شاکیه مونی که از طریق تلاش خویش به نیروانه رسیده است، به نیروانه نایل می شود. هینه یانه در مسیر نیروانه، تنها برای تجربه عینی بیداری درون، ارزش قائل است و می گوید این بیداری با معرفت به "نبود خود" (نه خود= اناتمن (۲)) و متعلقات آن همراه است. پس طبق آموزه های این مکتب، بودا شخصیتی تاریخی و زمینی است و فقط معلمی تیزبین و فرزانه بوده است که راه رهایی را بهتر از

ص: ۲۵۳

۱- Boddhisattva.

۲- Anātman.

دیگران ادراک کرده و آموخته است. او موجودی متعالی و الوهی و فوق بشری نبوده که در ذات خود با تمام موجودات متفاوت باشد. اساس تعالیم نظری هیئه یانه، چهار حقیقت شریف، وجود وابسته، اناتمن (نفی وجود روح) و قانون کرمه است. اساس تعالیم عملی آن نیز راه هشت گانه است که به نیروانه می انجامد. مهاییانی ها، هیئه یانه را بخش ابتدایی و عامیانه آموزه های بودا تلقی می کنند و می گویند بعد از این تعالیم عامیانه بود که بودا آموزه برتر خویش را که مهاییانه باشد، آموخت. (۱) طبق آموزه های هیئه یانه، هر کسی که می خواهد به نیروانه برسد، ناگزیر باید بی خانمانی و زندگی دیری را انتخاب کند. برای غیر رهروان، نیل به نیروانه ممکن نیست. در هیئه یانه تأکید بر نیروانه و رهایی است، ولی در مهاییانه تأکید بر توسل به بوداسف ها و دلسوزی به دیگران است؛ از این رو، در مهاییانه عمل اشخاص، تنها بخشی از لازمه رسیدن به نیروانه است و خود نیروانه هم اهمیت ثانوی دارد. هیئه یانه بر چیزی غیر از هدف نهایی تلاش های معنوی تأکید نمی کند. حقیقت تجربی روشن شدگی، ملازم است با اطفای توهم "خود" درونی و ملازمات آن. بدین ترتیب، هیئه یانه با مهاییانه، تفاوت های اساسی دارند.

ص: ۲۵۴

"مه‌ایانه" که در لغت به معنای "چرخ بزرگ" است، حدود قرن اول میلادی ماهیتی متمایز از هینه‌یانه پیدا کرد. مه‌ایانه نه تنها معتقد بود که شخص رهرو راه بودایی می‌تواند به روشن‌شدگی برسد، بلکه همه موجودات قابلیت‌رهایی و رسیدن به نیروانه را دارند. هینه‌یانه و مه‌ایانه، هر دو ریشه در آموزه‌های شاکیه مونی بودای تاریخی داشتند، اما هینه‌یانه _ همان‌طور که گفته شد _ در جست‌وجوی نیروانه و رهایی فردی است، ولی پیروان مه‌ایانه در جست‌وجوی رسیدن به روشن‌شدگی جهت سودرسانی به دیگر موجوداتند. این ویژگی مه‌ایانه در آرمان بوداسفی تجلی یافته است که ویژگی بارز آن، صفت دلسوزی (کرونه^(۱)) است. در مکتب مه‌ایانه، واژه "بوداسف" به موجوداتی اشاره دارد که از راه پایان دادن به آرز، کینه و فریب به رستگاری رسیده‌اند، اما به خاطر همدردی و دلسوزی شدیدی که به رهایی نیافتگان دارند، فقط نیروانه پویا را می‌پذیرند که حالتی از رهایی است و آنان را توانایی می‌بخشد که کارشان را در راه نیکی جهان دنبال کنند و تا هنگامی که همه موجودات از رنج آزاد نشده‌اند، آنان به نیروانه

ص: ۲۵۵

کامل یا "پری نیروانه"^(۱) نمی روند، زیرا در پری نیروانه، نمی توانند به موجودات دیگر خدمت کنند.^(۲)

در سومین شورای رهروان بودایی در ۲۸۰ قبل از میلاد بود که نخستین انشقاق رسمی پیدا شد و جماعت اولیه بودایی به دو فرقه "استاویره"^(۳) و "مهاسنگیکه"^(۴) تقسیم شدند. مهاییانه از مکاتب هینه یانه ای مهاسنگیکه و سرواستی واده^(۵) به وجود آمد که مهم ترین جنبه های آموزه ای مهاییانه را در خود دارند. سرشت برتر بودا و آرمان بوداسفی و عقیده به "تُهیت"^(۶) از طریق همین مکتب مهاسنگیکه بود که وارد مهاییانه شد و بذرهای آموزه سه کالبد^(۷) را نیز می توان در آموزه های سرواستی وادن ها یافت. ارزش دیرنشینی در مهاییانه بسیار کمتر از هینه یانه است و درست برخلاف آموزه های هینه یانه، در مهاییانه افراد غیررهرو و پیروان عادی آیین بودا نیز می توانند به نیروانه برسند. در این گونه تلاش، شخص می تواند به یاری بسیار مؤثر بوداها و

ص: ۲۵۶

۱- Parinirvana.

۲- شومان، هانس وولفگانگ، طرح تعالیم آیین بودا، ترجمه: ع. پاشایی، ص ۱۲۲.

۳- Sthavira.

۴- Mhāsangika.

۵- Sarvāstivāda.

۶- Shūnyata.

۷- Trikāya.

بوداسف ها چشم بدوزد. در چنین رهیافتی به آیین بودا، نیروانه فقط به معنای رهایی از زندان سنساره نیست، بلکه فراتر از آن، نیروانه به معنای رهایی شخص از سرشت شخصی خود و اتحاد آن با "مطلق" است. بدین ترتیب، سرشت بودا یا اصل بودایی موجودات، که در سرشت همه موجودات وجود دارد، مهم تر از خود شاکیه مونی، بودای تاریخی است.

بوداسف در مهاییانه، معادل ارهت در هینه یانه، الگوی انسان کامل یا انسان نزدیک به کمال است و منظور از "روشن شدگی" که هدف آیین بودای مهاییانه است در واقع، اصطلاح سنسکریتی "بودهی" (۱) است که در لغت به معنای "بیدار شده" است. روشن شدگی، مقامی معنوی است که از پرجنیا (معرفت) و کرونا (دلسوزی) حاصل می شود. در این حالت که بالاترین حالت سمادی (یکدلی در اثر توقف وهمیات) است، جان سالک به بیداری و تنویر می رسد. (۲) روشن شدگی، رهرو را به تحقق این زمانی تهیت آگاه می کند؛ یعنی اینکه خود درون او و حتی همه جهان تهی است. این حقیقت به تنهایی او را قادر می سازد تا سرشت حقیقی اشیا را درک کند. تهیتی که در اینجا تجربه

ص: ۲۵۷

۱- Bodhi.

۲- ۲۹. Humphreys, A Popular Dictionary of Buddhism, P.

می شود، تهیت نیست انگارانه و پوچ گرا نیست، بلکه معرفتی غیر قابل درک با تفکر معمولی و خارج از حیطه حس و فراسوی بود و نبود است.

آیین بودای وَجَرَه یانه

هم چنان که اشاره شد، وجره یانه زیرمجموعه مهاییانه شمرده می شود، اما به دلیل اهمیتی که امروزه پیدا کرده است، در عنوانی جداگانه به آن می پردازند. به موازات گسترش نهضتی موسوم به "تنتره" در آیین هندو، مکتبی بودایی در تبت به وجود آمد که گرچه اندیشه های بنیادین مهاییانه را پذیرفته بود، اما به سحر و جادوگری و شمنیسم بومی تبت مایل بود و به نام "وَجره یانه" (۱) معروف شد. وجره یانه، شکلی ویژه از آموزه های بودایی است که تا اواسط قرن بیستم، دین غالب مردم تبت و برخی نواحی مجاور آن را تشکیل می داد و از آن به بعد، به برخی نواحی دوردست نیز گسترش پیدا کرد. معنای مشهور وجره یانه، "راه الماس" است؛ بدین معنا که این راه، همانند الماسی سخت، موانع نجات و رهایی را از پیش روی رهرو بودایی بر می دارد. آیین بودای تبت به دنبال رهایی از چرخه سنساره یا تناسخ از دوراه "مناسک" و "انجام مراقبه" است و

ص: ۲۵۸

کرمه های بد را دلیل گرفتاری بشر در چرخه سنساره می داند. آنچه رهرو دین بودایی را به رهایی می رساند، خلوص و صفای باطن است. بوداییان وجره یانی، گرچه خود را پیرو بودای تاریخی، سیدارته گُتمه می دانند، اما عقاید و مناسک آنان تفاوت های آشکاری با آموزه های اولیه بودا و دیگر سنت های بودایی دارد. در آیین بودای اولیه، اعتقاد به خدا مطرح نیست، اما در وجره یانه انبوهی از خدایان، بوداها و بوداسف ها پرستش می شوند. بودای تاریخی، وجود روح و خود (آتمن) را نفی کرد، ولی وجره یانه به وجود روح و ارواح نیاکان اعتقاد کامل داشته و به آنان احترام می گذارد و در روزهای جشن پیشکش هایی را به ارواح نیاکان تقدیم می کنند. در وجره یانه ارزش مناسک و شعائر دینی معادل عمل مراقبه (مدی تیشن) است و هم چنین در این آیین، متن مقدس و گورو (استاد)، هر دو، اهمیت یکسانی دارند و حتی اهمیت تجربه استاد بیش از تصریحات متن مقدس است و از این رو، شجره نامه انتساب استادان به بودا اهمیت ویژه ای دارد. وجره یانه پس از اشغال تبت به دست چین کمونیست، در اواسط قرن بیستم و مهاجرت دالایی لامای چهاردهم به هند، به خوبی به غربیان معرفی و به نام "لامائیسزم" (۱) معروف شد.

ص: ۲۵۹

سه سبد _ کانون پالی _ یا _ تی پیتکه _، کهن ترین مجموعه کتاب های مقدس بودایی است که متعلق به سنت هینه یانه است. از نظر تاریخی تنها _ کانون _ پالی _ است که به طور کامل حفظ شده است و از متن های دیگر، تنها بخش های بسیار اندکی را می توان به آموزه های آغازین شاکیه مونی نسبت داد. (۱) این سخن اگرچه طبیعی و منطقی به نظر می رسد و شواهد تاریخی آن را اثبات می کند، ولی پیروان مکتب های مهاییانی آن را نمی پذیرند و سوتره های متأخر خود، مانند متون _ پرجنیا پارمیتا _ و سوتره _ گل نیلوفر _ را، که حداقل تا ششصد سال پس از درگذشت بودا از آنها خبری نبود (۲)، به خود بودا نسبت می دهند. به این ترتیب، از نظر تاریخی، ادبیات آیین بودای آغازین را تنها در متن های _ پالی _ و در ترجمه های چینی متون هینه یانه و نیز به طور پراکنده به سنسکریت می توان پیدا کرد. این مجموعه را محققان غربی "کانون پالی" نیز می نامند. هر سه سبد _ کانون _ پالی _ شامل کتاب هایی است که به اعتبار عنوانشان به یکدیگر وابسته اند. نخستین سبد، _ ویتیه پیتکه _ (۳) نام دارد که شامل قوانین انضباط

ص: ۲۶۰

۱- شومان، طرح تعالیم آیین بودا، ص ۳۴.

۲- سوزوکی، راه بودا، ترجمه: ع. پاشایی، ص ۴۰.

۳- Vinaya- pitaka.

رهروان است. دومین سبده، سوته پیتکه است که گفتارهای بودا و رهروانش را در بر دارد. این سبده خود به پنج مجموعه (نیکایه) تقسیم می شود: "دیگه نیکایه" (۱) مجموعه گفتارهای بلند (طولانی)، "مجمه نیکایه" (۲) مجموعه گفتارهای متوسط، "سم یوته نیکایه" (۳) مجموعه گفتارهایی که بر طبق موضوع دسته بندی شده اند و "انگوتره نیکایه" (۴)، مجموعه گفتارهایی که به نظم تدریجی و شماره موضوعات بررسی شده اند و سرانجام، "کوڈکه نیکایه" (۵)، مجموعه متن های کوچک. سومین سبده، اَبی درمه پیتکه (پالی: اَبی ذمه پیتکه) است که آموزه های بودایی را به صورتی منظم و به زبانی فلسفی بازگو می کند. (۶)

عبادت بودایی ها

در هر خانه بودایی معبد کوچکی وجود دارد، که در آن پیکره بودا یا یکی از بوداسفان را گذاشته اند. در خانه بوداییان مهاییانی الواح یادبود در گذشتگان آن خانواده را نیز می توان یافت. هر روز

ص: ۲۶۱

۱- Dīgha-nikāya.

۲- Majjhima-nikāya.

۳- Samyutta-nikāya.

۴- Anguttara-nikāya.

۵- Khudaka-nikāya.

۶- شومان، طرح تعالیم آیین بودا، ص ۳۵-۳۷.

گل و بخور و چای و شیرینی به این معبد هدیه می کنند و در خانه پرهیزکاران هر بام و شام سوتره کوتاهی را به قصد ثواب (تحصیل کرمه نیک) می خوانند.

ماه‌یانی‌ها علاوه بر آن که این اعمال دینی را روزانه در معبد خانوادگی به جای می آورند، بارها به زیارت معابد نیز می روند. مناسبت‌های خاصی وجود دارد که بوداییان مؤمن حتماً در آنها شرکت می کنند. مؤمنان فرقه "تن دانی" در ژاپن به زیارت معبد "انریاکوجی" در کوهی نزدیک کیوتو می روند. پیروان مکتب "شین گون" به معبد "کویاسان" می روند و یا از ۸۸ معبد "کوبودایشی" در شیکوکو دیدن می کنند. زائران بودایی اغلب لباس مخصوصی می پوشند که نیم تنه ای بی آستین است و کلاه حصیری بزرگی هم به سر می گذارند که روی آنها کلمات مقدسی نوشته اند. تسبیحی دارند که به خلاف وقت‌های دیگر که به میچ دست می اندازند، آن را به گردن می آویزند. زنگ و چوبدستی بلندی هم دارند.

بسیاری از بوداییان که رهرو نیستند، سوتره‌ها را برای خواندن و زمزمه کردن می آموزند. سوتره خوانی روزانه به طریقی جانشین نماز آنان شده است. مهم‌ترین سوتره‌ای که هر بودایی ماه‌یانی می خواند، سوتره _ گل نیلوفر_ است. سوتره نویسی نیز کاری مؤمنانه است. پیش‌تر که هنوز صنعت چاپ

اختراع نشده بود، استنساخ تنها روش حفظ و رواج متن های مقدس بود. بعداً، این کار معنای دیگری پیدا کرد؛ یعنی کمکی به تمرکز بود و اجر معنوی حاصل از این کار مؤمنانه به روان موجودات پیشکش می شد.

عبادات روزانه

عبادات روزانه در اینجا شاید بتواند معادل نماز قلمداد شود. منظور از نماز بودایی، گونه ای از عبادات است که همه انجمن های چهارگانه بوداییان و تقریباً همه فرقه های بودایی در آیین بودا آن را اجرا می کنند. این عبادت گاهی یک بار و گاهی چند بار در روز اجرا می گردد و صور گوناگونی در میان فرقه های تره واده، مهاییانه و وجره یانه دارد.

بخش های اصلی این نماز شامل خواندن سوتره یا بخش هایی از یک سوتره، تکرار منتره (به ویژه در وجره یانه) و قرائت تعدادی گاتا می شود. این نماز بسته به نوع کاری که شخص می خواهد عهده دار شود، در معبد یا در خانه برگزار می شود. نماز شخص بودایی معمولاً در مقابل یک یا چند شیء مقدس برگزار می شود و با پیشکش کردن چراغ، بخور و غذا همراه است. نماز صبح و مغرب در سنت آیین بودای چینی، در مکاتب چن و پاک بوم، شامل ذکر منتره ها، ذکر نام بودا و تمرینات بدنی و ذهنی،

مانند: تعظیم کردن، مدی تیشن در حال راه رفتن و عهد بستن است. نشستن به حالت مدی تیشن گاهی پیش از نماز و گاهی پس از نماز انجام می شود.

گونگیو

در ژاپن، "گونگیو" (۱) یا نماز را گاهی "او-تسوتومه" (۲) یا "شوجین" (۳) می نامند. این سه اصطلاح ژاپنی برای نماز، کلی هستند و به مکتب و فرقه خاصی اختصاص ندارند. کلمه "گونگیو" ریشه چینی باستانی دارد، ولی امروزه اغلب در آیین بودای ژاپن استفاده می شود. در واقع، نخستین بار این کلمه در کتاب کلاسیک مکتب تائو یعنی _کتاب زوانگ زی_ آمده است. معنای اصلی آن "تمرین بسیار سخت و مکرر" است. زوانگ زی فیلسوف، این کلمه را از کتابی قدیمی تر یعنی _دائو دِ جینگ_، کتاب معروف _لائوتزه_، گرفته و اصلاح کرده است. در آن کتاب، این اصطلاح به معنای تلاش کردن و تمرین کردن است. بعداً به ویژه در سلسله های سوی (۴) و تانگ، (۵) فلسفه آیین بودا به

ص: ۲۶۴

۱- Gongyō .

۲- O-tsutome .

۳- Shōjin .

۴- Sui .

۵- Tang .

صورت هیجان آوری در چین مرکزی رشد کرد و از تفکرات دائوی تأثیر پذیرفت. فیلسوفان بودایی چینی این کلمه را از متون دائویی عاریه گرفتند و بدین گونه در کره، ژاپن و ویتنام همراه با آیین بودا گسترش یافت. در اینجا چند نمونه از گونگیوهای فرقه های مختلف بودایی را ذکر می کنیم.

پاک بوم

محور اصلی گونگیو یا نماز روزانه در مکتب های پاک بوم، تکرار نام "آمیدا بودا" است که به آن "نم بوتسو" می گویند، اما در عبادت روزانه، تمرین گر پاک بومی گلچینی از سوتره بزرگ "زندگی بیکران" را می خواند و در برخی از معابد نیز ممکن است یک بار در روز همه سوتره کوچک "زندگی بیکران" قرائت شود. در معابد بزرگ پاک بوم (۱)، آیین های روزانه را راهبان یا خادمان معبد انجام می دهند و مردم غیرروحانی می توانند به طور داوطلبانه حاضر شوند و در قرائت با آنها همراهی کنند. زمان برگزاری این آیین ها به فرقه و معبد بستگی دارد که در آن حاضر می شوند.

ص: ۲۶۵

۱- «پاک بوم» نام فرقه ای بودایی است که «آمیدا بودا» یکی از بوداسف های معروف، را می پرستند.

در آیین بودای جودو شینشو، تمرین کنندگان غیرروحانی ادعیه ای را که به نام "شوشینگ" را قرائت می کنند، که به خودی خود سوتره به حساب نمی آید، اما عقاید این فرقه را در خود دارد. در سرودی کوتاه تر، دوازده ستایش آمیدا را نیز می توانند بخوانند. در جودوشو، ذکر "نم بوتسو" اغلب به صورت ویژه ای خوانده می شود؛ در نوعی از آن، ذکر نم بوتسو هشت مرتبه و یک نفس خوانده می شود و ده بار قرائت کامل می گردد. در نوع دیگر آن، نام آمیدا را سه مرتبه به صورتی طولانی و کشیده می خوانند و پس از آن، نمازگزار به درگاه آمیدا تعظیم می کند. این روند در هر نُه بار قرائت، دو بار تکرار می شود.

شینگون

گونگیو در آیین بودای شینگون، در میان فرقه هایی که از آن منشعب شده اند تفاوت می کند، اما بیشتر آنها در نمازهای روزانه، سوتره ای به نام "سوتره دل" را قرائت می کنند. انجام گونگیو برای بوداییان غیرروحانی مکتب شینگون مهم است، زیرا این تمرین بر انجام مدی تیشن و تمرکز بر تن، سخن و ذهن بودا تأکید می کند.

در مکتب نیچیرن شکلی از گونگیو اجرا می شود که شامل قرائت بخش های خاصی از سوتره نیلوفر و ذکر "دایموکو" است. همان گونه که گفته شد، شکل گونگیو در هر فرقه ای متفاوت است. گاهی این تنوعات منشأ برخی منازعات فرقه ای شده است و همانند فرقه های مسیحی هر کدام اهل نجات بودن دیگری را انکار می کنند و در اهمیت برخی بخش های تمرینات دینی عبادتشان با یکدیگر دعوا دارند.

نیچیرن دایشونین

دستورالعمل نماز در این فرقه چنین است: در مقابل گونزون می نشینی، چنان که دید کامل به آن داشته باشی، کسی زنگ را به صدا درمی آورد و دایموکو را کشیده زمزمه می کند و به دنبال آن سه مرتبه می گوید: "نام- میوهو- رنگه- کیو". سپس گونگیو آغاز می شود. توصیه می کنیم ریتم قرائت تو پرطین و نیرومند مانند چهارنعل تاختن اسب باشد... اگر صبح باشد، شخص باید دایموکو را سه بار بیشتر بخواند. و سپس نخستین نماز سکوت را آغاز کند. این نماز به احترام نیروهای حامی زندگی (به نام شوتن زنجین) است. سپس زنگ را به صدا درمی آورند و فصل "بزار نیک" [از سوتره نیلوفر] خوانده

می شود. نکته قابل ذکر دیگر این است که اگر کسی دارد با گروه هم خوانی می کند، فقط پیش نماز می تواند عنوان فصل را بلند بخواند. سپس بار دیگر کسی زنگ را به صدا درمی آورد و این بار فصل "گردش زندگی" از سوتره نیلوفر قرائت می شود. در خاتمه کسی زنگ را به صدا درمی آورد.

هیچ حکمی برای اینکه شخص چه مدت باید دیامو کو را در طول گونگیو بخواند، وجود ندارد. برخی فقط چند دقیقه می خوانند و برخی یک ساعت یا حتی بیشتر. سطح رضایت در این باره به افراد بستگی دارد. وقتی شخص احساس می کند دیامو کوی کافی خوانده است، زنگ را به صدا درمی آورد و سه بار دیگر آن را تکرار می کند. سپس دومین نماز را به جا می آورد که در احترام به گونزون است. سومین نماز برای رسیدن به مقام معنوی و چهارمین نماز، نمازی شخصی و برای درگذشتگان است (و نواختن زنگ ادامه دارد). سرانجام در پایان نماز برای صلح و سعادت همه در سراسر جهان دعا می کنند. در پایان هر نماز صامت، سه بار دیامو کو را می خوانند. در آیین بودای نیچیرن دایشونین، گونگیو به معنای خواندن فصل دوم و شانزدهم از سوتره نیلوفر در مقابل معبد یا بت بوداست. این عبادت با ذکر خاصی همراه است و هر صبح و شام اجرا می شود.

نیچیرن شو انواع گوناگونی از گونگیو را دارد که شخص می تواند برگزار کند. (۱) دستورالعمل یکی از انواع نمازهایی که خانوادگی برگزار می شود، چنین است: احضار و دعوت بودا، پناه به درمه و سنگهه، کیاکیو-گه یا کانون آغازین، قرائت فصل دوم و شانزدهم از سوتره نیلوفر، زمزمه "اودایکونامو میوهو رنگه کیو"، قرائت آخرین بخش از فصل یازده سوتره نیلوفر و چند سوگند یا عهد بزرگ.

آیین های به یاد داشتن مردگان

نماز برای مردگان جای مهمی در آیین بودایی مهاییانه دارد. البته نماز به معنای کلی آن منظور است؛ یعنی خواندن دعا به همراه زانوزدن، سجده، تعظیم و مانند آن. در همه فرقه های بودایی از این نمازها هست و یکی از وظایف مهم همه راهبان معابد، انجام چنین آدابی است. این گونه نمازها را که "هوجی" می نامند، برای مردان مهمی چون امپراتور، یا بنیانگذار مقدس فرقه ای خاص، یا بانی معبدی و یا آموزگار نام آوری به جا می آورند. نمازهای ساده تری نیز برای نیاکان یا تازه درگذشتگان از خانواده و فامیل وجود دارد که در خانه برگزار می شود. این

ص: ۲۶۹

آداب را با سوتره خوانی و پیشکش غذا و بخور در برابر الواح یادبود به جا می آورند. در ژاپن به جای زادروز، سالگرد مرگ عزیزان را گرامی می دارند، و اگر در سالگرد مرگ کسی، با نوعی نماز از او یاد نکنند او را به راستی مرده ای از یادرفته می پندارند. در سال روز مرگ بودا (بیست و ششم بهمن)، همه جا نماز می گزارند. در ژاپن می گویند: "مرده هرگز نمرده است". این حرمت نهادن به مردگان خرافات شمرده نمی شود، بلکه بخش حیاتی آیین بودای ژاپنی است. غریبان این دعا برای مردگان را نمی فهمند، اما این مراسم دعاخوانی در آیین بودای مهاییانه تجلی ایمان دینی است. (۱)

دیانه بودایی

اصل اعمال دینی شخص بودایی، سوتره خوانی، سوتره نویسی، تکرار برخی اوراد مقدس، مثل "نم بوتسو" یعنی تکرار نام "آمیدابودا" و زیارت معابد است. عمل مهم دیگر، دیانه یا مدی تیشن و سیر در عوالم درونی است. فرقه هایی چون نیچی رن چندان بر دیانه تأکید نمی کنند، بلکه بر قرائت سوتره مقدس نیلوفر تأکید دارند و می گویند: دل را به تمامی وقف ستایش "نیلوفر" کنید؛ یعنی هم خودتان آن را باز گوید و هم

ص: ۲۷۰

دیگران را بدان برانگیزید. از این رو، برخی فرقه‌ها مانند تن دائی، شینگون و ذن به دیانه روزانه علاقه دارند و بقیه فرقه‌ها بر قرابت روزانه سوتره نیلوفر می‌پردازند.

آن چیزی را که در دیانه (یعنی مدی تیشن) به آن فکر می‌کنند، "موضوع دیانه" می‌نامند. موضوعات دیانه در فرقه تن دائی فراوان است و بیش تر هم عقلی و وابسته به آیین است؛ مثل دیانه حقیقت سه گانه تهیت، نپایندگی، راه میانه و همدردی. دیانه در شینگون جنبه‌های بسیاری دارد که بیشتر به تعلیم خاص فهم یا باطنی تعلق دارد؛ از این رو، شاگرد باید آن را از آموزگار فرا گیرد نه از کتاب؛ البته جوهر آنها را باید در نیوگانیو کان یافت: "بودا به درون من می‌آید و من به درون بودا می‌روم" یا "من با بودا یگانه‌ام".

دیانه‌ای به نام "گاچیرین-کان"، یا دیانه "ماه" وجود دارد که در آن، در حدود یک متر دورتر از دیانه گر (یعنی آنکه به دیانه می‌نشیند)، تصویری از ماه تمام می‌گذارند. او روبه روی آن نشسته، آن را گوی بلورین یا آینه می‌پندارد و می‌اندیشد که دلش به ماه می‌ماند، که شوق "بودا شدن" دارد. او در خیالش آن را بزرگ تر و بزرگ تر می‌سازد تا همه جهان را فرا گیرد؛ دل (اینجا) با جهان یکی می‌شود. وقتی که چنین حالتی به دست آمد، دیانه گر به این می‌پردازد که ماه را آهسته آهسته کوچک

کند، تا به اندازه اولیه اش درآید؛ آن وقت تمامی جهان در دل اوست. دیانه "آجی کان" به همان ترتیب با تصویری از حرف "ا"ی سنسکریت انجام می گیرد. این دیانه به دیانه ماه می ماند، اما از آن پیچیده تر است.

در دیانه مکتب شینگون، موضوع دیانه متفاوت است. در این مکتب به دیانه گر می آموزند که در پنج سوگند تفکر کنند. اینک آن پنج سوگند:

۱. سوگند یاد می کنم که همه موجودات را رستگار کنم.

۲. سوگند یاد می کنم که فراشناخت و مهر را به هم نزدیک گردانم.

۳. سوگند یاد می کنم که همه درمه ها را بیاموزم.

۴. سوگند یاد می کنم که خدمتگزار بودایان باشم.

۵. سوگند یاد می کنم که به برترین روشن شدگی برسم و در این سوگند ها تفکر کنم.

دیانه های شینگون به راستی مهیانی است، زیرا در مهیانه به هم دردی و آرزوی یاری دادن به دیگران بسیار تأکید می شود. شینگون تمرینات تنفس، منتره ها و مودره ها را نیز به کار می گیرد. تصور تن (مودره)، گفتار (منتره) و دل (دیانه)، اصل اساسی نظری و عملی مکتب شینگون است.

در ذن بسیار بر دیانه تأکید می شود، اما دیانه ذن از شکل های واقعی شینگون یا موضوعات عقلی تن دائی بسیار متفاوت است.

ذن کوششی است در بیرون کشیدن حقیقت از ندانستگی؛ یعنی شناخت شهودی حقیقت است. هدف دیانه ذن رسیدن به وحدت با برترین واقعیت هستی است. ذن، خلسه خواب گونه، خلا در جان و استدلال عقلی را رد می کند. (۱)

اغلب استادان به تمرین کنندگان ذن سؤالی مناسب می دهند تا درباره آن به تفکر پردازد و یا درباره آن با استاد به گفت و گو بنشیند؛ مثلاً درباره "هیچی" آن قدر فکر می کنند تا به روشن شدگی برسند.

در فرقه های سودو و شین، و نیز در نیچی رن، بر دیانه تأکید نمی کنند. در واقع، نیازی به دیانه نمی بینند و آیین خود را با شرکت در مراسم معبد، به جا آوردن نمازهای بامدادی و شامگاهی در مقابل معبد فردی یا خانوادگی، گوش دادن به موعظه ها و خواندن کتاب های وابسته به آن فرقه ها به جای می آورند. در فرقه جوڈو بر تکرار ذکر "نیم بوتسو" تأکید فراوان می شود. تعلیم استاد این فرقه این بود که هر چند بار که می شود، باید ذکر نیم بوتسو گرفت. زنگی هم روی زمین هست که هر گاه کلام مقدس را تکرار می کند، آن را به صدا درمی آورند. برخی فرقه ها رسم شکرگزاری خاصی را برپا

ص: ۲۷۳

می دارند که به "هوئونکو" معروف است و یک هفته طول می کشد. در این ایام مؤمنان در معابد جمع می شوند و مراسم خاصی با تکرار اوراد و اذکار برگزار می کنند، و نیز آدابی در خانه در برابر معابد خانگی به جا می آورند.

نماز مونلام

"مونلام" که به "مراسم نماز بزرگ" نیز معروف است، از چهارم تا یازدهم نخستین ماه تبتی برگزار می شود. ستونگ کپه، بنیانگذار فرقه "گلوک" این مراسم را در سال ۱۴۰۹ در تبت تأسیس کرد. سالانه هزاران راهب از هر سه دیر مهم "درپونگ"، "سِرا" و "گاندن" در شهر بودگیا در شمال هند، که محل اشراق بوداست، جمع می شوند و شروع به خواندن نمازها و اجرای مناسک دینی می کنند. در سایت "دیر کوپان" آمده است:

هدف اصلی این نماز بزرگ، دعا برای طول زندگی همه گوروهای مقدس از همه سنت ها، برقراری و توسعه "درمه" (یعنی تعالیم بودا) در جان همه موجودات زنده و برقراری صلح جهانی است. نماز جمعی که با قدرت ایمان و صمیمیت اجرا می شود، به نیت شکست موانع صلح و ایجاد شرایط مساعد زندگی است. (۱)

نماز مونلام به این صورت است که شخص نماز گزار

ص: ۲۷۴

زیراندازی را پهن می کند و ابتدا رو به معبد بود گیا تمام قد می ایستد. سپس دست ها را در برابر سینه به هم جفت می کند و بالا می برد و هنگامی که دست ها را پایین می آورد، به طور کامل روی زمین می خوابد، در حالی که پیشانی او رو به معبد بر زمین است. این سجده کامل در تبت رواج دارد. نماز گزار برای اینکه بتواند حدود ده هزار مرتبه این نماز مشکل را انجام دهد، مجبور است چند روزی را در آنجا اقامت کند. در طول این مراسم یک هفته ای، امتحانات مربوط به بالاترین درجه "گِشه" که درجه استادی در فلسفه بوداست، برگزار می شود. راهبان رقص سنتی (چم) را اجرا می کنند و کیک های خاصی به نام "تورما" پخته می شود. در پانزدهمین روز از مراسم مونلام، مراسم چراغ کره است که در طول آن دلایلی لاما به معبد جوکانگ می آید و بزرگ ترین مراسم بودایی را اجرا می کند.

۱. درباره مکاتب اصلی آیین بودا توضیح دهید.

۲. کتاب های مقدس آیین بودا را ذکر کنید.

۳. دیانه بودایی چیست؟

۴. نماز بودایی به چه صورت برگزار می شود؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _تاریخ آیین بودا (هینه یانه)_، ع. پاشایی، مؤسسه نگاه معاصر ۱۳۸۰.

۲. _طرح تعالیم آیین بودا_، هانس وولفگانگ شومان، ترجمه: ع. پاشایی، فیروزه، ۱۳۷۵.

۳. _راه بودا_، بیتریس ل. سوزوکی، ترجمه: ع. پاشایی، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.

آیین جینه

امروزه حدود سه میلیون نفر در هند، که بیشتر آنها در نواحی غربی و شمال غرب، مثل گجرات و راجستان و نواحی مرکزی و جنوبی هند ساکنند، خود را "جینه" می‌نامند. از این میان بیشتر آنان در گجرات زندگی می‌کنند و بقیه آنان در دیگر نقاط هند پراکنده‌اند. جالب توجه است که در مناطق بنگال و بیهار و دیگر نقاط شمالی هند که خاستگاه اصلی دین جینه بوده، شمار پیروان این آیین بسیار اندک است.

آیین جینه (در لغت به معنای "پیروز")، بر اساس تعالیم زاهدی آواره به نام "وَرَدمانه" که بین سال‌های ۵۹۹ تا ۵۲۸ قبل از میلاد در هند می‌زیست، پدید آمد. جینه‌ها این زاهد تارک دنیا را "مهاویرا"^(۱) یعنی "قهرمان بزرگ"^(۲) نامیدند و گفتند که او بیست و

ص: ۲۷۷

۱- Maha-vira .

۲- قهرمان ریاضت کشیدن و گذشتن از بیابان رنج و آلودگی دنیا.

چهارمین "تیرتهنکره"^(۱) یا پیشوای معنوی است که به دنیا آمد تا انسان ها را هدایت کند. مهاویرا در خانواده طبقه کشریه (جنگاوران) به دنیا آمد. در سی سالگی ترک خانمان کرد و پس از ریاضت های طولانی به حقیقت دست یافت. مدت ها به تعلیم شاگردان پرداخت و ده سال آخر عمر خود را به علامت ترک کامل تعلقات دنیایی، لخت و عریان می گشت. روایات جینی نقل می کند که او تا زمان وفات چند صد هزار پیرو جمع کرده بود.^(۲)

آموزه های اساسی

آیین جینه نجات را در دو چیز می داند؛ یکی ریاضت شدید و دیگری رعایت اصل "اهیمسا" یا پرهیز از کشتن و آزار جانداران. در این آیین، کندن زمین برای کشاورزی که ممکن است موجب کشته شدن حشرات و کرم های درون زمین شود، حرام است و استفاده از محصولات زیر زمین، مانند: چغندر، هویج، شلغم و سیب زمینی که کندن زمین را همراه دارد، جایز نیست. راهبان این آیین معمولاً پارچه ای بر دهان می بندند، که مبادا حیوان ریزی ناخواسته وارد دهانشان شود و نابود گردد.

ص: ۲۷۸

۱- «تیرتهنکره» در لغت به معنای کسی است که راه را برای دیگران هموار می سازد، یا «گذرساز».

۲- هینلز، جان، ادیان زنده شرق، ص ۲۳۸.

آنان آب را قبل از نوشیدن صاف می کنند که مبادا کرمی وارد دهان شود و جان بدهد. هم چنین جاروبی از پر طاووس در دست می گیرند و حشرات ریز را از مسیر خود دور می کنند. خودکشی از طریق ترک طعام و شراب، فضیلتی بسیار بزرگ به شمار می آید و خود مهاویرا نیز به این شیوه در گذشته است. (۱)

آیین جینه می آموزد که انسان به وسیله قواعد خشک راهبانه می تواند محدودیت های وجود مادی را فتح کرده و به بی مرگی نایل شود. طبق تعالیم جینه کل موجودات دو دسته اند: جیوه، یعنی آنچه ذی شعور است و اجیوه، یعنی آنچه غیر ذی شعور است. هر موجود جاننداری متشکل از جیوه (= تقریباً معادل روح) و اجیوه است. مصاحبت روح با این عنصر مادی یا اجیوه مانع می شود که جیوه سرشت حقیقی خود را که جاودان و عالم بر همه چیز است، دریابد. ریاضت شدید باعث می شود جیوه از این بخش مادی رها شود. جینه ها، تیرتهنکره ها یعنی "معلمان معنوی" تاریخ خود و همه رهایی یافتگان از بند اجیوه را خدا می پندارند و آشکارا این شخصیت ها را می پرستند. (۲)

ص: ۲۷۹

-
- ۱- این رسم هم اکنون نیز وجود دارد و برخی از مرتاضان جینی به اتاقی رفته و روزه خود را آن قدر ادامه می دهند تا از گرسنگی بمیرند و این را فضیلت می دانند.
 - ۲- همان.

فرقه های اصلی

جینه ها فرقه های بسیاری دارند که در دو دسته کلی "شوتامبره" و "دیگمברה" می گنجد. وجه نام گذاری شوتامبره ها یا "سفیدپوشان" این است که معتقدند راهبان دست کم باید یک لباس سفید ساده بپوشند، اما دیگمברה ها یا "آسمان جامگان" معتقدند راهبان (مرد)، درست باید مانند مهاویرا که در پایان عمر خود عریان می گشت، بدون لباس بگردند. از این رو، راهبان مذکر این فرقه در تمام حالات خود، حتی در انظار عمومی عریان می گردند. شایسته ذکر است که پیروان معمولی این دین، زندگی کاملاً عادی و بدون ریاضت دارند و اکثراً در شغل های صرافیه، بانکداری و مانند آن هستند و از این رو، افرادی ثروتمند و دارای زندگی مرفه هستند.

کتاب های مقدس

در اسلام، یهودیت و مسیحیت کتاب مقدس کاملاً واضح و مشخص است، اما در دینی مانند جینه انبوهی از نوشته های باستانی وجود دارد که هر فرقه و یا حتی هر عالم جینی، بخشی از آن را برای خود انتخاب کرده و مقدس می پندارد. حدود شصت متن از انبوه متون جینی را مقدس دانسته اند. این شصت متن به سه قسمت کلی تقسیم شده است: پوروه ها، آنکه ها و

انگه باهیاها. چنین نیست که هر فرقه ای برخی از این متون را برای خود مقدس بدانند، بلکه همه متون دارای قداست بوده و جزو منابع معرفتی پیروان هستند. البته از میان این سه گروه، انگه ها به دلیل داشتن معارف دینی بیشتر و نشان دادن راه زندگی برای جینه ها، به ویژه آسمان جامگان از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته شومبره ها مجموعه ای از منابع را به سلیقه خود از این سه گروه اصلی جمع آوری کرده و آن را آگمه نامیدند که برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نماز در آیین جینه

نماز اصلی جینه ها "نمسکار" یا "نمسکار منتره" نامیده می شود. جالب است که این واژه با واژه "نماز" در زبان فارسی هم ریشه است. نمسکار یعنی (انجام) کار نماز. هدف از این نماز، همانند دیگر نمازهای جینه ها خواستن چیزی از خداوند نیست، بلکه کمک کردن به خود نماز گزار است تا به بی تعلقی به دنیا و رفتار درست دست یابد. این نماز با این عبارات شروع می شود:

تعظیم می کنم به کسانی که در جسم خود به دانش لایتنهای دست یافتند و راه زندگی ابدی را به دیگران آزادانه آموختند.
تعظیم می کنم به کسانی که به دانش کامل رسیدند و تعظیم می کنم به کسانی که سرشت حقیقی روح را ادراک کردند و

ترجیح معنویت بر دنیا را به دیگران آموختند.

این نماز نخستین چیزی است که به کودکان می آموزند و نخستین چیزی است که به هنگام بیدار شدن از خواب می خوانند و آخرین سخن قبل از بیداری است که به هنگام رفتن به رخت خواب خوانده می شود. علاوه بر این، جینه ها تعدادی سوتره و متون مقدس دارند که برای آموزش گناهان قرائت می کنند. جینه ها بت های مختلفی از ۲۴ تیر تهنکره دارند که هم در معبد و هم در نمازخانه خانگی خود، آنها را عبادت می کنند؛ به این صورت که ابتدا در مقابل بت قرار گرفته و به آن تعظیم می کنند. سپس چراغی را در برابر بت روشن کرده و به بت نزدیک می شوند. با گفتن "ناموجینانام" (من به جینه تعظیم می کنم)، بار دیگر به بت تعظیم می کنند و سه بار می گویند: "نیسی هیسی"، تا افکار و تعلقات دنیایی از آنها دور شوند. برخی جینه ها به پرستش بت های مهاویرا و دیگر تیرتهنکره ها اعتقاد ندارند؛ بنابراین به مدی تیشن و نماز صامت می پردازند. پوجای جینه ها چنین است که ابتدا صورت بت را به طور آیینی شست و شو می دهند، سپس با آب آن پیشانی خود را لمس می کنند.

از آنجا که جینه ها به خدای خالق اعتقاد ندارند، لذا هدفشان عبادت خدا نیست، بلکه احترام به انسان های بزرگی است که به

عقیده جینه ها خودشان به مقام خدایی رسیده اند. مؤمن جینی که نزدیک معبد زندگی می کند، معمولاً بت یا تصویری از یک تیر تهنکره را عبادت می کند، هر روز پیش از رفتن به محل کار به معبد می رود و در آنجا بت را زیارت کرده و سپس به سراغ کار می رود. با دو تکه لباس بت تیرتهنکره را مانند یک راهب پوشانده و صورت او را تطهیر می کند، در برابر آن تعظیم کرده و منتره مخصوص را می خواند، سه بار دور بت طواف می کند، بت را با آب و شیر و زعفران شست و شو می دهد و سرانجام به همه تیر تهنکره ها، مرتاضان و زاهدان درود و تحیت می فرستد. معمولاً پیشکش به بت ها چنین است: آب، خمیر چوب صندل و زعفران (جهت مالیدن به بت)، گل، بخور، چراغ، برنج، شیرینی و میوه. هر دو فرقه جینه ها ملزمند تا روزانه بخشی از کتاب مقدس خود را قرائت کرده، مدتی مدی تیشن کنند، مدتی ساکت در گوشه ای بنشینند و تفکر نمایند، به تارکان دنیا کمک کنند و به درگاه تیر تهنکره های بیست و چهار گانه نماز بگذارند. (۱)

ص: ۲۸۳

۱. مؤسس آیین جینه چه کسی بود؟

۲. فرقه های اصلی آیین جینه را نام ببرید.

۳. اصل اهیمنسا را توضیح دهید.

۴. نماز در آیین جینه را توصیف کنید.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _ادیان زنده شرق_، ویراسته جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

۲. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، کتاب طه، ۱۳۸۶.

۳. _تاریخ جامع ادیان_، جان بای ناس، ترجمه: علی اصغر حکمت، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

آیین سیک

آیین سیک بر اساس تعالیم فردی هندی به نام "نانک" تأسیس شد. نانک ادعا نکرد که قصد تأسیس دین جدیدی دارد، اما جانشینان بعدی او سرانجام چنین کاری کردند. در زبان پنجابی "سیک" به معنای "شاگرد" و "گورو" به معنای "استاد" است. سیک ها خدا را "گوروی بزرگ" و نانک و نه جانشین او را گوروهای پس از خدا و هم پایه پیامبران در ادیان الهی می دانند. هم چنین کتاب مقدس خود _ گورو گرند صاحب _ را نیز همانند گوروهای بشری، گوروی زنده می دانند و تا حد پرستش آن را احترام می کنند.

نانک در سال ۱۴۶۹ در خانواده ای هندو در ناحیه پنجاب هند به دنیا آمد و در مجاورت مسلمانان زندگی می کرد و کاملاً متأثر از عارفان مسلمانی بود که به هند مهاجرت کرده بودند. نانک با فرهنگ اسلامی کاملاً آشنا بود و حتی به کشورهای اسلامی، از

جمله ایران و ترکیه و زیارت مکه معظمه رفت. او دوستی ایرانی به نام "مردانا" داشت که برایش تار می نواخت و اشعار عارفانه فارسی می خواند. نانک در سال ۱۵۳۹ درگذشت، اما جانشینانش تعالیم او را ادامه داده و سرانجام دینی جدید از دل آن پدید آوردند که توحید را از اسلام پذیرفت و باقی عقاید و شعائر را از آیین هندو گرفت. آیین سیک که امروزه حدود ۲۵ میلیون نفر پیرو دارد، بر سه اصل مهم اعتقادی یعنی: یگانگی خداوند، اطاعت محض از گورو و باور به تناسخ ارواح در زندگی پس از مرگ بنا شده است. علاوه بر این، آموزه های اخلاقی مثل نفی نظام طبقاتی، برابری زن و مرد، خدمت به خلق، کار و کوشش، نفی هر گونه ریاضت جسمانی و داشتن زندگی اجتماعی، از دیگر آموزه های مهم این آیین است. (۱)

گوروهای ده گانه

پس از گورو نانک، نه گورو دیگر جانشین او شدند که هر گورویی گوروی بعد از خود را تعیین می کرد. فهرست اسامی ده گوروی سیک ها و تاریخ تولد و وفات ایشان چنین است:

۱. گورو نانک (۱۴۶۹-۱۵۳۹)؛

۲. گورو آنگد (۱۵۰۴-۱۵۵۲)؛

ص: ۲۸۶

۱- روحانی، محمد، آیین سیک، ص ۳۶.

۳. گورو آمرداس (۱۴۷۹-۱۵۷۴)؛
۴. گورو رام داس (۱۵۳۴-۱۵۸۱)؛
۵. گورو ارجن (۱۵۶۳-۱۶۰۶)؛
۶. گورو هر گویند (۱۵۹۵-۱۶۴۴)؛
۷. گورو هررای (۱۶۳۰-۱۶۶۱)؛
۸. گورو هری کریشن (۱۶۵۶-۱۶۶۸)؛
۹. گورو تیغ بهادر (۱۶۲۱-۱۶۷۵)؛
۱۰. گورو گویند سینگ (۱۶۶۶-۱۷۰۸).

در آیین سیک "گورو گویند سینگ" بعد از گورو نانک، مهم ترین گوروی سیک به شمار می آید، زیرا گورو گویند سینگ بعد از به دست گرفتن مقام گورویی، با توجه به اینکه حاکمان مغول جامعه سیک را بسیار تحت فشار قرار داده بودند، تصمیم گرفت جنبه نظامی گری را در این آیین تقویت کند. در راستای نایل شدن به همین هدف بود که او نظام "خالصا" را بنیان نهاد. به دستور وی هر مرد خالصا به جای نام خانوادگی خود، که معمولاً نشان دهنده طبقه اجتماعی آن فرد بوده، به نام "سینگ"، به معنی شیر، و زنان به نام "کور"، به معنی بانو یا ملکه نامیده شدند. یکی دیگر از مهم ترین اقدامات گوروی دهم در تشکیل ارتش قدرتمند سیک، الزام به حمل شمشیر و آموزش نظامی برای پیروان سیک خالصا بود. او با این فرمان که

جنبه

الزام دینی (شرعی) به آن داد، به طور رسمی آیین سیک را به صورت آیینی نظامی و جنگاور درآورد. این اقدامات باعث شد گوروی دهم، تهدیدی جدی برای حاکمان مغول قلمداد گردد؛ به همین دلیل، سرانجام گورو گویند سینگ به دست عوامل مغول ترور شد. وی با توجه به اینکه تمام پسرانش به دست مغولان کشته شده بودند، تدبیری اندیشید تا از اختلاف و درگیری بر سر جانشینی اش جلوگیری کند. او کتاب مقدس _ گورو گزنت صاحب _ را که مورد قبول همه بود، جانشین خود معرفی کرد. سرانجام گورو گویند سینگ در ۱۷ اکتبر ۱۷۰۸ میلادی در گذشت. (۱)

پنج کاف

سیک ها علاوه بر عمامه، برای خود پنج شعار قرار دادند که هر یک در زبان پنجابی با حرف "ک" شروع می شود:

۱. کیس (kais): باقی گذاشتن موی سر و صورت؛

۲. کانگه (kangha): همراه داشتن شانه؛

۳. کاچه (kachha): پوشیدن شلوار کوتاه؛

۴. کاره (kara): داشتن دستبند آهنی؛

۵. کرپان (kirpan): حمل شمشیر یا خنجر فولادین.

ص: ۲۸۸

۱- همان، ص ۵۰ _ ۵۹.

سیک ها به تجارت گرایش دارند و افرادی از ایشان به سراسر جهان مهاجرت کرده اند. تعدادی از آنها در طی جنگ جهانی دوم با سربازان انگلیس به ایران آمده و در این کشور ساکن شدند. سیک های ایران در دو شهر زاهدان و تهران ساکن بوده و در هر دو شهر گوردوارا دارند. "گوردوارا" محل عبادت سیک هاست. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: "گورو" که در اینجا منظور کتاب _گورو گُرت صاحب_ است، و "دوارا" به معنای دروازه و محل اجتماع است. بنابراین گوردوارا در لغت به معنای "دروازه گورو" یا "محل اجتماع مؤمنان" در حضور گوروست. گوردواراها معماری خاصی ندارند. به خاطر اصل یگانه پرستی و نفی پرستش بت در آیین سیک، معمولاً در گوردوارا هیچ گونه تصویر یا مجسمه ای، حتی مربوط به گوروها، قرار داده نمی شود.

عبادت در گوردوارا

گوردوارا دو ویژگی مهم دارد: نخست اینکه نسخه ای از کتاب _گورو گرت صاحب_ در آن است، و دوم اینکه مؤمنان سیک در آن جمع شده و مراسم نیایش برگزار می کنند. این مراسم عبارت است از: گوش سپردن به قرائت کتاب _گورو گرت صاحب_، خواندن آهنگین اشعار دینی و مجلس وعظ و آشنایی با تعالیم

دینی. مهم ترین مشخصه ظاهری گوردوارا نصب پرچمی خاص و بسیار بلند بر بام یا حیات آن است که به آن "نشان صاحب" می گویند. این پرچم مثلی شکل که معمولاً به رنگ زعفرانی و گاهی نیز آبی تیره است، منقوش به نشان "کهندا" یا خنجر دودم سیک هاست.

عبادت اصلی در گوردوارا قرائت کتاب مقدس است که احکام ویژه ای دارد. _گورو گرنت صاحب_ باید با احترام تمام باز شده و قرائت شود، و سپس با احترام بسته شود. باید در محلی بلند روی سکو یا چهارپایه در مکانی تمیز قرار داده شود. باید بالش های کوچکی برای نگه داری آن به کار رود. باید بر فراز این کتاب سایبانی افراشته شود و بادبزی برای حرکت دادن روی کتاب در دسترس باشد. حضور در گوردوارا برای پیروان همه ادیان آزاد است، ولی مستلزم رعایت احکام خاصی است؛ مانند: پوشاندن سر برای مردان و زنان، پابرنه وارد گوردوارا شدن و نیز عدم تمایز میان طبقه، نژاد و جنسیت؛ البته مردان و زنان در گوردوارا جدا می نشینند. در گوردوارا غیر از نیایش، مراسم سالگرد، درگذشت و تولد گوروها و یادبود حوادث مهم تاریخی آیین سیک، مانند تشکیل خالصاً نیز برگزار می گردد.

نام اصلی "معبد طلایی" سیک ها "هری مندیر" یعنی معبد خداوند است. نام "معبد طلایی" را انگلیسی ها، به خاطر پوشش طلایی آن به کار بردند، و بعدها به همین نام مشهور گشت. این معبد در میان استخری بزرگ قرار دارد. گوروی چهارم این استخر را در سال ۱۵۷۷ میلادی ساخت و بعداً پسرش گورو ارجن، اصل معبد را در میان استخر بنا کرد. گنبد معبد با لایه ای از طلا- به وزن صد کیلوگرم پوشانده شده و فضای داخل معبد با مهارت و ظرافت خاصی تزیین شده است. در میان معبد کتاب مقدس، زیر سایبانی زیبا و پارچه هایی رنگی قرار دارد. ساختمان کنونی معبد در سال ۱۸۰۳ بازسازی شد.

در این معبد شبانه روز متون مقدس قرائت می شود. خوانندگان سرودهای معنوی نیز در نوبت های سه ساعته، شبانه روز فضای معبد را آکنده از نوای موسیقی می کنند. قرائت کتاب مقدس معمولاً در تابستان از چهار صبح تا ده شب، و در زمستان از پنج صبح تا یازده شب ادامه پیدا می کند. در انتهای شب کتاب مقدس با احترام روی تخت روان با مشایعت مریدان به ساختمان اکال تخت منتقل شده و در اتاق مخصوص روی تختی زیبا خوابانده می شود. سحرگاه نیز بار دیگر کتاب مقدس به همان صورت به معبد طلایی بازگردانده می شود. در طی این

مدت نیز فضای داخلی و اطراف معبد با آب و شیر شسته می شود.

نماز در آیین سیک

سیک ها به جای نمازهای روزانه، هر روز سه وعده قرائت دارند؛ به عبارت دیگر، هر روز صبح، مغرب و هنگام خواب باید مجموعه ای از ادعیه و گزیده های کتاب مقدس خود، _گورو گرنت صاحب_ و هم چنین برخی فرازهای _جاپچی صاحب_ را که عالمان سیک برای فریضه روزانه گزینش کرده اند، بخوانند. نام این قرائت های روزانه "پات(۱)" است.

۱. نماز صبح؛ از ساعت دو صبح تا غروب آفتاب فرصت دارد. بخش های مفصلی از کتاب مقدس سیک هاست که قرائت آن بیش از یک ساعت طول می کشد؛ از این رو، معمولاً سیک ها آن را به چند بخش تقسیم کرده و در فواصل گوناگون تا غروب آفتاب قرائت می کنند.

۲. نماز مغرب؛ از غروب آفتاب تا هنگام خواب فرصت دارد.

۳. نماز پیش از خواب؛ پیش از خواب باید خوانده شود و چون بسیار مختصر است و در حد چند بیت شعر است، همه سیک ها آن را پیش از خواب در همان بستر از حفظ می خوانند.

ص: ۲۹۲

هنگام خواندن این نمازها باید سر پوشیده و پاها برهنه باشد. این قرائت ها قبله خاصی ندارد، ولی اگر در گوردوارا خوانده می شود، باید رو به سمت جایگاه کتاب مقدس باشد. سیک ها هنگام خواندن این نمازها وضوی خاصی ندارند، اما پیش از نماز صبح باید غسل کرده و موهای خود را شانه کنند. هم چنین سیک ها باید روزانه اصل "نام جپتا"، یعنی ذکر مدام نام خدا را حتی به هنگام کار داشته باشند. هم چنین هر اندازه که می توانند باید به قرائت کتاب مقدس گوش دهند و با قرائت جمع همراهی کنند.

ص: ۲۹۳

۱. چگونه "آیین سیک" آمیزه ای از اسلام و آیین هندو شمرده می شود؟

۲. منظور از "پنج کاف" چیست؟

۳. نماز روزانه در آیین سیک چگونه است؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _دین سیک ها_، سیدمحمد روحانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.

۲. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، کتاب طه، ۱۳۸۶.

۳. _ادیان زنده شرق_، ویراسته جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

آیین کنفوسیوس

"کنفوسیوس" در حدود سال ۵۵۱ قبل از میلاد در ایالت "لو" (نام جدید: استان شانگدونگ) در چین به دنیا آمد. او نزد مادر خود رشد کرد و در پانزده سالگی معلم شد که نشان از هوش سرشار او داشت. بسیار جوان بود که ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر بود. دخترش با یکی از نزدیک ترین شاگردان پدر ازدواج کرد. کنفوسیوس درباره خاندان امپراتوری شانگ (۱۶۰۰ تا ۱۰۴۶ قبل از میلاد) به تفصیل مطالعه کرد. در زمان کنفوسیوس دغدغه اصلی عالمان، حل معضل بی قانونی و بی ثباتی جامعه بود. او در تلاش برای بازگرداندن نظم و قانون به جامعه چین، شروع به نظریه پردازی کرد و الگوی درست حکومت را همان حکومت خاندان شانگ دانست، زیرا مردم در آن زمان در آسودگی، نظم و رفاه بودند. کنفوسیوس یک معلم بود و نه پیامبر. ادعای نبوت و معجزه نداشت و فقط مقداری

دستوراتی اخلاقی و اجتماعی که از آثار گذشتگان یافته بود، تجویز می کرد. سخن مشهوری از کنفوسیوس نقل شده است که نشان می دهد او در صدد بوده تا اندیشه گذشتگان خویش را احیا کند:

من راوی هستم نه مخترع. من به سخنان گذشتگان شوق و علاقه دارم و آنها را تصدیق می کنم. من حکیم مادرزاد نیستم، بلکه تنها کاری که می کنم آن است که تحقیقات پیشینیان را به دست آورم و در فهم و درک آنها سعی بلیغ مبذول دارم (۱).

کنفوسیوس زندگی پرماجرایی داشت و علاوه بر تعلیم شاگردان به کارهای حکومتی نیز می پرداخت. او در پنجاه سالگی به وزارت دست یافت و مقام او در زمانی کوتاه، بالا رفت و وزیر اعظم شد. او سعی کرد یافته های خود را به امپراتور زمان خویش تفهیم کند و از او بخواهد که به دستورالعمل های اخلاقی و اجتماعی او عمل کند. امپراتور به سخن کنفوسیوس مشکوک شد و گمان کرد او می خواهد به امپراتوری برسد؛ بنابراین او را از دربار اخراج کرد. کنفوسیوس که دیگر جایگاه خود را در دربار از دست داده بود و مورد حسادت رقیبان نیز قرار گرفته بود، گوشه عزلت پیشه کرد و به تربیت شاگردان پرداخت.

ص: ۲۹۶

سرانجام هنگامی که به سال ۴۷۹ قبل از میلاد، مرگ به سراغ وی آمد، از عدم موفقیت کامل خویش اندوهگین بود.

احیای آموزه ها

هنگامی که در اواسط دوره امپراتوری "هان"، یعنی قرون اول و دوم میلادی، آیین بودا وارد چین شد، متفکران چینی در صدد احیای اندیشه های بومی خود برآمدند تا هویت خود را بازیابند. در این میان به اندیشه های "لائوتزه"، بنیانگذار آیین دائو و "کنفوسیوس" بیش از بقیه توجه شد. به ویژه از آنجا که کنفوسیوس نظریه هایی برای حکومت داری ارائه کرده بود، این نظریات مورد توجه دربار قرار گرفت و احیا شد. این توجه تا جایی پیش رفت که به کنفوسیوس مقام الوهیت دادند و او را می پرستیدند. در همین ایام بود که از دل فلسفه اخلاقی و حکومت داری کنفوسیوس، دینی به وجود آمد. به عبارت دیگر، برای کنفوسیوس معبد ساخته شد و شعائر و مناسکی برای این دین جدید تعریف شد. تا پیش از آن زمان، کسی تعالیم کنفوسیوس را دین نمی دانست.

پس از انقلاب کمونیستی چین در ۱۹۴۹ مبارزه شدیدی با اندیشه های وی آغاز شد و کمونیست ها او را کسی معرفی کردند که در مقابل توده های زحمت کش، از طبقه اشراف حمایت کرده

است؛ البته با فروپاشی شوروی، نظام کمونیستی چین نیز مجبور شد برخی آزادی‌های دینی را به مردم بازگرداند و از جمله بر شخصیت کنفوسیوس، به عنوان نماد فرهنگ چین سرمایه‌گذاری کند.

آثار

کنفوسیوس در سال‌های آخر عمر خود کتاب‌هایی نوشت که جزو ادبیات کلاسیک چین شد. کتاب‌های وی عبارتند از:

۱. شو جینگ _ (کتاب تاریخ)؛
۲. شی جینگ _ (کتاب شعر)؛
۳. لی چی _ (کتاب شعائر)؛
۴. بی جینگ _ (کتاب تبدلات)؛
۵. چون چیو _ (سالنامه بهار و پاییز (۱)).

چهار کتاب نخست، گزیده‌ای از سخنان پیشینیان را نیز در بر دارد، ولی سراسر کتاب پنجم از خود اوست.

تعالیم

کنفوسیوس می‌گفت: انجام قربانی برای آسمان و زمین به

ص: ۲۹۸

۱- منظور از «سالنامه بهار و پاییز» تاریخ سیاسی امپراتوران گذشته و منظور از «بهار و پاییز»، اوج و حضيض قدرت فرمانروایی آنان است.

معنای خدمت به پیشگاه خداوند است؛ انجام مراسم و تشریفات دینی در معابد نیاکان، به معنای پرستش نیاکان است. اگر کسی حقیقتاً معنای قربانی کردن برای آسمان و زمین و نیز اهمیت اعمال عبادی را - که برای پرستش ارواح نیاکان در تابستان و پاییز صورت می پذیرد- می فهمید، حکومت کردن بر ملت به اندازه نشان دادن کف دست ساده می شد. (۱)

تعالیم کنفوسیوس ترکیبی بود از اصول اخلاقی سیاست مُدُن و مقداری مسائل دینی. وی معتقد بود که اجداد مردم طبق قاعده "لی" زندگی می کردند و از این رو، از انواع نیکی ها و برکات برخوردار بودند، ولی مردم زمان وی بر اثر رها کردن آن شیوه از آن امور محروم مانده اند. "لی" از دیدگاه کنفوسیوس معانی مختلفی داشت و برای پاکی ادب تشریفات و عبادت به کار می رفت. وی معتقد بود با پیروی از لی هر چیز به سامان می آید و جامعه آرمانی تشکیل می شود. "لی" در متن های مختلف، معانی گوناگونی مانند: روح، قربانی، دین، اخلاق و آداب سلوک می دهد. مراد از "لی" آیین ها و قربانی های رسمی است که شامل آیین خاکسپاری و احترام به ارواح نیاکان نیز می شود. هم چنین شامل قواعد مربوط به رفتار مناسب در شرایط مختلف

ص: ۲۹۹

۱- بوش، ریچارد، «مذهب در چین و ژاپن» در جهان مذهبی، ج ۲، ص ۴۸۷.

است. کنفوسیوس این قاعده را به تفصیل در کتاب _لی چینگ_ آورده است. آیین کنفوسیوس نظام دینیاری ویژه ای ندارد؛ مراسمات مختلف آنان به ویژه کفن و دفن مردگان را راهبان دائویی، بودایی و حتی اخیراً کشیش های مسیحی برایشان انجام می دهند.

اصول اخلاقی

کنفوسیون پنج رابطه را مطرح کرد که هر گاه درست برقرار شوند، همه چیز درست می شود:

۱. مهربانی در رابطه میان پدر و پسر؛

۲. لطف برادر بزرگ تر به برادر کوچک تر و تواضع برادر کوچک تر در مقابل برادر بزرگ تر؛

۳. عدالت شوهر با زن و اطاعت زن از شوهر؛

۴. علاقه مندی زبردستان به زبردستان و اطاعت زبردستان از زبردستان؛

۵. مهربانی فرمانروایان به رعایا و وفاداری رعایا به فرمانروایان.

کنفوسیوس درباره "آرمان شهر" و رابطه شهریار با رعایا تعلیم می داد که هر گاه فرمانروایان خود به قوانین تن در دهند، همه مردم از مقامات عالی تا ضعیف ترین فرد کشور نیز مطیع قانون می شوند.

ص: ۳۰۰

آیین کنفوسیوس نیز دو نوع عبادت دارد: معبدی و خانگی. اساس عبادت کنفوسیوسی این تعلیم کنفوسیوس بود که می گفت: "به نیاکان خود احترام بگذارید." به مرور زمان، این اصل تبدیل به اساس نیاکان پرستی در آیین کنفوسیوس شد. احترام به نیاکان در آیین دائو نیز وجود دارد و جزو مشترکات همه مردم چین است. امروزه بسیاری از مردم سنتی چین، نمازخانه ای در خانه خود دارند و در آنجا تابلویی سنگی وجود دارد که فهرست نیاکان و درگذشتگان از بستگان و تصاویر آنان را روی آن حک کرده اند. پیروان کنفوسیوس با سوزاندن بخورهای خوش بو و زانو زدن در مقابل این تابلوهای سنگی و چند لحظه سکوت به یاد آنان (مدی تیشن) و یا خواندن دعایی باستانی به یاد درگذشتگان، به ارواح آنان احترام می گذارند. سپس بخور را پای تابلوی سنگی قرار می دهند. چینی ها روزی در سال به نام "روز پاک کردن قبور" دارند که در اوایل ماه آوریل است. در این روز به قبرستان رفته و به پاک کردن قبور بستگان می پردازند و اگر نیاز به تعمیر داشته باشد، تعمیر می کنند. سپس غذا و نوشیدنی سر قبر می گذارند و کاغذهایی رنگی را می سوزانند. دلیل این کارشان را چنین توجیه می کنند که سوختن این کاغذها باعث می شود پول به دست مردگان در برزخ برسد.

عبادت در معابد نیز همانند عبادت در نمازخانه های خانگی است. در معابد در مقابل تصویری از کنفوسیوس زانو می زنند و بخور می سوزانند. سپس خواسته های خود را آرزو می کنند. یکی دیگر از عبادات روزانه کنفوسیوسی ها که نیایش های روزانه آنها را تکمیل می کند، خواندن روزانه بخشی از کتاب *بی جینگ*، یکی از پنج کتاب باستانی چین و منسوب به کنفوسیوس است.

در آیین کنفوسیوس نه نظام روحانیت وجود دارد و نه مکان ویژه برای پرستش، و روشن است که هیچ نماز و عبادت ویژه ای نیز در اصل این آیین تعریف نشده است؛ البته معابد بسیاری در چین، کره و ژاپن دارد. در عوض، آیین کنفوسیوس سعی می کند در ابعاد اخلاقی زندگی شخصی پیروان خویش حضور داشته باشد. شاید بتوان گفت، امروزه آیین کنفوسیوس در بعد عبادی به پرستش نیاکان یا احترام به نیاکان (هر دو را گفته اند)، گرویده است. بسیاری از چینیان و دیگر معتقدان، به زیارت بستگانشان در معابد کوچک خانگی می پردازند. در این نمازخانه یا زیارتگاه های خانگی تابلوهایی از فهرست همه درگذشتگان تهیه شده، و هم چنین عکسی از هر یک از آنان در آن گذاشته شده است. در مواقع ویژه ای از سال، و در مورد برخی از چینی ها روزانه، پدر خانواده یا یکی از پیرمردان سالخورده، مقداری غذا و

نوشیدنی مخصوص را به آن نمازخانه و در واقع به آن ارواح پیشکش می کنند. آیین پیشکش نذورات راهی است که آنان گمان می کنند بدان وسیله مردگانشان را احترام می گذارند.

کتابی متعلق به سنت نو-کنفوسیوسی به نام _مناسک خانواده_ وجود دارد که در آن چگونگی انجام شعائر مربوط به گذشتگان در نمازخانه خانگی را توضیح داده است. این کتاب نه تنها در چین بلکه در ژاپن، ویتنام و کره جنوبی منبعی است برای کسانی که به پرستش نیاکان می پردازند.

آیین های همگانی در معابد کنفوسیوسی، که در سراسر شرق آسیا وجود دارد، برگزار می گردد. اگرچه بسیاری از این معابد تحت فشار چین کمونیست در زمان انقلاب کمونیستی چین در نیمه قرن بیستم به موزه تبدیل شدند، اما گهگاه پیشکش هایی در بهار و پاییز به همین معابد موزه تقدیم می شود. یکی از برجسته ترین معابد کنفوسیوسی، معبد کنفوسیوس در شهر گوفو و معبد کنفوسیوس در بیجینگ (پکن) است. در بیرون چین مراسم باستانی و سنت های کنفوسیوسی هنوز در معابدی در ویتنام و کره جنوبی برگزار می گردد. برای مثال، در چونگمو در نخستین یکشنبه ماه می، مردم پیشکش هایی مانند غذا و بخور را به ارواح تقدیم می کنند. این آیین در روز تولد کنفوسیوس نیز اواخر ماه سپتامبر برگزار می شود. معابد کنفوسیوسی گاهی

مکانی برای چین پیشکش هایی بود. گاهی نیز این مراسم را خود امپراتور هدایت می کرد؛ برای مثال، گاهی امپراتور چین ردایی آبی می پوشید که روی آن تصویر ازدها نقش بسته بود و در روز یلدا (کوتاه ترین روز سال)، به مناسبت بازگشت انرژی مثبت و گرم یانگ، مراسمی را برگزار می کرد. او در معبد کنفوسیوس مذبحی دایره ای را که نماد آسمان بود، آتش می زد. دودی که از این آتش به هوا برمی خاست، خدای بزرگ شانگدی را به مراسم فرامی خواند. گوشت گوساله ای برای پیشکش تقدیم می شد و همه با موسیقی ناقوس، فلوت ها و طبل های سنگی همراهی می کردند.

آنچه شاید بتوان معادل نماز در آیین کنفوسیوس دانست، نوعی مدی تیشن است که "نشستن آرام" نام دارد. کنفوسیوس بسیار پیش تر از ورود آیین بودا به چین، این نوع مدی تیشن را در تعالیم خود آورد. این مدی تیشن در کتاب _تعلیم بزرگ_ آمده است. "نشستن آرام" بیشتر شبیه مدی تیشن در آیین بودا و دائوست که بر پاک کردن ذهن تأکید دارند. پیروان آیین کنفوسیوس ممکن است بر آموزه ای اخلاقی یا بر تنفس خود تمرکز کنند، اما هدف نشستن آرام در آیین کنفوسیوس، برخلاف مدی تیشن در آیین بودا و دائو، تلاش برای هماهنگ شدن با واقعیتی بزرگ تر نیست؛ در واقع، این نوع مدی تیشن

کنفوسیوسی، آمادگی روحی و روانی برای آموختن و ادراک فراهم می سازد. (۱)

ص: ۳۰۵

.Shlager , world Religions, P.۱۶۶-۱

۱. آیا کنفوسیوس یک پیامبر بود یا یک معلم اخلاق؟

۲. مهم ترین دغدغه زمان کنفوسیوس چه بود؟

۳. آثار کنفوسیوس را نام ببرید.

۴. عبادت در آیین کنفوسیوس به چه طریقی انجام می شود؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _تاریخ فلسفه چین_، فانگ یو-لان، ترجمه: فرید جواهر کلام، پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.

۲. _ادیان چین و ژاپن_، مایکل ساسو، ترجمه: محمدعلی رستمیان، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.

۳. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.

۴. _مکالمات_، کنفوسیوس، ترجمه: کاظم زاده ایرانشهر، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

آیین دائو

آیین دائو (۱) (که تلفظ قدیمی آن تائو است)، بر اساس تعالیم شخصیتی نیمه اسطوره ای به نام لائوتزه (۵۱۷-۶۰۴) در قرن ششم قبل از میلاد در چین پیدا شد. این آیین نامش را از واژه "دائو" گرفته است که در لغت به معنای "راه" است، اما در اصطلاح، توازن طبیعی و قانونی است که در عالم هستی جاری و ساری است. "دائو" آن نیرویی است که به هستی، طبیعت و زندگی اشخاص نظام می بخشد. می گویند لائوتزه از کارمندان دربار بود. پس از چندی به این نتیجه رسید که کار درست عدم دخالت در زندگی طبیعی مردم است و دربار (دولت) با وضع قانون و تعلیم کودکان، در زندگی طبیعی آنان مانع ایجاد می کند. بنابراین، تصمیم گرفت دربار را رها کرده و در گوشه ای

ص: ۳۰۷

به عزت نشینی پردازد. هنگام خروج از شهر یکی از دربانان از او تقاضا کرد که از دانش خود نکته ای به او بیاموزد. لائوتزه در کنار دیواری ایستاد و رساله ای نوشت که امروزه کتاب مقدس اصلی دائوییان شمرده می شود. نام این کتاب "دائو دِ جینگ"، به معنای "کتاب راه فضیلت" است. امروزه دانشمندان معتقدند که _دائو دِ جینگ_ محصول اندیشه یک نفر نیست، بلکه دانشمندان گوناگونی در طول قرون آن را تکمیل کرده اند. امروزه بیش از چهار میلیون نفر خود را دائویی می دانند و فرهنگ همه مردم چین و تا حدودی ژاپن متأثر از این آیین است. گفتنی است، تخمین تعداد دقیق آنها ممکن نیست، زیرا در کشور کمونیستی چین آمار دقیقی از پیروان ادیان وجود ندارد.

عقاید اصلی

نخستین بار در _دائو دِ جینگ_ بود که لائوتزه به "دائو" معنایی متافیزیکی و والا بخشید. لائوتزه شناخت دائو و یکی شدن با آن را هدف والای زندگی انسان فرزانه دانست و حقیقت آن را غیر قابل بیان عنوان کرد. اعتقاد به دائو، جهان بینی خاصی به انسان می بخشد. همه چیز از دائو به وجود آمده است، اما دائو آفریدگار عالم نیست، بلکه مسیر طبیعی آفرینش است. از دائو یک زاده شد؛ از یک، دو و از دو، سه و از سه همه چیز. می گویند منظور

از "یک" اصل اساسی عالم یعنی "چی" است، و "دو" اشاره به دو نیروی طبیعی یانگ (نیروی مثبت، گرم، مذکر و...) و یین (نیروی منفی، سرد، مؤنث و...) است و "سه"، اشاره به آسمان، زمین و انسان است. به اعتقاد مردم چین باستان جهان از ترکیب، یین و یانگ به وجود آمده است. در حالت طبیعی این دو در تعادلند هستند و اگر این تعادل به هم بخورد، اتفاق ناخوشایندی می افتد. عالمان باستان چین اعتقاد داشتند اگر امپراتور عدالت را رعایت نکند، تعادل این دو نیرو بر هم خواهد خورد و در نتیجه قحطی و خشک سالی بر کشور مستولی خواهد شد. نظریه "یین و یانگ" اساس مناسک دینی پیروان دائو را شکل می دهد. در تصاویر سنتی چین نبرد اژدها و ببر، نبرد کیهانی این دو نیرو را به تصویر می کشند.

یکی دیگر از باورهای اصیل دائویی، اصل بی عملی یا "وو-وی (۱)" است. این اصل می گوید نباید در روال طبیعی کارها دخالت کرد. بگذارید که طبیعت کار خودش را بکند. دخالت دولت با وضع قانون در زندگی مردم و نیز تغییر طبع سالم بشری با فرستادن کودکان به مدارس، الگوها و ساختارهای طبیعی بر هم می خورند، و این به معنای فاصله گرفتن از

ص: ۳۰۹

دائوست. ریشه همه گرفتاری های بشر نیز فاصله گرفتن از دائوست. در _دائو د جینگ_، بی عملی یعنی التزام به سکون و عدم دخالت در امور. بی عملی است که باعث هماهنگی و بهروزی این جهانی انسان می شود.

دائو تأثیر چندانی در جهان ندارد و این ارواح نیاکان بودند که امور جهان را به عهده داشته و نیکان را پاداش و بدان را به مجازات می رسانده اند. کار اصلی خداوند این بود که عنوان "پسر آسمان" را به خاقان چین اعطا می کرد. بنابراین، منصب امپراتوری در چین نیز مانند ژاپن، منصبی آسمانی و الهی شمرده می شد و کسی حق نداشت علیه "پسر آسمان" یا "پسر خورشید" قیام کند.^(۱)

در رساله _تائو د چینگ_ آمده است که اشیا هرگاه در بستر طبیعی خود سیر کنند با کمال تناسب حرکت خواهند کرد، زیرا این حرکت با تائو هماهنگ است، ولی هرگاه چیزی از بستر طبیعی منحرف شود، تناسب خود را از دست می دهد. هدف نهایی انسان باید آن باشد که خود را با تائو هماهنگ کند.

درباره آیین تائو دو اصطلاح وجود دارد: "تائو جیا" که اشاره دارد به آن فلسفه تائویی که در کتاب _تائو د جینگ_ آمده است، و

ص: ۳۱۰

۱- شاله، فیلسین، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ص ۱۷۰.

"تائو جیائو" که به معنای آیین "تائوی دینی" است. تائوی دینی برترین واقعیت را اصل تائو می داند و طالب رسیدن به آن و نیز تعادل روحی است. این آیین در نهایت، رسیدن به بی مرگی را آرزو می کند. در تائوی دینی که قرن ها پس از تائوی فلسفی پیدا شد، گرایش به جن گیری و کارهای شمنی و جادوگری نیز دیده می شود. "جوآنک زه چوانگک تسه" پس از لائوتزه معروف ترین فیلسوف تائوتیسم است و گفته می شود وی در قرن چهارم قبل از میلاد، تعالیم استاد فرضی خود لائوتزه را نشر داده است. به این حکیم ۳۳ مقاله نسب داده اند که بسیاری از آنها قطعا از اوست. وی تحولات جهان را به شکل دَوْرانی ترسیم می کرد و معتقد بود اضداد بر یکدیگر تأثیر می گذارند و از میان می روند. او معتقد به نسیت خیر و شر بود و برای بیان اندیشه های خود از تمثیل های بسیاری استفاده می کرد.

مناسک و آیین ها

پیروان آیین دائو گونه ای از انضباط را دارند که با گوشه گیری و ساده سازی نیاز های جسمانی به منظور نیل به مراتب معنوی، را بر خود هموار می کنند. در هر صورت باید توجه کرد که بدن به منزله بخش اساسی برای نیل به این مراتب تلقی می شود که باید تعالی یابد؛ بنابراین، باید از جامعه بر کنار بود و جسم را در

معرض انضباط قرار داد. این کار به معنای ریاضت و شکنجه نیست.

مسئله مهم دیگر در ارتباط با آیین و مناسک، بحث "رهبانیت" و مجرد دائویی است که به درستی معلوم نیست. کهن ترین اشکال دائویی سازمان یافته، سنت رهبانیت خاصی را نپروورانده است. فرقه "استادان آسمانی" بر انجام ازدواج و انتقال آموزه ها از طریق پدر به پسر تأکید می کند.

آیین دائو توجه بسیاری به آیین ها و مناسک نشان می دهد و مجموعه ای به نسبت پیچیده، مشتمل بر احترام و رعایت های مرتبط با آیین ها و شعائر مقدس، مناسک تشریف، طهارت، تجدید چرخه حیات و تحولات مربوط به آدمیان را پدید آورده است. هم چنین عزایم خوان هایی که می کوشند بر ارواح شرفایق آیند، مناسک دعا و تعویذها را اغلب در موارد خاصی چون بیماری برگزار می کنند. مناسک دیگری نیز به صورت مرتب، در ماه های قمری، اعیاد و جشن های مرتبط با آن، به ویژه جشن سال نو برگزار می کنند. مراسم "تجدید عالم" نیز در انقلاب زمستانی جشن گرفته می شود و نماد احیای عالم است. سوزاندن عود، در کانون مناسک دائویی قرار دارد که با پیشکش های قربانی و آتش زدن نوشته های مقدس، مثل طلسم ها و دعاهایی که روی کاغذ نوشته شده، همراه است.

ص: ۳۱۲

مراسم و مناسک دائویبی به نحو عمیقی سرشار از تجربه های مراقبه ای است. هر تمرین مراقبه ای، مقدم بر آن و یا همراه با آن، سلسله اعمال آیینی ای چون: تطهیر، سجده، خضوع، اطاعت و آتش زدن عود و کندر است. اعمال دینی دائویبی، خواه در شکل فردی و خواه جمعی، بر مراقبه و انجام آیین ها، استوار است. همه آنها در صدد نیل به پاکی از طریق خودداری از کارهای نادرست و کسب سلامتی از طریق شعائر مربوط به طول عمر هستند. نیل به طول عمر طولانی، مشتمل بر سبک زندگی ای مبتنی بر تعادل و میانه روی و کوشش بر حسب قانون "چی"، به ویژه از طریق برنامه رژیم غذایی، ورزش، تنفس و کنترل روابط جنسی، و نیز اهمیت تمرکز ذهنی، کسب مهارت از طریق تمرین های تمرکز روی یک نقطه و نیز کسب مهارت از طریق شهود انرژی های باطنی، خدایان و پروازهای خلسه ای به ستارگان، بود. مراقبه دائویبی شامل اعمال خاصی جهت نیل به آرامش، سکون و تمرکز است. روش های گوناگون موسوم به "مشاهده" (۱) به شرکت کنندگان اجازه می دهد تا کاملاً با دائویبی یکی شوند. روش های تجسم، نیروی "چی" در اندام های داخلی را افزایش داده، که این به نوبه خود عدم تناهی جسم را در پی

ص: ۳۱۳

Observation - ۱

دارد. علاوه بر این، مناسک و آیین‌ها در سنت دائویی، ترکیبی از قربانی‌های رایج در چین قدیم و مراسم سنتی دربار است. هسته این آیین هم‌قرار گرفتن در حضور دائو، به سان خدایان آسمانی است.

دیگر شکل عمده ارتباط آیینی، همان پیشکش در مراسم موسوم به "جائو" (۱) است. برای پیشکش ویژه مراسم جائو، نخست مذبحی برپا می‌شود؛ آن‌گاه دعوتنامه‌های مکتوبی برای خدایان ارسال می‌گردد تا به باور ایشان، خدایان به مکان مقدسی پیرامون مذبح فرود آمده و بوی خوش کنند و عود به آنها تقدیم شود و شرف یابی بانیان اصلی این مراسم به حضور این خدایان انجام گیرد. وقتی مراسم شرفیابی و حضور پایان یافت، از خدایان سپاس‌گزاری و قدر دانی شده و مردم هم به خانه‌های خود برگشته و مذبح نیز برچیده می‌شود. این مراسم بر حسب اهمیت مورد آن می‌تواند به لحاظ زمانی از یک روز تا چند هفته به طول بینجامد. این مراسم با موسیقی و رقص همراه است که همه آنها تحت هدایت استاد این مراسم، یعنی روحانی دائویی برگزار می‌شود. هدف تمام مراسم‌ها و مناسک آیینی ارتباط در آیین دائو، بازگرداندن این جهان به حالت دائوی

ص: ۳۱۴

آغازین، یعنی حالتی که در آن آسمان، زمین و انسان در هماهنگی خلاق با هم پدید آمدند، می باشد. (۱)

امروزه نیز پیروان آیین دائو همان اعمال و مناسک دائویی قرون میانه را انجام می دهند، که عبارت است از: مناسک ارتباط با خدایان گوناگون و تشویق به پرورش و تهذیب نفس فردی. هنوز هم روی تمرکز اصلی ارتباط با دائو از طریق یک سلسله تجارب و آداب و رسوم است؛ با این همه، روش ها و اشکال جدیدتری هم پدید آمده است.

دین رسمی

برای نخستین بار در سال ۱۶۹ میلادی یکی از پادشاهان چین، معبدی به نام "لائوتزه" بنا کرد و هدایایی تقدیم داشت، ولی تائوئیسم پیشرفت چندانی نکرد تا آنکه در قرن هفتم میلادی این آیین در چین رسمیت یافت. در آن زمان آیین بودا و مکتب کنفوسیوس در چین پیشرفت کرده بودند. افرادی به جهت آنکه آیین بودا از کشور هندوستان به چین سرایت کرده و آیینی بومی نیست، به ترویج تائوئیسم پرداختند. آنان آداب و رسومی را بنا نهادند و برای چیزهای مختلف خدایانی را مطرح کردند. با این

ص: ۳۱۵

حال، این آیین در چین پیروان اندکی داشت و کم کم از صحنه بیرون شد. با آنکه دولت کمونیستی چین با افکار مذهبی شدیداً مبارزه می کند، هنوز هم افرادی به جنبه های جادویی این آیین علاقه دارند.

آموزه های "تائو" و "کنفوسیوس" در ابتدا "دین" نبودند و بیشتر شبیه مکتبی فکری و فلسفی بودند، اما هنگامی که آیین بودا وارد چین شد، دانشمندان محلی چین تلاش کردند تا دینی را از دل این دو فلسفه استخراج کنند؛ از این رو، هنگامی که تائو مطرح می شود، باید مشخص شود که از "فلسفه تائو" که لائوتزه آموخته است، صحبت می شود یا از "دین تائو" که بعداً ساخته شد.

عبادت در آیین دائو

راهبان دائویی ردهایی رنگی می پوشند و کلاه هایی مشکی بر سر می کنند. آنها شعائری را به اجرا درمی آورند که فعالیت هایی جشن گونه است که طبق دستورالعمل های خاصی به اجرا درمی آید. این مناسک شامل: قرائت اذکار مقدس، خواندن دعاها، مختلف، مدی تیشن، مباحثه فصول مختلف کتاب _دائو دِ جینگ_، سوزاندن بخورهای خوش بو و نماز به درگاه خدایان و الهه های مختلف است. اغلب این مراسم در معابد دائویی برگزار

می شود که پر شده از آثار هنری لرزان که هر کدام حاکی از خدایان و موجودات نامیرای گوناگون است. در آسیا چین معابدی اغلب با عنوان "پاگودا" طراحی می شوند. پاگودا ساختمانی است که چند طبقه بلندی دارد و هر طبقه سقف مانندی قرینه و به موازات سقف اصلی دارد که در مجموع، ساختمان پاگودا را به شکل درخت کاج درمی آورد. جالب است که انحنای سقف و سقف گونه های پاگودا به طرف بالاست. فقط در تایوان بیش از هشت هزار معبد وجود دارد با ۳۳۸۵۰ راهب یا روحانی در آن. جمهوری خلق چین ۱۵۰۰ معبد دائویی دارد.

شکل اصلی مراسمات آیین دائو، "جیائو" یا پیشکش است. پیشکش طی نمازی تقدیم خدایان می شود تا رضایت و یاری آنها را بطلبد. این پیشکش ها طیفی از شراب و غذایی ساده که در نمازخانه خانوادگی گذاشته می شود تا پیشکش های بسیار پیچیده را شامل می شود که در بزرگداشت یکی از روزهای مقدس در تقویم دینی آیین دائو به کار گرفته می شود. دینیاران دائویی برای پیشکش های مفصل در تعدادی از روزهای سال مهیا می شوند. این گونه خود و معبد را آماده می کنند که جامه ها را می شویند، آلات موسیقی ویژه ای فراهم می کنند و شمع و بخور روی روغن داغ فراهم می آورند.

در نخستین روز از چین جشنواره های مربوط به مراسم

پیشکش، راهب، حرکتی دسته جمعی در شهر به راه می اندازد و "سه شخص پاک" را فرا می خواند تا در مراسم آنها حاضر شوند. یک پرچم زرد بیرون معبد آویخته می شود تا توجه خدایان را جلب کند. روحانیان دائویی به هنگام پیشکش چیزهایی مانند چای، شمع و یا میوه که به منظور احضار خدایان است، سرودهای مذهبی سر می دهند و به رقص آیینی می پردازند. یکی از آیین های معروف "تقسیم چراغ ها" است که در آن شمع هایی در معبدی تاریک افروخته می شود تا نماد بازگشت نور به جهان باشد. چنین آیین هایی گاه تا سه روز طول می کشد که با آتش بازی، سرودخوانی و موسیقی همراه است.

روحانیان دائویی ممکن است گهگاه شعائری مربوط به دور کردن ارواح شریر برگزار کنند. این مراسم می تواند در خانه ها و یا حتی جاهایی که محل سکونت ارواح تلقی می شود، انجام گیرد. در این مراسمات روحانی ابزارهای مختلف مذهبی را به کار می گیرد؛ مثل: پرچم هایی که روی آن جملاتی از کتاب های مقدس نوشته شده، آب متبرک شده، بخور، شمشیر و حتی شلاق خاصی برای راندن ارواح پلید. هنگامی که راهبان دائویی از خانه یا محله ای می گذرند، معمولاً ادعیه و اذکار خاصی را با خود زمزمه می کنند.

دائویی ها در طول سال، مراسم مفصل فراوانی ندارند و بخش اصلی عبادت آنها در زیارتگاه یا نمازخانه خانگی شان برگزار می شود. هر خانواده سنتی دائویی زیارتگاهی خانگی دارد که در آن شجره خانواده و نیاکان قرار دارد و شمع هایی در اطراف آن روشن است. زیارتگاه معمولاً بخشی از فضای خانه یا جایی کنار خانه است که در آن نمادها یا تصاویر مربوط به خدای خاص یا گروهی از خدایان مورد احترام خانواده قرار داده می شود. مردم در زیارتگاه شمع روشن می کنند و بخور می سوزانند تا ارواح درگذشتگان از بستگان خود را فرا بخوانند یا خدایان معینی را به یاری فرا بخوانند. گاهی شراب ریخته می شود و غذایی شامل گوشت، برنج و شیرینی در نمازخانه یا زیارتگاه خانگی قرار داده می شود. برای اهداف گوناگون، مختلف از جمله: سلامتی، کامیابی و طول عمر، مراسم و آیین های خاصی دارند. "مدی تیشن" شکل دیگری از عبادت خانگی است. مدی تیشن در آیین دائو راهی است برای رسیدن به وحدت با حقیقت دائو. فنون خاصی برای تنفس در "تای چی جوان" مورد استفاده قرار می گیرد که مراقب است راه نیروی چی (qi) در بدن مسدود یا محدود نشود. (۱)

ص: ۳۱۹

تقویم دائویی تعدادی جشنواره را در طول سال معرفی می کند، اما هیچ برنامه مرتب و منظمی برای این سرویس ها در معابد وجود ندارد و هر معبدی به سلیقه و دلخواه خود برنامه ای می چیند. زیارتگاه ها و معابد در تمام ساعات باز نگه داشته می شوند و مؤمنان شمع روشن کرده، بخور سوزانده و دعا می کنند. گاهی پیش گویی هایی را روی کاغذ نوشته و در داخل نی بامبو قرار می دهند؛ هر کس یکی از آنها را به منظور فال و پیش گویی درمی آورد. آن هایی که نیاز به مراسم خاصی دارند، درباره اجرای آن با راهبان دائویی مشورت می کنند. دائویی ها گذاشتن غذای پیشکش در زیارتگاه های کنار جاده را نیز یکی از انواع عبادت می شمارند.

معابد دائویی گاهی مانند مراکزی برای زندگی عمومی عمل می کنند، جشنواره برگزار می کنند، نمایش های خیمه شب بازی راه می اندازند و نقالی و اپرا دارند. این عملکرد ثانوی معابد از ۱۹۴۹ که دولت چین سیاست فشار بر فعالیت های دینی را در پیش گرفت، به شدت کاهش پیدا کرد. به طور معمول، معابد در اروپا و آمریکای شمالی، علاوه بر اینکه خانه های عبادت دائویی هستند، مقاصد دیگری را نیز تأمین می کنند؛ مانند فضای کار یا مراکز عمومی شدن. این مراکز عمومی اغلب کلاس هایی درباره

فلسفه دائو، هنرهای رزمی مانند تای چی چوان، طب گیاهی چین و هنر باستانی "فنگ شوی" (۱) ارائه می دهند. (۲)

رعایت های دینی و زیارت ها

تقویم دائویی پر است از روزهای مقدس به افتخار روزهای تولد یا درگذشت نامیرایان مختلف، یا طیفی از روزها به اسم خدایان. بسیاری از این ها مصادف با پانزدهم ماه قمری یا در حدود آن هستند. مهم ترین این روزها، روزهای تولد "نامیراهای هشت گانه" در طی سال هستند. در چنین روزهایی پیشکش هایی در معابد تقدیم می شود و خانواده ها در چنین روزهایی در خانه هایشان در زیارتگاه خانگی، به نیاکان در گذشته شان پیشکش تقدیم می کنند. نهمین روز از نخستین ماه قمری دائویی، روز تولد "امپراتور یشم" است. در گرامی داشت این روز معمولاً مجلس بزرگ مناسکی، به نام "مجلس امپراتور یشمی" در معابد برگزار می شود و مردم جمع می شوند تا بخور بسوزانند. برخی دائویی ها روز سنتی مربوط به تولد لائوتزه را جشن می گیرند که روز پنجم مارس است.

جشن کوچک دیگری در پانزدهم ماه آگوست برگزار می شود.

ص: ۳۲۱

۱- feng shui

۲- Ibid, P. ۱۹۵

این روز جشن تولد خدای زمین، یعنی "زوانگ یوان" است. هم چنین این روز زمانی برای یاری کردن ارواح سرگردان است که اجباراً از مسیر اصلی ارواح منحرف شده و تشییع جنازه مناسبی نداشته اند. بخش مقدماتی این جشن، آیین شناور ساختن چراغ های آبی روی رودخانه یا دریاست. آن گاه که راهب دائویی خدایان را فرامی خواند، از هر خانواده یک نفر به کنار رود آمده و راهب را کمک می کند. در آنجا هر گروهی کاغذ کوچک فانوسی با شمعی روشن در درون آن دارد که در کنار رود آب شناور می کند؛ در واقع، شمع ها ابزار هدایت ارواح سرگردان هستند و آنها را آزاد ساخته و راه آسمان (بهشت) را به آنان نشان می دهند. گاهی در این جشنواره، آیین "رستگاری همگانی" برگزار می شود. در این آیین ضیافت بزرگی از کیک، نان، میوه و هر غذای خوبی که امکان دارد، فراهم می شود. نخست راهب دائویی غذاها را متبرک می کند و سپس ارواح سرگردان را دعوت می کند تا به مهمانی بیایند. سرانجام راهب غذاها را به سمت مردم می اندازد که نماد سهم کردن ارواح سرگردان در آن غذاهاست.

سال نو چینی

سال نو چینی در آخر ژانویه یا اوایل فوریه است و یکی از

ص: ۳۲۲

مهم ترین جشن های دائویی است. سال نو چینی در سیزدهمین روز از ماه دوازدهم قمری است. زمان دقیق آن از سالی به سال دیگر تفاوت دارد، زیرا چینی ها از تقویمی قمری تبعیت می کنند که به بخش های ماه وابسته است نه به ۳۶۵ روز سال شمسی. "سال نو" را روز نزول همه خدایان به روی زمین می نامند و نخستین روز مقدس آیین دائوست. دائویی ها معتقدند این روز علامت بازتولد نیروی مثبت یعنی "یانگ" در عالم هستی است. البته پیش از اینکه جشن سال جدید را بگیرند، حدود یک هفته به تفکر و محاسبه درباره مردگان اختصاص می یابد. (۱)

جشن دیگری که خیلی شایع است جشن روزی است که اختصاص به "خدای مطبخ" دارد تا به "آسمان" صعود کند و اعمال نیک و بد مردم را به امپراتور یشمی یعنی "یو- هوانگ" گزارش کند. برای اینکه خدای مطبخ گزارش خوبی به امپراتور یشمی بدهد، مردم لب هایشان را به غسل آغشته می کنند.

در اولین روز از جشن سال نو، دسته ای از مردم در خیابان های شهر و روستا راه می افتند و در حالی که در صف طویلی حرکت می کنند، سرشان را توی تن عروسک بزرگی از "اژدها"ی توخالی فرو می کنند و اژدها را به حرکت درمی آورند.

پیشاپیش

ص: ۳۲۳

این اژدها کودکی حرکت می کند که توپ سرخ رنگی در دست دارد که سمبل و نماد بازگشت انرژی مثبت یعنی "یانگ" است. در پایان این راهپیمایی، اژدها آن توپ سرخ را می بلعد که نماد اتحاد مردم با خدایان بوده و ثمره اش طولانی تر شدن عمر و زندگی شرکت کنندگان است.

در معابد و خانه های شخصی مناسبی برای خوش آمدگویی به "سه شخص پاک" اجرا می شود. شیرینی پیشکش می شود، زیرا کلمه چینی برای "شیرینی" و "آسمان" یکی است و به هر دو "تیان" می گویند. تکه های چوبی تاس مانندی را به هوا پرتاب می کنند تا بگویند که خدایان غذاهایشان را میل کرده اند و آرزوهای مؤمنان را برآورده خواهند ساخت. پیشکش های ویژه ای در خانه ها برای نیاکان تدارک دیده می شود. همه اعضای خانواده جمع می شوند تا خوراک مفصلی از ماهی، گوشت و کیک های خاصی را بخورند. هدیه هایی به یکدیگر می دهند و به کودکان پاکت های سرخ رنگی می دهند که توی آنها پول گذاشته اند.

غذاهایی که در جشنواره های خود تقدیم ارواح گذشتگان می کنند، گاهی گوشت یک حیوان قربانی است. سوزاندن عروسک های کاغذی و پول های کاغذی غیرواقعی است. می گویند وقتی چیزی مانند عروسک کاغذی یا پول کاغذی را

آتش می زنید، در عالم مردگان به صورت واقعی درمی آید و هدیه ای است برای مردگان.

تثلیت دائویی

دائویی ها تثلیثی به نام "سه خدای پاک" (۱) دارند که در معابد خود آنها را می پرستند. خدایان سه گانه عبارتند از: "یشم پاک"، "والای پاک" و "سبز پاک". جالب توجه است که فضای دینی معابد دائویی، برخلاف معابد بودایی، خیلی غلیظ نیست و بخشی از آن مطابق با پسند زائران ساخته می شود.

ص: ۳۲۵

۱. "دائو" چیست؟

۲. بنیانگذار آیین دائو را معرفی کنید.

۳. درباره دو نیروی "یین" و "یانگ" توضیح دهید.

۴. عبادت در آیین دائو چگونه است؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _تاریخ فلسفه چین_، فانگ یو-لان، ترجمه: فرید جواهر کلام، پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.

۲. _ادیان چین و ژاپن_، مایکل ساسو، ترجمه: محمدعلی رستمیان، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.

۳. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.

اشاره

"شین" یعنی "خدایان" و "تو" یا "تائو" یعنی "راه"؛ پس "شین تائو" یا "شینتو" یعنی "طریقه خدایان". شینتو آیین بومی و باستانی کشور ژاپن است که بنیانگذار خاصی ندارد. طبق اسطوره های این آیین، در مجمع خدایان، رئیس آنان یعنی الهه خورشید به نام "آماتراسو" مأمور آفریدن بهترین سرزمین شد. او نیز ژاپن را آفرید که سرزمین آفتاب تابان بوده و از این رو، سرزمین مقدس است. هم چنین متون مقدس شینتویی می گویند که امپراتور ژاپن از نسل آماتراسو است و مانند سرزمین ژاپن مقدس است. پس جان فشانی برای کشور و امپراتور ژاپن، جان فشانی برای خدا بوده و عبادت است. این آیین امروز حدود ۱۲۰ میلیون نفر پیرو دارد که بیشترشان در ژاپن زندگی می کنند.

مفهوم کامی

آیین شینتو قائل به ارواح و موجودات آسمانی بسیاری به نام "کامی" است. کامی ها دو گونه اند: کامی های اصلی و

کامی های فرعی. برخی از کامی ها چهره ای اسطوره ای داشته و از مقام و منزلت بالایی برخوردارند؛ مانند آماتراسو الهه خورشید که جزو کامی های اصلی به شمار می آید. شینتویی ها نیروهای طبیعت مانند: باد، آتش و اشعه های نور و پدیده های خاص طبیعی مانند: کوه های بلند، درختان بزرگ و آبشارهای باعظمت را دارای کامی می دانند. امپراتورهای پیشین و شخصیت های بزرگ و اثرگذار تاریخ ژاپن بعد از درگذشت، تبدیل به کامی می شوند. "کامی" مفهومی است که از ارواح نیاکان تا خدایان را در بر می گیرد. هر یک از معابد ژاپن دارای کامی خاصی است و در واقع، تقدس معبد به دلیل اعتقاد به وجود کامی در آن است. زائران برای زیارت کامی و نذر و نیاز با اوست که به معبد می روند.

تاریخ گسترش

آیین "شینتو" دین بسیار ساده ای مبتنی بر طبیعت پرستی و احترام به نیاکان بود که از آموزه های عمیق و بلندی برخوردار نبود. آیین مهاییانه بودایی در حدود سال ۵۵۲ میلادی با آموزه هایی پیچیده و مفصل و با تعدادی بت بودا وارد ژاپن شد. از آنجا که آیین شینتو پاسخی کافی برای زندگی پس از مرگ نداشت، بخش قابل توجهی از الهیات و فلسفه بودایی را در این

مورد پذیرفت. تا پیش از این تاریخ، هیچ گونه سابقه ای از بت پرستی در ژاپن دیده نمی شود، اما پس از این تاریخ، معابد بودایی ساخته شد که در آنها بت بودا و دیگر بوداسف ها قرار داشت و هنوز هم این بت ها وجود دارند و مورد پرستش بوداییان ژاپن هستند.

در قرن هفدهم برخی از عالمان شینتویی خواستند تا آیین شینتوی قدیم را احیا کرده و از آیین بودا فاصله بگیرند. در قرن نوزدهم ارتباط ژاپن با جهان، وارد مرحله تازه ای شد و آیین شینتو دین رسمی ژاپن اعلام گردید. در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ میلادی، حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی به دلیل اینکه آیین شینتو فرهنگ ژاپن را شکل داده و فراتر از یک دین برای این کشور بود، مورد حمایت دولت قرار گرفت.

آیین دولتی شینتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد، ادامه داشت. در این سال ژاپن شکست خورد و به اشغال آمریکا درآمد. پس از آن، این کشور به نوعی مستعمره فرهنگی آمریکا شد و فرهنگ سکولار بر فضای این کشور استیلا یافت. هم چنین امپراتور به طور رسمی در سال ۱۹۴۶ الوهیت خود را انکار کرد و عکس او از پیشخوان های معابد و مدارس برداشته شد. او در تبریک سال نو چنین اعلام کرد:

ص: ۳۲۹

در تبریک سال نو باید که ما... بدون شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، در جهت کنار گذاشتن رفتار گذشته خود حرکت کنیم... پیوندهای بین ما و مردم ما مبتنی بر افسانه ها و اسطوره ها نیست. آنها بر مبنای این حرف غلط که امپراتور جنبه الهی داشته و نیز اینکه مردم ژاپن از همه نژادهای دیگر برتر بوده و باید بر دنیا حکومت کنند، استوار نیست. امپراتور یک خدای زنده نیست. مردم ژاپن تنها از طریق تلاش فوق العاده خود قادر خواهند بود که سهم عمده ای در رفاه و ترقی بشریت ادا کند. (۱)

کتاب های شینتو

آیین شینتو دو کتاب مقدس اصلی دارد: _کوجی کی_ (ثبت موضوعات باستانی) و _نیهون جی_ (وقایع ژاپن باستان). این کتاب ها به ترتیب در ۷۱۲ و ۷۲۰ میلادی نوشته شده اند. بعداً دو اثر دیگر که یکی شامل نیایش و دیگری شعر بود، به این دو افزوده شد. در _نیهون جی_ آمده است: "این فرمان امپراتور ژاپن است که به عنوان تجسم خدا روی زمین حکومت می کند. (۲) هم چنین در متون مقدس آیین شینتو، دستورهای اخلاقی بسیاری بیان شده است؛ نمونه ای از آن چنین است:

ص: ۳۳۰

۱- Hartz, Shinto, P۷۲

۲- Ibid, P۱۶

کسی که حقیقت را بگوید، صدمه نخواهد دید؛ کسی که باطل است مطمئناً لطمه خواهد خورد... پرخوری را کنار بگذار و طمع را از خود دور کن. آنچه بد است گوشمالی ده و آنچه خوب است تشویق کن. از خشم و غضب و نگاه های خشم آلود بپرهیز. (۱)

انشعابات اصلی

فرقه های شینتویی را در سه دسته اصلی می توان تقسیم کرد: نخست، فرقه هایی که بر پرستش مظاهر طبیعی گرایش دارند؛ دوم، فرقه هایی که بر شمنیسم و ارتباطات مابعدالطبیعی تأکید می کنند؛ سوم، فرقه هایی که اسطوره ها، آداب تطهیر و مدی تیشن جهت آرام سازی و تخلیه ذهن را ترجیح می دهند.

بعد از خروج نیروهای آمریکا از ژاپن، کارایی آیین شینتو زیر سؤال رفت و از میزان زائران معابد کاسته شد و بسیاری از جشنواره های دینی برگزار نشدند. در مقابل، عالمان شینتویی به دنبال جلب حمایت عمومی برآمدند و در این راه از سیاست های مختلفی سود جستند؛ از جمله اینکه گونه ای آزادی دینی در تولید فرقه های جدید شینتویی پدید آمد که باعث شد در سال ۱۹۵۱ میلادی شمار جنبش های نوپدید دینی به بیش از

ص: ۳۳۱

هفتصد عدد برسد. امروزه متفکران ژاپنی نگاهی خاص به دین دارند و معتقدند دین باید همواره پیشرفت کند؛ لذا پیوسته فرقه های جدید درست می کنند و از این عمل ابایی ندارند. ژاپنی ها به ساختن فرقه های جدید معروفند.

عبادت معبدی

در آیین شینتو نیز دو نوع اصلی عبادت وجود دارد: عبادت خانگی و عبادت معبدی. معابد آیین شینتو بیشتر زیارتگاه شمردن می شوند تا معبد، زیرا ژاپنی ها عقیده دارند در هر معبدی یک کامی زندگی می کند و اشخاص برای زیارت آن کامی به معبد می روند. ورود به حیات معبد از دروازه معروف "دروازه آسمان"، با تعظیم شروع می شود. با تواضع به طرف ساختمان اصلی معبد می روند. در ورودی معبد، حوضچه ای از آب قرار می دهند؛ به طوری که از یک طرف، آب وارد حوض شده و از طرف دیگر آن خارج می شود تا آب همیشه تازه بماند. در کنار حوضچه، همیشه ملاقه ای چوبی قرار دارد که افراد باید با آن ملاقه آب برداشته و ابتدا دست چپ و سپس دست راست خود را بشویند. سپس با ملاقه آب در دهان ریخته و قرقره می کنند تا دهان برای سخن گفتن با کامی معبد تمیز باشد. هنگام ورود به معبد، زنگ یا ناقوس معبد را به صدا

ص: ۳۳۲

درمی آورند تا کامی معبد متوجه ورود زائر شود. زائر هدیه مختصری را به صندوق ورودی معبد می اندازد. سپس، کفش های خود را درآورده و وارد معبد می شود. به محض ورود، دو بار تعظیم کامل کرده و دو بار کف می زند. بار دیگر تعظیم می کند و به حالت ایستاده آرزو می کند؛ یا اینکه می تواند دست های خود را جلوی سینه به هم چسبانده و دعا کند. سرانجام، بار دیگر تعظیم کرده و بدون اینکه پشت به معبد کند عقب عقب می رود و از معبد خارج می شود.

بیشتر شینتویی هایی که مراسم شینتویی را انجام می دهند، به زیارت معابد بودایی نیز می روند که با معابد شینتویی فرق اساسی دارد. مهم ترین تفاوت معابد بودایی و شینتویی در این است که معمولاً معابد بودایی دارای بت بودا یا یکی از بوداسف هاست، اما معابد شینتویی بت ندارند. شینتویی ها مراسم مربوط به تولد، ازدواج و دیگر مراسم دوران حیات را طبق دستورالعمل های آیین شینتو، و مراسم مربوط به مرگ، سالگرد درگذشتگان و مانند آن را طبق دستورات آیین بودا برگزار کنند.

عبادت فردی

اساس عبادت در آیین شینتو همین "نماز" یا "زیارت" روزانه کامی هاست. امروزه بیشتر شینتویی ها ترجیح می دهند تا کامی

مورد نظر خود را در نمازخانه کوچکی که در خانه درست کرده اند، پرستش کنند. طبق آیین شینتو، کامی ها و انسان ها در یک دنیا زندگی می کنند و عبادت و زیارت، شیوه ای برای ایجاد احترام و ارتباط و هماهنگی میان آن هاست. در معابد، تخته های طلسم و مانند آن، که مردم آرزوهای خود را روی آن می نویسند تا به سمع و نظر کامی برسند، بسیار است. سالی یک مرتبه مسئولان معبد در طی مراسم ویژه ای، با احترام فراوان همه این تخته ها را می سوزانند. شینتویی ها به غیر از کامی ها، به مظاهر طبیعت نیز نماز می برند.

ارواح نیاکان، کامی هایی هستند که در معابد خانگی مورد پرستش و احترام قرار می گیرند. نمازخانه یا زیارتگاه خانگی در آیین شینتو "کامیدانا"^(۱) نامیده می شود. کامیدانا که برای فراخواندن و عبادت کامی مورد استفاده قرار می گیرد، باید بسیار نظیف، مرتب و دارای نور کافی باشد و دارای فضایی کاملاً ساکت و آرام برای عبادت های روزانه باشد. معمولاً شینتویی ها ترجیح می دهند به هنگام عبادت روزانه، رو به مشرق یا جنوب باشند. روحانیان شینتویی در معبد معروف "ایسه"، که بزرگ ترین و مهم ترین معبد شینتویی ژاپن است، توانستند به مرور زمان نوع محراب و مراسم

ص: ۳۳۴

نیایش این معبد را به عنوان الگویی از عبادت رسمی آیین شینتو در ژاپن رواج دهند. هدف از زیارت و نماز در آیین شینتو بیشتر، موفقیت و کامیابی در زندگی و به ویژه تجارت است.^(۱)

ص: ۳۳۵

۱- Okada Yushiki, Online Shinto Encyclopedia . Kamidana

۱. واژه "شیتو" به چه معناست؟

۲. "کامی" چیست؟

۳. درباره "عبادت معبدی" و "عبادت فردی" در آیین شیتو توضیح دهید.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. _ادیان زنده شرق_، جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمین، انتشارت دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

۲. _درسنامه ادیان شرقی_، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.

۱. بای. ناس. جان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تاریخ جامع ادیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲. برنتل، جورج، ترجمه: حسن قنبری، آیین کاتولیک، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۳. بویس، مری، ترجمه: عسکر بهرامی، زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها، جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴. ققنوس، ۱۳۸۱.
۴. بوش، ریچارد، ترجمه: عبدالرحیم گواهی،
۵. پاشایی، ع. تاریخ آیین بودا (هینه یانه)، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۶. ترمن، الن، ترجمه: رضا فرزین، یهودیت: باورها و آیین ها، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۷. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ج ۷، جهان، سمت، ۱۳۸۴.
۸. حزقیا زرگری، مشه بن حاخام، روش زندگی (احکام یهود)، تهران، بنی تورا، ۱۳۶۴.
۹. خورشیدیان، اردشیر، پاسخ به پرسش های دینی زرتشتیان، چ ۲. تهران، فروهر، ۱۳۸۷.

۱. دورانت، ویل، _تاریخ تمدن_، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۲. دوستخواه، جلیل، _اوستا_، مروارید، ۱۳۸۵.
۳. روحانی، محمد، _دین سیک ها_، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۴. سوزوکی، بیتریس لین، _راه بودا_، ترجمه: ع.پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۵. شاله، فیلیسین، _تاریخ مختصر ادیان بزرگ_،
۶. شومان، هانس وولفگانگ، _طرح تعالیم آیین بودا_، ترجمه: ع.پاشایی، تهران، فیروزه، ۱۳۷۵.
۷. ابن بابویه، محمدبن علی، _من لا یحضره الفقیه_، دارصعب، ۱۳۶۰.
۸. کانون یوحنا رسول، _اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق_، تهران، ۱۳۸۸.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، _کافی_، سازمان اوقاف، ۱۳۸۳.
۱۰. دوشن گیمن، ژاک، _دین ایران باستان_، ترجمه: رؤیا منجم، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
۱۱. مرادیان، بهمن، و دیگران، _سدره پوشی_، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۹.
۱۲. منوچهرپور، منوچهر، _بدانیم و سربلند باشیم: فشرده ای از آموزش های دین زرتشت_، تهران، فروهر، ۱۳۸۷.
۱۳. ویدن گرن، گئو، _دین های ایران_، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده، ۱۳۷۷.
۱۴. هینلز، جان، _ادیان زنده شرق_، ترجمه: جمعی از مترجمین، قم، انتشارت دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

.Aldritt, Leslie D, _BUDDHISM_, Chelsea House Publishers, ۲۰۰۵ .۱

Anandajoti (Bhikkhu) (edited and translated by), _The Life of the Victorious Buddha .۲
(_Jinacaritaū_)_, Original Pali Poem by Medhaikara Thera, Published by the Aouther,
.۲۰۰۶

Aronson, Harver B, _Motivations to Social Action in Theravada Buddhism_, Journal .۳
.of Studies in the History of Buddhism, ۱۹۹۷

.Basham, A.L., _The Wonder That was India_, New York, Grove Press, ۱۹۵۴ .۴

_Bayme, Steven; _Understanding Jewish History: texts and Commentaries .۵

becoming a Mensch: Timeless Talmudic Ethics for Everyone, Ronald Pies; .۶
,Govrnment Institutes

- Becher, Mordechai, _Gateway to Judaism: The What, How, And Why of Jewish . ١
.Life_, Mesorah Publications, ٢٠٠٥
- .Eliot, Charls, _Hiduism and Buddhism_, ٣d Vols, Underwood, New York, ١٩٥٤ .٢
.English-Sanskrit Dictionary_, Oxford University Press, ١٩٩٨_ .٣
- Eugene B. Borowitz, _Naomi Patz, Behrman House exploring Refrm Judaism_, . ٤
.USA: ١٩٨٥
- Fischer- Schreeiber, Ingrid, _The Rider Ency. of Eastern Philosophy and Religion_, . ٥
.Boston, Rider, ١٩٩٤
- .Hartz, Paula R, Shinto, Chelseu House, ٢٠٠٩ .٦
- Humphereys, Christmas, _A Popular Dictionary of Buddhism_, The Buddhist Society, .٧
.London: ١٩٨٤
- Kathryn Tsai, _A Timeline of Eastern Church History_ (Divine Ascent Press, Point . ٨
.Reyes Station
- .Mckenzi, _Consice Pahlavi-english dictionary_, ١٩٧٨ .٩

.Radhakrishnan, Sarvepalli, _Religion and Society_, ١٩٤٧ .١

.Schlager, Neil, World Religion, Gule, ٢٠٠٦ .٢

.Segal, Elizer, Introducing Judaism, Routledge, ٢٠٠٩ .٣

.Sutherland, Stewart, _The World's Religions_, Rotledge, ١٩٩١ .٤

Schlager, Neil, World Religions, Gule, ٢٠٠٦ .٥

.Segal, Elizer, Introducing Judaism, Routledge, ٢٠٠٩ .٦

Vivekananda, Swami, _The Complete Works of Swami Vivekananda_. Advaita . ٧
.Ashram ١٩١٥

.Williams, Paul, _Buddhist Thought_, London new York, Routledge, ٢٠٠٠ .٨

Schumacher, Stephan Woerner, Gert, _The Encyclopedia of Eastern Philosophy and .٩
.Religion, _Shambhala, Boston: ١٩٩٤

.Shulkan Arukh, Code of Jewish low, Goldin, Hebrew Publishing Co, New york, ١٩٢٧.١٠

,Swami Vimalananda. Sri Vishnu Sahasranama Stotram. With Namavali

Introduction, English Rendering and Index.Fourth Edition. (Sri Ramakrishna . ١

.Tapovanam: ١٩٨٠

:Web Sources .٢

.http://www.kopan-monastery.com .٣

.www.OnlineShintoEncyclopedia.com

ص: ٣٤٢

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

